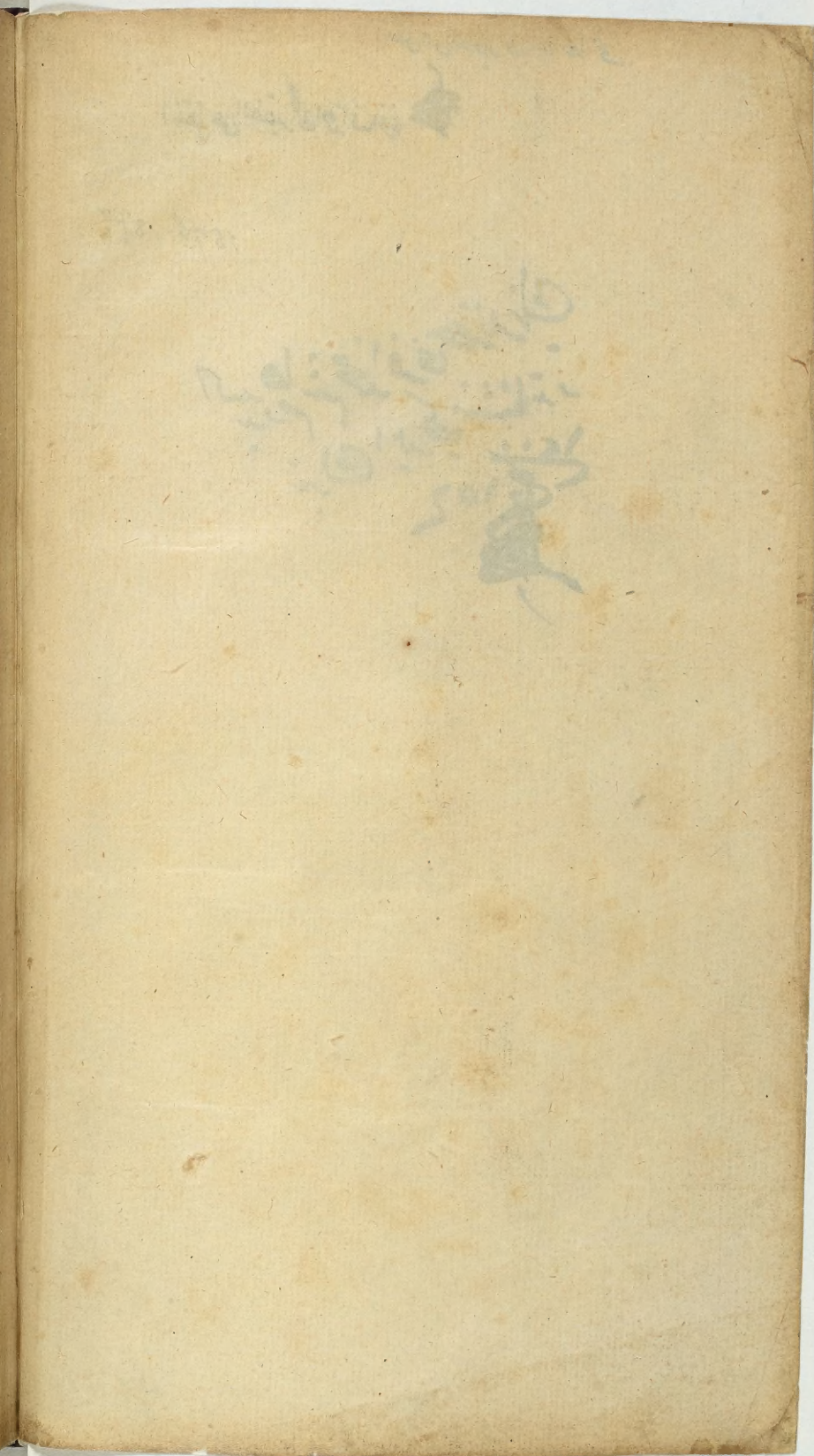


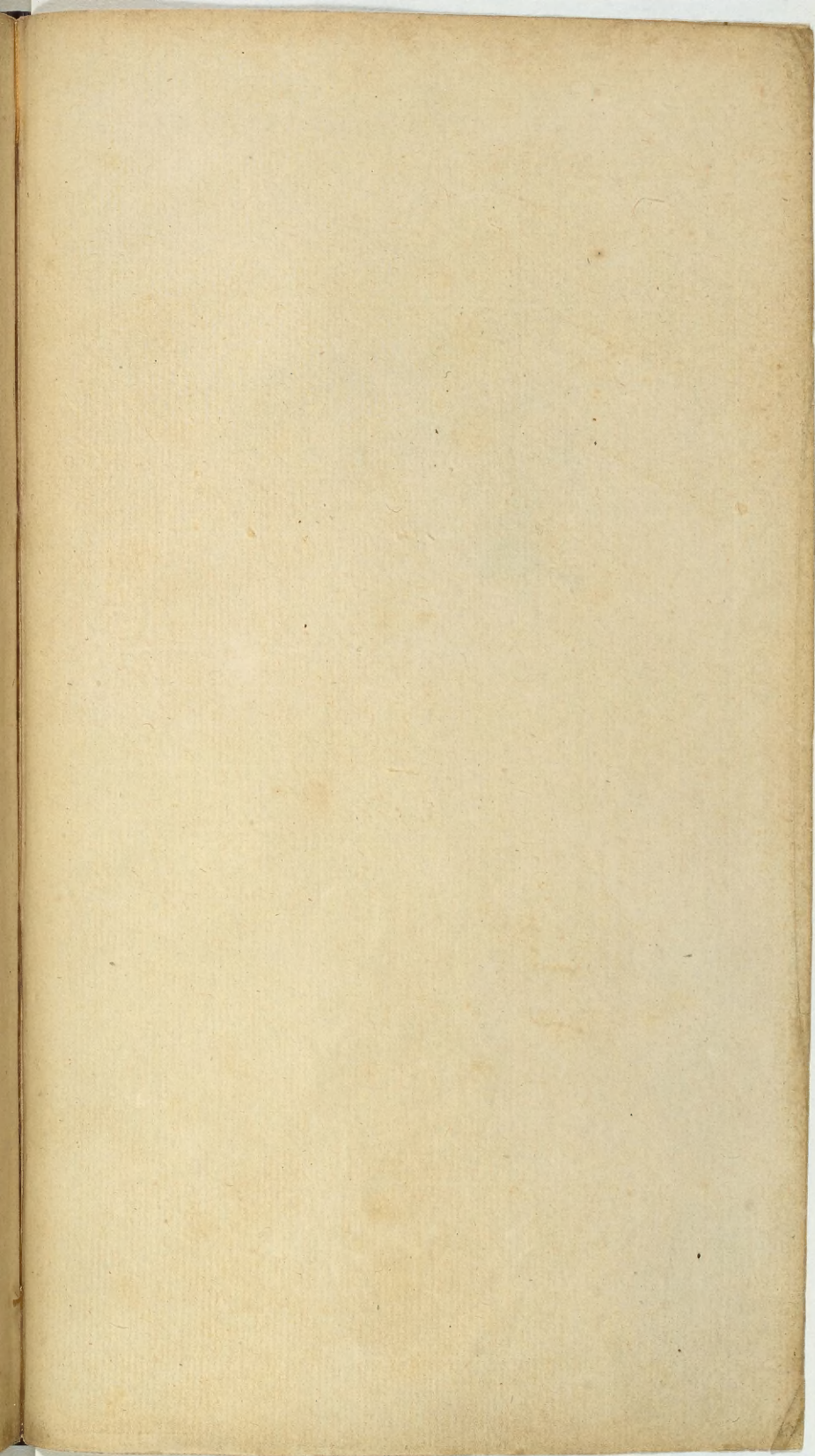
انقل عن الفقير الى سيد الهاشمي

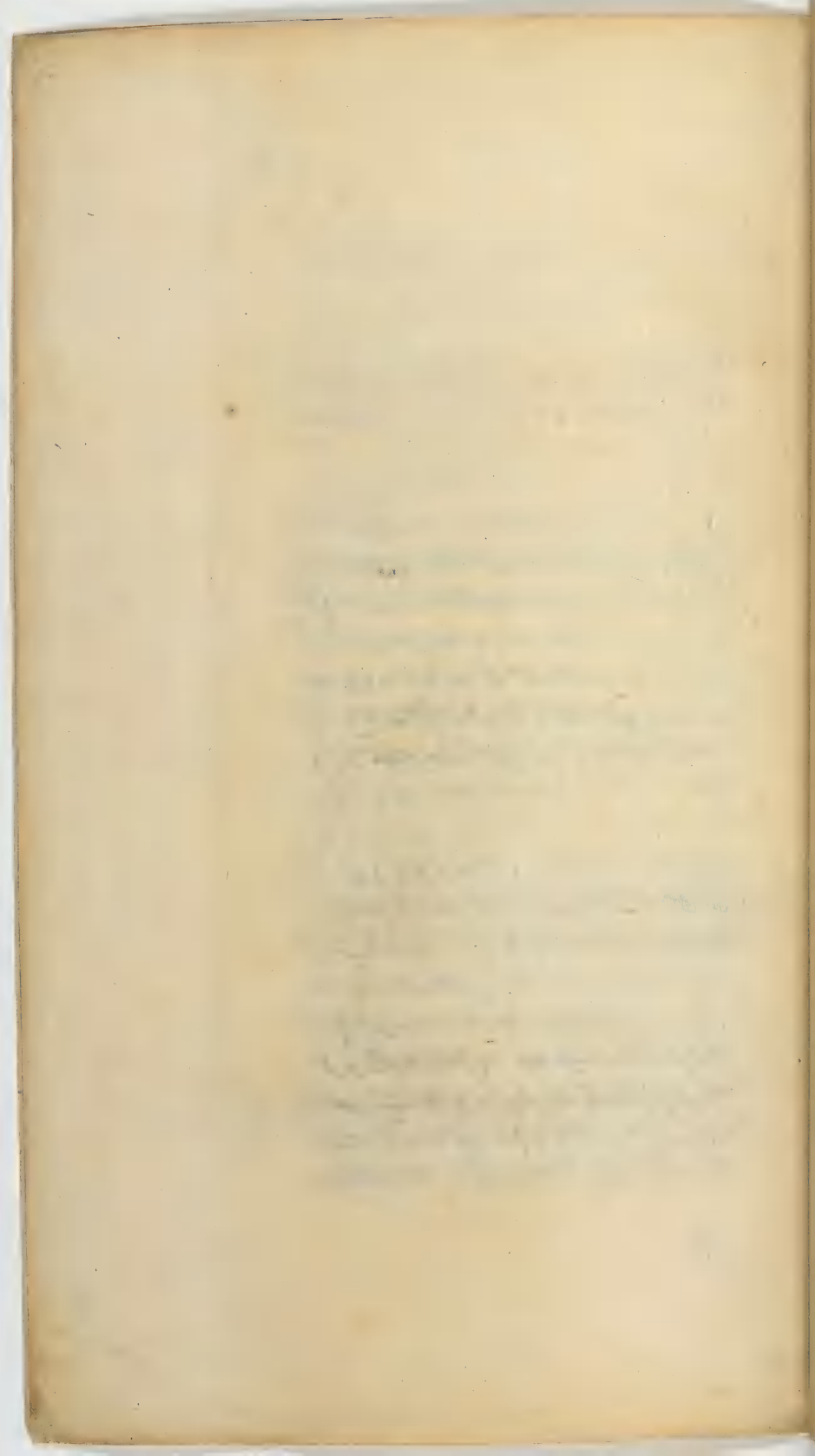
انقل عن الفقير الى الامام اسوة

377 1576

الحق تبارك
اليد هم محمد افندي
يدرم محمد افندي
تبارك
1576
محمد







شاه عجم شاه عباس طرقتن مرحوم و مغفور نه سلطان
مصطفی خان طاج نراه جانفته بخیر او لنوب سلطنت
مراد وایع اچاوستند واصل و مغفور جرای جانب
پادشاهانه یگانه لرندن شاه متا و الیه طرقتن
عجم اولنان نامة انجمنی صورتیدر

تبارك الذی خلقه ملك السموات والارض وما بینهما عند
علم الساعة والیه ترجعون ستایش و نیایش بلا انتها
و کذاش حمد بی حد و احصا جها ندا و دادا نرکه بخشیت
بجائی و ادا دقت صمدانی جهت بخشیت نظام جهان جمعی را
از انواع انسانا در هر زمان و مکان مطیع و فرمان فرماید
و تبارک احکام مبانی احکام بزوانی و تشید قواعد دین
مبین ربانی در هر ایام صاحب احترامی را مطاع خلق
مکان و زمانی ساخته تا معان و هستی عظیم الزوال شو
بر همگان ظاهر و عیان و یا متثال مثال بمثال و قبول
مقال حقیقت حال یا اینها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک
راضیه مرضیه و صای روتد کان دیار نبستی بفضا
و اهب وجود هستی نمایان می گردید باشد تعالی الله
ذهی بمثل و مانند که خوانندش خداوندان خداوند
عمر و شادی بکا و بیم و امید شب و روز افرین ماه
و خورشید طبایع را بقدرت کار فرمای کواکب را
بصنعت کوه را ای و صلاوة مشکوی عنبر را و سلاوم
مالا کالوم عطر فرا که از جنات النعیم سلاوم فولا

من رب الرحیم در ایام امید باشد هدیه محضر
انور و موقوف ضیاء کسیر سریر ارای تحکام سماک سرافراز فراز
قیاب افلاک داشت اند وز رموز معرفت ما عرفان ادب آموز
و قایق حقایق وارسلناک قابض فیضه قایم قوسین رسول
الشفیق و سید الکونین محمد شفیع سیاه و سفید کز و نیت
بر کوه دار و امتداده رادردان شاه اقلیم جود ندادم
بکت تخفه خرد و در فتحیات نامعدود و نکریمات
عبدالامور تخفه مقام مطهر و فراز مهر پرور و ولی فرزانه
خدای بکانه بکانه اشمه و وار دکانه باب شهرستان
معالم جناب احمدی و فضل الخطاب کتاب شریف مستطاب
محمدی سیف الله ایما ترالسابل و اسد الله الطاهر القاب
شهاب ثاقب یعنی علی ابن ابی طالب که از دشمنی افکند
تبارد بر داشت ضیاء روضه از شمع محفل باشد که نخل
داری بمن فروغ ازان برداشت ویران مکر کردان و اولاد
اطهار و احضار ابرار و اصحاب کبار و اخبار و سول مختار که
مغامر منطوقه معرفت ال محمد براده من النار و مصداق
مصداق و قه الذین معه اشد علی الکفار اند با صلی الله
فی کل الامور توکل و با محسن اصحاب العبا توکل علی ارواحهم
تخف الهدایا من الذین خلق الیرایا سپس لوازم سیاسی
از دواجلال و تقدیم شرایط و در دو خاتم رسل و ال
جواهر و اهر تحیات صفا سمانی که در معاونت نجته من الله
مبارکه طیبه تنوید پذیر یا قه نقوید بازوی اقبال
مصور از اخلال و شاید و در در غرر دعوات صدق ابائی
در اصداف بحار اجیب دعوة الداعی زاد عان نالو نالو
عقود جهره شاهد حسنا صدق عذیم المثال و از نیت

اخرايد بايد بد خوش رفتار موافقت بر دوام وقايله سالاركار كزار
 الفت والبنام مخفف مجلس بهشت ارسام و مهداي محفل مبنو نظام
 اعالي حضرت فروزون فرگشور كبر فيصير خورشيد افسر چمنيد
 نظير پادشاه صاحب احشام سكندربارگاه خسرو بهرام انتقام
 ستاره سپاه پرازندگاه منير بيماني زينت بخشاي اورنگ سلطنت
 مصير عثمانی جهان بان ممالك ستاره جاكس سندانوشروان شهربار
 كرون هبون محمدی مذهب خديو مشيرى شكون مصطفوى لقب
 دوة ناهج فاخرة شاهي و فرمان دهی زينت افرايد و اوج فره و شاهنشاهی
 شهنشاه جهان شاه جوان بخت بر خود اربار ناهج و از بخت جهان
 بختن قباب هفت كشور كه دين و دولت از وی مظفر شد سرير
 افروز اقليم معاني ولا و بلا و تكير ملك زندگاني جمال ملك راني
 حرم از وی ساس زندگاني بحكم از وی فرمان فرماي رفيع زمان
 ايت مبين ملك منان مينداوكان الخوفة الكبرى محمد بنيان السلطنة العظمى
 حافظ تغور الاسلام والايمان ماحي اثار الجود والعطفان عزيز و العزيز
 في الرشاد والرشاد وارث خذمت الحرمين الشريفين من الابد والابداد
 معين الملهوفين معين المظلومين السلطان ابن السلطان نظاما للسلطنة والجودة
 والعدالة والعظمة والشأن والخصمة والاحسان سلطانا معطفي جان بن سلطان
 محمد خان اعز الله سير الملك بوجوده وفائض على كافة الانام انا و عدله
 وجوده كرواين بر زاي ملك اراي موزق فراي شاهانه كه نمونه انجام
 چمنيدى واينه جهان نماي سكندربست خنيطع مبدار و كه جون بمضمون
 كل من عليها فان هر كل نشاط طي ذكر كل بناساط جيد في الملك عاجل
 بايد وقا بمقاي توفون اجور كم در سراي اجل ديد نيت بموجب
 مصدوقه الله يتوفى النفس حين موتها والخلع يمت في مناجها
 فتمسك التي قضى عليها الموت ويرسل الاخرى الى اجل مستحق
 قضيه نامرضيه داهيه غم اندوز عمر غفران نوامان آن والاشران

اسائر فی محبوبه الجنان صبت علیه شتابیب رحمة الرحمن در ترک
دارایی در هالک بر مهالک دینی و تحبیر لشخیر ممالک مسرت مسالک
عفی وقع یافته هر فریق این دریا را غریق بجای عمیق بنجوم و کزنا
افسار ام و هموم ساخته بود که در این اساسک هاتق جان
بخشای غیب نوید فرح انتهای طراز افشردا فرو الاوخت فیروز
بخت بر ذیب و بها از سعادت انگیزی مجسته اختر کردن ساد
کمره نری اقدام فیروزی فرجام میفت بیمای از خسرو لوا
از سرش عالم با شرافت بشارفت نما و ما جعله الله الا لشری
ونظمین به قلوبکم یکوس و سامعه بهجت بنوس رسانید و غفل
سود و جوش خروش جیور کوش زد مسمعان مجامع السجرات
و از زبان پیر و جوان مبارک باد این تهنیت بی پایان و دعا
استقامت نیردان با برکات ان حامی حوزة ایمان در بیت
الکشف سلطنت سکان جهت رفاه عالمیان مسموع مسامع
ملکونیان کردید چون جهان رو گرفت فیروزی فرحی بادش
از جهان روزی همه دروش مجسته باد بقال باد شاه مبادز
وال جلوه نمای پیشگاه خاطر مهر کین کشته خواهد بود که پیوسته
اقضای احکام دین مبین و انقای یعقد عهد و بخت جلی شش نشسته
روضه و نظری سحبه مرصیه اسلاف کبار و تبار عالمقداران جلوه
نتایج اولین و آخرین که مستبشرا مرشارت غفرون و من اوفی بعهده من الله
فاستبشروا ببعکم الذی بایعتم به کشته اند بود در عهد سعید
ایشان خلل و نقصان باد کان مرصوصه الارکاران راه تبا فته
است و نواب هایون ماز یاده بر سواف ایام از جارد نیهی اکتفا
ولا تنقصوا الایمان بعد توکید هابیشهاد نهاد والا داشته
حکام و زمین دران ممالک خاقانی و راختر از اکتان منتهیان
دبانی محکوم حکم فدایان خسروانی بوده و می باشند شایسته

شان انجاس سریر عرش نظیر عثمانی که حارس بیضه اسلام و حافظ
قوانین شریعت سید الانام علیه و علی الله الصلوة والسلام اند
چنان بینماید که در دسوخ اساس عدیم الاندلس میناقی بذل
هفت خورشید اقیاس و مرزبان آن مرزبوم را انداز بفرمان
فضار سوم او قوا بعهده ای اوف بعهده کم و ایای فارهبون فرمایند
نخا و از فرادارسالو طین داد اعیناد و یانی مبانی دوسنها
چنان و قیام بر اسم تعار ذی و نهانی رسم است باستانی در این
والا از غایت وزوالقت و نهایت و صداقت ایالت و شوکت
بیان ابو المعصوم خان شاملو که از صوفی زاده کان قدیم آن
استان معالو با سبب است از این ستن سینه و عینه علیه سیم
برسم سفارت نقیب و بخدمت سرار سعادتی کزین و بارگاه
فلک بشکاه عرش این مرسل و بعضی سخنان زبانی زبان دانی و موکل
کردید که الشام زمین جاودت و اتمام امور رسالت نموده
و حضرت انصاف باید و بصوب مراجعت شتاید ترقب آنکه هو
کلزاد بجزان مواست و التیام را بر شجاعت اقلوم مصادقت
ارلشام محسود بجهشت مینافام ساخته باشند مودت ایالت
محرك سلسله موالات مجاوده باشند الهی تافشانرا تحت
و تاجت ز تحت تاج علم ارواحیت بدرباهی تحت شاد نیش
باد تبارک تاج ظل للهش بار

نامه مسطور بر عجم شاه عباس علیه رحمت رحمان طرفه آرک
مرحوم سلطان مصطفی خان علیه رحمت رحمان طرفه آرک
اولمشکین او رنگ نشین خلافت سلطنت ساطع حضرت
سلطان مراد خان رابع اسکنه الله تعالی فی خیان الواسع
جانبه و رود ایدوب اقتضای اوزن محیر و ننان نامه
ها بونلر نیک صورند و

کوهز بنده هر چه و ثنا و اختر تابنده هر مدح و اطرا که زیویم
ملوک ارض و سما و ضیاء مجلسان ملاء اعلا اوله اول خدای
دانا کی کثیر النعم و یکنای بنای بی مثل و همتا حضرت باریک نخند
بارگاه عظمت و کبریا و پیش کش پیشگاه قدرت بی انتها سی
اولمق احق و اولد و البق و سراد که فیض و بسط امور و احکا
جملة انام انک ید قدرینه مفوض و مسلم و اسرار افعال حکیمه
مخت ارادق و مشیت از لیه کماله سندن مستنیر و مد غمدر
هرگاه که خجای عزت احتوائ و مایق للناس من رحمة فارمسک لها
و فقیحه ابواب رحمت کشاده و بان و بر بنده نیاز مندی بی سر
سلطنت حسرو ایند سرافراز اتک دیلده دست ماعت ارباب
کید و حسد انک در و از احسانت سد و اول بنده محصور
بالاحسانند ن مواهب الطاف لایعنه و دایم مز سبحان الله
یرفع بجا اول ذاته درجات من لسان و یفقد ریکال صفاته
مقادیر جمیع الامور و الاشیا و عقود لائی در ادبی درود
نامحدود و سموط جواهر و اهل سایش نامعد و دکه عقد الجید
حور بان بهشت و کردن بند شاهان ملائکه سرشت اوله اول
صاحب مقام محمود علت غائی وجود جملة وجود المنزه عن
احاطه الهموم و الخدود حضرت حبیب خدا محمد المصطفی علیه
من الصلوة افضلها و من الخیات اکملها مشتهد قدس مطهر
و مرقد اقدس النور لمرتبته نثار اولمق سراد که ادع الی سبیل
ربک بالحکمة و المواعظة المحسنة مصداق فیه دعوات
عامی پیامی سامع مساجد هفت اقلیم در ایند قیلوب جبل
المتین دین مبین مستمسک کافه پادشاهان عظام و حض
حصین شرع متین خواص و عوام قلمشده خاتم لقی که فخر آدم
مقصود وجود و عالم آمد روزی یافت نامه نامی وجود

اری شرف نامه ز خاتم آمد و دخی اول فوایح تختات فایقه و لواج
 دعوات لایقه دماغ روحانیانی معطرو شام کرو بیانی میخالیله
 عامه ال و اولاد کرام و کافه اصحاب اجماع عظام مرینک مرا قد
 شریفی بنده محمد فروز اولسونکه هر بی آسمان هدایتک انجم رخشان
 و سپهر سعادتک خورشید تابان یلدرار علی الخصوص چارادکان
 قصر بقیصو اسلام و یار و قاداد حضرت خزانام علیه صلوٰه الله
 الملك القلادم اولان چار یار یارک کوه و خلفاء اربعه فروختن
 سیر حضرتک دوصات مظهر منبر که لرزه انواع تحایای
 اجابت اهتدا الخاف و اهدا و لسونکه هر بی احیای دین محمدی
 واجرای سنبلی احمدی امرن اظهارید بیضا و اثبات معجز
 عیسی مانند می خوارق عادات و کرامات بلاد نهاییات کوسر مشرق
 رضوان الله تعالی علیهم اجمعین اما بعد عالم حضرت سامی مرتبت
 کیوان منزلت و اراد دایت فریون فراست چشمید دایت
 ناهید عشرین مهر بهر شاهی و فرمان ده نجم هنام دسل هادی
 موسیس بنیان الفت و استنباس و مشید ارکان خلت قوی
 الاساس شاه عباس دام مقرون کج دایت رب الناس صوب بهشت
 بختیات انواع جواهر بختیات خالصان محالفت ایات که خزانة خلوت
 و طوین معز و زکات احصاف لالی سلیمان صافیان مصادره
 غایان که بر و دده صدق و صفای درون اوله دستپادی
 برید مهر وفا و کار کناری رسول حب و لایله الخاف و اهدا
 قلند قد بصره لوح ضمیر مرآت نظیر خاطر خورشید تنویر لرزه
 ضبط دقایق احوال مجموعه کلمات تدابیر و کشف حقایق اسرار
 تابنده جام جهان نمای مجتوی صوت بریز در خلاصه احوال
 بود سمیه تصویر و نقاشی اعمال بوجهله تحزیر و لنور که سوانی
 و سوانی اعوامدن الی هذه الان سنه سنه کردون بسطت

و عبیه علیه ثریا دفعتم اولان کال خلوصیت و نهایت صدق
و طوبی نیری شرح سبیلہ بودندن اقدم جاکس سر بر سلطنت خسروانی
و قانعقام سلاطین عثمانی اولان عثم اعزاز کر مر سلطان مصطفی
خان جلیل العنوان حضرت نرینه تقدیم تهنیت و تنمیم لوازم
مهر و الفت ایچون کوند دیون نامه نامی بداعت عنوان
و صحیفه کرامی مضاحت بنیا نیری و رودی سوق تقدیر
خدای مستعان و حکم بی تغییر ذوی الجود و الاحسان ایله
صبیحة العبد جلوس ها بونمز ایا منہ مضاد فی و تحاق و تعارف
ازلیه سمندن اثبات مقدسه ثالث المکمله فواد محبت اعتبار
اولان مواد و داد و اتحاد باعث تراید و تضاعف و موجب
استحکام رابطه مقاهد و ثالث اولمشدر فی نفس الامر اول
درج در رد فایق در تالفت لغبس فایق ابدیکی جهندن طلعت
خاتمه مقطعه و ارنجه مطالعه وادغان و انجمنی باینده حرفی بحرف
انظار و دقعه اولنوب خدال سطور صداقت ظهورندن مسطور
اولان مقدمات موالات و مصافات باعث التشرع قلب صاف
و موجب انبساط خاطر صداقت انصاف اولمشدر فی الحقیقه
مقتضای دوستی و خلت و مستدعای یکجہتی مودت بودر که
دائما بوقوله قواعد صلح قرار دار اید جک افعال و اعمال
مستحسنه ایجا دینه بدل اجتہاد قلته ثابنا مطرح مد رکان عالم
و مظهر اثار تنایج انواع حکم اولان طبع دقعه کشا المرنبه خیز
خفاده اولمیه که بودندن اقدم فردوس مکان علیین اشیاء
المرئجل الجوار دینه المتان والک ماجد مر سلطان احمد خان
جعل الله مشواه فی اعلی عرق الجحان حضرت نیری سلطنت دنیا ی قلد
مضرب و قصد سلطنت دار الملک ابد ایلدکن مشا دلمیه عثم
اعزتم و اکرم جهت کبر سن و تقدیر بر بے تغییر ملک مہین ایله سیر

سلطنت عثمانی به قعود و سندن خطیر مستوجب التوفیر و صغود
 ابدوب بعد اول مرتبه یدہ لیافت و تحلی و امور دنیویہ یدہ ندبرو
 تا تل و لم یغندن کوشه عزلتن قرادی اختیار ایتشلا ابدی
 بعد زمان حکمت بازغه لابسئل عما یفعل سعید الحیات و
 شهید المات برادر بزرگوار مرمر حوم و مغفور له سلطان
 عثمان خان علیہ الرحمه و الرضوانک وقعہ سی ظهور ایتد کن
 فذی بروده خانه عصمت اولان عروس ملک سلطنت هنوز
 تکمیل عدت و الامور مهونه باوقانها و فقیحه موقوف
 علیہ طلوع بخضره ولان ساعات منتظر اتمام مدت استکله
 تکرار کرین خلوت ازاده بلا اراده اعاده و بالای سیر سلطنت
 پانها ده قلمشدهی اعاده سنک مفادی من جرب الخیر حلت
 به الندامه شرفی اظهار و ذات سعادت ایا تمزک کا و بار
 سلطنته لزومنی اشعار و اختیار ابدوب هایل غیبی اتی
 جاعلک للناس اماماً منع سنی کوشمن ابصال و دولت حداد
 بلطف الله الملك المتعال اقبال استکله خدمان دین دولته شرع
 و مباشرت منقض و قاضی مملکت فد و وقفنا زنت همت
 و الا تختمن بوا مر واجب القديمک لزوم احضار دینی امضا
 ابدوب اذا جاء نصر الله والفتح هبت علی المر میسور الامور
 وضعها مسدعا بنجه بنما بد کرم الله الملك الاعلی و تبرکا
 باسم جیلده المصطفی سیر رسا و عصیر عثمانیه جلوس هایونغر
 منیر و خلعت صا حیفراقی مفادنت ذاق البرکا تمزله طعنه
 زن قبای فلک اخضر و لمشدر قبای سلطنتم کائنات تنزیفیت
 که جز من اقبال نیامد راست نا هایون ماد اسکله بر دل نفس
 کرد مهرا زامهر شد هان سکه بر زد و میکند منبری که خطبه
 اقبال زبور می گرفت مشتری کوه تبار فرق منبر می کند

الحمد لله الذي فضّلنا على كثير من عباده المؤمنين ذلك فضل الله
يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم بناء على هذا نصب
امامته علت عاني ومدد كارفرمان دهی و فرمان رانی اولاد
رعیت پرودی و معدلت كستری امرینه شروع و مباشرت
و جلاله اوضاع و اطوار من وقت رضای باری اودن جاری
او لمسنه قصد و عزیمت كوستر لمشد را امید در كه جناب
سلامم الصواب ملحوظ خاطر عاظم من اولان نیت خالصه اودن
جميع امور ده كارفرما او لما من مقدّر عدلساعة خبر من
عباده ستین سنه مضمونه متابعت منسابقش اوله بینه
وجوده جوئك فلم الايام دن الى هذه الان جار باكش سلطنت
و خلافت در تسنن اولان ابا و اجلا دمعدلت قر نبرد
دوستان دولت علیه لر ليله كال انخاد این ایدینوب دائما
ایفاء عهود و موافق كند و لم عادت و شرائط و لوازم موالات
و مصافاتی كا یبغی محافظت و رعایت این كمشتر در
الحب بنوارث مصلحتی بزم دخی ذمت هم تمنع اقتضا ایلدكه
احباب اولی الالبابمزله حسن معامله سمندن فتح باب و روی
عروس مودندن رفع نقاب اریاب ایلده و ذلله در روز
صفاء مقرومزمده جا بگير و مرات قلب اخلاص مشخو مزمده صو
بریر اولان بنجاب و قال لك اشعاری و جلوس سعادتمانو سرك
ابنا و اخبار یجون نامه هما یون محالست مقرومزمده و كنو
موصول نامه كتاب مستطاب اولان فخر لا مائل و اكفانین
لری ارسال صوب با صواب و اصدا رجناب نعم الماب فلفند
ان شاء الله تعالی بمن ساعات موصوف السعادات حالونك نشر
مطالع له رینه قرین و عزه كرم لرینه و هین اولدقن خلاصه
مضمون صدق مشخو مصلحه و معاهدن میانندن لازمه

دوسنی و خلعت وجوده کز لمسی جانب شریفترند تنسم اید
 نسایم و دالفت ابله تر بین بوله ان شاء الله تعالی طرف باهر شریفتر
 دخی دالما منع مهر و محبتدن جریان و روضه عهده و نیقی شاداب
 و دیان ایدن حس معامله انهاردی منقطع اولمن احتمالی بوقدینا
 علی هذا ممالک محروسه مرده سرحد نشین اولان عامه ولات و حکام
 و کافه عساکر نصرت انجا منع تنیه و تاکید و عهد شد یدار نمشد
 شروط عهد و صلح قرار داده مخالف اوصاف عدن برهینر و سدا بوا
 جنک و سستیز ایلیه جانب جناب صداقت مابیرندن دخی بو
 قاعن مرجیه مهر و طوبی لازم کلون تنبیهات و تاکیدات نافعه
 علی احسن الوجوه صدور و ظهور بولد یغن حال اولان نامه
 نامبری مضمونی افاده اینمشد رکن تصحیح احوال مملکت اینچون
 مقتضای بعد از سمنه کوند ریالون عساکرها موراولد قلمری جز منته
 مبارک کوسر و ب و اول اشقیای منتهزم اینمشد رکن بعد از حد
 هاکی بلا موجب خدمتک ناخبر تنیه علت اولد قلمری ظاهر سم
 شریفتر تنیه و اصل اولما مستند راکر بو طرفدن کوند ریالون عساکر
 احتیاط بناد جمع اولمشار ایسه قتی واضحده که یکی طرفک صلح
 مستحکم اید و کنه اغما دمنز اولمسده اول اشقیای اوزر تنیه کوند
 عساکر کفایت فعلدری کوند رلمیوب دخی زیاده اهتمام اولوز
 دی الحاصل سر رشته صلحه یکی طرفدن زیاده سعی و دقت
 لازمدر بو مقوله تنیه رکن شماله متعلق احوال احابندن
 خالی اولمز بس لایق اولان بودر که صلاح مملکت قصد یله
 واران عساکر امور و مصالحین تقویق این چک حال هیچ
 برجا نبندن دخی ظهور کلیه تا که انک یکی بد بخنان و فرومایه
 بو مقوله بهانه لری کند و یه سرمایه ایدوب شور شراری طرفته
 اشبو نامه های سرایت ایلیه باقی موجبینجه وزیر اعظم مشیر افیم

طرفند ن شاه مشاد ایلده طرفنه نخر او لنان مکتوب صورتیدر

تا که شهر یار دیار خاود زمین و تا جناد سعادت شعار سپهر
برین اورنک فیروزه رنگ طادرم جارمین ده جار بالکیش
نشین فروغین اولوب نشر لوامع انوار و اذاعه اشعه
تا بدار ایلده اقلیم چرخ دوار و شش جهان نجا و اخطار
ماحق ظلام سپهقام شام و رونق افروز فرخند جام اوله
اول سپهر مهر سلطنت و تاجداری و نیز خیر ایهت و کامکاری
اعلی حضرت فلک رتبت برجیس فطنت خورشید رفعت والا
مقام ثریا نظام کیوان غلام بهرام انتقام سحر جاه اسکندر
کلاه دار اسبیه چمشد انبیا اسفند یار دیار سر بلندی
شهر یار قوی لاقتدار دار الملک ارچندی سریر ائی تختگاه
حسروی شرفخشای دیرم و کاه کسروی طراز رایت کشور کشتی
نکین خاتم فرزان روانی نور حلقه سلسله صغوبه نور حدیفه
ایقه مصطفویه خلاصه دودمان سلطنت عنوان کیانی و ان
تخت فیروز تخت سلیمانی تابین اختر برج شرف زیند کوه
درج نجف فرخند فال جمسته خضال مالک کشور کال جمال
داورد دار ملک عجم دن دری فرا کلید جم کف الام
عالیجاه معالی دستگاه لازالت ایان حسنه مکتوبه علی
صحایف الایام و ما برحت اشعات عنایاته ساطعه علی مفادق
الانام حضرت تباریک اصناف مشتری فاخصت انار عدالت ایل
ارکان محالک ایران مستبر و تابان و افاضت افتاب اصناف
بهار عنایت ایلده دوصات اعمال عالمیان طراز و نیز و خندان
اولی دعوات صالحات اجابت نستان و تسلیمات سامیات
صداقت عنوانه بخلوص البال اشتغال قلند قد نصکم
محال انعکاس فیوض الهی و جای اقیاس قووات نامشاهی

اولان خیر منیر الها بزرشاهی و طبع خطیر حکمت سید مجاهد
 خلاصه احوال و نقایص مافی البال مختصر صدق مثال بود و جمله
 اینها بود و جمله برداشته و اینها اولنور که جانب سعادت
 حاکم کامکاری و طرف دولت مناقب ناجدار یلرزند
 بوخاندان آسمان شان شهر یاری و دودمان خلوت نشان
 جهان داری به توان ایا عنجد بهشی معاد و تنایع دلائل مشایخ
 الزواد و مستنیع الاتحاد ایله اساس متمتع الاندر اسطیغنه
 زن حصانت سبع شداد و الی یوم اکتاد مشید و رصبت البیناد
 اولان معاد مصافات قدیمه فوئی لا اعتضادی ناکید و
 تشبید ایچون فرستاده نامی نافه کشاور ساله کرامی عالیله
 سالتی بهترین آیام و از ماندن که سطوع انوار فیروزی
 و طوع اضواء جهان افروزی و صفا اندوزی بر بند
 فروزان اولان اناد میامن نور افشان کتابه زرنگار ایوان
 آسمان اولمغه شایان ابدی معتمدان دولت علیا و معبران
 درگاه سمیا لریدن جناب امارت تاب حانیت نصاب سعادت
 اکساب دسم خان دام مقرونایعنا یته الملك المثنان و سائر
 شرف وصوله موصول اولوب حامل اولدیغی همان صدق و صفای
 فی الحقیقه نسخیه جامعه آیات مهر و وفادار اعظم سلططین عظام
 و اگر خوافین کرام اعدل فیاصغ دوران اشرف فرمان دویان
 جهان فرمان بر واد فرموده ان الله یامر بالعدل والاحسان
 سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین
 مغیب الاسلام و المسلمین قمعین المله و لدین ناصر الغزاة
 و المجاهدین مستظرف انظار بروردگار مظهر انوار و ربک
 یخلق ما یشاء و یختار عظمین شوکتی و قدرتی و اقدار
 پادشاه اسلام بنه و ظل ظلیل الله اعز الله انصان و اعوانه

الیوم الا نبیاه حضرت لرنیک حضورها یون ایهت مشهور لرنینه
مشاد لکبه بدندن نامه نامور لری تبلیغ اولوب اول نامه عنبر
ختمه کمال توجه و رغبت و استطایت قلب و انجذاب طبعیت
ایله منظور نظر حکمت منظر خداوند کاردی و مشمول علم حقیقت
مخبر جهان داری اولوب سیاق و سباق صفی المساق و مراد
مقاصد وفاق استاق ذات ملککی الصفا لرنیک صفای بال
فرخنده فال لرنینه دال و انوار خورشید تابنده مثال وضع
صدق مقال خلقت فال لرنینه باعث استدل اولوب بر فرزند
تهاد و اتحابوا ارسال بیوریلان هدیه سینه شناها نه لری
حسن قبول ملوکانه یمه موصول اولمغله نوار نوار طرفین
منز ایلد و روز افزون حصص حصصین اتحاد جانین سوازه
قبه کردون اولوب خصوصاً اتباع د بود یون نفس خناس
و میلان مسعف الحذلان و سواس شراستیناس بیج
ربنه اطاعت و کاذن کریم فساد و شقاوت اولان
مانع بد طبیعت کافر نفی اطراف ممالک اسلامیته دین
بر مقتضای معادات دینیه علی السویه ساق و اهداؤن
قیام ایدن عموم کفاد لیام و جموع اعدای دین اسلام الیه
بود دولت علیه عثمانیه لازالت سوبلا بالکنا بیدات السیجانیه
نک طرف طرف امر جهاده لاشتهالنی کند و یمه ملادر واج
کید و احتیال اتمکله سبب ذیل استیداد و ارخاء عنان
باز یعنی و فساد ایدوب هوا سنه تابع اشرار عربان الله جمع
و ثواب و مضافات ممالک ضمیمه شهر باریدن بصره و لکه
سنه استیلا و تغلب ایلد کن بر مقتضای نظم کرم یقولون
بالسنتیم مایلسر فی ظلمهم مخترعات اکاذیب بر مکر و فریب
ایله یمه طرف دولت علیه یمه مراجعت و کویا بروالی و راجحه

بروجه اعانت حفظ و حراست ايلك اودن اظهار صورت مطاوعت
 ايدوب في الحقيقة شغل عز و لشنتيت شمل اعدا ايله اعلا كله
 علما اقدم واولي وليفينه بناء بحسب الاقتضا اول شقي بدستار
 تدارك دفع فسادى بس مانع اشغال جهاد اولوب قالمشيدى
 بنايرين بومقتضيات امهال و تاخر موفقات انكالدن نقش محاله
 بدسكالى شراند و ذعز و اولمغله دواخل ممالك محروسه
 لرندن بلن مزبورن يه قريب مسافه سي اولان حوز مملكتي حدود
 دحي بعض عمل مشكورن اجل ايله اثار كروخل ملاحظه سنده
 دوشد كن بعنايت الله الملك المتعال عرصه مكر و احتيالن طرح
 انداز جدال اولان عسكر خيبت اثرى منزهاد هكر اديار و
 كندوسى قفار حسنه قرار ايدوب برادى خذ لانم متواري
 اولمغله اولحق ناشنا سرك ادناس وجود لرندن بصر و
 نراحيسى تنقيح و نظهر و ديد نه حسنه هجوارى و عادت مخنه
 وفادارى و مخادنت شعاراد و دينه طرفنا شرف خداوند كاري به
 اعاده و تسليمى بابتد جناب امارت ماب ابالت نصاب حوز خانى
 سيد فرج الله دام علوه يه تنبيه شاهيلى صدد و دينى نامه
 نايلرندن نوك خامه مودت ايله تصوير و تحرير و پوشيده و لير
 ايله كشتور حسن الفت استخبر اولند يعندن ماعدا يومعناى
 صواب انما حقيقته عون مجاهددين و نصرت دين مبينى منضمين
 اولمغله اكساب اجرلى و فاو استصحاب منوبات عز ابيورلدي
 دوشن و هويدا درحق سبحانه و تعالى ارايند اودنك خسرو
 و برازنده ناج و تحت كسروى اولان جناب نعم الماب ستوده
 سبر و ذات ايات فرزند اثر لرنبه د و ام عمرو و ولت و قوام
 فرو شوكت و امور نظام سلطنت مكافات و باعث رضاى
 خالق العباد و موجب اساس و ارامش اهالى بلاد اولان

توافق اتحاد دولتین و تناسق واطراد طرفین سلام عن الافاق
ایلیه و مشا و الیه سفیر سریع البیان و بدیع البتیا نلری که
ممالک ملکه حسن ادا اید و مراسم سفارت و لوازم رسالتی
اکل و جده و ابلیغ نخب اوزن ادا و تکمیل بساط طبوس سعادت نائوس
شهرهای ایله شرقیافته و فرق حال معاخرت مآلله اشعات
التفات پادشاهی یافته اولد قد نصکم صوب سلطنت اوی
حشمت اخرونلرینه عور و انصافه مرحض و ماذون و نیمی
دهور و قرون دن برواکی دولت علیه نک بنیند نظری خلل دن
مصون اولان مصافات قد یله دوز افرونی ناکید و ناید
و شد و ثاق اکید ایله تشیید و ناید ایچون معتقد و موثوق
به دولت علیه خدا مندن امیرالامراء الکرام کبیر الکبراء
النجام دو العذر و الاحترام الحجاج محمد باشا دامت معالیه
جواب نامه هایون مودت شهنشون ایله حضور لامع النور سلطنت
بناهی یم خدمت سفارت ایله مرسل و برقاج سنه دن بر و مقفور
دولتین و مبعوض حضرتین اولوب عدوان اوزن اولان بیه
سلیمانله احوالی و دخی بعضی حصوصی لسانا عرض و انها یه
موکول قلتمقین ان شاء الله الاعز و الاکرم بروقت ختم و اوان
سعادت توأم من مئول بساط سعادت انبساط شاهبیرایه
مینج و لبیم و نامه هایون خلعت دهغونی دخی نسیم ابدوب
منظور سعادت منظر شاه و مرخص اولدینی احوال دخی رسیده
سامع خدام عالی مقام مجاهی اولد قلن بایکد کرشور جود و
پادشاهی دوست از دشمنان کنند تیغ و فاق پوست مدلولی
اوزن دفع دفع اضرام معاندان و دوع وقع اشترار مخالفان
و بسط بساط من و امان و اواحه و اطمینان خلق جهان
مترقب اولان مطالب و مآرب لایق و ولتین و مناسب جانبین

اولی فی اوزن جلیع کر منصفه ظهور اولین متوقع دو لخواه بی
 اشتبا هلید و وسعیر مومنی کیه ادای خدمت رسالت ابدان
 صکر مکث ایند بر لبوب بند ستن ستنه بهمانند ایدیه معاودته
 اذن و وحصت بهمانیا نبلیری رذاتی قلمی مسئولدر باقی هجسته
 اقناب بخت اقبال شاهی از اقی نایب دق الهی طالع و نابان و بحاب
 راقب و افضال بجای می منارق انامی ارناب نواب ایامی سیاف
یوزخی خان خانان بادرتی العبار **طرحه جانب صدراعظمی در تحریر**
 جناب معالی نواب دولت نصاب سعادت اکسباب وزارت پناه
 جلالت دستکاه مقام پیشگاه ارسطو انتباه صاحب اعظم
 دستور افضل اعلم مدبر مصالح امور ملوز و ملجاء طوایف
 جمهور ناظم امور ملک ایران ناسی مهمام تختگاه یکان مؤمن
 السلطنه البهیه معتقد کدوله الجبلله الصفویه رونی افروز
 مسند و کالت شرف اندوز صدر والای صدارت واسطه
 امنیت رابطه صلاح عالمیان عالیشان اصف نشان خان
 خان خانان جم عنوان لازالت افار مساعیه الجبلله شهرو
 علی صحایف الاکران و الازمان سمت صفاسمان مودق نشان
 شرایف دعوات صافی صفحات که نسیم شمال کالی باعث شکفتگی
 ازهار خواطرد و لطایف تسلیات جوامع الکلمات که فواج
 مال صفاشمالی و سبله طراوتیا فتکی جار باع عنا صرا و کد قوال
 و د و ولایله الخاف و اهلا ولند قد بصره صور تنهای حقانی
 اشیا اولان رای سداد ار الرینه مخلصانه ایانه و انجا اولن
 اولد که ضمایر خود رشید نظر را ولی النهی به روشن و هویدا
 و شایبه حقان مصفا و میراد که بر کزید کان نوع بی نشان
 و مدار انتظام کار دیاد جهان اولان پادشاه معدلت عنوانک
 بر بر لریله اتحاد و اطراد و تحاب و نواد میجت معا لری مفتاح

ابواب بخاج و مصباح انوار قوز و فلاح و المقله جناب خالق اللیل
خالق الاصباح تألف او و احسن بود و دمان عظیم کشف عثمانیه
ایله اول خاندان معالی نشان صقویه بدین نردن فضلا عن اطراف
الجهه الاسلام توافی و بناسق نورانیه و روحانیه ایله
شد و ثاق و فاق انمکله حالبا اول فیض جهان افروزك اثر
فیروز میقت اند و زی دوز بروز عالم کوندن بروز اید و
نوارث ابا و اجداد ایله معنون و مؤکد و ملت مدید و دیرو
مستقر و مشتید اولان مصافات قدیمه و موالات مستدیمه بخاج
و تأیید ابجون سیرار ای کشور جهان داری و فزان روای دار الملک
شهر یاری سلطنت پناه شوکت دستگاه دارای دین پرور
حدیو نصف کسرت سایه رافت یزدانی مایه نعت امن و امان
شاه جمشاه ستاره سیاه حضرت نردن طرف شرف نردن منبع
اولان نامه نامی عنبر بن نقاب و کتاب مستطاب بدیع الالفاظ
جناب امانت ماب خانیست نصاب مغاخرت اکسحاب رستم خان
دام ساعیا المصالح الامن و الامان بخلو من بخنان و سا طنبله
واسط القعد اوقات و ازمان اولان بروقت سعد اقتران
وصول موصول اولوب اعظم پادشاه تمکین اعدا شهر یاران
معدلت ابین معیت الاسلام و المسلمین ظل الله فی الارضین
شوکتلو کرمانلو بخد تلوا فند مر پادشاه روی زمین اغر الله
انصار الی یوم الدین حضور و همایون شوکت و نردن مومی
ایله نامه رسان کار و انبری بد نردن تبلیغ اولوب کمال خبه
و قبول ایله نظر فرزند فال شریار فرشته خصال موصول
و هدیه شاهانه لری دخی داخل درج حسن قبول اولوب اول
نامه الفت علامه نک مقدمات مقاصد و مبان معانی
مصادفت مرصدی استقرار قواعد محبتی شعر و استوار

موبد و د والفتی مجبور او لکد یغندن ماعدا مشایخ عربان بصر دن
 ضلالت نمای ارباب شقا مانع حتناس و سواس اقتدا و د واخل
 محالک شاهیدن حوزع حد و دنگ واقع اولان ماجرا دن صکر
 تنبای خذ لاند اخفتا المکله بصر حوالیسی ارناس وجود
 فشار استینا سارندن اخلا و بر مقنضای لوازم هجواری
 یتله جانب خداوند کاری یه اعاده و تسلیمی یابند امارت
 ناب ایالت مضای حوزع خانی سید فرج الله دام علوه یه
 تنبیه بنیده شاهری ولدی فی افاده وابتا اولمغله بوشیوع
 ستوده انار یله اساس حسن وفاق استوار وکنکر قصر اتفاق
 موازی جرج دوار بیو مشردو اتفاق هر دو علی کردن در
 تاج و تحت انصالی هر دم روشن کرد چشم ملک و دوش حضرت
 برورد کار بو ایکی بادشاه کردون اقتدارک عالم انفس
 افافن اناد فرخند اتحاد و اتفاقا فایز داما اساس اسایش
 انام و مدارا و امش خاص عام ایلیوب طرفیندن بو الفت
 عجسته انجای مدتی لایام دوام و مستدام ایلیه و سفیر
 حکمت سمیر لری که مالک مضای حسن تعبیر و فارس میدان لطف
 و تفریر در ادای دلیرنیر ایله ما موریه اولدی فی خدمت رسالتی
 وجه مرغوب و اسلوب اوزن بین التفضیل و الاجمال تمیم و اکمال
 ایدوب نظر التفتاد پادشاهی و اجتناب لتشریفات شهنشاهی یله
 مقفوز و مباهی اولد قد رضکر صوب با صواب شاهی یه عودت
 و انصرافه ماذون و مرخص و جواب فامه هایون مورد تشنخون
 ایله مو ثوقدیه اولان خدام دولت علیه دن امیر الامر الکرام
 کبیر الکبراء الختام ذوالقدر و الاحترام الحاج محمد باشادامت
 معالیه مشاد اکیه رسول یکاست شمولی یله مراقبت بر سبیل
 سفارت درگاه سلطنت پناه هیته تعیین و ارسال اولنوب

بر فاج سنده دن برو تلخ هوای خود را بی وره هکد ای پیدای
 قسته زایی اولوب خاین جانین و سیغوض کلا الحرفین اولان
 سلیمان بد نهاده جسم مواد شناده ایچون بغداد والیسی
 فی الجمله اول سمته قریب مسافه سی اولان بعضی عساکر قهرمان اثر ایله
 طرف شهریاریدن نامور اولملریله شقی مزبور و دائر و سائر
 بعضی احوالک افاده سی سفیر مومی لیلی عهد تقریرینه مفوض
 قلمشدران شوالله تعالی و رب دلاک حسن هتملریله بروقت سماء
 زای مبتت اقزاده استان دولت اشیان حجاز هید شرق مشول
 ایله نبل مقصوده موصول اولوب مراعات ادا و رسالتی کابینو
 تحمیل ایله نامه هایون تسلیم ادا و کاری زبان ایله اعلامه
 الزام اولنان بعضی تمات مرسم ستوده انجام دخی سمع رضا
 ایله اصفا و سنجید رائی اصایت پیر الی قلند قد نصکم لایق
 توافق طرفین و مناسب تناسق جانین اولان وجه وجهه و تحج
 نبیه اوزن دفع مضار و مضندان و ازاحله اشرار بد خویناز
 قسته جویان ایله اهالی متیلع و بلدانه بسط بساط امن
 و امان و تحصیل رضای ملک مئان ایچون لوازم سعی و همت
 اجر ابوریوب فسنین فسنیه اجر عظیم معنومندن فایز
 قسط اونی اولملری متوقفه و سفیر مومی لیکه محمد با شاد
 ملعلیه ادا حلفت رسالت و انعام و تکمیل مصلحتن ابرای
 زمت ایندکده نصکم مکت ایند و لمیوب بنده سدن سنبه شهریار
 رحمت معاوتندن دخی لطف لری بید ریغ بیوریلله باقی همیشه
 ایا هر سعادت و کامرانی مستدام و متعادی بادرب لعلبار
 دولت علیه به الجلیلک کاون ابو المعصوم خان طرقة خیر اوانا
 جناب خانیت ماب قنو نصاب رفعت اکسباب علی مکان سعادت
 نشان خان دلشان ابو المعصوم خان دام محفوظا بو فایه

الملك المثنان صوب او بنه مودت حبيبه ايله فواج تحيان طيبان
 محبت نماورد و ايج تسليمات سليمان صفوت فراكه عطر ساي مشام
 و خلجه فرساي اوداد و سائل نساييم و دولايله اتحاد
 و اهلا اولندقد نصكم ضمير منير لمعانه مخلصانه انها و ايان
 اولنان اولدركه ديدنه قد يمه موالفت شعاري و موافقت
 دثاري اوزم ارسال اولنان مكتوب جالب القولياري
 و هديه مرغويلري بروقت شرف مصحوبان فريبن وصول
 اولوب مخبر و مستطير اولنان مقال اشغال الربا بحمله ملحق مخلص
 مصادقت شمول اولوب باعث توارد و قوافل و موجب توافر
 و سائل و مستند و بوايكي و دومان عظيم الكشان و خاندان
 سلطنت نشان بيشن ابا و اجداد بھشتي قادون متوارث
 و معنن و انار ميا من سعيد الاستشاري صلاح بخش عالم
 ايكي صبح روشن كيمي عتيق اولان موالا قديمه قويمه و مصافا
 مستقم مستديمه يه بنا و اعلي حضرت سامي زينت سپهر منزلت
 سيرا داي تحتكاه عجم شاه جمشاه سپاه انجم لا زالت موبدنيا
 بيد الله الاعز و الاكرم حضرت تيريك طرف شرف سلطنت بناھيل
 جناب امارت ناب جانيت نصاب مفاخرت اكساب رستم خان
 دام علوه و ساطيله منيع اولان نادمه ميمون مفاهيم مضبوط
 اعظم سلاطين زمان اعدل خواقين دوران سلطان البرين
 و خاقان البھرين خادم الحرمين الشريفين شوكتلو كرامتو بخدتلو
 افتد مزباد شاه اسلام بيا ظل ظليل الله حضرت تيريك حضور
 همايونلر بنه نامه بر حكمت پرور لري يدندن تبليغ اولوب كال
 اقبال ايله منظور نظر دعيت منظر شريادي اولدقد نصكم
 جواب نامه همايون مودت بخشون ايله معتمدان دولت عليه
 امير الامر الكرام كبير الكبراء الفخام ذو القدر و الاحترام

الحجاج محمد باشد امت معالیه بر سبیل سفارت ما مور و جانب شوکت
 مصابق شاهیه راهی و لغین ان شا الله تعالی مشار الهی و هیرین
 توفیق هادی الطریق الیه و ادب دار الملک ایرانده داخل و نامه هیرین
 و الجیمز مومی لیه نفیر حقیقت نموندن و کلاوی دولت صفویه
 نینجه مرام خیر انجامه و اصل اوله قن لایق توافق دولتی و
 مناسب تناسق جابینین اولان وجه و حبیه اوزن شرایط
 و فاق اتحاد و ضوابط اتفاق و اطراد الیه دفع اهل تقی و عتقا
 و طرد ابعاد اهل فساد و ثامین بلاد و ترویج عبادت مرتب
 نیجه اثر خیر محیر حیز حصول جلوه کرامت ملحوظ و مستطرد
 حق سبحانه و تعالی بواکی پادشاه عظیم الشانک اساس اسایش
 خلق جهان و مستأمد اراض و امان اولان مواد تواد بیفتت
 فیضا ندرین مدتی الا زمان پایدار و برقرار و حصصین فلک
 دوار کی محکم و استوار ایلوب ایک جانینک و کلاوی دولتی دخی
 ولی التعمارین بویله اطوار ستوده انان سوق و دلاله لایق بیله
 اجور و جزیله دن بھر دار اوله لر چونکه استنباع و مسائل الفت
 آمد شد مسائل مودتی تواد ان اخبار رسالت الیه صورت
 ابولدی بقی ظاهر و بنمایند دخی و ساطت مراسلت الیه لوازم
 مودتی برووی دعایتین هتاری ما مولد بر مایقی همیشه
 ایام کامرانی بردوام بال اخلص القواد التوزیر الاعظم

ادرنه دار المیمنه به هیرین اوزنان احوال سفهد

کفاز خاکسار در مرهم الله تعالی ما تقاب اللیل والنهارک و دوتما
 هیرین سفینه لری طونه نک یوقار و طرفلرینه مهدون صد و خزان
 موحدینه جانب خردن طریق جهادی و آمد شرع و عنادی
 سدا بجون نصر نسیه اغرین تکیه و احضا و ایلد یکی قلیون و سنا
 سقا بنخواست مشخو ندرینک بعون الله تعالی کیمی داخل خون غنیم

وکیمی و خفا بصال نواثر پیکار ایله حربی نارد مار اولدیغی بوندن
 اقدم بحر و اخبار اولتمشدی اول ائشاده ملا عینی بیدینک طابو
 مقهوری تکرار طمشوار طرفنه متفرق اولوب اول قرین هنالوت دقین
 طمشوار قلعه سنی محاصره ایله اندر اولان اهل اسلامی قضی ایله کمر
 و سبیل سمع تحقیق اولمقله قلعه مزبور نك استخلاصی نزع قلع و
 ضبط بقاع مثلاً اشغال سائره دن اهم و اقدم اولدیغنه بنا عنائیلو
 کر متاوه مایتلو افند فرخلیقه روی زمینی اعتر الله انصان الیوم گریز
 حضرت نرینک دوشمن طابوری او زربنه عموماً عسکر نفرت مانر
 ایله تحریک دکاب حصیر نیت و جاهد و فی سبیل الله حق جهاده
 امر نه اطاعت و امتثال لا نمل قلعه سی محاز یلبدن مستعیناً بالله
 کشف و غزیت بودوب کفاد بد کردار توجه های یوز طفر اشتهاد
 لرندن خبر دار اولوب بوندن فکرم حواری قلعه ده فراری کند و
 باعث ادبار اولدیغی تیغ اتمیر ایله طمشور دن قاقوب عادت
 قدیه لری اوزن اجرای مکر و احتیاله جسیان بر صعب جنگستان
 محله چکلک و غنله کیدر کن و موکب های یونی هنوز بعید مدخله
 ایدر کن ماه محرم یکری ایکنی نلت کونی چنال کجیدی نام محلی
 مصادفه فریقین واقع اولوب لکن محل مزبور ک ایک طرفی بناق
 و نیستان اولوب مابین ایسه عرصه ابراق منزلی و طولاً اوج
 ساعت مقداری طار بوغاز اولمقله بینا و یساراً و قلباً و
 جناهاً الایر تر تینه و طرف طرف عسکر بودوب کلیت ایله
 حرب و قتاله اشتغال محال اولمقین ناچار جریح جبار بر
 الشریک و دوشمن کرو چکلک کجه اسلام ایلر و یو ریوب ملو هنک
 بر لر تینه یرلشده دک بوغاز اغرنه بغین وارلدی اعدای
 لیا م بو و جهله کرد چکلوب و عسکر اسلام ایلر و واردیغه
 کویا دریای و غاده جزر و در صورتی معاینه اولمور دمی

اورد و حکیم با ای طرفندن فضل و حکیم با ای افندی جانیده یا رکنشد

سعادتلو مکرمتلو مروتلو سلطانم حضرتینک رشک بهشت اولان
بزم لطافت سرشتلرینه ترکیب یافته اجزای خلوص و صداقت
اولان مفرجه یا قوت تحایای عنبرین نکبت و در خسار طبع صفو
نما لری شسته کالوب استغضا قلمی خالوند منها ی بنایجوی
عاقبتاری اولدر که حقوق قدیمه مراعاتله طیب مشفق مکرمتلری
طرف مخلصیدن نبض کیر نفقدا ولور ایسه یلطف الله الحکیم
المتعال حرکت شریان طبع همنوز رهیق اعتدال اولوب نوش
داروی تختلریله شیرینکام اولدیغز محتاج بیان دکلدر بنم سعادت
سماعتلو سلطانم حضرتلری مزاج شریقلرینه نوع مانعبر و انحراف
نظرفی استماع اولمغین درد و غم موج زار کران اضطراب اولمشد
حق سبحانه و تعالی افاقت احسان ایدوب مفرغ و اقبال عاقبتلر برقرار
صدق افندی ریش کتاب مصطفی افندی کوند ^{نقطه} دیکلی مکتوبک سووید

مالک ملک کرم سرورده هر سالک راه علا مکریم کاراد همه عالم اصلا
مهر و در همه دها مرهم کل حکم رسل راه هوا دم اودرد ملک
راهدر اول سرورده علم و کمال مهر عالم ارا مطلع سحر حلال
مکمل مهم اودا ممتد اساس مهر و لاکه صد و کال کرم اوحد
الدهر و اکمل العصر در هو ان صد و سرورده مسرورده الحال و محو
تذکره دعوت حصول و اکرام اولالری با مسوده سالوی افندی

فاداسکه سیمغ زرین بال افلاک اشیا نده مشرقدن پروان
اغاز و عند لبیان نغمه سنج خوش اواز محال کلزارده ترسم
ساز اولوب و دامنات عاشق سون سراغاز ایلیه جناب
خداوند قادر بچون دانما اولهای همایون ذاتک جام عشق
و نشا طنی اسبب سنک هوا قدن مصون و سیر صحنه و غایت
کال امن و راحت ایله مسرور و نامون ایلیه یاران صفا نند باد

روزگار در خلوص ایچون زودق صهبائی در کنار و برکوشه د
دعنائی اختیار ایلوب خد من العیش نصیباً ومن العرف نصیب
مصرعنی و در زبان اید و لر کلمه اجزان یا ازان ماه دویان
ایله یوسفیستانه و یادده کلفام و لعلین جامه لر که کلسا نه
دو نمشد و حاصل کلام احباً منظر مجلس محباً و نهو اسی او دن
مترقب تشریف جناب معارف نصایبری او لد بقدر معلومری
او لد قد نصکم نشریفه همت بود مری ما مولد ربان و مری غیری در

تذکرہ دعوتِ یادِ امان بضیافت

ملا و از باب عوارف معاً و از باب معارف سلطاً نام حضرت تبارک
 صمد و داک و فرجه تابناک لریزه معروفین کی بود که سلطانی
 نشریف شریفی ایلله خانه فقیرانه و کاشانه درویشانه مرغیبت
 قزای بهشت برین و رشک اورنگارخانه چین، بورلمقداعیه سی
 خواب و الفصول جابگیر و طبع جهول قضا پزیر اولدیفته بناء
 بوکیجه لوازم صحبته قیام و مراسم دعوته اهتمام اولمشدر
 عرض از صحبت یاران صفادیدارست و دنه ایناب و علف
 ددجه جاییساراست مفهومی وزن بساط دو زکارده کورلمد
 و اسندلک و سباط دهرنا پایداده بیلدک و ابجیلدک نشنه
 بو قدر امید در ذوق پر و دلک شیوه سی هر عالمتابه خاصه
 لوازم اولدیفنی کجی ذات مکان صفاتری و دخی فاضله اشعه
 لمعان خورشید قدوم سمیت لزو ملرنه تنک و ناز بکیزی
 مانند دل بغل یاران صفاروشن و مجاد بورمغه احتیاد
 زحمت و الم و اعناء کلفت قدم ایلله بو محصل برین محزون کونا
 کون و عبودیت اخلاصی فروز بورمغه عنایت و دیدن اعیان
 انوار طلعنکر که روشن و کلبه یارانی از هارملا طفتنر له کلشن
 بورمکنر نامولدر این شریفه ^{المرحله} گفت مقصد ایلدنی ارشید بار

توصیف صوفیون صفوی شغوف

ثاثر علم فلاحی و باطنی ایله موصوف و شعائر فقر صوری و معنوی
بر له معروف کوشه فراغند توشه قناعت اختیار و زوایه
د فناء د بکر غزلتم انواع د باضتله اصطیاد اید نلر و د اوصاف
مضبوط الاحوال و مقبول الحصال تمام مرتبه ده مستقیم
و حسن زند کاینده ادیب و حلیم هر چه ایله مستحق عنایت
و سزاوار التفات و محبت و کمال عقل ایله اراسته و پیرا
حسن تدبیر ایله پیراسته در باقی هم بحال کشار بار

القاب وادی د بکر و توصیف

- شجاعت شعار و شهامت دثار برادر و نامدار مناصب
عبله ده استقام اولمشی مناسب و من جمیع الوجوه رعایتی
لازم و لازمی و واجب فقر و ضعیفیه معینی و دستگیر
و ظهیر افعال و اوصاف عدلی نظیر محاسن اخلاق و مراسم
اشفاق ایله دلبریز بند لری اولد یغندن ماعدل انواع
معارف و صلاح ایله اراسته و اصناف عوارف و فواف
ایله پیراسته و حضالی سنجیده و فعالی پسندیده امرین
مجد و آینه کند مجرب و کاروان مبرور و قانی الاقران
مجموع امورند دانا و خبیر و فهم فراستند بی نظیر طریق
استقامتند راست دفتار و راه حلند مستقیم و پایدار
کمال شجاعت و اقدام ایله مشهور و عزیز شهامت و اهتمام ایله

القاب د بکر و تعریف کتایت کاتب

قوانین دغم و کتایت عارف و محاسبه روز حساب دتخانیف
ارباب قلم اجماع استقامتله علم و علم حسابین سر دفتر اصحاب
دغم هر چه ایله حساب و کتابه قادر و اسالیب دفتر سیاقند
تعریف بد طولاسی ظاهر برین لریدر اسلوب د بکر

عطار د قلم مشنری شیم مجلس ارای ارباب معارف و تکتد و بای
اصحاب لطایف ذوق عزلی کویان د لیزیر عمد سبترن سخنان
بی نظیر شعری و روانک مقبولیدر **تقریف لست و دیگر**
ذوق اصحاب قلم و فرقه ارباب رقم بنده انشاده مقبول
و مسلم اثار طبع برافزاری پسندید هرون اعالم اولوب
هر وجه خوش نویسی خطی که کالاتی و غنی نقیص بریند لرید

القاب دیگر اسلوب اخری

ذوق ارباب قلم و پسندید اصحاب رقم کشتور معارف
چایکسواری و میدان عرفان فضائل احسانک سهسا لاری
و مضامین علم و عرفانک تنها سواری فرقه کتابک سعادت مند
علی هم فضائل و افتد حضرتلرینک مجلس شریف و محفل صنف
معالی موبینه دوداد عتبه و اخر و غر ائینه متکثر احواله
مری علم و حکمت و دستگیر افتاده کان ذوق معرفت مطلع
الذیرین علم و عرفان و مجمع البحرین لطف و احسان سعادت مند

القاب دیگر سیاق وجه دیگر

گزیده اقران و اشغال و پسندید معارف و کمال شش فنون
تنوعه ایله معمور حسن خط و انشاده ببعیدیل و کیمیا
و اکسند افواهد حسن خلق و امانت ایله شهرور و افعال
موزون باصواب البسه معارف ایله عیس و قاع انشا و الا
و اداسی خوش خطوط متنوعه مخربین بنی الاقران اکشت نما
و مستخدم اولدنی امور ده مستقیم القلم و صحیح الاملا و ظاهر
و باطنی خصایل ذمیه دن مهندیت و جوانب اربعه سی انواع
فنون ایله مرتب کنجینه سینه سندن نفود معارف مخزون
و دینه فرجه سندن جواهر عوارف مکتون اصل مردم زاده
صاحب حب و کین بن لریدر

تقریه نامه که نوشته است عن جانب ولیسی قندی

اول نورس خصال باغ افضل غنچه گلشن حقیقه کمال با کون
عزت و اجل دل یعنی چشم چراغ خاندان کز اولان محذوم مکره مرغ
روح بلند پروازی بوخاکدان فایده مکان طوبی و عیوب اعضا
در حده اعلای علیتند اشیان ساز اولمغه پرواز ایتدکی
خبری سامعه جان خزینه بشرب قلب نمکیند بر طبقه ده غم
و هجوم عارض و نمشد که بر عده سیاه پوش ایلد ممکن التحری
و کله رسلطانک بونابنه و کشکن و معصیت و دافکن ایلد
تقد مثالم و متأثر اولدیفی بوبند محنت و سبیل و عذوب
بیلورکن همیشه چرخ سحر کردن کاسه کاسه تلخای شورابه
ز هر هاله هل نوشرا نمکله واقف احوال بر ملال بیاو کشیدم کا
دزد کا دور الحکم لله العلی الکبیر دنیا دار مصائب اولدیفی
امر مقرر در انجور و دانا و مردم چشم بینا هر وضع نا هنجار
د هر گذاردن صرف بین اولتی لازمدر هیلد تیا بقول
لمنی فیها خذار خذار من بطشی و نیکی بو بر لیسان دنیا سب
جمعیت عقیبا اولتی ملا خطه سبیله نشینت بخشش نمکین اولو
آتش فراق جهان سوز جان کدازی حیات سر حیشه صبر
و تحمل ایلد اطفا انکه سعی و کوشش بیوریلد حضرت جهان افروز
جل جلاله در کاهند نیاز من بود که اول یلیل خوش الحان
جنت گلستان جناتون نغمه سرا اولدیجه سلطانم و وضه
حیاتم پایدار ایلوب باقی اولاد کرامتین سبزه زاد بقا و زند
القاب کاینم رهزودار ایلده این **وجیه و صفای**
قهرمان شعرای زمان نریمان یلقای دودان انودی عالان
خاقان حالان عرفی سخن بخشش من دونق شکن بازار عجمدی
القاب سر لوحه علماء کرام و فتیانت

سر لوحه صحیفه علم و کمال و دیباچه جریده فضل و افضال
 مقتدای علمای عالم و پیشوای فضیلتی قوی الاحترام بدرسماء
 فضیلت مهرسماء شریعت لغمان ثانی عمان المعانی میدان علم و
 عرفانک فرید تنها سواری و مضمار فضل و بیاناتک وحید
 نامداری بالانشین صنفه صنفه انکیز کامرانی و مستندارای
 سر بر بی نظیر شادمانی ارباب دولت و اقبالک سرفراری
 واصحاب عز و اجلدک ممتازی مطلع کواکب فضل و یقین و
 منبع انهار شرع مبین در دوج فضل و کمال و اختر برج شام عز و
لقاب نظام آخر نوشته است بجا بی مشایخ عظام
 نظم اسرار الهی و مظهر آثار نامتناهی واقف موافق طریقت سالک
 سالک حقیقت حقیقه فضل و افضال و دروضه سعد و اقبال
 قدوق السادات منبع العز و السعادات افتخار الطله و لیس
 اسرف سلاله سید المرسلین قطب الاقطاب و سلطان
 الالواناد و الانجاب مفتی الملهوفین غیاث عارف علوم
 ربانی واقف دقایق رموز صمدانی صاحب الارشاد و المعانی
 حضرت شیخ بهاء الدین نقشبندی محمد حرم بادگاه قدیم کنوز
 خزان اسرار رب رحیم مهر سپهر حقیقت و فضیلت نیر برج علوم
 و کرامت سراج و بخش رشاد مضیاع ضیاع سداد مصیاع رموز
 بز دانی مقناح کنوز بجا فی مطلع انوار سعادت و اقبال منبع
صورت تبشیر انهار لطف و افضال بوزرای عظام در ضمن
سودهای بوزر مشرک شخون

اشبوسال میمنت اشتمال بهادرتک زینت بخش حقیقه سلطنت
 ذبین کمال دروضه خلافت سعادت تلونجا بتلو شهرزاده جوان
 بخت افندی حضرت تارینک بر و شیافند و بیع فضل لایزال اولاد
 کلین وجود مسعود بلند اقبال لرند کشتا بش کل سوری خندان

موسمی و مغلله ای بن دین اسلام و سنت رسول علیه السلام اوزن
 بوقاعت مرفیته و سنت سنیه اقامته شروع اولنوب تأییدات
 بیجانی و توفیقات صمدانیدن درة النجاج دولت کرامی سلطان
 حضرت بزرگ دخی کوه کرانقد راز و واج ایله عصبایه طراز
 اینهاج اولمری بواقعات قابض المیا منه مصادف و دوشوب
 نقض اعف اسباب سرت ایله ترتیب لوازم سورهای یوده میانش
 اولمشدر امدی بویله سور فاضل السرد و قوعن عایه نشتیز
 جتر زنگار دولت اولان صفار و کبار درگاه مقلدی خیار
 سلطنت و بادگاه فلک قباب خلافتن شکرهای تحفیت
 اولمری مقتضای مراسم حسنه اولوب وزرا و میر میران
 و سایر اداکان و اعیان دولت علیادن جمله ارباب ضاعب
 بحسب المراتب هدایای لایقه ایله عبودینلری عادت
 قدیمه و دای مستدیم اولدیفینه بناء اعلام حال ایچون
 مکتوب محرز و ارسال فلندی بونک کی سود کلی که ریاض
 اعمال جهانیا نین فادرا الوقوع غرض شجره کائید بویله فرضن
 دم سرور اخزاده کمریندان دولت عظیمه لایق و لازم
 اولان رسم راه بنده کی اوزر شردخی لازمه خدمتی بنده
 کتوب رعایت قانون قدیم و ملاحظه مقتضای حال ایله
 معجود درگاه والایم ارسال هدایای لایقه ایله عرض عبودیت
 القاب دیکور بدیل همت ایله سرفرضی و لاق حفرت سزاده

کازجوان بختان

چون ساکنان کارخانه دانش و نیش و واقفان سرنامه :
 افرینیش قاشق خقی و سبیر و کلدرکه خزانة غنیه خضر
 حق و قاضی مطلق طرفندن بندلری حقتن جلال اولابی
 استهوار بخوای وان نقد و انعمه الله لا یحصرها محاط

حصطه عدد و احصا و لمقدن بیرون اولوب خواص و عوام
 نواله کبر سفره انعام عامید و ادیم زمین سفره خوان اوست
 دین خوان بیجاچه دشمن چه دوست اما احب اعظم نعم اولاً
 و اولاد بیجا بیت نهاد ایله مفتنم اولمقدن که امتداد نوع بنی
 آدم و اسبته نشعب عضون اولاد و اخفا اولوب انظام
 احوال عالم سلسله نواله و تناسله مربوطدر نعم الاله
 علی العباد کثیره و اجلهن بیجا به الاولاد یومد عایر کواه
 صاد قدر هدی الله فیهدیهم اقتدر قرآن منعم الازغافی
 اوزن طریقه مسلوکه مرضیه لرینه اقتدا ایله فامود اولدیغیر
 انبیاء عظام علیه الصلوة والسلام حضرتبری درگاه قاضی
 الحاجاته اثنای ناجا تارندن رب هب لی من لدنک ذریه
 طیبه انک سمیع الدعا بیروب استیفا کی نسل یابنل استدعا
 فیضان چشمه ساد فضل پرو دکار المشرود الحمد لله تعالی علی
 نعمائه العلیه جناب خلوت ناب جلادت نصایم دخی
 اول نعم جلیله دن حصه مند اولوب ریاض سلطنت و اجلالم
 فیض جویبار فضل نامتناهی الهی رله سیراب اولوب نخل
 اقبال هایتونم تر شمع زلال افضال ایزد متعال ایله حد اعتداله
 ایردکن مخفی لی من لدنک ولتا چشمه ساد بنک جریانی
 ایله باغ امید من نشوم نما بولان درخت بخت بادشاهانم
 منت نویاوغ فیشرنه یغلام حلیم اولوب اشبو سال فرزند
 قال کونی که فی الحقیقه مفتنم نیا شیر صبح سعادت ابدی
 نخل باغ خسروانی شمع شجره کبکی ستانی در قاج سلطنت
 کوهر قاج خلوت نویاوغ دوضه شهر یادی غنچه کلزار
 تاجدارای و غلم شهراده سلطان خض اللطف و الاحسان
 شبستان عدمدن کلزار وجوده وضع قدم ایروب ابدی

اول نخل نوسایه کلشن سلطنت و اجلول و رونق بخش حقیقه
 دولت و اقبال ک قدم سترنر سومی تبشیری ایچون صادر
 اولان نوشاغ کلزاد دولت و سلطنتم اولان فرزندار
 چمندیمک قدم فرخ بخشا لری شکرانده سی شهر و یازاد تربیز
 و بوسرورنا محصور ایله کافه انام کلهاکوشه سترت
 و اینهاجی هسرت فرقدان ایلیون جوامع و مساجد و صومع
 و معابد ده دوام دولت روز افزون اید پیوند بادشاهان
 دعوائیله دست برداشته دوگاه کیریبا اولالار و اسلام
 صورت تبشیر دیگر لادق سهراده جوان نخت فرستاده باود
 در ضمن و نهای هایون

اراده خالق زمین زمان و مشیت منشی ملوک سلاطین عثمانیان
 ایله وجود پر سودی سبب اصلاح عالم و بقای موجب انظام
 احوال بنی آدم و ذاتی مقتضای ملک و دولت و باعث دوام
 شرع و ملت بر شمراده جوان نختک قدم سترت لزومی قلوب
 کون و مکان منتظر او تکران ایکن اشپوسنه کونید و نمش
 شجره دولت و اقبال کلین کلزار عزت اجلول یا کون یا نجه
 لطف ربانی و نور سید بوستان شادمانی محض لطف الله
 الکریم او غللم ابراهیم و سلیم طول الله عمرها بالقر المعید
 و الحمد المخلدک عالم عدمدن سرای سرون ظهور ایله و کن
 مبشر بشارت غیبی شاد افشارت لادیبی سمع جان عالمیانه
 تبشیر و اعلام استکلا ملک سلطنت عثمانی بد و منبر لر ایله
 منور و کلشن شوکت سلطانی اب دیار ایله مرهر اولوب
 اول فرقی العیونک قدم شرف لرو ماری جوامع و عام مقدر
 جاه و جلال سلطنت منظومه نظام فرود دولت بیلوب
 بو نعمت شکرانه سچون ممالک و وسیعه المساکین اولان نعباد

مرحمت معناد اول خالق بجنوده حمد و ثنایه اشتغال ابدید
 بوجهدیه بهیبه الهیبه نك اعلا مجنون شهرتزیب اولتم عبادت
 حسنه شهریا دیدن اولمقین ایدی بوخیر مسرت دسانك اینا
 واعلاقی دوشنا بخش چشم اسلام و موجب شادمانی کافه
 انام اولمق المجون نغیبن اولمشدر بیود مکی وصول بولقد
 تمهید شکر و سپاسد نضکم قلعه و قلله لردن طوبیرو تفکر
 اندر ووب و سوق شهرلری معناد قدیم اوزن نزیب ایند بروپ
 دوت کون دوق کچه انواع ششلك و شادمانلقرار ایند بروپ
 جوامع و مساجد و منابرده مشایخ ذهاد و صلی و عباد و عبید
 و ازادشزاده لرم مشاد الیهمانك عمرو دولت اید بیوندلری
 ادعیه سنه فی الایام و اللیل اداوت و اشتغال کوسنه لری
مورق مکتوب حضرت صدر اعظمی که در ضمن تیغش سورتضا
شهرزاده کان جوان بخان فرستادن جواب مالک خورشید
 نیم غزلو فرنداشم حضرتلری اعظم سلاطین عظام و اکرم خوافین لرم
 شهریار و الامقام و شهنشاه کردون علام شوکلو مرها تلو
 قدر تلو کرامتلو افتخیر پادشاه اسلام اید الله انصاف و
 اعوانه الی یوم القیام حضرتلر نیک عطیبات بهیبه جناب قنار
 معال و مواهب سینه حضرت و اهب الامال اولان سلاله
 جلیله ناهداری و سلاله نلسید لازم البیجیل کامکاریلری
 غیر اسمان دین دزینده نایج و نکین شهرزاده شوکت نشانات
 سلطان سلیمان زمان و لایق نایج و داوری سرودیاض
 سرودی نیک حضال و ادچند شهرزاده سلطان محمد و زیور
 تخت سلطنت دوتق ملک و مملکت ماه سمای اصطفا شهرزاده
 سلطان مصطفی و نورس نهای سلطنت دختشان هلال عشر
 و نخت بازوی اقبال سعید شهرزاده سلطان یازید اقد بیکر

طول الله عمرهم وادام بد و ام سلطنت ابھیم عزہم حضرت ہر نیک
ایماری و پرورش عنایت و افتخار خداوند لا یرل الہ دونو
افزای حد بقہ عز و اقبال و زبندن بخشای روضہ سعادت
واجلا لاو لان فعال مجستہ فال وجود سعید لری اجناد
ختان مبت اشتمالہ قابل و مستعد او مغلہ اجرای مراسم اسلام
واقامت سنت سنہ حضرت سید الانام علیہ افضل الصلوٰۃ
واکمل السلام البجون یوفیق اللہ الملک اللطیف الشیوسال
مبت رذیف فضل حریف و موسم تطہر تزیب لوازم
سورختا نہ مباشرت و قیام اولوب و بو کو تہ سور فافض
الکسور و قوعند و ذرای عظام و میر میران کرام و امرا
ذوی الاحترام و سایر اعیان دولت ابدیمان اجرای مراسم
تخصیت الہ ابغای شکر نعمت قوانین قدیمہ حسنہ دولت و
قواعد سندیمہ مستحسنہ سلطنت او لر یغنے بنا و بسور
موجب الحبور ای اعلان و اشاعت البجون مکتوب بحجت بخیر
و الہ ارسال و مستند ان شا اللہ تعالی لدی الوصول
بفضل المولی عنبطہ فرمای عقد تزیای و ہری قرع العین نظام
دینا و باعث اطمینا قلوب اعدا و ادنا او لان شہرکان
جہان کانه بلند اشیانہ نک عقد سور و احده انتظام
ختان مبت ضما تلری خواص و عوامہ نشاط افزا و محض نعمت
عظما و عین عنایت کبری او لدی غیا ہر و هویدا اولمغان ایضا
شکر گزارای نعمت و اجرای مراسم تھنیتہ مبارک بود مکر ہامولک
صورت دیگر بشیر و لادق شہزادہ حضرت سلطان احمد علیہ الرحمۃ
طراوف دیاض شریعت عزما موقوف ایادی سیف و قلم ملوک
اسلام و زناہیت احوال عامہ بای و کلا مرہون ظل ظلیل
حضرت ملک الغلام او لر یغنے بنا و نوع معادی شہنشاہان

و امتداد بسمل بسمل یا د شاهان جهان نعمت محض باند حضرت
 ذوالعطا یا ایمنان اولدیفته ن ناشی ولادت سعادت
 شهزاده کاندن اداء شکر بی پایان معطی النعم و انبای نهای
 جناب و اهب الکرم افراد آفرین دن هرینه لایه و ام
 اولمغله حامی حد و دشرع مبین و صافی عامه و دایع رب العالمین
 ارایش سرمد و خلوت راعی شرافت عدالت و حمایت شوکتو
 کرامتو فدولو و لی النعم ادام الله تعالی ظل عنایتیه علی منادق
 الامم افند بمر حضرت نیرینک خلاصه اعمال خلق جهان اولان
 عد مخانه قدر دندن زبود قحاط سعادت سلطنت وجود
 و ارایش کھوان دولت علیه ایدم دود اولان شهزاده
 جوان بختلری و دلتو بختلری سلطان عمره الله تعالی افند
 حضرت نیرینک فردوم مسعود لری محض خیر نامعدود اولمغله
 شکر علی تلك النعم د و ام عمر و دولت شهر یاری و شهزاده
 بختیار ید نصکم مقدم خیر ولادت نشاط توامدن عامه
 انام حصه مند اولمق ایچون قوانین قدیمه سلاطین عظام
 پیشین اوزن کجه شهرانته مراعات اولنه رقی اسواق و
 بازار اوسر پارتزینی و هر کس سرور موفور الیه دعوات خیر
 حضرت شهر یار ید سعنا محصورا یمک مجمع ناس لان محلله
 منادیلر ندا و اصناف کفخله رهنه و سائر اعدان و تنبیهی اغضا
 ایدن مکسته لر نفهم اولمقی باندن فرات
 صورت امر جماعت اع دیکر است که در ضمن تبشیر جلوس
 هما یون سعادتمقرون

برادروا لاکرم خداوند کا و سابق سلطان محمود خان
 اسکند الله تعالی غریبچان بو خدو لر باراده الله تعالی
 کلشن سرای ینایه نقل و رحلت ایلک حسب سبله حضرت وهاب

سواهب اما جلالت ذاتة عن تشبيه و المثالك ميا من ثابيدان
از لته و ايامن توفيقان لم بر لسيله ناصيه احوال سعادت
اشمال ملوكانه و جيبه اما لبحجت نوال خسروانه من لامع و
ساطع اولان انوار قابليت و رشاد و اشعه استعداد ماد
زاد مقتضا سنجه نوبت خلافت بموتد فافت ذات مكادم
ايات ملوكانه مد رسيد و واصل اولوب امر واجبا لبيجل
سلطنت اجلد لم نظم كرم انا جعلناك خليفة في الارض
ذيب و زبنيكه مزين و قاج بر اينهاج دولت اقبال فرخند
فالم فاحكم بين الناس بالعدل عنوانيله معنون اولمقله
اتفاق ارادى و زراى عظام و اجماع علمائى كرام و افتقاد
جمله خواص و عوام ايله اشبوسنه ثمان و ستين و مائه و تلف
صفر نيك بگرى سكر نجي مبارك بوم جمعه ده سهر سلطنته نصير
جهانباينه بالا استخاق شرف و اقبال و سعادت اجلد ايله
جلوس و لباس كرامت اقباس و جعلناكم خلائف في الارض
قامت و الاهت خسروانه اكسا و لباس اولنوب خطيه و
سكه نام شرفيله مستعسد و مشرف اولمقين بومر هبه
عظما و عطيه كير اى الهبه نك جمله ممالك محروسه من و
حصوصاً اياك مزبور دن اعلان و اشاعت ايجوزا مرنه نعيم
شرفيا فته صدود اولوب ايله ارسال اولمشدر
ان شا الله تعالى وصولدن محالكن سجاوته ثبت و وجه شرف
اوزن سهر سلطنت بها نداری و تحت عاليت كشور ستانى
اوزن جلوس هياون ميمت ما نوسم واقع اولدني اياك
مزبور دن ده واقع سائر فضيه كرده جمله به اعلان و اشاعت
و قلاع و قلعه كردن طولدر اندر وب انواع شنگلر و شاد
و مانيلر ايند مكنر ياندر فرغان عاليتشانم صادر اولمشدر

بود مکی حکم شریف و وصول بولدقن شرقیافته صد و دوازده
فران واجب الانباع و لازم الامتنانك مضمون اطاعت
مفرونیله عامل اوله سز مشربله یله سز عادت شرقیه اعتدای
صورت مکتوب حضرت صدراعظمی که ابن موجب امر علی نوشته

است بجانب و ذرای عظام فرسته

خداوندگان سابقه سلطان محمود خان اسکندره الله تعالی غرق
انجان حضرت پیری باراده الله تعالی عازم کلشن سرای بقا اولی حبسیده
توفیق سبحانی و تأیید صمدانی ایله مقتضای استعداد خدا دادی
و متبعای استحقاق ذات و ادنی اوزن بوبیت خادق عظمی بامشاه
عالمنیه شوکلو کرامتلو مهاتلو قد و نلو ولی النعمت السلطان
عثمان خان ابن السلطان مصطفی خان ابن السلطان محمد خان اقدیر
حضرت بنده واصل و رسیدن اولدوغنه بناء اتفاق و ذرای عظام
و اجماع علماء کرام و انقیاد جملة خواص و عوام ایله اشوبیک
یوز القش گزیده سی صفر الخیرک بکری گزینجی مبارک جمعه ده
سیر سلطنته تصیر جهان بنانیده انواع سعادت و اقبال ایله جلوس
بود ملریله عطیه و سکه والا و طغرای غزای جهان پیرانام
نامی هنسروانه لریله مستعد اولغین بو موهب کیری حوضه
حکومت کرده اولان بخاوتنه قد ایله جمله یه اعلان و اشاعت
و اظهار افاد شتک ابراز لازمه حبور و مسرت الیکر یا بنین
صاد و اولان فرمان عالیشان منجبه مکتوب تحزیر وارسال اولمشک
ان شا الله تعالی وصولین موجب امر علی اوزن حکمت المکر

صورت نامو لدر مصطفی کوزیر الاعظم مکتوب صندری
اعظمی که نیشیر امدن صدراعظمی اخذ شدن مهر و کالت بکری
افضای ادا ده از لینه فیاض طلق ایله طرف فائز اکثر حضرت
خادق بنا هیدن صلی و ایدن امر و اشارت موجب البشارته

بنا و اشبه ماه مبارک مجازی الاخرک اون او جیحی فحس کونی یابیه
 سریر شوکت قصیر خسروانه یه دو مال میرا و لوب عواطف سستیه
 ملکوتانه دن اسو و صدارت عظمی عهد منقوبض و مهر شریف
 و کالت کبرادست اخلاص پیوستنم اعطا بو و بخله عنایت
 توفیق غیر سبحانی ایله رویت مصالح انام و توادیه مهمام
 دولت علیه ابدی الد و امه قیام اولمشند بهان جناب
 ستهیل فرای خطوب عالمیان جل شانده حضرت لری کافه امور
 لرهم توفیقان علیه ستمه یاور و جمله بی رضای عین اقتضا
 ملکوتانه یه موافق حرکت مقتدر ایدوب سابه عنایت
 و ایه خسروانه ده کافه انامی سووده مظهر اساس و احضار
 ایله امین مظهریت توفیق جناب باری و تحصیل رضای
 حضرت تاجدارای ایچون جلب ادعیه خیر خیریت مال
 سیاق قدر مکتوب تخریر ایله ارسال اولمشند بران شاه الله
 تعالی وصولدن طرغزی دعوان خیر ایله یاد و تدکان مواضیت
 الملکزماسو لد علی الوزیر الاعظم ایدر و صدارت ثالث
 جانب والی مصر دن بروجه اهدی طوعا کلد کرمنا و لیه تحمیل
 بنم غریلو او غلوم هرمنه مصر دن اوسالی معناد اولان قوشلری
 بو سسته مبارکه ده دخی کلوب دکاب هایون شوکت مقرونه عین
 اولمشله خفکرده اقبال جهان تاب العنا خسروانی بر تواندا
 اولوب بر ثوب سرانر نیم تنه و قطیفه شلوار عنایت و احسان
 بیور بلوب اولبا بن شرف ضد و دیوان خط هایون سعادتمند
 مصحوب ارسال اولمشند بران شاه الله تعالی لری الوصول مال
 تعظیم و اکرام ایله اکسلا و دوام عمر دولت شهر یاری و عالی
 اد اولند قد نصکره خط هایون سعادتمند قرون مضموئی و لا
 فان جهانمطاع تاجدارای اوردن عمل حرکت ایله دانا محضیل

رضای بمن افضای خداوند کاریه صرف همت ابدیه سزهر
 صورت دیگر که صدر سابق مصطفی با شا حضرتاری موم بود
 ابن و الی مصره دار الفرو السیف الصد و علی با شا حضرتاری موم
 سعادتلو مزید مروتلو و اقلو سلطانم خدیو علی الشان حضرتاری
 موقوف عزو اقبال و مقیم مقام جاه و جلال و لان ذات کرم
 الحضال بر مکی الهام بنا هفت شعار ترکله اسوق الورد از
 النخام نظام الملك کرده و ن اقتداد و ن لازل عالکاو
 مرجعاً بالسعادة و الاقبال مرا سمنی سباع و انما سبله کف
 تداروی مکادم طراز عنایت سیخ کرمانه لری هلمسته عامه
 خبرخواهانه فیض تثار و اقباب جهات تاب مجد و اجد لری
 برج سبز اندر برقرار اولتی دعواتی اردان قلقتی اثر نون
 نما بین نما عریفه لری دکه و افتداد مرا هم پروا دروان
 دو نغز اهنی ناکار دین جا بیکر اولان علاقه اخلاص صفت
 احضاص مشغله سنجه اظهار غرام ثنا و دی م وسیله جوابن
 باعث دعا نامه اخلاص صبر و دی محمد اغا قوللرنیک دوزنه
 سویدای دل سودا زده سی خب هوای حجاز ایلله اولصوره
 عازم اولتی تقریبی وسیله عرض اخلاص ثنا و دی اولمشکا
 ان شا الله تعالی اصبوس عنایتنا نو سلسریله شرفیاب اولرن
 بوندن بویله جانب حلوصکا لری ضمیر منیر خورشید تنور لرن
 طرد و ابعاد بیورلیوب بو طرفلرم و رود اید رسنوخند با غث
 سرود فواد عطوفت نامه داوانه لریله یاد و اسعاد بیورملر
 اعظم مطالب و افضای مارب مخلصانه مدبرتی کوکب غرور شفا
 صورت برات تابنده و درخشا زدا تم بار فرشت روضه المظهر
 جون حضرت سید الانام و جناب سند الاصفیا زینت بخش
 مقام قاب قوسین او دانی حبیب خدا رسول کبریا محمد المصطفی

عليه افضل الصلوة واكمل التحية فك روضه مطهر جنت اساوربه
مقطر فلك فصار لربه منزلكاه جبريل امين ونظر كاه حضرت رب العالمين
اولخله اول حرم سعادت وهبك كمال ادا ب الله حذ شكرا لفي باخذ
دولت دارين اولد يني بلاد اشبناهدر بناء على ذلك اشرف بحالك
وامصاد والطف ملاين وافطار اولان مدينة منون نوه الله
تعالى الى يوم الاخره واقع روضه مطهر رسول اكرم صلى الله
تعالى عليه وسلم بوجه حبيب ثم حصيه فراشت خدمته منقوت
اولان حسن رضا سيله حضرت اشكله واقع توفيق رفيع الشان
حاقان زید مجن اول خدمت جليله خبر انجاي كند و به
سرمایه دولت و پیرایه سعادت بلبوب طالب و راغب
اولد يني افتخار الخواص والمقربين معتمد الملوك والسادات
بالفضل دار سعادت اغاسی و درهین محترمین اوقا فی ناظر
اولان سلیمان دام علومك عرضيله محکندن تذکر و بر بکله
مجتب توجیه اید و ب اشبورات سعادت ایاقی و بخت
غایابی و بر دم و بیورد مکی مومی الیه اول مقام جنت اساوربه
و تربه فلك فرساده من بورك یرینه شش حصیه فراشت خدمته
منصرف اولوب خدمت لازمه سین طرفندن تعین الی الی قافئا
و نائب منابی کال خشوع و مجایا الیه علی جری العالی ادا الیه اولان
اصحاب معارف طرفندن نواز شنامه خلوصه ادمه که شریفه یار شانه
ما دام لیلای سیه قبا ی نرم ارای حقیقت که ارام بادوی ارباب
نمکن و قرع العین عالم اولان خال عنبر الکتی سوزید اسوز اهل
یقیند رسا حه ضیحه بطحاده مشق ناز و جلوه و اهتر اذله
تجلی جمال و حیر ترده کلین مشاهد فی قیس شوریدن و شرب
اند و بی مستغرق وجد حال ایتد کجه بخا بیلو سعادت تلوسید اولو
سلطانم انی الله تعالی تحمل عمر محضه فی دوحه الشرافه والاستعداد

حضرت نیک ماصدق و من دخله کان امنًا اولان حرم کعبه
 توام قدسی اعتکاف و عنبه علیه عظیم انصاف لری که موقف
 ساوان اشرف و منبع زمزم و الطاف دار احرام اکرام ایله طواف
 و مرفوع و نذرین اکساب صفایه سعی مقدس علی قدر الاستطاعه
 بذل و انصاف اولمغین سلام علی دار و شرف دکنه کاشف الکرن
 الیمان بکرم منطوقه سین و وزیران اید رک قبله مقر بان نرم
 اسنا السراولان سن باب السلام ایوان اقبال لری ماسکگاه
 جبین اینتهال و بخته جوهر قدس ولان غبار اکسیر عیار استان
 اجال لری پیرایه ناصیه امال فلند فلضکم عنصه بن خالمر
 البال و ضریعه افکنن سالم المقال بودر که هو ان کلان غنجه
 طرز ذات هاشمی لصفای لری که پرورده کلشنسرای محمد بد
 صلی علیه الله حاجی الدجی و بذل القلادوم من الصباغ بد یلا
 و علی الاکابر من اللم یزل جبل الهدی بجای طم موصلا دوزن
 میزاب لطف و بانندن ترشح ایدن یاران نسیان قروضات
 ایله سیراب و شاداب اولمق دجا سبیله عند لیب اکشنوی
 ناطقه هوای حجا ذین نقه پیرا و شمع جهان افروز وجود
 بهیود لری که ذنن جراج دودمان احمد بدس قلاوق اشرف
 المطلوب الایا به سیادت نوع حصصت بجایه فطوبی
 لقوم شرفوا بجوان فقلوا بیسط تحت ظل قبا یه نیر اعظم
 عطایای نیر داندن یوما قنوما اقنیا س نور اشکله بدس
 منیر کیمی علمنا ب اولمق النجا سبیله قوافل حجاج دعا مشاعل
 اه فلك بیا ایله دوبراه کعبه علیا فلند بنی عرفات معرفت
 الهی ولان صبر عمر شظیر لرینه سر مهر خفا دکلدر تاکه
 هز سالدن مقدسه ام القزاده زائران بیت خدا ناک
 یراق اعمال لری ضمایم جاه عفو ایله بخداید و مسوده شنبه

افعالی قلم مغفرت ایله صحیفه بیاضه نفل و الخمس یحیدر نفل
منای منیت اولان دستکاه سپهر اشینا هلمی حاتو زاعیان
فخام و پیشگاه مانونک بنا هلمی بلجا: اشرف کرام و هو درج
دو زافرونی عمر لری دایش دوش عازنه ایام اولمق نیازی
نیجه مغفرت مزای مقاصد و خاتمه صحیفه دیباچه محمدا
قلوب الله انکال للذین والذین ولا یجلیک من غرق عکلی م

صورت دیگر بجانب حضرت شریف سیادت الیف

برگزین خاندان رسالت پیرایه بند متکای شرافت سعادتلو
سماحتلو شریف عالیشان حضرت لریک مجلس رفیع عرش فرسار
محفل منیف سدن اسالریزه اعظام و اکرام بی ضایه ایله
روایح اشینه عنبرین و فواج ادعیه مشک الکن الخاز
واهدا و مرعات برشش طبع سعادت اشتا لری خلوصه
جریح امان قلمتو سیادت ضیاء دلیر یریدیم النظیره منهای مجلس
صادقانه لری بودر که موصل سطور مصداقت موفور بر قلیل
اغافو لری متوجه بیت الله الحرام اولمقین انشاء الله تعالی
تقبیل ذیل عزت لریله مستعد اولدق طرف مخلص بی دیالریزه
التفات تخصیر لریله خاطر فاتر لرین ترویج بیور ملری موجود
ودو خواستد که طرف لری دخی نسخه دیباچه دعای خیر
اجابت شمو لریدن فراموش بیور میوب و تقبیل معظمتین
وسیارا اجابت گاه اولان محکمه و اماکن ابر که لیده صدق
درون اجابتقرون اولان توهمات قلبیه دعوات خیریه ایله
حصه مند بیور لر صورت تخصیر کاب هایون عن جانب صدق
دولتو سعادتلو و شوکتلو و کرامتلو بادشاه حضرت لریک
حق بجانب و تعالی حضرت لری وجود هایون تارین خطا و خط لریدن
حفظ ابدوب سیر سلطنت و دولت مؤید و اعدای دین

اوزن نده صغور و موبدا ایلده امین باریق العالمین دوم ایل
 طرفدن کفارک حرکتی اولوب حفظ و حراستی لازم اولمغنی
 وزرای عظام قوللرندن باشا ایرار و شیخاعت شعاد
 قوللری اولمغله سرعسکرو سردار نقیبین اولنوب ارسال اولمغنی
 باینین بیا من اوزن خط همایون سعاد تقصرون احسان اولمغنی
 رجا اولتور باقی دن سعاد تلو شو کتلومها تلو بادشا هکدا
تخصی دیگر برکاب همایون غنی جانب خان عالیشان
 حق سبحانه و تعالی حضرتلری شو کتلو و مهاتلو و مرجهتلو
 پادشاه جهان بناه حضرتلرینک عمر و دولتی و فرو شوکتی
 زیاده بر زیاد وجود همایونلرین خطاسن ایدوب سرسلطنت
 جهانبا نلرندن الی یوم القیام مستدام و موبدا ایلده امین
 یحیی محمد والد اجمعین عرضحال بمقدارم بود که **وزدی**
عظامن و کابیهایون فاقه نامی طرفدن نجاعالیشان بادلو الفقا
 فارس میدان شیخاعت و جنگل انگری و حارس بلدان ولایت
 جنگیزی برانن غرت و بخساردی و فرا دنن شوکت و کامکاری
 هر بهر هر دو خاقانی و دلیر صفدر فرمان دانی سعاد تلو سمالو
 شیخاعتلو پادشاهم خان عالیشان حضرتلرینک ساحه صیحه
 غرتو قبال لری همیشه بیای جاه و جلال ایلده مرفه اقبال و
 انواع فوز و نفرت ایلده ترفیه احوال و لمنی ایچون د کاه
 بی مثال خدای لایزاله بالینفع والایتمحال عرضنه داشت
 مخلص خالص اقبال اولان دعوات صافیات زاکیات مسکینه
 النفات کردییا جهه ذفاغه سنه رقم اجایت فاضی الحاجات
 کشیم و خانم سنه ختم قبول محیب الدعوات و سبد اوله
 انخاف و اهدا قلند قد نصکم ضمیر منیر هر انجاده مخلص شو
 انما اولد که بردوز نود وزده و بروقت فیروزه ادسال

پیوریلون خطا بنامه علیه و جریب خبر اخبار فتوحات سابقه لری
 ادماری قول کردند و رود بولوب تحزیر و اشعار پیوریلون پیام
 نصر قلمی میل متین انتظار ده محل عقود او لشکر محمد تبلیغ
 و شای بی دروغ اول خالق کائنات و ذرات موجودات غرب
 آسمان حضرت پرنده بر لسان حال اولان مسلیق جواب اربعه
 انواع فتوحات جلیله سیله نظام احسان ایلدی بو نعمت
 غیر مترقبه نیک ادا ای شکر امر محالدر نه ند بیک اولورسه
 آنکه سرهنک و محافظه بار وجه اهلی کورینوریت غناک
 شیراته بلیک افکن اولور لرسه ده اعدا سیک پیجه لریک
 اخلا و لور کا غالب مصداق پیجه الحمد لله تعالی و تقدس
 بو خدمت دین غزا و نصرت بی همتا ذات ستوده صفا لریته
 میسر اولدی جناب و اهب الامال ذوالجلال دن منضر عدت
 همدیشه بونک امثال پیجه فتوحات متوق ایملکه دنیا و اخرت
 معمود و انواع خبر و جزا الله ما جور و مسرور ایلده بخت و
 کره ما مولد که بو مخلص دیرینه خبر اندیشلری مبارک
 خاطر ضیا و قلب پر انجاء دن نسبتا مستیا اخلا و ابعاد
 پیور میوب پیام عافیت و صحت و اخبار سان فتح و نصرت
 مبتین مکتوب صفا افزای غم فرسا لری دروغ امنیوب صفا
 بخشیدن انتظار و لشکرین خاطر بر اضطرار بیون لر الله
 سبحانه و تعالی وجود بهود بر سود لری لا لیس کدار دن مصون
 ایدوب داماز بوردده اریکه خانی بالانشین صفوف خرم
 ایلده بخره سید المرسلین دولت یابنل و عمری قزونی و عمری بون
 وزرای عظام طرفه نندن سلا طین قریمدن **فا غلغا سلطان**

حضرتی طرفه یازیلون القاب

عالی تبار سلطنت قرار بیلند اعتبار سپهر اقتدار شهر سوار دشمن

دشمن شکوای مرد میدان کار زار ملاز و مرغ میادین و معاد
 فرقه بجاهدین صدر نشین مسند قاغلقای صاحب تمکین چار
 بالکش خنک را بی غزلو در فتنو او غلوم قاغلقای سلطان حضرت ^{نیک}
 حضور کامل کشف لرینه مزید اعزاز و اکرام و فرط توقیر و احترام
 ایله ادرینه خالصه محبت فزون و اثینه صادقه مودت و مودت و مودت
 سندن منکر ضیو منیر خورشید لمعانه آنها، مخلصانه بود که
جانب دکان دولته قاغلقای سلطان مشاد لیه یا زیلان القاب
 عالیحضرت والا رتبت سامی منزلت عتق نفیض صولت سیمر جرات کزین
 سلطانان پسندین خانان فروغ ادوغ جنگیزیان غزلو و سعادت
 سلطان علیشان حضرت نیک نادی رفیع عزت مدار و موقف منبع
 سعادت قرار لرینه که طرب سری سر و روشاد مانی و مراجعتگاه
 اصحاب جدالت کامرانیدر هر بار محرم و جمال امانی و امان
 و مطرح اشعه القاف حضرت ملک منعالا و ملق ادرینه لرینه پیرایه
 کار و وودا سجاد قلندری سیافدن آنها ی مخلص صد افتکار
 اولد که جانب اخلاص پیشینه و صلاح اندیشه لر احوالندن
 نفیض نیر فلرینه رحمت و جواز بیوریلور ایسه بحمد تعالی
 همان کرانما لیه عاقبت برله مغتنم اولوب لیل و نهار دختان و اشک
 ناظم نظام عالم و باعث رفاه بنی آدم اولان سعادت و عظمت و
 کرامت و باد شاهزاده عز الله تعالی انصاف و ضاعت افتدان حضرت ^{نیک}
 مهر درخشان شوکت و اجلا لری ضیای بخشای عالمیاه و خوان
 احسان عیم التواللری حصه فرای د میان اولمق دعا لر ایله
 جناب علی منقیر نیک از دیاد عز و علا لرینا لری ذکر
 لیاک و انهار زیور سبیلده اذ کاریمز اولمشد
محبت نامه است که از نیا راضفا نوشته شد بسوی دریا بان پرچما و جنابا
 باده دعا که لیحور و شرابی ظهور کی عشرت امیز و مروتی انکیزد

و صهبای ثنا که مانند شراب بزم است ادم جرعه سند نیست
و عالم نشأ سندن می بر سندان شراب ناب کی و کین دعا لر می کوثر
کی صافی ثنا لر سانی خامه و بیاله نامه ایله مجلس شریف
شرفقریه که بزم شراب کی طلوع در سرور له و محفل صنف شرح
زدایه که عشرت از مان کی بر او لر صیوح ایله اتحاف و اهدا
فلند قد نصکم اگر بوبادیه بیای کوجه هجران و جام صهبای
دوران لندن فان بودان مخزون جهانک کبفت حالی کلمات کتانه
کی شودین احوال لندن استخیار اول نور ایسه اگر چه انکسار
مواصلت و هجر کاسه مفادق ایله دل دبسته و صانع نگسته
وار باده فرهاد زخالی اولمعله مخزون و منالمدیر هله یحی الله
بو گونه بزم حیات بی تبا بق عز و شهادتقا و امید عشرت اخوان
صفا ایله بر کون شادی و خرم اولوب اول ذات شریفک اوراد
و ثنا و عاسی ایله طیب اللسان اولند یعنی مد سرور یله
نیشیر و زار و مختلف کشید و تم قلنا ضاحنا نه ناک جو و نیر کی ضحید
هر چند که بناسیر صبح و سعادت اثر عالم میشرقدم افتاب منور
و هرگاه کد برید ضیای صفا نوید مخبر طالع طالع اقبال کسرت
اول نهاده عالیبری استعدا دنه اولان افاد سعادت دن بعض
ظاهر و پیدار اولمق ریاسته امیده وار ایکن بر صبحگاه برید
خوش خبر قیای و لای سعادت لر طراز وزارت علیا ایله طراز
و خلق فاعرف سلطانی ایله مکرم و مغرزا ولد قلمی نیشیر و
اخبار ساحه دل بی غله بی نهاده جواهر صفا و سرور انار
ایلدی باد امیشرق سعادت بر مرید جون روز تو بهار نو
منقب جدید امد بشیر مرده دولت رسید در وقت شادی
کز بن موسم عیش و طرب رسید حقا که ورون جان و دله
صفای تان و خاطر فائز سرور بی اندان حاصل اولدی خوشبختانه

و تقالی مبارک و میمون و انواع فوز و سعادت و دهمنون الیه سرور
 و صفا الیه سرور و اولان محبت مخلص بی فتور لریدن اولدوغمره ریب
 و کان بورلمیه جناب شریف لریدن دخی مالدرکه اراجیق اخیارد
 اصفا و اکاذیب ارباب نفاق مسامع علیه لرینه القا بور میوب
 محافظه حب و وداده ثایت قدم و صیانت ینیان و صاصله الارکان
 صفا و اتحادده راسخ دم اولوب مبانی حب قییم نند بار نخرعات
 ارباب نفاق الیه منهدم و حصار استوار خلوص منجیق مغرباد
 فریق حریق الیه ملتسم اولماق باینده همت بی همتا لری ظاهر
 و غایبان اولوب طرفیندن وفاق و جانیندن حق و وزن اجماع
 و اطیاق اولمغله فقرای عباد الله اسوده حال و خرابکار
 عدل و ووداده غنوده و مرقه الحال اوله لر یاقی هوایر و جود
الفا حقیقت که حق تعالی در فراقی عمر و سعادتمند و ذوالارواح با صاحب
 فرمان فرمای دولت ایلا شهنشاهی کامروایی دارالمراد فرزند ظل الهی
 سعادت و سلطنت خداوند کار خدایکام حضرت پرنیک مایه کیمای
 دولت و ماده تونیای سعادت اولان عباد و درگاه فلک بنا هلدی
 صوبینه هزار عجز و تقوی الیه و سوده قلوب و اجبه رفقه
 همت و لادنه ماهیت اولان دعای دوام دولت و بنای قیام
 عز حشمتملری تأدیر سی خاوندن عرصینه داعی الاخوان صلید
 حق جل و علا و دلائل سلطنتک عمر و دلائل برین دواز و همیشه
 مہبط عایت الهی و مطمح نظر سعادت باد هی و لمغله مسلم و ممتاز
 الیه اللهم کاجعلت اعضان اللسان من سنابین اذان
 الانسان منقر بن کرا بجل و اجعل الجبل عتاتیک و حمایتک
 و هدایتک له القائد و الذیل **صورت نواز سننامه**
و ذرای عظام بر اسلوب اقرایش توقیر الاحترام
 سعادتلو مکرملو مودتلو قرینا شستوده حصالم دستود

جلبل الشان حفظ لربك جلق كاه شاهد خلوص اولان نادى
سبا ميارينه ۲ مرید تعظیم و تعجیل بر له فرط کوش و سر و شأ
وزینور صحائف آسمان اولغه جاسبان جواهر تا بدار و عظم
اجابت نشان الخاف و اهدا و استفساد حاطر عاظم الانظیر
على وجه التعظیم مرعى و مودى قلند نفعی عریضه سیله نمایان ننا
عریضه لرید ركه ۳ مرونگار ابو مخلص صمیم البخان لریه عواطف
عليه خسروانه دن لطفاً و کرماً جزین مومن ایلتی توجبه و
عنایت و با عون عنایت لب العز قدیم کھان وصول و رحمت
یا فقه و دخول اولد بغیر مددن برو میانه ده جبل المثنین مر بوط
و مستحکم اولان علاقه و داد بی نفاذ مینغا سنجه فاسیس فیه
هیال مودن مکر تنامه مشیرانه لریه و وزن کشای داه اشقا
ایکن بود دفعه فرستاده سعادت نامه مکارم اشتما لری ریجیر
فرح هیند رسیدن دست حالصانه مزاولدن جامه اطلسد
مسعود و سطور مکر متوفور دن مندج بود بدون لالی نابدار
فیض بحیث شعاولری سیراب ساز نشسته لب کشی حالصانه م
اولمشدر بو خدول میا من اشتمالن مقنضای دقم کشیدن
دبیر قدس وضع کستاهی لشریت معفور و بالاخره دریا
طرفندن و رود مز و قوعندن اجرای مراسم حشمت دستوری
ملز و مانند ن براون عدد قطار جل بی بدل ندادک تلمو
داو وانه لری اولان اماکن و امضان تحیر و سپارش محاصی
مستس افتقاد و ذات سمان مشیرانه لری دخی اولطرقه شأ
انداز عظمت و زیرانه لری بیولش ایکن ۴ لا توقع امودک
الا بالامسان الصدق مدلولیجه اولمقدار جل بی بدل اوت
قطار اولمن اوزن جانب صد یقلر بجون ندادک و منتهیا
واسهل وجه ایل طرف محلصلرینه ایضا لریه دای و زین

اصابت پیرای مصروف واقضا ایدن بجا نشر لری استانه علیه ده
 قیو کتخدا لری قوتلری بر بر لری له تحسب الجون اشارت عالی لری
 شایان بیلیق تیار زیله مکتوب خلوصی نتما تخیر و فرستاده نادی
 مکر مضیر لری قلمشده مان شتا الله تعالی وصولن بوندن بویله
 دخی جانب مخلص لری بن خیر شیر خور شید تنویر لرندن اخلاص
 بیور ماری متوقع و در خواسته مخلصانه مدر باقی سعادت
 مجدا و قبول و ایام کامرانی باد مکام پر وادرون مکتوب
 خالصانه مع اشارت اولنان ناقه قطار بفرزده اولان
 عداقه مودت بی شته مفرو را تحشیه کثار بادی و لمشده
دورای عظام حضرتند نصاحید و لت حضرت بنه خیر اولنان تبرک
 دوئلو عنایتاو **صدادت** و مرمتاو عا طفلانو مرو تلو و لی القم
 کثیر الکرم اقدم سلطانم حضرت لری دولت اقبال ایدی و سعادت
 اجال لهدی بایله صاغ اولسون حضرت رب المستعان محض خیر
 عالمیان اولان وجود کرم الودین خطا و اکدارون مصون و
 محفوظ الی یوب سایه دولت و عنایت و اید لری جمله انام
 و خاصه بو عید مسترها لری و ذر لرنن محدود و بر دوام
 ایلنه بمنه و احسانه فریضه ذمت چاکلنم اولان استند
 ایام عمر و دولت و اقبال و فروزانی شمع سعادت و اجال لری
 دعواتی اوقات بچکا هید و اجبه حال و وظیفه اعمال
 اولوب بو خدول بخت اشمالک عواطف علیه شهر یاری و
 عوارف سینه جهان دای دن مهر شریف و کالت کبر مسلم و
 عنایت پیوست کریمانه و خلعت موجب البیعت صدایت
 عظمای اکسای دوش مرمت بوش ولی التمانه لری بورلدیغی
 حاوی و میثرو عنایت و احسان بوریلدن فان نامه علیه کی
 قیو کتخدا م قوللری طرفدن واصل دست نغیم و خالص سرنجیل

و تلیم قلمتوب مفروضه ذمتهم اولان تکرر دعوات خیریه اجات
ایا تریله ملاومت و اشتغال قلمتوسر هانا حق جل و عدا عتوشا
ونقا لی حضرتلری هر حالک متیقن و مبارک و مسعود ابدوب کافه امور
واما لترین توفیقات علیه و تابینات از لیده سنه مقرون و ظرافت
و مرتبترین و در مدع دایم و ابد مرهون ایلید ایتن بجاه حضرت
فخر المرسلین شبان و روزان و بلکه هر ساعت و آن خدمت دعای
دو لالترین اولدایم فریق علم جهان ادای ولی النعمان لری پور لوقه
یو عبید قدیر لری تطفات علیه کریمانه لریدن ابعاد پور لوقه یابین
و زای امرفغان و لطف احسان و دوللو عنایتلو سلطانم حضرتلر عظام
حضراتدن کتخدای صد علی طرفه مخیر و انشا قلنان تبریک
سعادتلو مکرمتلو مروتلو قزداش اجددم سلطانم اغای جلیل الشان
حضرتلر نیک نادی سعادت قرینلری موبده مزید تعظیم و تبجیل
و مدید تقیم و تبجیل ایله جواهر دعوات صافیات مخادت مال
وز و اهرتیمات و اقیات محالفت اشغال اتخاف و اهدا و مراسم
افتخا صراط طرماط مکاردم احصا صلی داد او ایقا قلند قیما
نموده اخلاصکد ار لرید که بنم سعادتلو مکرمتلو مروتلو قزداش
اجددم سلطانم اغای جلیل الشان حضرتلری از قدیم میانه مزده جلیل
استقرار و استمرار اولان اساس عدیم الاند راس خلوص منقضا
سطوع نیر محمد و اقیال لری نه مترصد بیغول خیال ابکی بوانداده
شان استحقا قترینه شایان اعتلای مسند کتخدایب صدر علیایه
تشریف و اکساب فرو عنوان بیورد قزداش نوید مشرت بریدی
قرطه کوش بشارت و کوه کوشوان مشرت اولدوق حد دن
افزون و وصف تعبیردن بیرون کسب صفای کونا کون اولمشد
جناب خدای متعال حضرتلری هر حالک توفیقات علیه سین جمله
فایده و رهمنون ایلید ایتن نزدیک و دود عنایب و حضنورده

جایبگیر مقام مخادنت و با بطه کبر پیوند مخالصت اولیغی معلوم
علم عالیبری بود لکن بو مخلص شخص صلی بن فها بعد در وصفوت
نمون مکادم مشغولتری اخراج بیور میوب اجرایی را اسم غیرت و میا نلریله
حایر کال حبور و اینهاج بیور ملری و سبیلله امینه خلصانه مزید ریائی
و ذیای همیشه ایام سعادت و اقبال مزید یاد **عظام حضرت**
دیس الکتاب افندی طرفته محیرا و لنان تبریک نامه
حضرتی از قدیم صوب مکر متلرینه اولان علاقه حبت فراد حلوص
اعتبار مرضی لارمه بیخه ذکر جمیل ثنائی جن بلرینه ذبا نکذار و اظهار
مهر بخاد شده و سبیلله جوی انتظار اکین بواران بمن اقرار اند جناب
مکادم بضایبری رتبه والای ریاست ایله ترفیع و اعتداد بورد
خبر مسرت اثری شنیدن خلوصکاری و لدرق حق بو که جهان جهان
محمون و خندان اولمشرد حق سبحانه و تعالی حضرتی قیمتی و مبارک
ایلیوب کافه امور لرنن توفیقان علیه سین قرین حال و رهین
اما للری ایله امین بود فقه استانه علیه کید و بنده لری
اولغین تبریکی متضمن خاصه استنبای طبع سعادت نبع والای
صنعتن ترقیم رقیقه مخالفه بادی قلند کان شا الله تعالی لدی
الوصول فها بعد جانب مخلص بمرای مبارک خاطر عاطر مکادم
پیرایه لرنن دور و ابعاد بیور ملری باقی همیشه ایام نامور و مجو
و ذیای خلصانه ملا سعادت و اقبال و کامرانی بایک دوام بر **عظام**
حضرتدن امام اول سلطانی حضرتی رینه انشا اولنان تبریک
فضیلتلو سها تلو مروتلو مکرمتلو قرتداش عالیقدوم سلطانم افندی
حضرتی رنیک بپشگاه فضائل پناه مکادم دستکا هارینه مراهم
لعظیم و انعام و لوازم تکرم و احترام ایله جواهر عوات مخالفه
اجابتقا و ذواهر تحیات صادقات اصابت اختراخاف و هدا
ویرسیدن طبع سعادت نبع فضائل والای علی وجه التکریم

ادا و تنقیم قلند بقدر بلندن نمایند مخلص قیا الخواه بمرالربید و که
 حضرت لری از قدیم جناب مرقص صاب اخضا للربینه اولان علاقه
 حب و داد محالست اعتبار منر لازمه سجنه ند کار جمیل و نثار
 جزیل لری زبوسر زبائرا ولوب اظهار دموالانده وسیله جویات
 اکین بو خالولن رتبه جلیله صدر و م معدلت رسوم ایله
 امام اول حضرت شهر یاری ترفیع و اعتلا بیورلد قاری خدیویشاد
 اثری بربك ایساند شنیدن خلوص کار و ولغله حق بو که جماعت
 جهان ممنون و محفوظ اولمشد و حق جل و علا حضرت لری هر حال متین
 و مبارک ایلیوب کافه امور و اما للربند توفیقان علیه و نایب دات
 از لیه سنه مطهرت ایله مسرور یکام ایله امانستانه سعادت
 کید و ربند لری ولغله خاصه ترقیم رفقه محالست و نایب ایند
 قلندین شال الله تعالی لری شرف الوصول بجانب اخلاص کار
 دیرینه لری مبارک قلب پرا نور لرندن ابعاد بیورلیوب امکند
 و قوعندن مکرمتنامه کرامیلر بیه یادن بیتهم القواد بیورلیق اددو
 و ذرای عظام مرهجو متمنا د و حضرتند حکیم باشی خاصه افند
 حضرت لربینه یازیلون صورند

سعادتلو سماحتلو فضائلو قدرنداش اعظم سلطانم افندی حضرت لربیک
 منبع ینابیع حکمت و مقتدای قانون شناس فطرت اولان نادئ
 سعادت لربینه مبلغ نفطیم و تکرم و کاسه بنجیل و نفعیم ایله حقه
 درون خلوص مشغولن صدق و صفادن مرکب معاجین دعوات
 صافیات عافیت پیرا و اشریه لطیفه تسلیمات وافیات خلوت
 ارا الخاف و اهدا و نبض کیر مزاج مکارم امتزاج لری تحقیق
 کرده سیایه تفقد و استقصا قلند بقی سیاقن نموده مخلص
 بمرالری حضرت لری میاده سبقت ایدن معارفه از لیه مغویه
 مقتضا سجنه از کار جمیل لریله اوقا کذار و پیام عاقبت لربینه مطمح

انتظار این بر حواله واقع خاصری ضبطنه مامور بنده لریله
 فرستاده قلنان الوکه حقیقت مسلوکه لری واحد پیرای و دود
 و بر موجب بوسله عاود بوردیون معاجین فرج قرناری دخی
 مخلص بی ارتیا بلرین قبض انکیز سعود اشکله ذکر او ف عین
 لری نکرار دینه بادی اولمشدر جناب ترتیب بند اجزای تمکانات
 جناب فضا ئلما بلری هو امن استقامنه غای عاقبت ایله سدام
 ایلیه امین مرقوم بنده لری عودت اشکله عینقه و داد غاتر قیم
 و فرستاده نادری فضیل لری قلمشدران سنا الله تعالی لری الوصول
 تومیه بوردیون خاصری حصوصنه مامور بنده لری نک واقع
 اولان حصوصرینه اعانتن نضایر اولغیه جفی معلوم شرفلری
 بیورلدق بوندن بویله دخی جانب تحتی کاسه ددون صلاقت
 سنخیز نرندک انداخته هجرنسیان بیورلمتی مامول باقی همیشه
 محفوظ سراق العاقبت و متوقفدر بغایت حکیم مطلق بار
 از جانب و ذرای نظام بسوی موالی ذوی الاحترام که صدر
 سعادتلو روم الی این صحت نوشت سماحتلو فضیلکو عطاقلو
 قزداش اغتر و اجدیم سلطانم افندی ستوده حصالم حضرتلرنیک
 نادری دار الفضل معالی احصیا لرنینه توقیر و قیر و وقیر توقیر
 ایله جواهر دعوات صافیات ثریا نظام و کواهر حیات و اقیات
 بروین نظام دیورسلک اتخاف و اهدا و رسوم استنبای
 طبع لامع النور لری بر وجه تجبیل مرعی و مودئی قلند یغی
 سیاققل برآورده مخلص دلناده لرید که حضرتلری از قدیم
 سوی دلجو لرنیه اولان خلوص فواد دسیدم زیاده بر زیاده و
 وصفوت طوبیت نهاک مالها من نفاذ قیلندن اولمعله هرات
 مدحت تحسینر بله پیرایه زیان و دیور سچل از مان اید و یکو
 عرض و بیان بجهان خواهان این بود فقه بعضی حصوص ایله

اد منربن لری او بجانب والا یه ابعاث او لغله تجدید قباله
محبتیه مبادرت او لشندربته تعالی لری شرف الوصول لریب
و بعید مرکز خلوص و محبتارندن ثابت و مقیم خلوص کار قدیمی لری
او لدیغم اینده الهام الهی اولان قلب مجتهد لریبه متجلی او لغله
بوندن بویله ایفای مراسم حقوق محبت و لوازم محاذات و هم
بانی یر رعایت بر له مخلف قدیمی لری گوشه کبر خاطر جلیل الاناد
و ذریعه انشراح درد و نمر اولان نوید ساز عا فیتار بیه منشع
و ذرا ی عظام و مستندار بیو دملری مامولدر حضرتان در کمال

د و لئو **الکشریفه اغا لری حضرتان امان اولان صورت** عنایتلو
مروتلو عاطفانو را فتلو ولی انعم و فی الهام افندم سلطانم
حضرتان بیک خاکبای نویسا اسنا لری میل تجلیل و تعظیم و کمال توفیر
و تعظیم ایله کشیدن باصر اینهاج و افتخار و لازمه ذمت بن کاتم
اولان دوام عمر دولت احوال لری عوای ذبور سبجه از کار
لیل و نهار قلند بغیر یلتن معروض عبده دعا مقروض لری در که
بو قول لری عنایتلو افندیک بیک قدیم و چاکر مستند لری اولوب
شام و صحرای قوام عمر و دولت لری خلوصه اذکار و قریب
بعید تعلق باب عنایت لری باعث افتخار م اولتی ناشی جایجا
مخیرد عانامه مراسم اداب بن کانه یر رعایت لازمه ذمت
عبودیت نامه بن کاتم مخیر و مرفوع پیشگاه عنایت تصیری لری
قلند بی بته تعالی لری الکشریف الوصول نزدیک و دوردعای
عمر و دولت بیه امرار ازمان و دهور ایدن چاکر صداقت
مفتطور لرندن اولدیغم محاط علم عالی لری پور لری بوندن
بویله دخی فرق عاجزان من حسن نظر عنایت و لحاظه لطف
و محبت و مروت لری قرار و دائم الاستقلال بیو دملتی اینان امر و ان
و ذرا دن اسنان علیته ده اولان سر بوابین درگاه عالی حضور خاصه

اولن لره اسدا اولنور

عزیز سعادتمند و مودت و توفیق فرستایم میر عالیقدر و حضرت بزرگوار
 مودت و توفیق و لایزاله مزید اعزاز و تکریم بر له درود اعیانه محبت فروز
 و عزرائیه مودت و توفیق و اخاف و اهدا و پیش خاطر عاظمی ادا
 اولم و خدایمان سزای مخلصانه فرمود که حضرت بزرگوار بفرموده
 و مقفوره جنت مکان بجزئی با شافرنده شرف عازم دار البقا اولم
 سحر و عز اولوب علم الله تعالی کمال مرتبه متعالی و محزون اولمشد در
 امانه جان حکم و درضا جناب الله عظیم الشان حضرت بزرگوار همان
 باری تعالی حضرت بزرگوار تقصیرات عفو ایله مظهر تحفان و قبر نبی بنود
 و روضه جنان ایدوب باقی بخد و مریده و سرفرنده شرف طول عمر
 ایله صحت و عافیت را احسان ایلیه امین بود دفعه استانه سعادته
 کید و ادم رضا دفا تمکین بکنوب محبت تحریزه بادی اولمشد در
 ان شاء الله تعالی لای شرف الوصول بودند بویل طرف حجامه شری کشته
 خاطر و دعای خیر دن فراموش بود سبب وقوع متو ادین ایله حجامه
 ارسالکدن ممنون اولود

حضرت بزرگوار محکوم مضای دست و اندله لایزاله اولان صد و طوبیت
 و صفای سر و رتم مقتضا سینه ذکر الخیر و دعا لایزاله اوقا تکذار
 و من کل الوجع ایفای مراسم اخلاصکادی بدل و بیع و اقدار
 اکیمن تبریک نازیت اقبال جو لایزاله ارسال و احسان نبوی
 ططفه سامیر لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله
 رسید دست تعظیم اولوب منتظر اولدیغی نوادش و التفات
 خدیوانه لایزاله باعث انشراح ددون و سبب ابتهاج فواد خلوص
 شهنشون صادقانه اولمشد هموان مستدام سعادت و اقبال
 اوله لایزاله دن بروصوب والای مشیرانه لایزاله اولان اخلاص
 صمیمی و ایدوکی و ارسته قید و بیان اولمغله مجده شکر لطف

نوازش و التفات کریمانه لری صفتی در عاقلانه اخلاص علامه
آمد و بنده اغای مومی لیکه طرفند ن فرستاده صوب سعادت
احتوا لری قلند یان شا الله تعالی لری شرف الی وصول بودند بوبله
دختر صد بن خلوص و صوفی برین مرتب عهد صادقانه اولان و عیون
خبریه و خدمات علیّه خدمت بوانه لرین سعی و فورا و زن اولان
محاط علم عالمشهور و زیرانه لری بود لرین فیما بعد مالوف و مقبل
اولانیم نطفات علیّه و مخاطبات سنیه لرله یاد و سعادت بوزن

بود فقه ادملری قول لرله ارسال بیور بدون تحریرات مشیرانه لری
و علاوه خطاب مکرمت مضایب دستورانه لری قلنان هدیه
محضه و زیرانه لری اولان یکی راس بکنده ساسیری جلوه کر
ساحه تعظیم و طوبله بند نکریم اولوب هوان اشهب خوشنجام
اقبال لری عرصه ذات البهیجه دولت مستدام اولوق و عوانی صمیم
القلب ادا و یتیم فلتمشند مرادملری مرقوم قول لری طرف دول لرله
عروق اشکله و سبله عرض عبودیتیم اولمشد ران شا الله تعالی
لری الشرف الی وصول محاط علم عالمی بود لرین بودند بوبله
بنده بمرالری حوالی جبریم توجیهات کریمانه لرین فراموش و منسی
بجولما من باینده امر و مان

حضرت لری از قدیم ذکر او صاف حمید لری و دعای خیر و نوری عمر و دلنشین
ملزومات عهد چاکرانه مدن اولدیفندن ماعلا بود فقه ظهور
ایدن نلطیف صادق نوازانده لری دخی مایع احاد صعب و یتیم
قات اندر قات اشکله هر بار ایفای لازمه خیر خواهر و رفیق لری
فرضیه ذمت چاکریدن اید و کی معلوم عنا بفرسوم کریمانه لری
بیور لرین اولبا بن امر و مان دولت و سعادت نلو سلطانم

حضرت یزید بنک مشرف اشعه محمد و اقبال اولان پیشگاه مکارم اشغال الدینه
 مزید تعظیم و ابجال الیه برو و شیافه صد بخه درون اولان دعوت
 صافیات محاکمت نشان و لایطیات مصادقات لمخازین
 سلك الخاف و اهدا و کلغخه طبع غایلی مددکاری متعار
 برعه ستایش و ثنا الیه استکشاف و استنباط فلند یعنی
 سیاقین عریضه تناکار بیرلری بود که حضرتلری لازمه
 ذمت خلصانه م اولدی یعنی اوزن محمد درجه اقبال و اوزان
 دعوتده اشتغال الیه حاضر مرتبه اخلاصا بکن بود دفعه محضاً
 مکارم مروت مندانه لرندن ارسال بیوریدون کریمانه علیه
 و طرف دو لالرینه اولان قدم عبودیه و سبله کریمت
 و دوش اخلاصه باعث فروزیت او ملق ضمنن مهور اعلان
 بیوریدون بر طلوم فروغ هدیه بجهت لری قوت کمال
 بنع لری و ساطیل و اصل دست تعظیم اولوب دوام عمر و دولتی
 ادعیه سیخا و صیال ادا و اکمال قلمشدر همیشه مستدام عایت
 واجهال و کندی ادبی و ساده اقبال اوله لرامین و اتیه عهد
 عاجزانم اولان لوازم صداقت و اخلاصه اعظم طالب
 خلصانه م اولدی یعنی محتاج بیان اولما صغله مجرّه تشکر عتبات
 کریمانه لری ضمنن عرض عبودیه ابتداء و فرستاده پیشگاه
 سعادت قراری قلمشدر ان شاء الله تعالی لری شرف الوصول
 فيما بعد و حق مبارک عاطفت نبع کریمانه لرندن اخلاصه سیر طوب
 ثلوف اولدیغم و جمله انظار مکرمات انا و کریمانه لری و توهمها
 سنیه مکارم دثار اصفا لری حق صداقتکار دین بیدین
 و اذانی بویلی باین علو هم مزید لطف و کرم حضرت خدیو مجید

حضرت یزید بنک ها کبای دولت اشغال الدینه هزار ضاعت و ابتهاج و کمال

استکانت و استذل لال بر له روی عبودیت مایلین و همه وقت
 ساینه قلوب واجبیه عهد جا کرانه م اولان استدامه ایام
 عمر و دولت و استزاده هنگام و فرجه مستلری دعوائی مخصوص
 ابال تادیه و اکمال قلند یعنی خداوند معروض بین صد افتخوری
 لریدر که ذات مجسته صفات مشیرانه لرینه اولاد ابطله
 بین کی وضابطه شرمنده کی مقتضا بنجه دعای عمر و دولت
 اشتغال و شمه کرهیه بین نوازانه لری اوزم و درو حط
 مستطاب خدا بوانه لرینه مترصد پیغوله فکر و خیال ایکن
 بوندن اقم طریزون جائینه حرکت دستوراته لری مشعر
 لطفا و کرم ارسال و احسان بوردان کرنامه اشفاق
 علامه لری راحه پیرای عظیم عبد مستد بیلری اولوی هزار
 تر حیب و نا هیل ایله ساینه مردمک تفخیم و تبجیل و بواننده
 قادمه حکومت و زیراته لری بایک قادمه نقل و تحویل و غنله
 خاصه رفیت و احتضا صمی عرض و تعلیم داعیه سیله رفیه
 جا کری مخبر و مرفوع پیشگاه رافتمضیر لری قلتمشد و انشا الله
 تعالی لری شرف الوصول نزدیک و در خدمت دعای عمر و
 دولت لرینه محصور و لایغم محاط علم عالیکری بوردلوق فعاصله
 دخی جانب عبد باهر الاحاد صابری توجیهات سینه دو فانه
 لریده بین خاص و مظهر اتم حسن احتضا صمی بوردلری باین امر

حضرتی ذات عطا و دسمان خدا بوانه لرینه عن ظم القلب
 و مستحصل و رونی اولان تواد احتضا ص خاص الخاص جا کرانه م
 مقتضا بنجه فی القند و الاصال تراید ایام عمر و دولت و
 تراوق اسباب جاه و سعادت لری دعوائیه زما نکذار و طوع
 تیا مشیر اخبار سان ذات سنوده مقتضای لرینه مترصد مرید

انتظار ایکن اوساله و غیت و عنایت بیور بلون کرنامه علیه لری
 بر حین فرجه نین وارد و واصل و مضامن علیه سنه
 اطلاع نین کانه محیط و شامل اولدوق جهان جهان ممنون
 و محظوظ کلی حاصل اولمشدر لیل و نهار دعوات خیریه لریله
 مرطوب اللیقا اولدیقم معلوم دولتمر سوملری بیور لری منقش
 خاصه عر حال چاکری نخرینه ایتدار و مرفوع بیشگاه مکادم
 قرار لری قلمشدر ان شا الله تعالی در سینه ساحه دولتری
 اولدوق بعد ازین فرجه قدیلمری بیارک ضمیمه المها مین لری
 لرندن انداخته وادی نسیان بیور لری

عنایتکارا مروت شعارا افندم سلطانه حضرت لری فرستاده
 علیه بیور بلون ساعت مرصع بجهتا و تحفه جلیله مکادم
 پیرا لری شمعده تزیین و ترصیع غیوت انداز خوشه ثریا
 و تناسب سیر و حرکتی داغندن و قاصطادم و نادر رسا
 سعد افترادن واصل دست بند که اولدوق و قاصیان سیر
 شادمانی ساحه دولتی ساعت بساعت نمونه نمای کاشی
 سور رخسار کران فرجه و حوش بر بجهتای دل بیغلی لیر نرمان
 مسرت و جهور اتمشدر جناب نظام بجهتای حرکات مرجع دوار
 حضرت لری دقایق ایام دولت و درجیات هنگام سعادتن مذک
 الدهور و الاعوام معارق مجید و اقبال و ملازم جاه و اجداد
 ایلده امان محرمه سید الکوین لیل و نهار و صف اخلاق و
 سجه نیکو اغراق لریله زمانگذار اولدیقم معلوم دولتری
 بیور لری امر و ان و لطف احسان عنایتکارا افندم
 کند و بندن مخصوصه اولدیقه ناه هزار شرم و حجاب لریله نفا
 جامه شوی و سال حاکم لری دولتری قلندی خیر قبوله فریم

صورت خط هایون نواز شمعرون بجانب او جاغ یکجریان درگاه علی نوشته

درگاه مقوم یکجریان او جانم ۲ الاصل مظهر عای خیر ظل الله و
مصد نظرگاه اهل الله او لمش برغانی و جانم او لمغله علو الشان
واعبایرینه اعتناء و حرمت و سبیل سعاد و دنیا و آخرت اولوب
خصوصاً زمان سعادت اقتران هایون من او جاغ مزبور و حالی و
عموماً تقریب قولی یک سفرده و حضارده صداقت او زن ظهرون
کلون خدمت و غیرت لری بالجملة پسندیدن و مقبول طبع خسروانم
او لمعدن ناشی طفرینه انجنان درون شاهانم مبدول و
بیشمار او لمغله اجداد کرام مهوم و مفقرت نشان غادی سلطان
سلیمان خان علیه الرحمة و الغفران حضرت نیک آیام بهجت اوت
سا ملرنم اسکو لوطه لر قیوسی پیشگاه کد رگاه هایون اولدق
الغش بر جماعتک اوطه سندن کاسه ایله شربت شیرینی کو ارم
او لمعن قانون مستحسنه لرندن اولدق کینی زمان برکت نشان
ملوکانه مدن او جاغک رونق و اعنیا و بنه برفات و حق زیور
افتخار او لمق اراده سبیله فیما بعد اغا قیوسی پیشگاه هر وقت
کد رگاه هایون اولو ایدسه اسکو اوطه لر قیاساً قول کخدا سی
یولنان اغا کاسه ایله شربت خوش کو اوطونوب و یکجریان اغا
کاسه قول کخدا سی اغادن الوی بالذات کند و سی حضور هایونمه
عرض اینک حصوصی مجده داقانون منعه اولوب وقانون سابق
منلو بود و حق الی ما شا الله دستور العمل مرعی و معینر طو لوق و او جان
حفظ و ضبط اولمق ایچون خاصه اشبو خط هایون مو هیت ترم
شریفه صد و اولمشدر جنب حق بویه برغانی و جاغک
عز و دفعی نانا فاغ فرداد وید خواه امداسی و لنر مر فیه رانی یله
صورت دیگر سوی قهر بباد ایلیه امنی صاحب دولت حکم داری
سنکه وزیر اعظم عیت پرور دم ویا لاسنقا اول وکیل مطلق صدق

کسرم سنی سلام پادشاهانه مله تلطیف و حسن توجه ملوکانه مله
 تشریف الله یکد نفسم نو بنو ظهور کلاذ خدمات پسندین و ما غر
 حیدل رخ مقبول طبع های یونم او لمغله همیشه بر خودار و نعم جلیله
 شاهانه مله وایه دار اوله سن بود فقه بیک بوز مننه محوبا
 فیتو قولرینک مستحق اولد قلمری بر قسط لذت مواجیبی وقت و زمانه
 اخراج و توزیع و تکلیف و استیصال رضای پادشاهانه مه سعی عیلت
 وسیله دعای خیر سریع کثاثر خسروانه م او لمغله الطاف علیه
 شاهانه مدن بر توب سمور موجب اسرود و بر فیضیه مجوه هر
 مستجلب البحور احسانه های یونم اولوب بدله ارسال اولمغله
 اعلی قرغ سمور باهر اسرود می کتسا و جیحی ثریا جوهری میان
 عسکه بند ایله کسب بهجت او فی الیوب بودندن بویه دفعی و دش
 حمتکه احاله و ذمت استفاد لکه حواله قلنان امور دولت علیه
 و مهم سلطنت سنییه می کاینیغیرویت و زمان سعلا افتران
 خسروانه من استراحت عباد و بلاد اولودها لایک القاسیله
 جمله دن دوام عمر دولت و قوام فرو شوکتیم البحر دعای خیر
 استیجایده مواظبت ایله سن حضرت الله ذوالجلال توفیقات
 علیه سینی هر حال قرین حال و دهین اسال ایله امینی م
 صورت امر دیگر مضی منیع طوائف لشوان از کشت و کذا و غیره
 استیجابول قاضی سی فضیلتو افتدی لسا طائفه سیدی یا حصیر
 شایه و حسنی لشوان عداد دندن اولان خوابن مقوله لری اسوا
 و پازار لده و ایام جمعه لده جوامع شریف مید انلرن سیر
 و قاشا طریقه چقوب محمادن تخاشی و تحفظ انیکسری خلیفی
 الفزا کشت و کذا و من غیر شی جمع ناس اولان محمل لده اختیار
 مکت و قمر الیوب مغر و خلافت جهایله طوائف لشوانک بو
 مقولا اطوارنا مشروعه و افعال فنیجه نامعقوله دن منع

اولغری اتم ثمان دینیه دن بویله امر سقیم و منکرک منع و دفعیابند
 امرها یون ملوکانم شرفخش صد و دایمکین و قرن فی بیوتکن نظم
 کریمه امثالاً محرمی وادی اولان قطعاً منز لندن طشر جفیوب
 هو ایجن محرمی واد سینه کورد بر مک و محرمی اولمیا نلر عام و سائر
 حوایج ضروریه لری رویت لازم کلرک صغله فراجیه و لباس
 فاحره ایله طشر جفیوب ثواب غیر شرعی ایله اهل نسا و عجز طایفه
 اشکالند بول و وسیع فراجیه ایله جقوب و بدو موجب دکا کین و
 پا زاد لره و جمع ناس اولان محله ده قطعاً ارام و قرار ایلیوب
 مصلحتی رویت و در عقب منز لر بنه رجعت ایلمک و پیشه یار
 اولدیغی ناس و با حصو صر صاوة جمعه ایچون شریفه یارون
 بویله حق جامع شریف کد دکا هندی نسون طایفه سندن
 نفس واحد بولغا متی وزن اصحاب بیوتک جمله سنه فردا فر
 تبیه و ناکید و منع شدید ایلمک اوزن ائمه محله مجلس شرعه
 احضار و هیل لر بنه علی حق کیفیت مزبور بی تفهیم و تفریر رله
 مهیات دیر صد و اولان امرها یون واجب الامتثالک انفاذ
صورت اولر سنه کالاهتمام و دقت نام ایله کر مکتوب حضرت
صد و اعظم و دضمن بشیر صدارت و تسلیم مهر و کالت کبری
 اقتضای تقدیر عنایت سیر جناب باری و حسن التفات مکان
 سمات بها نداری ایله اشیر شهر ذی القعد کشریفه نکا دن
 النبی مبارک احد کوفی عوارف سنیه خسروانه دن مهر شریف
 و کالت کبری دست صداقت بیوست خالصانه مزه اعطای
 خلعت موجب البیعت صدارت عظمی و شرافت خاص بوش مجتانه
 اکسا ببولغله اسند عای توفیق عزیز سبحانی ایله تسویه
 مصالح عباد و نادیه امور دولت علیه اید بنیاده قیام
 اولغشد و همان جناب تسهیل فرمای خطوب عالیان جل شاناه

حضرتی جمله فی توقیفات علیہ سنه مقرون و رضای بمن
 اقتضای ملوکانه بم موافق افتاد جمیع به مهون الیه امین
 شوکتلو کر متلو قدر تلوها بیلو ولی نعم عالم افتد بفر حضرت بزرگ
 زمان سعادت افتد آن خسروانده لرند رعایا و برابا و سائر
 بالجملة عباد اللهک غنوده بستر امن و راحت و اسوده
 مظله شفقت و مرحمت او ملری اقتضای مراد مکادم معناد
 شاهانه و اجل او اده علیه ملوکانه لری او لدینی و بوحسب
 دخی انجی هر حال طریقه هدایت دین شرع شریف و قانون منبغه
 دایما اعتنا و دقت منوط ابد و کی معلوم مشیرانه لری و لوب
 بوصود تن تحصیل رضای حضرت ظلیت بنا هی به ابتد او لازمه
 حالز او لحظه ابدی موصوف او لدقاری شمه کریمه مستحسنه لری
 او دن بودند بوبله دخی بروقی مطلوب هایون داخل فم
 و حکومتماری و لان فقرای رعیت و اهالی مملکت هر حال نشر
 انا و شفقت و مرحمت و وجوه مظالم و نقد باندن حمایت و صیانت
 بیاد رب بر له جمله دن طرف هایون جها ندای ایچونه جلب دعوات
 خبریه به همت بیو دملری ما مولیه اعلام حال و استفسار دخطر
 سعادت اشتغال لری سیاق ذم مکتوب مودت سیر کشید سلک و خبر
 و فرستادن نایع سعادت نصیر لری قلتمشند دان شا الله تعالی
 لدی کثرت الوصول جمله فردن مطلوب جها بنا فی و لان حالات و کیفیات
 مرغزیه معلوم سعادت لری او لدق جناب سعادت لری دخی بروجه
 محرم تحصیل لوازم عدل و داد دایما دعایت ایله هر حال مظهر تبت
 دعای خیر سریع اکتایر خسروانده و وسیله اولود حالانه اعتنا
 و دقت و جانب مخلص صافی سر بزرگ دخی توهمان سینه لرله
 یاروندن کاره همت بیو دملری ما مولد

امام زاده ناصح بر اهل ذلک انشاء خوشه اسید

یا ایها المولی الذی الفاضله در دیها تاج کرتان مرصع هل الکلام
غیر کفایت منیع ام لکرام دون بایک موضع بالفعل بین نواز و بجله
جسته طراز کان کرم و معدن هم شغای صدور صدور جادی
عین اعیان جمهور و ضائل نشانم افندم سلطانتم حضرت نریک
حاکمای قدم و نعلجه با پوش محتر مرینه حبیب فرسای قلوب امتداد
بقای اصل و فرع و از دیاد نشو و نمای ذایع و ذرع ابجود عا
اجابت قربن تحیل مایه مفریق و تحویل دیوان قبول رب العالمین
اولیقتما سنده یوز اثر زائمه کربیه اخلاق رحیمه لری مقتضای
بودهین محنت و مہین غریب اولان عزیزین مهر و محبت و عزیزین فراق
و حسرت نریک درد و بلای دوری وجود و جفای مجبوریدن
مبتدا اولدیفی و اعضاء بی دوائی اختلاله و مہین من بر عرض
انفعاله حلیمانه بر سنوال شفقت ایلله حکمانه علاج ترا ساعه
همت جایز اولور سه الحمد لله تعالی چشم شکر و شکایت بیند دایر
مہم و معلول و علت میاتند حایر ایکن بر دم خرم و سعید ده
مصطفی بک قولری شریف و ترجیعات در دیار کمر نثار ایلله کوش
انتظار ی تشیف ایدون دل مخزون بزم مرده یه مرده بخش لایق
سرو و خاطر فائز افشوده یه فیض رسان حرارت شعور اولمشک
ثانیا بحال مسنبره اولیای نعم همه کرما کرم و خاطر خطیره ندای
لا و نعم جمله نمازم هم اولدیفی اشرابندن نشو و نور توی نشاة اخری
اولمشد در همان خلای ذوالجاول دن نیاز و سنوال بودر که کطام
حضرت نریک یوبیت عربی یه ماصدق ایلید العام الف شهر و کشور
الف یوم و الیوم الف حین و الحین الف عام و یوبیکس غریب قولری
دخی استان سعادت اشیانندن دور و منظور نظر لری اولدند
مجبور ایلید اگر چه بواند دکیں حقنوده اولاند ببرات مشققانده
و ملاحظات حادثات لری و مہینده ده اعلا و غایه الغایه دکل

ایدی که حتی لطف ترکیدینه افلاطون مفتون و حسن تربیتی از بسینا
 دستور العمل قانون الیه بزم اقبالنی یارالمسون دیرسه فلک کشی
 با قدیمی چراغ اوستنه بروانه کرک مضمون نجه بند بیکسل اولمشرد که
 تفریح کرب کونا کون و تفریح قلب مکسوم و مخزون باینده سلسله هم
 وجوده کله جاک والله العظیم سلطا عندن غیرری کسته م یوقدو همان
 خدای لایزال شرقی تشریف کنز الله سعد یاب بیوروب ان مع العسر
 چو لیسر شرفا ست شاد بر اسم که کلام خداست مضمون نجه بند عندن
 ازاد اولوب نظر کیمیا اثر کنز الله منشرح الفواد الیه امین علت خلقت
 هنزه هزار عالم شفیع العصاة فی یوم اکدم بنم اخدم الفاظ عبودیت
 نامه فرناد بر برابر و دیک و ترکیانه و کلمات مملکه سی حد دن ببرد
 جاها لونه اولوبی عجا که الوقت دکان کوشه سندن عطا و دن کفاد
 اولان دوات و قلم و کاغذ دن نه مرتبه نظام انظام صد و دایک
 دس یوس معارف پناهه سزاوار اوله همان نهایت و دجا و عنایت
 تحتا غفره نوب هفوات و ستر عبوب کیوان اولد یغنی هن پاک دوا که
 نهمان دکلدر باقی نه دیم که اولیه معلوم شریفک

لقاب دیگر است نوشته بجانب وکیل فراشت

اشبوس سال شمالی مخضف دواصل قوافل مجاهج هدایت منهاج
 موسمی حلول ایدوب نادیه تخلیم تفحیمی اوزر مره واجب و لازب
 و ایفای رسوم عبودیتی و ادبیه موجب حصول انوار اولان خدمت
 فراشت مورت المفاخر تترک او اسنه طرفزدن وکیل اولد یغنی
 حسبیلله دبدنه سالقه اوزره ادسالی عهد مره لایدا اولان خدمت
 طبیعه معنی کنز اولمن اوزن بود دفعه التون طرفکرخ ارسال اولد
 مکتوب مودتمون مخزینده بادای اولمشدر ان شاء الله تعالی لایک
 الوصول قبوله فرین بیوریلوب حسب و کالت و رسوم سالقه کنز
 اوزن عنوان شرفنامه اجاولی نوشته لولا که لما خلقت الافلاك

اشفع شفیع بوم انجز و توفیق رفیع خیر الورا افندیم حضرت نرینک
استان مغفرت اشیا نرینک حالک عطرنا کارینه جبهه قرسای
حضرت غانه ایلده نفاوه صلاوة وسلا ممری مرقده منور لرینه ایلدغ
وجهره سای خوشوعانه ایلده علان نجات نفع نا ممری مشهد
معظم لرینه اسباغ و تمناهای شفاعت اعضا و بجای عنایت کبرا
لرندن کاوجب علیکم وعلینا اداء رسم وکالت وانباء عهد
عبودیت بدذل همت بیوریلوب وسائر مستجاب الدعوات اولان
مقامات علیا واما کن بهشت اسالوده دخی طر فیزی دعوات خیریه
ایلده ونذکار و مقرون سلامت دادرین اولماز متنا سبیله سرشک
نیازی ایثار و تنار ایلوب حین انصراف حجاج ذوی الایهاجن
منقر صحت و عافیتکن و باعث مسرتز اولان مکتوب جالب افلوکیز
او ایلله یار و معاد بوم کمر ما مولد

بجا و رات مینه منور دن نخبه اوطان عرض دعوات و ایلدغ حاجت مقیم

سعاد تلو سها متلو مرو تلو او غلم ستوده حصالم اغای علو کشتان
حضرت نرینک مرکز ارای دایم فیض اباد مجد و ثمال و نضار بخش
حدیفه العز والاقبال اولان نادای بزم دلارای بهجت اشفا لرینه
شایان دست نیکم و پیشمارنجیل و فتحیم ایلده اقتطاف کرده
روضه اجابت اولدیغم کلدسته بهشتندن خوشیوتر از اهر
عنبر شمیم دعوات نواخج الارشام و شکوفهای نوبخت نجات
مسکنیه اختتام عرض و اهدا و کلشن ارای مهر و مکرمت اولان
نحال خاطر خطیر خلعت سیر لری سیرا بکرده شبیم استقصا
فلند نفی خالوند عریضه اقبا الحواء مخلص صادق الولا لردک
جناب سلطان سلاطین العظام و ذرة التاج اضر ملوک
نخام شوکتلو مهاتلو فد و تلو کرامتلو ولی التقم و العالم مالک
المرقاب و الامم پادشاه محمود العاقبه شید الله ارکان شوکت

وابتداء ایام دولتیه الی یوم الباقیه افندم حضرت نیک فریخته صبحه
 فیضنامه دوفاته لرندن افراز و احسان هایون بیوردون
 دز محبوب سکه حسنه ایله برصد دسیم ساعت عطیه هایون و
 جناب سعادتضا بربنیک دخی محبوب هدیه بجهت بخت مقرون
 اولمق اوزن ترتیب بیوردلینقی مضمتن و مشتمل فرستاده مکتوب
 دلهربیری ایله مازالکذکر عطیه علیه لری غزنو شهر امینی افندی
 ثنا کارلری و ساطنیه بر حین شرفهیند و اصل دست نفیلم و نیکرم
 و هزار سرورنا محصور حاصل اولوب لطف و کرم غزین لجه حاصل
 و سربها هاتمی بیوسته اوج اسمان بیور لطفه کالاداد و خنوع
 و مزید حضور ایله دعوات غیرته لرینه دست کشا و اماکن احوال
 سواکن منیر که ده ذکر و ثنا لری علی وجه الاتم اسبایغ و آدا
 اولوب و علی الانفراد صلوة و سلام لری دخی حجره معظم رسول
 الله صلی الله علیه و سلم حضرت بربیه تبلیغ و شفاعت عطا لری
 استرهای تبلیغ اولمیشدر و بخصی جناب حضرت شهریار لری
 سبصر احشاشام ابد الله ظل رافته علی جمیع الانام افندم
 حضرت نیک دوام دولت و الامنزلت و بقاء سلطنت و
 شوکت لری دعواتی لالعهوض ذمت عبودیتله واجب اولمغه
 حق سبحانه تعالی حضرت لری وجود هایون اجمعت اند و شاهان لر
 ارایش سر رخا وقت اقتران و شعشعه دکاب خورشید لمعات
 ملوکانه لرنی ضیا بخش چار جهات جهان ایلله امینی و شرای غلری
 دخی سابه اجنه جهان دایدن یکام و بر وجه دلخواه اوال
 سرمنزل مرام ایلله امینی و الحمد لله رب العالمین و صلی الله و سلم
 علی سیدنا و هادینا و مرشدنا محمد زالا امینی و علی الله و اصحابه
 و خلفاء الراشدین و علیکم و علینا معهم اجمعین اللهم انجی امینی

صورت امر شریف عالی شاندر

معلوم اوله كه اوده دن برو دوت عليه مك بعض مصارف جسمه
و مواد ضروريه عظيمه سي و قوعندن برو دوه نعم دوت عليه
واسوده حرام خيابان سلطنت سینه م اولان و ذراي عظام
و ميرميران كرام و رجال بنام اعانت و ايفاي مراسم خصوصيت
و عبودينه مبادون اولنه كلك يکنندن لشفقه اسلاف كرام
اولان سلاطين عظام انا و الله تعالى را هينهم الى يوم القيام
حضراتي و قنارتن شهرابين و سورتخان و بعض اينده جنبه
و قوعندن برو وجه محرر طرفلرندن على راينهم دست او بر و هدايا
نايله اعانت و استعانت ها لنلري نيمه فريده مرضيه و
شنشده قويه مستحسنه اولديغي جمله مك معلوميد و بنا
عليه بوندن اقدم اصابت شران فضايله فوده و ما د
فنا اولان سرايهد و اعظمي مك امر بنا سنده خاصه طرف ها بوند
بو ذبك و جانب مير بدن و دخی سكران اوج بلك غرض احسان
اولنوب انجي بناي اعظم اولديغندن امتعا في ايله ختامير
واقام اولنوب جعفي مقرر و سراي مرقوم مقصودارت عظام مقام
و كالت كبرى اولوب محل رتق قنق امور مهمام و مركز دائره دوت
و تمسيت مصالح اقام اولمقندن ناشي شان و شكر دوت عليه يه
لايق اولديغي جمله بنا و اجداسي امريزه اعانت جمله مك واجبه
دنت و لازمه عهد ديا نلاري اولمق حسيبله بالجه و ذراي عظام
و بعض ميرميران كرام و رجال بنام طرفلرندن برو مقدار وجه
اويره ترتيب و دفتري و كاپ مستطاب خسروانده مد عرض
اولنوزن بالاسنده مساعن ها بونم اذ اوقى قلنمشد ديو خط
هايون مكارم بونم كشتين قلنوب دفتري مرقوم بخبر و ترتيب
اولنوزن جمله مشا و موصي المملك على ندر مرا تيمم حصه لري
مخضلي بايند فان ها بونم صاد و اولمغله سنكه و ذير مشا و كيك

سنگ دخی حصه عبودیت و سهم اخلاص و دیانت که احصایت ابدن
عروش مباشرتین و همان تسلیم و ارساکه مبادت ایلک فرمانم
اولمغین اشبوا امر شریفم اصدار و موی کیه ایلله اوسال اولمشد رابعه
و مولود محض نعمت و سرمایه سعایت و رفعت مداید رای مبلغ
مدکوری طیب خاطر و صفای بالی ایلله تدارک و مباشر موی که نه تمام
اد اولستیم ایلله در سعادت ارساکه مبارک و بویه ایلله فقرای عمریه
ساکبانه و تکالیف طرح و تحمیل ایلله ظلم و تعدی و جود ازیه بقصد بند
مبادعت ایدوب مجرده هیان غیبت و غریبه حینت کدن صرف تقدیریه
همت ایلله تحصیل راس المال رضای شاها نه مد سعادت و خوار
و رسم عبودیت منافی و منع و حال کدن بغایت نخواستی و مجانب
ایلک یا بند فلان عالمیشا منم صادر اولمشد ^{سود}

توضیح نامه بحجاب و زوای عظام علی سیاق تبصیر کتری

د و قلوبنا بتلو عا طفلاو مزید و جملو ولی التقریم کرم اقدم
سلطانم حضرت لری دولت اقبال ایلله صاغ اولسون حق سبحانه و تعالی
حضرت لری عامه مسلمینه محض خیر و باعث فوز نظر اولان مبارک
وجود هیود بیعت نمود لرین خطا سزا بدوب ظل ظلیل عنا بندرز
کافه انام و بوعبد مسنها ملری اوردن بر و ام و بیحیه کریمه
اجداد کرام لری اوزن دایما منظر فتوحات جلیله و موفق عزوات
جزایله ایلله انا رفیع و نصر لرین مدکور السنه انام و نیک نام
سعادت انجا ملری مشهور صحائف ایام اولمق منیر و مقد و ایلله
ابن عربین عبودیت فرض عین اولان دعای بغای عمر و د و لری
ایلله کذا دین اوقات ایکن بوعبد بیعت د لری خاکدن رفع و
و مد دین کرامدن سعادت او شرافتو امام افندی داعیلری
یدیلله ارسالی عنایت بیو دیدن قرآن نامه علیه لری نور بخش
فرق عبد احقری اولدق بعد کشفیل و کشفیم نه ده فرق عظیم فلنو

استزاده عمر و اقبال لری دعواتی پیوسته درگاه کبریا قلمشک
الله ذوالجلال مبارک ذات عالیترین خطایا دن مصون و دشمن
بدخواهترین سرکون ایلیده امین مراحم علیه لرنیدن موجود رکه
عبد خالص و جا کر مخصوصترین بودندن یویلده دخی ملحوظ الحاظ
عین عنایت و منظور نظر مروت و عاطفت بیولقی یا نیزم و آن

نظم افندی طرفندن و ذرای عظامه محری

حضرت نیک عنوان انشاء فصاحت و مطلع دیوان بلاغت
اولان پیشگاه معارف دستکاهلرینه استعارات ادعیه
مستحایه و اقتیاسات انیده مستطایه ابلاغیه تحسین مجموعه
کبرای پر معنای حاطلری برآورده دست اعزاز قنوب دایما
دو مصرع بیت اقبال لری کشاده و هوان انتظام احوال لری
مستزاد اولمق دعواتی زیورچرین اعمال و مقدمه منیه
امال اولند یغن آنها سیاقده برداشته محب خلوص فرشته لرنیدن

هاشم افندی طرفندن و ذرای عظامه

ذات عالیترینه اولان قدم اخلاص و عبودیت مقتصا سی اوزن
دعای بقای عمرو و تکریمه اصرار اوان اولنوراکین بدیلده
ارسال و احسان بیوریلون کرنامه علیه لری برحق صحت
دهنیلد دسین دست تعظیم عید قدیم لری اولوب امر و اشیاق
مشیرانه لری اوزن مز بودد اعبلری اسعاف مرا یله اعاده
اولمغین و سبیله عرضی عبودیتیم اولمشد ران شا الله تعالی
واصل سامه دولتمری اولدق بونیلد برینه لری خیمایعد دخی
مبارک قلب شریف عطوفت و دیف مشیرانه لرنیدن اخراج
بیو رحلمری یا بنده امرخیزان دولتلو

مدد کتب محمد با شا حضرت لری طرفندن و انشاء عظامه

حضرت نیک صوب شرف اوب و ذریانه لرنیده اولان رابطه اخلاص

و مودته بناء تفقد چگونگی طبع سعاد تلری تفکری ایله طی مراحل
تشبیه و فراز و گشت بودای شکیب گذاراید رک دیار یکم وصول
مستراح و لوب انجی شدت شتا و سودن هوا به بناء صوب فاصوح
عزیمت ایچون اهون طریق اختیار حصص منن ترده قانونی بعد الاجرا
افضل فکن اجداول و ذیرانه لرندن مرورایدن طریق سهولت و فیکر
د مجانبی شکار اولد یغندن قطع نظر محضاً جانب محصلی به اول
قوت جاذبه شوق و غلام اصفا نه لری مقود راحله غریب نیزی
جانب سببی المنا قیاس بنه مجذب و منساق التکمله پیشروی میز
هت دستوراته لرله شهره صوب بلندن لری اختیار وی وادسته
قید بیان و اشعار در همان خدای متعال سلما ل نالوق والا انصاف
مخلص بنه ذریعه لشکین لوعه محبت و انسباق الیه ایتی والاذا
معالی صفات و ذیرانه لرله اولان کمال خلوص صفت متصور صحر
دن ناشی بدل بعض من کلل فاعده سنه مراعات برله استفساد
حاطط عاظم مشیرانه و انبای حرکت مخلصانه ضمن خاصه رفیع
محبت عاومه بخیر و بدیله ارسال نادئ سعاد تحصیل لری قلندی

صورت دیگر از جانب مشا و کیه

همیشه سرای فرخنده سیمای و ذیرانه لری غارق مصفوفه بتجدد ایله
مزیّن و مواید مواصل نواز مجذوع عاطفت ایله مطر ز و معنون اولوق
دعوائی نقد یمنندن مکرر نموده مخلص خلوصی دیرینه لری بودر که
ختیای بلوق مباض السیاق مشیرانه لرله سیفک نام قرینه ده
بیوت اوزن اکین اغاقلری بدیله نرنگ محبت امان لری دین
دست بجیل و توقیر و سرای اصفا نه لرندن ترتیب ما حضری نزول
نفایس بیورلدی بیخیر بیورلمغاله معلوم مخلص و الاسمیر لری و مستند
جناب خداوند ایچون مانن ملاقات قاضی کبر کا تلری کنون لنا
عبداً لا اولنا و اخرنا مضمون شریفه ملو یس و مقرون و انسیاط

سرود مری بد مرقون ایلده امین لدا بد صحبت مستلزم صحبت
و ذیرانه لر ایلده اولان میل و رکون ثنا و دی بحیر و بیاندن برونک
حضرت رب العزت موقت و شتم ایلده مرقوم قوللری صوب و الله
جانب لاقبال لرینه عود و ققول اتمکله دعوت مستقیم المستر
مشیرانه لرینه اجابت خالصانه مری بنا و خاصه طبع سعادت
اصفانه لرین سوال ایلده خلوص طوبیغی افاده و انصا صحتن
نکدن محاکمت علامه بحیر و فرستاده نادئ سعاد نصیر لر
فلنشد و انشا الله تعالی لری شرف اورد و بوندن بولله و
جانب مخلص خیر اندیشلرین زیور کاشانه ضمیر بیلیغی غریب
منتظم نکتة اخلاصی سمیر لرید **از جانب اهل کمال و خفته**
بنم غزلانو **بجانب خود فروشان عرض مقال** معرقلو برادر م
محمد افندی هموان محط شعاع نیراض و امان رب مستعان و لکن
دعاسی زیور از کار سکان هفت آسمان فلند یعنی نبی ایلده نماین
مخلص محبت نشان بود که اسیر حسین نشینه بدیلده رفیقه سوز
کذا دسلیس العیاده کز واصل و لوب صورتا بو طرفه کال غینکدن
ناشی ملاقات حصو صرح بنا کلامی اساس افرام و اذکان ابرام
اوزن تاسیس و احکام بوردن سینه مقصود استکناه الخلاب
و محبت ایسه شرح کتاب قراق و تحشیه متراشینا و امکان مرینه
منجاوز اولد یغنه سفیر الغیب اولان قلب بی عیگری اشهاد ایلده
طرفیندن استعلاوم و اعلام ایلده ملاقات امکان بزر و اولسه
مقد ما کوند ریلون مکابندن اشارت اولنان دعوته تابع
اولور دیکن کال لزومکرا و لمغله بعد مسافه و اخلاص اقالیم
ما فی اولسه انضمام خرج راه ایلده محصور ادم کوند ریلوب کون
احصار بکرم حواله کمند همت مقرر ابدی و استحصا لکرا قضای
امال مخلص و محبت برورد و لکن دعوت اولسه کز خیر مرینا طو

اوزن و ارب اگر چه بخایت ایله وان در وان سفر لری نفیری ایله سیم
 خام و جود بکزنش محنی عرب ایله بخته و قال فقصا نکر هر هنر کال
 اولمه سنن قیل و قال یوقدر لکن دعوت نامه مزو اد بیگی کی اوله
 افارب تعلما نکرله ملا و ن کوی مشا و ن ایلد کیکر ده جمله سی غلشرف
 سودایه او غرامش سیز دیوب شریف نصیح و بند وادویه قید بند
 ایله تحلیل ماده و تقلیل شوق و هوا کرم نقید اید و لر فانی طول سکت
 سببی ایله قاهر نك دقایق احوالنه واقف و خاصه اسرار دخی
 عارف اولان دباغ زاده مصطفی غایه واد و موداد سز چلبی هنر
 غزیه کید جک و فنکد و دیسه جاننه مشند و لکن اولد خوشا فکره
 نر خاتین زبانه زاغ و بروپ دیا و مزه کوه سنک کی یکانه عصر
 محزون خدمت ابجون شرفدن غزیه سفر اید دمی ایش مقصود عثمایه
 انساب ایسه نوارد ایدن دن حرکات و سکنات مشرب کرم موافق اولانک
 دعوتنه اجایت ایدک طبیعه او صامتی عارض اولورده مرحله اولی
 براق ممکنه را تا یوز مرحله برده ندامت طاری اولسه فانی اعیوب
 ابرامکرله اولمش معنا اولمغله نه حال ایسه انحلال محقق تقدیره دک
 ذهابه نوش تحمل اولمغه محتاج اولور سیز دیوب ترتیب تدبیر توفیق
 واقا منکره بذل نقد وقت این جکند شک یوقدر فانی افاضلند
 اولد یکنز اغا دعوتی سماع ایدر ایسه ترقی رعایت ایله بخیدید
 اسسضحاب ابجون بذل دقا نر صغرا ایلد کلونع ترا فوش میل این
 جک نر طره کلز دکلر فرضا جاذبه شو فکرنغالب اولوب مرافقت
 رفیق تو جهنرله جیفوب کرسی مالک اسلامیه اولان استیابنول
 بهجت شموله وصولکرده زیب و زینت پای تحت خاقانی بی سیرو
 نماشا ایدنجیه دک و فنکر کچر حاصلی بمقبوله اعذار و اوده سدره
 اولسه صورت وصال بھر حال اینه حصول جمعه کرا اولوردی
 احیایه مکتوب تحریر نرده وقت مساعی اولما مغله اعتدال و نقایه

و جمله به اباوغ سلام و دعای جنایکری تو یکل انمیشد در باقی مثال دعا
ارباب معارفك بربر لرینه افشار شوق و غم

سنانه ده معقد اولان علاقه دیک شوق و غم سرپوش انداز
صبر و ارام اولمیوب المراسله نصف المواصله مدلولیجه آثار
عاقبت لرینه تکران و در قیافه نشاط افزا لرینه سامعه کشای
دل و جان اولوب و دودی ناسیس مانی موالات و موجب
سرور انساط اولور خلوص نامه لری و دوی یلیدیکی یانه جرم
منع العفومك چرا سیدر حقوق اخوت شرطی و در جمله لطیفه
لر یله نایید اولدیغی صبر منبر مهر نوری لرینه هویدا ایکن ساره
عاقبت لرین مشعر مفاوضه کراسلیر یله جانب خلوص پیشه لری
یاد و اسعاد اولماق رواداشسته ارباب معارف اولمیوب
کاد بیوفا احباب خلوص نمایی فراموش خود معلوم در قالدیک
جناب رفعت نابری یله سنانه ده مربوط اولان رشته جیل المیزان
کسسته و انفضا میز بر اولسی عیدم الاحماله

دیگر لقاب بحیث کستر

حضرت لربنك نادئی بحیث فزا لرینه مراسم توقیر و لوازم تجلیل
ایله از هیز ادعیه متوافر و انون انینه متکاش اینا و تشار
قلند قد نصکرم نموده مخلص خالص البا لریدر که میانده مربوط
اولان علاقه اکین ددو فی مضضا سنجه پیام عافیت ذات
سمات لرینه مترقب و دید کشای حیرت اولوب سلت و فیره
دن برو بر و رقیان ایله یاد و اسعاد بیو و لبوب انداخته وادو
نسیان بیور لیدیغی مورث کد و اولمشد رهان سیر عزو افتاکان
برقرار و پایداد اولماری و عوا یتله اوقا نکذا د اولوب اطاف
ورقاه بحیث بروان و سیله خواه ایکن موصل رفقه عازم
وداهی و ملقه عنقه احد صنما تحیر و امل و فرشتای صوب سعادت

اقتوا لری قلمشده دان شا الله تعالی لری الوصول بودند ن بویه
 بو مخلص خیر اندیشارین درون صفا مشغول نرند ن طرد و ابعاد
 و نسباً منسیاً فراموش بیور میوب باعث سرور اینجا جم اولور
 نوازشنامه نامبری ایله یاد و مسرور کفواد بیور ملری افرم
 مسنولز در کم و رودی معیب عیو را ایل یکی شایسته دیان میتران

لقاب دیگر نوازشنامه

کل کلزار معارف بلبل نفقه بردار عوارف طوطی سخن ساز شکر نشا
 ز بین الامثال ناددا الاقران برادر باش برابرم افندی حضرت نرنگ
 نمونه نمای بهشت برین اولان مجلس معارف احتوالرینه اینا د
 کلرسته تخت و ثنا جمله به تقدیم اولنور هو ان کلین اقبال لری
 فیومنات نسیم ایله کشاده و سپاره ترا و ملدن اولمیه خالی حیره
 محمد واله العالی سم مودلری توح و ترشح ابدوب فطرات
 اب تبسان الطاف الهیته دن صدیحه وجوده بروریش بولا
 جواهر ذواخره دن تحفه درویشانه و سل نکشت دست
 محبت لری کر کشای دل بر ملا ل مخلصانه اولوب طرف خیر اندیش
 استعمال بویلق طبع صداقت نشا نخطور ایدر انیسه الحمد لله
 هنوز مرغ جان شکسته بال گرفتار عقاب سر بیخه اجل و مطوب
 الان دانه چینی فرمینی خیبات اولوب دوز لبال جناب رفقا بکرم
 اسناد دوز افروز لری دعبه سنده دست کشا ویرداشته دکاه
 بی نیاز اید بکرم ریب دیان میتراد عیب ما خلی مدند دکه لغباد
 سان سلام متکرم مترقب و غواص فکر فقیر حسرت بین در کربهای
 خورشید انا دیکر مییم شوق و اشتیاق دن دست اسیر کنوز
 فید و فکر دن اکین محمد غم حلا دهد فرزند اخبار بدوخت کم
 مکتوب سعاد عشق بکرم عبادند دطایر مرغ زیبال اول
 منظومه که نشا لری بروقت ابر کم دست غرنخو اهلرینه

وصولن دل و جان تشنه لبان بر مرتبه شوق و سرور دن تشنه
 یاب او لمشارد در که تغییر و دستگیری قابل امکان دکلر بست
 نامه اش دره نشان از چمن حی خامه اش کشته زبان از دهن
 شاهد از مصداقیچه هر سطر بر منظومه لؤلؤ مکنون و هر تفری
 بر نکته پیسند به مضمون او لمخله کو هر شناسان ادب معارف
 سلك نظام زد و در کرم معان نظر در صامحه هزار تحسین و قلم سخن
 اند و در کرم صد بار ازین دیوهری بر گونه پسند ایتدیکه طومار
 عینیه کردار کز سرایه افتخار مضار و لمشد بر ما مولد که عادت قدیه
 مخلص نواز و فاعل مستدیمه خاطر ساز مصداقیچه بو طرقت
 خیر اتیشلرین خاطر شریف فیض مظا هر لرندن اخراج بود میو
 دسم دیرینه او دن نوشته انا مل معارف شکار و نگاشته
 اصابع بدایع نکار لری اولان طومار خلعت و نامه مسترنا ایله
 ساره سلا متلرین اشعار بود مغنه همت بیور لر
 القاب دیگر اهل معارف بجانب کبار بروجه متون صنع نوشته
 رشک زعفر و دنک اولان استان رفیع الایوان لر بنده عمر مخاصو
 ناتوان بود که کشت زار اما لری باران همت صاحب دلان
 ایله سرسبز و خرم و زخم خورده خار غریبان اولان بیجان کان
 خوشه نصیب خرمسگاه مراد ایملک شبوه کریمکاران اولغه
 بیت بنحوه سرفراز اولمجه لطف ابدعب خاکدن قالدر
 دجای التفات کله صادر ادم چونکه دامانده زمره سی و داد
 رون عند لب معجز بیاند حقا که اول ذات ملک حضرت
 کضا و تن مرکوز اولان علوه همت تبیل نوازی مقایله سنن ثنا
 خوانلرندن شایسته عرصه کاه قبول اوله جفی خلوص
 عبودیتدن غیر بر جیسنک وجودی موجود اولمده فی ملوک
 طبع نکه دانلریدر بیت انک که اوله نثاری جواهر اخلاص

نکاه زعبته کم کورضانی اذانی کرمکاد امواعد عرفوبه ابله
 قربان ابله دمیسته کورالملکی واکورسبوب کلشن امیدمالی
 ترتیب خورشید انور عا طفتاری مشکنا کلزار بی عزرا الملکه
 همت بیورب الکرم اذا عهد وفا مضمونی اوزن عرصه پیشگاه
 والاری ولان احوال نتیجه یزیر اولق ممکن اولور ایسه نور
 علی نور متنع اولدیفی صورتن بر غیر بسی جلوه کرا قضا ایدر سه
 نود و لثان قریب من الزوالانک واسطه سیله یا خودا کر
 اولو ایسه نخل مراد دولجو یلرین هرنک نخل یزیر سورسود
 بهجت افزا ایش اوله **لر و عبه اخر نوازش دیگر باهل معارف**
 ارباب معارفک کرین سی و اصحاب عوادفک ممناز و سر فرزی
 حضرتلرینک همیشه بنان قلم مشکیا لر ی کرم و دسان اقلوم
 اولقمق اعبه سی باغند و الاصال نکرا د و تذکار قلند قد نصکم

القادر دیگر

معارف کونا کون شرفند اولان ذات ستوده هصال حضرتلرینک
 نزهتگاه معارف کال اولان نادئ معالی اشما للربنه و عزت
 اجابت الانا و بدیع الدنار ایتادی سیاقند

سیاق نوازش دیگر باهل معارف

حضرتلرینک پیشگاه معارف پر و در لربنه انواع نوقیر و احترام
 برله روی نیاز فرسوده قلند قد نصکم بنم سماحت و حقایق
 پر و دقایق ذیو و دقوائق کسترم اخ سر اترم سلطاسم
 حضرتلری اخبار صفا ایتا و سلامت قرار لر ی مخبر مکتوب جالب القانو
 ساکب الکر و بلر لله زاویه نشین صدق و داد اولان مخلص احو
 نها و لرین یا و جناب نعم الماب لرند بنومرتبه فراموش نه حرکت
 صدودی و جوهله ناما مول و جانب خلوصی فراموش لریند
 ذات کریم اسمائیرینجند اولان علاقه قوار سداد و ادوی

هنگاه دیدار فرخنده افتاد کلاک فصاحت شعار و قلم بلاغت

لقاب دثار بر لبه اشکارا و لور و کله **دیگر**

اطان حمامه اشتیاق ایله همجناح سروش اجابت اولان طائر
تیز و پروار دعوات و هلاوت های اصابت اولان کفایت خوشنمای
تسلیمات اتحاد و اهدا وارسته زیور محاسن اولان خاطر حطیر
صداقت سمیرا علی وجه الایمال مراعات واستقصا قلند **فصل**

لقاب **دیگر**

غلبه و دفراد خلوص اتحاد روز بروز متری و مزید اولمقدن
ناشی بدل مواصله اولان مراسلات انقطاع عنده نذهب مروند
مساع شرعی اولمقد یغنه بناد اطان و دقای حمامه و داده ذریعه جو

اشعار دیگر

طرف دولتار بنده اولان غلبه شوق درون اخلاص مشغون انا فانی
منضا عاف و افزون اولمقدن ناشی انقطاع مراسله صحیفه موالا
عدم جواز نفس خلوص شنای و دین کاد ساز اولمقدن بنا عرض جیب

عشق و داد و سیله خواه **نامیده**

سبب تحریر کتاب و موجب تسطیر خطاب بود که اشبوح حامل
الکتاب و صاحب الخطاب اوزون بوبلو الا کو زلو چاقی تسیاه
قتلو ما جری الاصل نام عبد مملوک می حال حیانت و کمال عقل
صحتقد افتاد تصرفات و تفرات قدن خالص الممدن لوجه الله
العظیم و طلبا لمرضاة الکریم و جرات بما وعد الله العظیم
یوم لا ینفع مال و بنون الا من اتى الله یقلب سلیم و رعایه
بما وعد رسول الله العظیم من اعتق رقبة مؤمنة اعتق الله لکل
عضو منها عضوا من النار و خوی لطیفه بنا حاکما اعتقاقات
صیحیح شرعی و تحریر منجز قطعی ایله قید اسیریدن ازاد و کمال طوق
ایلم بعد ایوم احرار المسلمین سائن کی خرا و لب غنیمت و قامت

ایلدی محله ده کیف مایشتاد و مایختاد مطلق العنان اولدیغینه
بنیاد کرک طرفدن و کرک طرف افرندن هیچ احدک منعی ویرمک
دفعی اولمق ایچون اشبو صحیفه کاشقه الحال محزون اولوب
بدینه وضع اولندی وقت حاضری ابراز و تمسک معقول اوله

عشق نامه دیگر

باعث محزون کتاب و موجب سطر خطاب اولمسندر الدنیا دارالقرار
و لادار اقرار نحو اسواردن دارینا یه رحلت مقرر اولوب الدنیا
مزدعه الاخر حدیث شریفی اودن اول کونک خوفدن اسیر اولمق
ایچون بولایبغ حال و لابنون الامن فی الله یقلب سلیم معنا
شریفی اودن عبد مملوکم اولان کوجا لاصل اولوب اسمیله مستحق
اولان غلامی حسیه لله تعالی و لمنااته مالمدن عشق و ادا ایلدیکه
سائر اهرام سلیمین کی باشنه فاعل مختار و حق و لایندی غیر
قطعا عاقلم قالمدی ایجلدن اشبو عشق نامه محزون بدینه و شمس
تخت نامه ولادت و لدیکه بو طرز اودن محزون و شمس

حضرتینک نمونه روضه و منوان و هکونه باغ فردوس جنات
اولان نادی شریف رفعت نشان و مجلس لطیف مکرمت عنوانینه
نسیم شکوفه ثنا ایثار یله منها یخلص بی دیار داعی بی پروا بودک
ضمیر منیر حور و شید نظر لرینه هویدا اولسونکده روضه لطافتدن
بر غنچه تازه و دعنا و حقیقه سعادندن بر شکوفه پاکیزه
و دنیا وجوده کلوب کویا برج شرفدن بر شمه تابان و درج صدق
بردردرخشان و بر نصال بدیع الحال اول ذات سنوده حصا
پیدا و بر فرزند مبارک و بمیون قلوب یوما فیوما هجوم ماه هاول
متر اید الانوار و انا فانما هجومها المتضاعف المقدار ایلد ذات
شریفی که مجد حیات و منظر صفا ذاند و انما محله اولوب سابه
دود عزیز فی همتا لر ایلد الی مزی الدهور و الاعوام صباغ اولوب

افاق دهر و نندن مصون و عمر و قنلری انا فانا افرو فنام

تقدیم **نامہ** **دیکھ**

حضرت نیک مجلس عالی سعید احوال برینہ مزید تعظیمی جاوی دعا
و رب و یادن خالی ننا لراهد اسبله استما عزرا و لدیکه اقسما
بر کوکب فرزند فال طلوع و صدف عزیدن بر دو یکجا ظهور و ابد
در باض حیاندن بر نهال تازه و تر وجوده کلدیکو از نشاد تو عالم

تقریر **نامہ** **فی**

عزیزو مکر متاوسلطانم حضرت نیک حضرت موقوف برینہ
عصر کالای اتحاد و داد سیاقن سنهای مختصره اعیاری بود که
بنم عزیزو سلطانم حضرت نیک بعد از قضای یزدانی و انقیاد حکم
صمدانی که مالک الملک و خالق الموت و الجبر و نند و ضمیر منیر
لرینہ انها اولو که مخبران زمان بر خبر و حشت انکیز و محمدان
دوران بر حدیث دهشت امیر الفایلدیلر که اول نوجوان
زمان و شیرین زبان کرین دوران و پسندیدن جهان جلیلی
هلال دغشان وجودی افاق جوانم ما نند اقباق عالم افرو
ایکن قبل رحماندن کل الینا راجعون نداسی کوشته یتشوب
طروقی بزمرده و کل لطاف حق فسرده اولوب ساقی دمدان اندن
کل نفس ذائعه الموت شراب نوش ابدوب بودا غرور و پرفتون
سرای سرور بر جیون ارنحال کوسنوب جناب صمدیت ماب
حضرت نیک جابندن ارجعی الی ربک راضیه مرضیه اوآنله
سمع شریفیلر بله مشرف اولمش الحکم لله الواحد لفقها و طاق
جرحک نقشی باقی صانوب الدنکه کم کندی مہان خانہ و خلق
جهان مہاندر اما حقیقت حال نظر لوب ان اجل الله اذا
جاد لا یؤخر مفهوم شریفین هو ببادر که هر کشیک معانی
و هر کسک انقیادی اول جابنہ اوله جعد و افراد ممکنا ندر

هری جام موتی نوش و مصاحبت ملک الموت ایله مدخوش اولسی
امر مقدر و دیس حق جل و علاونک امرنه تسلیم و رضادن غیرک
چان یوقدر تنکم الله عظیم کشان قراند بچو و مشدر و بشیر الصابرن
هان الله عظیم کشان اولر هو می جنات قدس کجین استوده حال
ایلوب جناب شریفکزه دخی صابر جیل و اجر جزیل و باقیلره عمر طویل و روزی

تغزیه قلہ امینی یا معاین **نامه** **دیکریت**

بعد الادبته خالصه حالاً سرهایه عمرنا زین علیته لری
اولان فرزند سعادت منبر بیلر نیک روح پر فوج ننبه سمناسی
ارجعی لی دیک راضیه مرهیه ایه کرهده سیغوا سیغوا سیغوا مظهرین
لطاق بر ولری و دون خاکن مضمر اولدیغی استماع اولند قد
کل نفس ذائعه الموت فهو استیغ تسلی بخش خاطر نقریه محزون قلب
شرفیلر بن مشعر مکتوب حالصت سلك تحزیر و ارسال اولندی جمله
خلق عالم بودست مرکز خلاصه امکان اولدیغی معلوم غریز
هان حضرت بار بیک کمال کرهندن فرزند ارجمند لر بن عزیز دعت
و باقیلره صحت و سلامت احسان ایلده امینی بالیتی و له العالی

مرحوم عثمان کتخداک منبغی اولدیغی اننا سندع خبر اولناک نامه

الله سبحانه و تعالی عما شانه فیشر الصابرن الذین امنوا اذا
اصابتهم مصیبه قالوا اننا لله وانا الیه راجعون تکلفات
دبمه دن عاری و جوهله دعای خیر لری تکرارند و صکر معروف
قولریدر که بنم عنایتلو اقدم سلطانم حضرت لری بوکادخانه
حوادث بو العجیل بوندن اقدم نکون ابدن مواد مفید کتوب
منجج هوای عالم الوده سمیت هوام و دماغ کافه انام مختل
و ذکام اولوب هر کس بر دغریبه مبتلا و هر فریضه علت
عجیبه نک استیلا سی خاطر لری برغم و دلری و هم ایتامک اگرچه
ممکن دکلر لکن بو حالت حوصله کزادک جلوه کر مضه ظهور

اولمسی لامحاله حاکم الداد و الدوام جناب حکیم پوهنتا حضرتلرنیک
اراده علیه سى اولان برتکته حقیقه دن نشانات ایلدیکو ملاحظه
اولنور ایسه عقل بسم و طبع مستقیم یومقدمه غریبه دن نشانی
حاطر بادى اوله حق بر نتیجه عجیبه استنباط ایلر دکلدن بر
حقیقت حاله نظر اولندن عالمن سم اولسه خاصیت ترباق
عاطل و کاه بیکاه هم و غم نکون ایسه سرنشاط و فرج باطل اولو
لازم کلور ایدی جناب طبیب جان ساز حضرتلرنیک دکانه
دهری انواع ادویه ایله امتلا ایلمسی محضانه اراده سیله نکون
ایدن جک اسقام حادثانه دوا اولو ایچون احتیاد ایلدیکو
شبهه اذلبه سندن عبارت برتکته خفیه ایلدیکو ارنیک
سعادتو عنایتو اقدم سلطانم حضرتلری هنوز داد سعاده
علیه لهن اسوده حال اکین بو عید قدیم و خیر خواه کندی
تداول افواه علم ایدن اخراجه بالضم کلام تعجب عرفانه دهری
تبدیل مکان مجلس ایلدیکو یوسنانان خاصه نغراتی او طه لرنه
جراغ اولدینغز و قشنگ انیس و جلیبیز هم والام و در بجه سامعه
کوی مطرقة دشنام کزان اولمشیدی الحمد لله تعالی جناب بادی
حضرتلرنیک محضاً کرم و عنایتی و اولبای نعم اخذ یلر بزمک همت
و مرحمتلری جریحه فواد مرهم اولوب حرارت عای کدی بمرزلا
شیر نیکو ارفرحله زائل اولدینغز و قتلرده جناب والا ترا دلرنیک
مرات طبع عالیلری مکدر و مجرد اب و دانه جازیه سیله وادی
غریبه سفر ایلدیکو کدری داغ الیام بریر و دود و نمره قیله
فک اندود اولدی حق سبحانه و تعالی حضرتلری بجا ذات حسنه ایله
مکافات ایلدیه اگر چه بوسرد ولان مقدامانه نظرد اعینر ایله
سلطانک کوشه نشین صیفه احتیاسل مسواقی اولوب
ایچو سلطانک دار و دیار غریبه بولمسی کدری و جوه ایله فضل

کوز غمز دکلدر لکن منلا صانیك در همه کش بیشتر ارباب نوانست
 در بیله خود ایوب بنیاند بلیتک مضمونی ملا خطه اولمغه
 محتاج در همان جناب بادی حضرت باری وجود عالمگیری افاضه حفظ
 ایلله ان شاء الله تعالی او ان فرج کلوب عنایتلو اولمای نیم افندی
 منظر هر منظری اولدیغکن کون چکیان الام کدشته بی بلجمله
 فراموشی بود و نرس بود هر چطرك اگر چه اینسا ط و کد ری
 نقش بر آب کی بر شوی اولمغه نه انشراحند خندان و نه کد و نلک
 نالان اولماد و راجحی حسب البشیره کد و دن متاثر اولماق
 ممکن دکلدر لکن کد روا اینسا طک میانم ملازمه مجریه اولمغه
 بنیاد اوان انشراح کد ری و هنگام اضطراب این اینسا طی فراموش
 ایتمک کرکه و علی الخصوص اکثر یا نشا طی کد ری ولی این
 کلدکی معلومدر یوقد وجه اضطرابکنان شایا الله تعالی فوق
 الما مول اینسا طکن بادی اوله جفی لطاف علیته دیانیه دن
 مستغنیه دکلدر زیر اسیم و ذریه پونه کون نادون سوزان
 وزیر مطرقة ذکر کرده نالان اولمسی ماهیت قطریه سته ایراش
 شان دعاد ایچون اولمبوب بلکه کیفیت سایقه سندن و غنائ
 بر حالت اخریه تحویل ایچون اوله کلدکی بوجا رسوی هسینک
 ایینی قدیمه سندن اولدیقی الحمد لله تعالی یلیر دکل سائر فضیلتکن
 ایلله گوشه ترتیب مصروف صحیح اولماز و جوهر معادن تنور
 طافتکنز دهره قال اولمد فحه هیئت خالک نیره دن مرته
 غیر بوله مرصفوق عقق خون درون فزایش قیمت یا قوته
 بادی و جهر دزین صیر و سکون رعیت کمر بادیه مؤدی اولدیجو
 مسلم عالمدر سیه بخنان دوز کار میل بوده کی گوشه نشین
 حوله سواد اولمد فحه زیور دست اعتبار و منظر نظر کبار
 اوله موز ظلمت شب انکشاف مباصی و محنت وقت و ذوق و صلی

منزلت اوله کلمه در تبرک اما ج اما که وصولی فیض خیانت
 کاندن حاصل اولور خصوصاً بو عالم حیرتن چشم اینده بکو
 نیک وید ترازوی نظره مساوی طوتمد فحده کد دور فاهک
 ذوق و محنتی فکری صفوت خاطر مانع اوله دوشن نظر از عالمه
 هویدا دور عاقلانه شاد اولور بود هرده نه غم چکن بو عاغ
 عالمه سنبیل دولین بر ایشان حال اولمسه زلف خویان
 ایله همه ددر شاهرارک ناصیه سی کرد وکت بیعی ایله مقنونه
 بو لخصه قدری بالاترا اولمزدی شیرز یانه قید سلسله دن
 عاز و کابول و الماس کران قیمته کوشه انز وایه محفظه دن
 مادل کلمه کی طود معلومکنور همان جناب بادی حضرتلری عافیتلر
 احسان ایلیه وان شاک الله تعالی و لئلا عنایتلو مرحمتو ولی نعم
 کثیر الکرم صاحب دت افتخیر حضرتلرینک دخی طرف علیه کرم
 مرحمتلری اولدیی بعضی ثقات الکلم احباب کنون باکو اسطه سمع
 اولیور هم کنزک علی سسوال اولنان احباب کننضای وقت حاله
 ایله اختصار اولنان حالکندند دیو خیر ویر بورلر شمد کی حاله
 عسی ان تکرهوا شینا منو خیر لکم تبشیر علیه سی قدر مایه
 نسلی اوله مز یو طرفن الیمزدن برشی کلز و دیلمزدن کلونانخی
 دعای خیر کنرم رونقصدیر انمزدخی یوقدر جناب بادی حضرتلری
 جملیه عافیتلر احسان ایلیه امینی

ملا طفه طریقه غری علی یک طرفه مخمروار سال اولمشه

بنم اقدام نشا فیض جام عشقیده ناطقه برداز اولان براغه میجر
 قلملری مدت واقف دن بر و بیغوله نشین دوان خاموشی اولوب
 اعصان انا مل سرکد ششید عدم جلیسناک علی سنویدات
 دعوت نامه مواصله مشغله سندن غیریه کرچه مشغله کله
 لکن دلال کارامون باز مواصله اولان دیو چایکروک

دست و پای گرفتار معاقده سلسله دوزخ اولد یعنی حبت ایلده شمشک
 داد و ستاد کارد گذارین احد شده یارای اقدادی اولمد یعنی مده خطه
 پیش و امله یه بر مقدار سدد راه اولیود مکر کوشه ابروی همد اسیام
 در وان شهر بنده نشد بدنه اشارت ابرام ایلزدن اولجه برانست
 ایلش اوله و وجه و جبهه دخی بوا احتمال اولد یعنی متواری برده
 اشتباه اولد یعنی دن فضله گرفتار شبیکه داعیه وصلت اوله
 ماهی جو بیار شهر تلوی دهایا فته تنکای مواصلت اولمغه
 براد الیجی بولوب غواص قهر مرام اولد یعنی سکون نلطم امواج
 سطور بلاغت نامه لری دخی لیل کافی عد اولینور انجی انجی اجاب
 راز و اوین بومقوله شعله نشاط دلفروزانه استناری بیغوله
 فانوس تحلیلین مزاج مستصبه اختفا سنده منشاد کل بریمق
 اولد یعنی ایلدن بو وقته دك تویر خداد مکن صماغ اشتاد زفر لازمه
 حال دن راز مواعین مواصله کی سیرده حبیب خواد کفان قلنصیر
 قولک دك دانع هم محرم سیدن طرح و طردی ایلده علت عارضه مزاج
 متداول برآمد محمله اولد یعنی دن اخلال معاقده علیت ناخف
 خیال مزده عقد شلوار کفر ردل زار قدر دشوار ترکلو خصوص
 شمش کلورق دهنسار حبت ایلده دماغ قبضه یه تفرض ابدن استخداد
 بر فاله اخراج اولد یعنی یو حسته هنوز کریه کمان بالین بسته ایکن
 برینه سر نهاده خیال اولمق اوزن میدراندند دخی خبیر دکلوز
 یوسرباز میدان خلوص لرنیک اسامی دقتلری جریدن عبور دینه
 سپرده اولمغه نه هاکت یادی اولد یعنی حال قولکری سر نیجه حلیت
 ایلشدر ایلان راز خانه حقیرانه مز کجینه در بسته کمر اهرار
 اولد یعنی بناء دسایس لازم الاستناد لری و دبعه بیغوله
 ضمیر مزاولمغه هرنه نقد ریاس یوغیسه دخی کتم و اخفا سی
 مفضضای طبیعت حکمت نصایلری اولد یعنی مشهور سنایه تجربه

اولمندی و تمهید مقد و دن دخی قصد بجز احتیاج دسایس کلای
انجمنی مقد ما برنج دفعه دخی دفع موقوف رفیع کشافلری قلند بقی
وجهله شاهد سمان بدن اما لری دفعه کزین گوشه اعوش
مراملری قزایش لشر احرم با دی حالان دن اولد بقی امبدن شعله
دلفروز کیفیتن اقباس انا ان اجمالی خیا لیله فستله براعد
استطایع اطالک سندن قصد مزجرد ایقاد مشکوه خامه
رسا ند که مفهومی نشان فعل و اثر کون کیت خامه شاعرانه
لرندن کنایه دو خلاصه کلام قولکرتک شبوه دلربای خط
و تعبیر دلبر بر بنده دلربوده لکم افندیک سرگذشت دل داده
لیکله سنک ترا ذوی مردمک دو دین کی عین من مساویه
اکلفه اولمغله دلنوازی بر اعه لرندن ظهور ایدن شبوه
نازنین لک که عشق اغماضیندن عبای زنده لامحاله مستلزم
مکافات اوله جفی و اصل کام اولد قلری امرید بهید
بود خیمیر موی آیه حضرت لریته تحریر اولنان تذکره القاب نوع
حساب شام فراغ میکنم شب و روز سواد بخت سیاهست
روزنامه مرا نیم دوئللو مروت شعارم اقدیم و ساطت زیان
احبا الاله بعضی و قلرده صدور ایدن نوازش بخصانه لری
زخم دودی یزیم القمار بنده مرهم جلیده بندی عذ و اعتبار
اولنو و اینک چند مدتدن برو کنجینه حسن توجه علیه لرند
وظیفه عبودیتیم اولان انا و بخصانه لری بریدار اولمدهنندن
ایا اسامی رفیعتر نبوت یا فته جریده عبودیت اینک قضای
سرکشیدن خامه نسبانه تصادف ایدوب سترده قلتر اشراف لری
اولری دیوبوملازم بد رکاه خلوصار بنک اندیشه اضطراب
پیشینه سی کبوسوی بخت پریشانی کی تفریق و تلاشه گرفتار
اولمغله محفظه جراید مودت اولان صحیفه درون خلوص و شوق

استقصای قید عتیق رفیتز بهانه سیله سرود و لتصیر لری
نصد یغنه اجنرا اولندی علم الله تعالی و بل یعلکم بوین خلقه کوثر
دروان حسن نوحه لری و دلداده صحت و الفت لری و لدیقم حبت
ایله پروانه خیال و خواهر شمع شعله یزم کریتلرینه سوزان
و دو چشم خلوص اشتیاق و دیت دیدار لری ایله ایدنه حیران
اولمغله درون التهاب زده اشتیاق و شاشنه یا شریست
اولور ذلال خوشگوار لری تنزلاً فقیر خانه مرده محال و لغه تجوز
بیوریلور یوخته سعادته علیه ده زانو چین اقامت
اولدیغی کون رخسوده درگاه یزم عالی لری اولمغله رخصت ایله
طرف بین لرینه رخبر حکمی کوند و یلور نوحه لری راغی زدن صابت
رهینری صدور ایدر ایسه اشعار و اشارت بولمق باین کره
بودی میر مومی کیده عکت دمن سبدا اولدقن تحیر و فان ند کر

ای میل سرده کوز لرین اوب بیند اول مهرب

عرضیت سیه کار و عجز الحف موبو

اجمال مالک اشتیاق و اولمغله تکلفات رسمیه تحیر ایله مبارک
سر سعاد لرین قصد یعدن احترام اولتوب بود فقه ابتلا دیرد
ایله مزاج علیه لری بامالا انحراف اولدیغی استماع و اولدی حضرت
حکیم مطلق کیمیا ب کرا نقد لرین وقایه صمد اینسند مصون
ایله علم الله تعالی ذات بیجهال سامی لری دین اعتبار مرده هر تبه
حدقه عالم بلنیر اولمغله چوب قدر عارض اولان عکت زانیه لری
خلیق مردمک اسانیت و یلور الله ذو الجلال و الجبروت انکس ایله
احبابی مکدر انیمه انجور بنه ذمت عبودیت و اولان دعوان جزیه
سربعه انشای لری ان شا الله تعالی توبت ای شفا بخشا کی محبت و عکت
عکت مستغله اوله جوی بی اشتیاق هدر لکن عکته مغرور ذوقه دفع
اجزای نقیضدن مرکب و ذوقیاب شبکدن برهیزه محتاج علی الحق

افق سوانح مواصلت سرت تریاق حمیه و عفت اولمغه مخاجه
صد اعظم راغب **حمد** **اینا** **حضرتی** **قبل** **کوزان** **استان** **ده** **اقا** **تلمری**
 بقم سعادتلو **اثنا** **سندن** **کلیبولین** **تحریر** **اولمغند** **رصدیق** **شفیق**
 فرزنداش اعظم اخذی حضرتی محصول هدیه طبعی نرندن بودغه
 فرستاده بیوریدن شکوفه نکر نک حریر الی زهار نود مید
 بهار باو غت مقوله سندن اولمغه کوشه خلوتخانه مطالعه
 مزده شبیشه فواد مکسون مرنهاده و زیور سرطبله مشاهد
 فلنوب شامه خیال ایله استنظام و دین بصیرت ایله تماشای
 ذوق ایامرا و لدی مزید عمر اوله سر واقعا نرم کوی پیغمبرین
 افکار و کثر احبایله امرار وقت ایدن ازیاب هجرتة تحریرات اصدقا
 مواصله به مقابل و مشاهد به معادل کیفی نندن اولدنی بدی المظه
 بوندن بویله دخی کاه بیکاه تحریرا عترت مستانمزد در حکام بهار
 مجهول شوق ارباب گفتار اولمغه شمدیلاک کلیبولی دهقا نرندن
 اولدنی غره بناء زمین شرون زار اندیشه مزده سوزدن بعضو
 اعشاب بریده دن جید بردسته گیاه سپر فرستاده نادنی
 مشکل سپند لری قلمدی خندال دما غمزه دبا غمزه استغاسینه
 کافید و حقیقی صدیق قدیم سعید اخذی فرزنداشم حضرتی نیک
 دودین لری شغافا شنبه قایله نقیصل و لنور خط کاتب بجای هر
صورت تذکره جمله کز خدایه امانت اوله نزد **بکر** **لقا** **خوش** **امداد** **اخر**
 غمزلو فرزنداشم اخذی حضرتی محمد الله تعالی اسعد ترین سعادند
 سلطان شهریاران دوران و یلغار کافه اهل اسامیان شوکتلو
 کرامتلو پادشاه عالمیناه سلطان مصطفی خان حضرتی دلالت
 توفیق و الجاول ایله مقرر و سلطنت و برج اشرف آفتاب غرت
 اولان تخت بلند تخت جهان بنایه جلوس معدلت مانوس لریله
 هر نیه اوج افلاک بودد قلمی خیری مشرق و غرب اهل البیناک

کوشش بقیه این همه ابواب بهشت ایشد بر جناب جهان افروز
مقدم عدالت تو امیرین واسطه نظام دین و دولت ایلوب
زمان دو ملتند امت محمدی منصور و مظفر و ادای دینی مقهور
و مد مرالیه حق بود که بود مرده روح بخشا اجسام نیم
مرده عالمیان افاضه حیات ناز ایشد

مصر قاهره و ایسی طرقدن بمن قائم ابن امی جلیله ع

تنها سوار اسب دل دل مثال سعادت و سیادت شرف بخشای
ار بکه جای جادوت و شرافت فرزان فرمای عدل نگاه ملک
فرزین بمن جادو تلو شرافتو سیادتو گسترد قاسم داد پیر من
حضرت بنک عرصه فسحه الارجای دیوانخانه سپهر احمد
بسط تمهیدات کالای کرانه های توقیر و احترام ایله دعای
والای مستحیله المثانی که او را در صبح و مسای قدسیان آسمانی
اولمغه خلیف و شایان اولور دست برید وفاق دیانت مساق
ایله فرستاده قند نجی سیاقند نا بجه طوطی لجه مرام خاد صه
مقال حقیقت نمائی بود رسمه افهام اید که خطه ایالت و
قلرو اما ستاری اولان دیار بنمت افادیند حاصل اولان
هنرم بجه زمن و اعصار دن برو بخا و مسلمین و سا طینله ولایت
مصر قاهره به وار دو اندن سایر بلاد و اسلامیه به منش
و متوار دو و لیک حکله اهلوی بلاد شرب و استمناعنه معتاد
اولوب لکن بر قاج سنه دن برو اعادی دین مبین اولان
کفر مشرکین سفاین نخوست قرائن ایله بمن اسکله لرینه و آرزو
از دیار بها ایله اطعام و اشترا و دیار کفار حب و اتقال
اتملریله مصر قاهره به قتل اوزن کلد بکندن محالک محروبه
اسلامیه سکانک هنرم به مضایقه لری اعظم سلاطین عظام
و اکرم خواقین کرام اشرف فرزان فرمای جهان شهر نشسته شه شاهان

دوران سلطانی عربین و حاکمان البحرین خادمان الحرمین کثرتین بخلاف
الاسلام و المسلمین معین الدوله ناصر الفزان و المجاهدین شکرنا
عنایتلو کرستلو قد رتلوا فندم بادشاه اسلام بنه و ظل ظلیل الله اعز
انصار و اعوانه الی یوم الانبیا حضرت یزید مشمول عالم مشمول
ملوک کارهای اولوب هفت عالی نعت شاهانه و حمیت و الامتعت دین
بر و انه لری مقتضایه مبرات و اصناف انوار عدالت ایله ترفقه
عباد و غیر یاروده مشقوق و عنان غریب لری تقویت دین و دولت و
حمایت و مصلحت جانبیه معطوف اولوب بر فایده دین بر و طرح
بساط جداله اولد قاری کفار خسران مال قرالریله عقد سواغه
اولمغین حال استعمار یلاد و استرفاه عباد دین غیری شغل
قالمیوب کتف حمایتلریدن محمولان عباد مسلمینک انکسار قلوبلرینه
باعث اوله حق برکونه ضرورت و مضایقه ایله دلکیر اولملری
خلاف مقتضای مرام اسلام بر و یار شاهانه لری اولد یفند
جناب معالی مایلرینه اولان اتحاد دینی و مصافات قدیمی مقتضایه
کافی اولد هتوت تحت قدیم لری ایله بنجار مسلمینده بیع اولوب از دایر
قیمه طمعاً اعدای دینه هتوت بیع ایله مسلمینک مضایقه کش اولملریند
دیار بکر اها لیسینغ الکر ابجون جانب هما یون تاجدار یلده شرف
یافته صد و اولان نامه نامی هما یون ملا طفت مقرون و شرف
افزایمند صدارت عظمی و توق بخشای شکای و کالت کبر متوسل
بنیان دین و دولت متمم مهام ملک و ملت و زیر اعظم آصف
شعار داماد محترم شهریار عالمقدار د و لتلو عنایتلو سما جملو
ایراهم باشا بئر الله تعالی مایشار حضرت یزیدک صوب
عالیرندن دخی مکسوب معالی مصحوب لری ایله درگاه معاد
قبوچی بلشیرندن افتخار الاما جد و الاکارم عزیلو ابراهیم
اغازین محمد بعث و ارسال اولمغله مثل الارواح جنود

بجنه نماعارف منها انيلف فحوای صدق احتواسی اوزن ذات
 ستوده صفاتر یله اولان تود دینی و تعارف دیر نی کتد عاسی
 اوزن ایقای حقوق و موالات دینی و احرای مراسم خبر اندیشی
 و مصادقات صمیمی بچون بو حال صراحتا لری طرفدن دفعی مکتوب ^{لکنت}
 مال بخیر و ارسال اولمشد بران شا الله تعالی موی اکیه قیو حی باشی
 ایله نامه ها بون شهنشاهی و مکتوب سعادتمن محبوب صدارت بنا هی
 شرف بخش و وصول و مضامین شریفه لری معلوم حقایق شمول لری
 اولدقم مره و ما مولد که اراده علیه جهان باقی به مناسب
 حرکت و لیزر و مطلوب صاحبقران لری حصول لزم موافقت و تماشا
 ایله کشور حسن الفت و مراستی شخیره ایا کتد همت بیور و بی مقوله
 نفع جزئی بچون کفر فخریه موم ببقعه معناد اولان دیار بکن بخار
 و اها لیسین مع و زمان قریب حادث اولان بویله بر امر غیر مضب
 دفع و دفع ایله رفاه حال مسکین و مراعات رضای خلیفه روی
 زمین ایله بودد و دهور و فروندن بر ما بنیدل نایت و ما برجا
 اولان مصافات و موالاتک رقی و تزیید نیه باعث اولور حال کس
 وجوده کتور که بذل قدرت بیور لری باقی هوای عز و قیال در افرام
 و ذرائع **عظام** **جانی** و دشمنان لویا ایال **فریم خان** **لرینه** **قریبا** **مصور** **لرینه**
 شجاعا علو شها متلو بخانیلو حیدر دلو خدیو عالیشان حضرت ناریک حاکمه
 بساط معدلت انبیا طرینه دوی ذراعت سوره و جیز
 وقت فرسوره قلند فنضکر حوسبجانه و تعالی حضرت ناری
 بخانیلو خدو دلو باد شاهی و وجود عالیشان ناری
 خطا ستراییلو بطل طیلل هایونلرین فری فرقدان عباد الله
 زائل الیه امین

رد بنی حاقطی و ذیرد و فن خیر حضرت لرند **زخان** **مشا** **وکیه** **عمر** **ناری**
 صورت بعد انشاء عنوان **الحرد** **و** **بالا** **این** **سیاق** **یوسین** **خیر** **ناریک**

خدیو عالیشان حضرت پری صوب خدیوانه لری نه اولان انجذاب
درون عبودیت مشحون مقتضای سینه بولند بغیر سجد کرده
باحصوصی اوج سینه دن بروشبو سجداسامیه ده دوام
عمر و دولتر دعواتیله کذارینده اوقات و اوان اقباب
جلادت و اقبال لری طلوعنه مترقب و نکملن ایکن بغیر و اقبال
و سعادت اجل اول ایله فریم خانلقی ذات عالیشان لری نه جنبه
و عنایت بیورلدی بغی کوش کذارینده کی خاص لری
اولدقم حاصل اولان سرور شادمانی تحریر بیرون عهد
اقلامدر حضرت رب الانام ذات جلادت فرجایا ملرب
طوارق ملواندن مصون ایدوب کافه امور لرنده توفیق
ازلیه سین و همون ابله لازمه ذمت عاجزانه مزاولان
حزمت دعوات خیریه لریله مداومت و مترقب الطاف
کریمانه لری اولد بغیر محاط علم عالیمری بیورلدقم بند دور
اقتاده لری حقند مزید لطف و کرم لری و کلمه طینه سوره
اکتای لری درکار بیشت با بن امر غنی اشباعلو خدیو عالیشان
افتم سلطانم حضرت لری نکر

وزیر مشاور گهیدن امام اول حضرت شهریار دی به خیر و افان صورت
طرف سعادت لری نه **تبریک** اولان عداقه غایبانه و انجذاب
درون بمرایبانه دن ناشی دعوات خیریه لریله کذارین
اوقات و خیر ساد متلربنه سامعه کشای مترقب ایکن لباس
امامتی اول حضرت شهریار دی قامت و الارینه لباس اولدی
کوش زده مخلص اولدقم حق بودر که فوق مایض و ممنون
و مسرور او لمشدر خدای تجویم بیون و مبارک ایلوب رتبه
جلیه لری یوما فیوما مترقی و افزون ابله اینها لا
شبو سجد منصور ده حزمت دعای و لیای نغی ایله اوقات

گذار لیل زهار اولد بغیر معلوم سعادتلری بیورلدن مخلص
قدیمار بن قریب و بعید خاطر شریفارندن طرد و تبعید بیور
محاسن و محافل و لایای نحمد کلمه طینه کهر بار لری بدینج
وا حیانا و رجحه دلفریلر بله بار و محبور الفواد بیور ملری مامول

شیخ الاسلام آقادی حضرت ندرینه عیبر اولمشده

سعادتلر سماحتلور اقلور مروتلر سلطانم حضرتلر نیک دوست
میدان خانقاه اسمان اولان استان فیض اشیان قدسیان
مکانلرینه کتب و زین دیباجه منتظم اسطور دعای مأثور الیه
مانند بیت الله العزیز الغفور و مراعات و معهود قلند بنی سیافند
معروض ثنا خوان اخلاص موفور بودر که محروسه مصرده
تقی الدین البسطامی نیکه سی ابکیوزنه دن بر و طریق نقشبندی
منسوب اولان مشایخ نصرقلند اولوب فقرای نقشبندییه به
محصول اولد بنی بکری قدر حج تقاریرنا طقه اولمقله بوندن
اقدیم محلول اولدقن مشایخ نقشبندییه دن برارند صحیفه
دعا اوز بکی استید محمد امین کیمیا داعیلرینه توجیه اولوب
مزبور داعیلری چند دوز متصرف اکین محروسه مذکور
اها کیسندن طریق نقشبندییه به انیسایی اولمیان شیخ علی
نور الدین نام کسه نکه مرقومه فی آیین قدیمه مخالف
طرف سلطنت علیه دن کند و به برات ابتدا مکه مزبور
استید محمد امین کیمیا داعیلر نیک هاکنه مناسب دیار قاهره
نشنه اولما مقله سیکه قال شدن کالیدی کداخته یوتنه
الم و اضطراب اولوب بالو منظر ارتقد هاکی صاحب عیار
دار القرب عنایتیه عرضا چون در دو تمدان سالک اولمشده
انشا الله تعالی شرفیه فیه نادی حاجت و والری اولوب
دینار صحیح العیار صبری مخنکرده امتحان کرمیلری اولدقن

منظورنا ظرنا نیر رحمت و نشا لیسته سکه راقص و عنایت
مسو لدر اولیاده لطف و کرم سعادتو راقصو کریم انیم سلطه
حضرت بیکد ر

رواق افرازی شقای صد و فتوی و زبر را را می کند تقوی حضرت

حضرت بیکد مفاخره الیاد یلری لب ادیب برله تلیم و تقیل
ولا زمه ذمت صدق و اخلاص و اولان آیات دعوات انام
عمر و دولتری ناطقه حق ادا ایله نادر و ترنیل فلد یغی نیر
سیا قدر معروضه اصیلری یودر که مطلع لطف کریم
تایش خورشید استخار ایله داعی قدیمی مانده ذوق
خاکسار رهبرده اوج اعتبار بیور یو ایسه الحمد لله
فیضان عنایت سینه لر ایله کشور سواد رفیع کما دقا هر ده
وایه کبریت صحت اولوب وظیفه اوقان و مغله حیاتر
اولان حدیث شرف افرازی شریف عزرا داسیله دعا محمد
و اجدو لرینه حضرت قد انقاس قلند یغی قلب سلیم معالی
بنا هلرینه و رای برده اشتباهد دکلر نردیک و دور
نیر حق شناس و داعی صدق استنباسلری اولد یغیر
مستغنی عن الیسان او لمغله خزینه شرافت جوهر فنون
شقی اولان قلب عنا یتقرون و رحمتما لرین اذهاق
بیور لمیوب عز د یاروی مقاهر و اولان کرمتا مه اضر
عاطفت فرما لر ایله رسیدن اوج علا بیور ملری دجا

صورت نوشته بجانب حضرت شریف

تا بنیم کوه کمان سعادت فروز ندن اختر برج نجابت
سعادتلو سیاد تلونجا یتلو مکرمتلو سلطان شریف عالیشان
حضرت بیکد اشرف محافل و اقبال اولان پیشگاه معالی
اختفا لرینه انواع نعیمات جمیله ایله مزین فراید دعوت

واقفه اجابت افاد و خراید لبس با قصادقه اصابت
مدار اتخاقد نصکم مرا سم برش خاطر خطیر حق شنید
نظیر لری مرا عایتله غایتله مخلص صاف سریر لری بود که
بنم سعاد تلوسیا دلو بخانیلو مکر تلوسلطانم شریف عالیشان
حضرت لری حال اسکه مکرته بآبکند رفیع ایله مدینه متون
منوسیا اولان فضلیر مصطفی افندی داعیلری اول طرف
شرق اطرافه عازم و راهی اولیر بله تخریک سلسله ولایه
بلخت اولشدر سومی کیده اونه دن بر و علمای کرام میانشدر
فضل و کمال ایله متعارف بر نادر الامثال داعیلری اولشدر
ان شاء الله تعالی و توفیق افزون مجلس هاشمانه لری اول طرف
الطاف اصالت او صاف شرفیانه لرنده مشمول انظار
النفات و اکرام بیور بلوب مرهون علامت کربانه لری اولان
امور و تاملیریک تحسین و اتمامه لازمه داعی نوازی
مکادم پروردی بیچن ماسولدر باقی ایم و جویز و سیر و مقام و کرامت

بخایب موالی عظام کتایب قرآنیه

حضرت لری یک مجلس افاضل انیس علی جلیس لری نه فرط حیت و نواد
منبع اشرف فراید دعوات کافیه و الطف خراید شافیه
اتخاف و هو ی برش خاطر خطیر اینیه فاملرینه ذبور عنوان قیه
اکرام قلند قدس غایتله مخلص صداقت آردشاملری بود که
بمجد لله تعالی افاد دعای خیر لری ایله لایس لیس عاقبت او کو
بود یا رفیع المنار قاهره ده حرمات شریعت سبید الابرار
او اسبله دعای اصدقار مداومت اوزن اکین کتایب عنبر
کتایب لطیف الاشار لری تنویر ابصار و وصول ابد و بطلکله
نحوای بیجیح احسنوا سیافاضه سرور بیفایده ایشدر
همواره محفوظ است و قایت الامان و دستغافی اتم

مرای محفل استین شریعت عزایانده

جامع ابواب و فضول اصول فضل اقبال اولان مجلس دارالحکم
مکرم اشما للربنه دقایق تعظیمان عظمی ایله محشی مستور بسندین
شروح دعوات اجابت بیوند زبور سرسپرد بیاجه دساکم
محبت قلنور هموان جاکس صد رکعت بوعه سعادت و کالاوله
احوال مخلصی استیجاری بخور کرده طبع شریح روشناری
اولورسه الحمد لله تعالی قاضی نافذ الحکم روح هنوز
متصرف قضای جاراناصیه سلامت اولوب محصول محکم
حیاتی اولان نفوذ انفا س صروف کالای دعای خبراری
قلند نبی شاهدان عادلان کراماً کاتبین ایله ثبوت یافته مجلس
یحسان علمای شریع خطیر تحفقد درام **لقاباً سلوباً قرانی**
خضر تبریک ملتفی لاجر فضل و اقبال اولان مجلس دارالحکم
معالی اخفا للربنه انواع اکرامان جمیله ایله فراید ناید
دعوات اخلاص نما و غراید ایدار سلیمان اختصا صتما
انفا قد نصکم باعث از دیار نور مشکات و داد اولان
برش خاطر معالی مقدار لری زیور دیباجه دساکه استیاف
قلنور هموان محفوظ سرادق وقایه ریگستان اوله لبر مغفقا
مخلص نوازی کیفیت احوال مزده استیجار بخور کرده طبع
مطبوع الانار لری اولور ایسه الحمد لله تعالی مقادیر
حسن نوجه کریمانه لر ایله وجود بجز مرکز استی امن و سلام
اولوب باهر النصر قاهر ده لادنه صدق و اخلاص اولان
دعای ارتقای مدارج قدر و منزلت لری ایله امراد و قاف
ولایت اولد نبی وارسته منت بیان و اظهار در **مرد و کفر**
اولان و ذرای عظام حضرتان خاندن حضرت شهاب
مفتاح خزانه علم و بیان مصیاع کاشانه فضل و عرفان

خازن جواهر اسرار قرآنی حافظ و زواهر انوار قرآنی
 سعادت نالو بخانیلو سلطانم حضرت لربنیک محفل دارالقراردتوأم
 مدونک خدمت لربنیه مانند رکن قرأت فربضه ذمت صدق
 اولان فاتحه تحیات مجد و اقبال لری کمال تجید و تجرید
 تلووت و ترتیل و آیات دعوات عز و اجلو لکری صوفی حسن
 ایله ختم و تکمیل ضمنت قراء کسائی جامه خاومه محراب احصا
 بوکونه افاده وجو مرام ایدر که بحمد لله تعالی انا و توجیه
 کریمانه لربله برکاتبله هنوز خوش نشین اغوش ام الدین اولو
 وابسته عهد اهما مزا اولان خدمت مامور سلطان بیع موم
 ادراسیله قیام و قعوده تعدیل ارکان دعای دولت لربنیه مؤا
 اولد بقی انشا الله تعالی لوح محفوظ عرش نجابت اولان قلب لربنیه
 سلیم لربنیه محتاج اظهار و تفهیم دکلدر طرف شرف اطراف کریمانه
 علاقه صادقانه مراد تقاع شمس نایان کیی فافا فایزین
 درجه ترقی اولوب عالم خیال هاکت قرب و بعد نامعتبر و مغله
 شیراز مجموعه الفت بریدن مقاصد فرقت اولر بی ساعت
 بر و بردم مرور ایتمز که صحیح خیالیه لربله استسعا داویمه
 همان حضرت خداوند منزل القرآن عز و شأنه جامع انوار
 تنزیل اولان کتاب در سبحاوند ذات عظیم کعبه بلربنیه که
 مجلس افاده سن عام و نافع در سخوان سیمله تعلم و زانوز
 رضی الله عنکم در محفوظ محفظه و قایه الامان ایدوب فی
 اقربا لا زمان رؤیت دیدار مصباح انا و لربله مشرق
 و استماع کفاد در دیار لربله کشف ایله فیما بعد بود و هو
 محفل مدح و ثن لری سیرده حجره شبنان بیور لبوب حدیث
 مامون مرقین بر قرب سلام انعام اولنجیه دکه انقاس سینه
 عبسوی تاثیر لربله بیور ملری دجا اولنود

بورق شاد الهن جان بخور و شهر یاری حضرت زینب عذرا فغان مودد

سعاد تو را قتل و سعاد تو مرو و تلو سلطانم حضرت تریک موفو
سعاد تو واقبال اولان پیشگاه سعاد تو بنا هله رینه غایت
اعظام و اکرام و نهایت ابجال و انعام ایله تحایای محالست
ایات و تنایای مصادقات سمات اتخاف و اهدا و لایحه
ذمت نناوری اولان استقصای طبع عاکلری بر وجه تخم
اد او تخم قلند بیسیا قلند عریضه نناور و بمرالری که بنم
سعاد تو سعاد تو را قتل و تلو مرو و تلو سلطانم حضرت تریک طرف
سینه مکارم کادیلرینه اولان انتم خلوص و احصایم
متفاسخه هر دم او ان ذکر محذت و نثار لریله کرا دند اهن
اولد بقی عرض و بیانه ذریعه جوی دل مشرق ایکن دستان
رقبه نناوری ذین العابدین اغا قولری بعض حصوصه
ما موریت ایله جانب محذت کو بیلرینه و دود و تخم امود
عودت اتملریله مجر دنا کید مبانی خلوص ضمنند رقبه
اخلاص و سیمه تحزیر و فرستاده نادی و تمصیر لری قلند
ان شاء الله تعالی لدی الوصول ناکار اخلاص و سیمه عیلری
طبع عاکلرندن اخلاص و انسا بو رلیوب باعث تفاعل
و اینها جم اولان صحیفه ساسیه لریله یار و اسعاد مالک
کرده شان مکارم نشا نلریده اغای موحی اکیه قولریک

و در مشال الهن جان بخور و شهر یاری حضرت زینب عذرا فغان مودد

سعاد تو سعاد تو را قتل و تلو مرو و تلو سلطانم حضرت تریک طرف

انگای علو ایشان حضرت تباریک پیشگاه مکارم دستگا هارینه
کمال تقظیم و اکرام و غایت ابجال و انخام ایله عرض خلوص
طویم تقدیم و لارنه عهد خالصانه مزاولان نزاید عمرو
سعادن و اقبال لری د عینه مخصوصه لری بخلوص ابال ادا
و تمیم قلند یعنی سیاقه عریضه ثنا و د و امجد یارید کم
سعادتلو سهاحتلو را قتلو عاطفتلو سلطانم حضرت تباریک
دان مکارم سمات و سروشی صفا تباریکه اولان خلوص
درون ثنا مشهورم مقتضا سبجه بنیاده اولان رشته
خلوص نهاد تنایع و توائ ازمان مباحث صورتی
ایله مقدار دن ضعیف بربر اولم یوب مقارین مغوی
دروینه یه افزایش و شوق و غرام شدت و الیش
ایران ایدرها لاتدن و منفله هران محبت و ستایش
منفیر بله تر زیان و عاقبت برقرار د یلری فکری همین و
هما نمر اولم غن بود فیه دخی طبع عاکلر بنی استغنا من خاص
ضمینه رقیبه ثنا و سیمه تحریر و فرستاده نادید و مختص
قلند یان شا الله تعالی د سید ساحت مروت مساحت
اولدین ثنا و اخلاص کار لری طبع عاکلر ندن دوروی
ببر و لم یوب باعث نخر و اینها جز اولور صحیفه ساسیه
سرود بخشالر بله یاد و اسعاد ببر و ملری لطافت سابقه
و ذری عظامه محمولد رحیمی یا شا حضرت لری مصر قاهره
انفصال د دیا قبولد انلی الله تعالی و غریب می ثنا سند
وزیر عیدم انظیر علی یا شا حضرت تباریکه بخیر ایلدی کی نواز شانه
بنیم سعادتلو سهاحتلو حقیقتلو سلطانم حضرت تباریکه هوا
وجودنا دین لری با صحت و عاقبت سریر سعادتن دایم
واوقات عزیز لری نشاط و اینهاج اوزم اگدارد و زکات

سالم اولمق دعواتيله عريفنه دولتمخواه مند نعلری بود که
 میانه ده از قدم خلوص وفا ايله بنیاد اولان قصر دلشنز
 محبتک اساسی کمال منانت اوزن صورت بریر اولد یقینه
 روزنه عالم غما سندن شام و سحر دیلار بر انوار لری مشال
 سبیل دل مشتاقانه مزه تسلیت و سکونت حاصل و نیم وصال
 منزله سندن اولان مراسلاتک هر ان طرفیندن ارسال و نوا
 ثنا و لرین لذت و مخاطبات شیرین ادا لری نفقه متوجه
 ایلد یکندن قریب و بعید وقوع بولان حال و شان و کیفالکر
 طرفینه عیان و بیان اولمق ایچون هر باد سر مبارک لری مضاعفه
 جسارت اولمق در بوندن اقدم ذات والا نصایلی
 یابن و اقبال خون حکومتلری اولان جزیر کرب و وصول
 و نحو قاری شمع بر قطعه کرنامه لری و رودی یالخت
 کشا بشد و نغز اولدق کندی و خطیر له بر دفعه یار جک
 محیر و ارسال اولمق هوز منزل مقصوده و موصوفی
 معلوم ثنا و ری و لمدن بود دفعه دخی استفساد طبع نازنین
 اراده سبیل تکرار دعا نامه تحریر اولمق در حق بود که خفزه
 توحیه تام اوزن اولان دعای خاصه لرینک هدف
 اجابنه رسید اولر بی عادی ایکی سینه اسود توبت مصر
 ایلد فضای عالم طاقتمز مرتبه هیاز وی کشایش
 اولمشیکن عون حق بر له غلبه ثنا و لری طرفندن ظاهر
 اولمق مدت حکومتز نما منک بشراون کوفی طرفندن جزئی
 و کلی حسابلری سهل اوزن قطع و اسلا قلمیزک موقوف
 اوله مد قاری و جمله مفرز و مکرر روی سفید سبز له خلوص
 مطلقا سلطانم حضرتلرینک دعای خیر صادقانه لری قانیر
 اولد یقینه قطعاً استیابم یوفد و زیر ابو کونه خلوص اوزن

اولان د عانك شمره سی صاحبی مصر سلطان واق د کرغ قبور
ایلدیکی برهان قاطع در همانجا ب حق سایه اولمای نمید
جمله مزی برون د لختاه تا تل مرام ایله امین سلطانم
خضر نرینه احسان بودیلون قاندریه سر عسکر یکی ارجه
اول حاله نظر ایراد نره نقصانیت ظاهر و اما حقیقه
نظر دولت علیه نک بود وقت مشاغله نشور شغوعاد
اسوده بر کوشه راحت و هر ساعت اقامتی عبادت
معدود بر ریاط بر میخت اولد یقین غیر ذات
والا نضا بلرینه اسقاط فریضه صلاحالاتی دخی
بشفقه بر کرم رب العزت اولغله مقتضای وقت و حاله
کور شمدیلک منصب سایر یه مرجع اولدی بیبارک
قلب و فیه دانلرینه روشن و هویدا در سلطانم خضر
اولان تختروا شینا قر درجه کاله دسید اولدی یقین
بند اسکندر یه دن کشی سوار اولدی بغزده رو کرد یاده
کشت و گذار بهانه سیله شرف ملا قانلرینه نائل اولموشو
ما فی الضیاعین دولت علیه نک بر بر بنی نقایب ابدن
استیلا لری و ایام شتاتک حاوی بومرا منم و حضرت
داد مرا اولما مقوله الامور مرهونه با و قانها کلامه
تسلیم بخشودون اولدرق مستغنی بالله تعالی
جانب استانه یه شرا عکشیای غریب اولدی بغز معلوم
دولت بر بودلدرق هر حاله محتاج اولدی بغز دعای
خیر اکسیر اسالری کا کان خضر ده مصروف بودلغو
با بند لطف افند بکدر جناب واصل المشناتین مکان
خیزده وجه خیر اوزر شرف ملا قانلرینه طرفینی سر
ود لشاد ایله امین قریب و بعید مالوف اولدی بغز

کرنامه لریده هر بار طر فری یاد و دلها مشتاقانه فری
 حرم و شاد بود ملری یابنده لطف و هم زان کرم گشاد
 و قاعنوا نلر نکلدر بتم صدق خلوص ایله قلب بر تودر
 مشخون اولان بقدر شناس اقدم طرف دو نکلر اولان
 علاقه درونم یو کونه بخیرات حقیقت ایات و تعبیراتم
 ایله بیان قابل اولم یوب هر نه قدر تفصیل اولنور سه ده
 اجمال دخی اوله مزاجی قلب نودا نلرینه مکشوف
 بر معنای حقیقته دحق تعالی دایم ایله امین

مختار کرم و ذریه اولان دگر فراق مشتاقان
 جناب افریننده کون و مکان و زینت بخشنده و مبین اسمائ
 تعالی عز و شانم ذات ستوده حضال بهمتا للربن دوتوق
 افزای سیر سعادت و ادیکه پیرای مجد و عاقبت ابد و
 مطالب اما للری حصو لیلله هر دم و ان حرم و خندان
 ائملک دعواتله دست برداشته درگاه کبریا قلند دخی
 سببا قدم نمائنده مخلص پیرا لربد که جناب سعادت
 نایلرینه اولان غلبه شوق و خلوص نودا دوزیروز
 پذیرای درجه ترقی و مزداد اولمقدن ناشی طر فیندن
 اطلاح عامه و داد خلوص اتحاد عقد بند تاخیر و
 خاصه استفسار خاطر عاظر و زبانه لری حصو صند
 تسامح و تفصیر شرایط اخلاص و اختصاص محل و محله
 انیس و قاعنوا اولان حضال سعید و مناجب حمید لرله
 دملکدار اولد بفری اقوام و اشعار اراده سله قائمه غلور
 علامه ترقیمه مبادن و فرستای صوب سعادت ملری فیندن
 میانده اولان علاقه و اخوت درجه تعریف و توصیف
 افزون ایدیکي ناطقه پیرای زیان حال اولان خامه خوش

بنا بجه ابرام و اقدام ايله تفصيل حاصل تحصيل قیلندن
 اولوب **ن** کوکله مرد دعوی خلوصه نشاهد عادل
 میان راست کویان مجتهد یمن اولمز **م**ضمونی ثبات
 مدعی خلوصه کافید و حق سبحانه و تعالی حضرتلری تحت
 وعایت احسان ایدوب کافه امور لر برزده توفیقان علیک
 دقیق ایلله امین بنم سعادتلو سلطانم حضرتلری بنشاده
 و سوم عادئ اولان رفقه واسعه خلوص تخی و لما منی بجز
 نظر اخلاصه در استر بسه بر بیاز اولسون فهو استخه
 هدیه مخلصانه فرا اولان هر نقد شایسته ذاق عالی
 دکل البسه ده درجه قبوله موصل بو د بلوب بودند
 بویله جانب دل داده دیا ازاده لری ذویه ضمیر ضغوت
 سیر لرندن اما طه و اخلاص و انداخته منسای انسا
 بو د مملری ما مولی الخالص میرا رید

قبل صدر غفری حضرتلری از خیر و غفره

تا که مایه زین علم ماه صیام نشر لوای موهبت انوال
 ایلله بد و تمام اوج اجالاولان صدر علی لرندن ممکن خلعت
 زاهر غفران طراز صیامی بالای والای رافت اختوائ
 کریمانه لرینه کعود و مبروک و خیر ختام ایلله دار القیامه جنات
 مقبض الخیر و الجود نعم کونا کون توفیق و کطاف سبحانه
 شغیله کامروا و لمعات بادقه مهر غایت داو د بویله کاشانه
 ادب باب مهایش و روشنا الملک ادعیه منظومه سی شیت
 و روز مستزاد و طیفه مقینه م قلند بغی عرضه داشتی شش
 عرض ما فی لبال عبد قدیم اخلاص کاشه لرید دکه از
 قدیم ما نوس و لدیغم کطاف کامله لرینه بو سته سنه ده
 دخی نشانان بو د لطفه عطایای عالم بهار لری اولان بو غنجه ممل

ف بنده لری و ساطعته و سید دست تو قیر و نجیم او و غله
 حاصل اولان بخت و سرور و وفور بیرون دارم منظور
 او و غله دعای عمر و دولتی خدشته مانیکر بشد نظاف است
 او و غله در جناب طراوت بخشای گلستان وجود حضرت خود
 فرمود و بود و نبود عنایتوا قدیمك ذاق عذیم الهال برکتی
 غنای لری خوان کنند ارای مجد و اجل و سایه و افتوایه اصغر
 بو چاکر شاکر لا احسان برین محبت و مبالغه ایلیه امین بو بنده
 عطا شرمند لری و دولتی و قدیمك عید خلقه بگو شریاب
 نعم الماب و دولتی و لد نعم عکس انداز طبع صدق سیر
 شمس کریم دیرای و غله او لیا بد

سیاق دیگر جناب حضرت اعظم

ما دامکه شاهد هلال ابروی عید سمنده بخت و قدر و فرزند
 کجیم اق و اوز و سواد اوله و دولتی و عنایتوا و مروت و عافیتوا
 و فی کفم اقدیم سلطانم حضرت لری جناب افرادند و راق
 و سپهر برین حضرت لری ذاق عنایت سرشت رحمت فطر لری
 بالمجد و الاجال کنند اینه برقرار و تو ساقبال و کاف
 زیران و خواه موهبت بنا هار ایلیه امین مجرمه بنی الامین
 حضرت لری دیدند حسنه یتیم نوازی به مراعات بود ملایه
 انبوسه پیمانه جلیله اسروده اعطایو دباون اسب صبا
 غلام ذری حرام مکمل البساط اصفا لری بنده لری و ساطع
 دین چمنصفه و صول و در عقب تقبیل الحام و افتوایه
 بپایه لب تعظیم و تمنای سواد اوله و قدر و قدر و لکش سیر
 دشت خرای تو سن بهر معاد او و غله بو بنده لری ها کدن دفع
 و هر کاب بکه سوار ساحه جرج استی بود و ملایه رفیق دوام
 عمر و دولتی و دینه سی طون بر طوق کردن چاکرانه ام و غله

حضرت ابجد کنگره اسمان تعالی نشانه عن الرب و التقضان
دو لیلو سلطانم حضرت لری مدد و سنی القدر بر مکی مقام لری
مدتی آیام گندام و مسمار بغلیجه خنک و قنار مجد و
علا لری کلفنجه دستار دایان و غیر خواهان و کلنج
نامیه عاصیه بد کویان خون منشای و مظله مراحم
سایه رأفتوایه لری بوندی خلوص اعتبار لری محمی و معیار
وزیر سعادتمند ایلده امین و اعیان محمد بشا حضرت ربک

قبل الصدائ و ذرای عظام حضرت ابجد

جناب نعم الماب حشرانه لریک اوصاف حمید و مداح
جمله پسندیدن لری سامعه و سخی خواهی ریا لراوله
رقی حاصل اولان علاقه درون و انجذاب فواد و داد
مشخو غمز و رای حد بیان اولمقدن ناشی پیام ساین
عاقبت و اجد لری و رودینه دیدم کشای ترقب
انتظار ایکن مجرد خاطر ساز یلرندن بود فقه و شین
بیوریلون بر قطعه محبت نامه سامیه لری رساندن
مکتوب محالست بند لری و ساطنبه اسعد ایمان
زیب افزای انا حل و در ایدوب سخط سلک سلطو
بلاغت مسطوری اولان تعبیرات جمله الفحواکی
مهر و محشری و سبیل انشراح ذروین و ذریعه انبساط
کونا کونز اولمفله نزار محبت ثنای لری تکرار بتلا و
اولمشد در هوا گندام مجر و سمره و نابصر بقادر لری

کخلای مشا و اوله لرا مهند و ذرای عظام حضرت لری

حضرت ربک توتیای چشم خورشید و جود بختای عمر جاوید
اولان غبار استبان جلیل العوان لری کالادان و اسکان
بر له چشم عبودیت تمجید و فریضه دنت جا کرانه ماولا

استدانت ایام عمر و دولت و استزاده فرو خستملری
 دعواتی بالغد و الاصال ادا و تکمیل فلند یعنی عرض اولمق
 سیاقند عرض حال عید کنند بملربد که جناب و اهابا لامال
 دوللو عنایتلو ولی انعم افندیك وجود بر جود عنایت
 الودلرین مکذات و در کار درنصون و محروس البیوب
 سایه قها و ایه لطف و عنایتلرین قریب و بعید اوزین
 داتم ایله امین بالینی لایق یوچار عمقدار لر نیک و حق
 عنایتلو ولی انعم جزیل المهم افندیك انتساب و جود دینم
 قدیمی و لوق حسبلله لیل و نهار خدمت دعای استزاده ایام
 عمر و دلمری فریضه دقت و تحکم عهد صدق اولدیفین
 عرض حال ایله حاکمای عالیمرنه عرض واعلام مترصد و
 نگه دار ایکن قوللری عودت اتمکله تحدید بران عبودیت
 و تکیه رابطه دقتیم ضمیمه مخصوص عرض حال چاکرانه
 ایله تصدیق سرد و لمرنه جسارت قلندی قوللری حقین
 حسن نظر عنایت اثرلری مبدول و عباد سائر لری ذم
 سندن تعداد ایله ناکل غایه الغایات ماحول بورلمی یاش
صورت مکتوب امر و فرزان **بجانب میر فتح برسیاق توفیق**
 دوللو عنایتلو شرافتلو سیاد قلو علو المهم اقدام سلطانم
 حضرت لر نیک اراضی بیت خدا ایله شرف افزا اولان بنگاه
 دولت و مکارم بوش صوب فردوس بر نیلر نه هزار
 صد هزار نعیمات و تکریمات بر له جهر سایی نیاز ماکین
 و دعوات جبر الا سود حاصل که بر تو انداز بیت امان
 اینار و تشار قلوب هموان حضرت حق و قاض مطلق حق
 ذات ستوده شرافتمند لرین وقایه دیانینسند و ملکین
 ابلیوب اعنی من الدهر و اسحق من الزهر راحله اقبال

و مجملنگاه اجدولم در اغوش شاهد اماره دلپسند خوهر
و عوام و غمطه گاه انام او ملری دعواتی نیاز درگاه
بروردگار قلند بی عرضا و لحن خدایم معروض شد ثنا
خوانلری در که حضرتلری ندوون های بونن حالا
خاصا و طه باشی اولان غرتلو الحاج مصطفی اغایتلری
عوافظ علیکجه پادادیدن اشو سال محبت اشمالن
قفتان اغایتی خدمت شریفی ایله جانب مصرفا هم دنو
دولت والا شریفلرینه پادایان کنشای غنیمت اتمکله وسیله
عرضی عبودتمه پادی و فرستاده نادی و الاعتدالدری
قلتمشند ران بنشاء الله تعالی کدی شرف الوصول دامنوس
دولتله شرفیاب اولدقن اغای موی کیده بند لری
صاحب حشیت و پایسته احترام و علوق و وجهله
صیانت و حمایت غنیمتینه بنایان بند لرندن اولمغله
شهد بالعالیکندن مرغی و وقوع بولان اسند عاستک
حصولنه حسنیت و ادای خدمت دو جهان تحصیل ایله عود
وانضرافنه هم شرافتاری و زانی و بوندن بویله طرف
نناجو یارن دخی مبارک قلب عرشا لرنندن طرد و ایسار
نواز شانه بود لحنی بابتل **دگر بحایت و ذرا کرام**
دولتو مروتلو را قتلو عاقلو سلطانم حضرتلرنیک
دولماگاه ارباب غزیه اولان پیشگاه دولت بنا هارینه
انواع تجلیل ناستاهی مشتمل فراید دعوات نضا عت قدر
شان و عزاید تسلیمات عکومتلر دستوراتلری هر شام
سحرگاه تار درگاه خزانة اجابت حضرت اله قلند بی بیاض
صورت های مرات و دون یقا خواهلرید که بونن کاد میرا
وداعی خلوصا تمنا لری حقشتم بی عکت و بهانه الله فی الله

اشکاره و ستر جلیع نمای ظهور اولان نوجوهاق یا برکات
 کریمانه و التفاتی غایبه جوامع مردانه لری حق و حقیقو
 کوش از عان و بعضی متوسطانک لسان فصاحت بیانند
 رسیدن صماغ جان اولدقچه الاذن بتعش قبل العین
 احیاناً مراد اسنجه خلوص و طوبت ایله ایات هر و مختلر
 کالنفش فی البحر سرلوحه ذر مسطر و نقطه سو برای
 دل شبنم و طائل اساهوای کلرک میل و موت و انخراط افتاب
 عالمتاب عنا تیر ایله نجه نجه یلنر حالاً و لمعه قاله کلر لطفه
 مظهر اولدقندن تشقه خاندان رصن الارکان و خاندان
 معالی بنیا تیری سوی دلجوینه کرک کریمه شاکر انعم و
 کرک مکرم اولانلر یا رهدم اولانلر اطاعت عامه پیام
 صدق و اخلاص ایله عرض کالای کریمه و اهدای خایای
 تنای جز للبرن و رد زبان ایله کلرندن یوحالت دوست دونه
 سرایت ایله عالم فریقته لطف و کرملری اولوب مخلص سینه صاف
 دخی زیب کزای محمد بنده دو شمش داعی صداقت انصاف
 اولدقنم حبیله دیموت عمر و دولت و استلامت جیه و جود
 و منزه لیری دعوات اجابت ایات نعم خوشکوار غنسه مفرقه
 ایله تنعم اننا ستم غنسه مبارک دیر رک دستکشای دیکا
 قاضی الحاحان اولدقنم طبع دراک سنجیل نظر لرینه عکس
 انداز اولان حسن جمال کبی روشن و هویدا در همان جناب
 و اهب الامالی نیرا قیالترین بر توانداز جیه و جلال
 و پاکند و الاصل انظار و اثار لرین عباد و بلاد
 اوزن داعی و برقرار ایلوب میامن توجیه اصفانه و
 مکارم بی اعراض کریمانه لرندن داعی قدیم لرین بهره و رد
 دلشاد ایله امین مخلص نواز داعی پروان حق بودرکه

نزدیک و دور من توجیه خبر خواهان لریده کرد و اولیغدن
بود فقه محمد باسابق تقدیرت قدیر ایام خضر و اوان
سفر تربن متعاقب و علی الخصوص بود فقه محمد نوجیهات
علیه لریده ما مورد اولیغم ادروی ضرور من محمد دعاتم
الله عرض اخذ ص با اختصار اقتضای امان خبر اکتون
بود فقه دخی بعضی حوادث ظهور اتمکله محمد تشنط
حاطر صفا مظاهر لریده بالکت اولور ما مولیده صوب
دولت لریده بر قطعه قائمه ارسال و بیوزدن دعاتم
صادقانه فردخی و اصل دست کرمیو سترای اولور
اد و وسیله بود خدمت جلیله تک اداسی دخی پرورده
لغم حدیث توان لریدن عید قدیم صداقتند زخم شهسوارلی
محمد قول لرینک کردن اهتیا حنده تعالیق ایله برداشته
پشگاه دولتری قلمشدر بنجه تغالی قریب و بعد مظهر
الطاف بی نهایت لریدن اولوب ننا کار صداقت
شعار لرندن اولیغم محاط علم عالم ارا لری و لمقون
بالمعاینه معناد و ما لوق اولیغم لطف و مروت لرندن
منصرفه که علی الدوام دلنوازان و کریمانه معامله لری
حقن بدیغ و کاکان میدول بیورلمق یابند

توضیح نامه دیگر بجهانبه و ذرای عظام

دولتو عنایتلو مروتلو عاقلقلو راقتلو علی الهام اقدیم
سلطانم حضرت لرینک مورد و قواقل محمد اقبال اول
استان دولت اشیا ناری انواع تعظیم و توفیر الله
یوسیده شفاء عبودیت و ساییده جباه دقت قلوب
لازمه ذمت صادقانه اولان افزایش عمر و دولتی
دعواتی مخلص الیال دادا کمال قلند یغی سیاقند

معروض بند درینہ لربد کہ حضرت لری جانبی سنی المتابع
داورانہ اولان انتم انساب قدیمی منقضا سی اوزی لیل
ونها در تراق اسباب دولت و اجالہ لری دعوائی و دد
زبان اخلاصی سناغم اولوی مراسم صورتیہ دن اولان دفع
عرا یضی متوالیہ دہ ہر تقدیر قصودم نمایان اولورالیہ
علی الدوام بغداد اوصاف جمیلہ گز کریمانہ و تذکار خود
حسنہ دستوراتہ لری زیور صحایف دوزان و شبان
مقدار ذرہ تکامل و تساہل اولمدیعی انبا و طرق قارہ
اکثر فلرندن منتظر عجزانہم اولان آثار چاکر توارینک
دوام فیضیاتہ دلالت صمیمہ قائمہ عبودیت علامہ
چاکرانہم اویزان دانش النجا اولدیفیم خصوصہ مساعی
سینہ خدیوانہ لری میزدول بیورلسنی تمندعا و تمنا سیاق
عرصہ عبودیت اشتغال تحریرینہ مسادعت اولتمندہ
ان شا اللہ تعالیٰ لدی الوصول دانش دقتلرند یا برجای
مرکز استقرار و دوام اولدیفیم محاط علم عالم بشمول
دستوراتہ لری بیورلدق چاکر درینہ لری حقینہ فیہد
دخی توہمات اکسیرایان بنہ توارنلرند بید دفع مشمول
نظرہ غنا تیلری اولان بند لری سلکند مسئلہ اولدیفیم
تحقیقہ بدعا جزانہم عجت قاطعہ اولحق اوزن مستعد
چاکرانہم مساعی علیہ اصقانہ لری میزدول بیورلدق

صورت عنوان دیگر

دولتو عنایتو عا طفتلو ولی انعم علی الہم اقدم سلطانم
حضرت نربک جناب رب الارباب و سبب الاسباب تعالیٰ شانہ
عن الشک والارتیاب وجود عالمسو دلرین افاقہ بیانک
رہایان و دعوائ خیر لرین سیجای و بروقی دلخواہ فتح خیر

خبر الابواب دعواته دبسته بنا زد رکاه محراب حضرت
کریم الوهاب و سر لوحه کتاب نه قیاب قلند فی سیاق قدم
تذکره تبریک عید شریف از ایشان حضرت صدر علی
سعاد تلو بجانب مسجد شهر یاری مکر متلو مود تلو بنده
قرنداشم اغای عا کفد ر حضرت تلمنیک نادای سعاد مود مود
مزید اغزار و اکرام الله در رد عنوان صافیات تحیتنا
و عز و استقامت و اقیان مود اتما کشید سبک الهدای
و مراسم بر سش خاطر خاطر لری مرغی و مودی قلند فی سیاق
منهای محبت بمرالری بود رکه بنم سعاد تلو مکر متلو
مود تلو قرنداشم حضرت لری بود فقه تبریک عید سعید
متغیر رسال بیور بلون تذکره شریفه لری وارد و اصل
او لمغله حاوی اولد فی خلوص و محبت لری و انبای لوازم
احد صده رعایت لری بلکت انبساط فواد صفوت اعتبار
او لمشد ر حق سبحان و تعالی حضرت لری شوکت و کرامت
مها تلو قدر تلو ولی النعمز یاد شاه انام و ظل الله بهر
احتشام افتد حضرت تلمنیک مبارک وجود مسعود
همایون لری علی الدوام انواع شوکت و اجداله مقرون
ایدوب اشمو اوقان میمنه فی سایه عنایت و ایه
ملوکانه لرند جمله مستلزم انواع عبودیت و تسبیح
اسباب عفو و مغفرت اتمکله بنجیه انشا لری ادراک
میترا ایه امین طرف سعاد تلمنیه اولان علاقه درون
ولا مشغول مستغنی تفصیل و بیان او لمغله اجرای
مراسم محبت مراعه مجرد خاطر خاطر ضمیمه تذکره مود
تحریر و فرستاده نادای سعاد مصلح لری فلتمشدر
ان شا الله تعالی لدی الوصول بودندن بویله دخی جانب

مجانم مزی طبع شریف لطافت الیقین نندن اخلاص یورویوب
دعوان خیریه و توفیقات قلبیه لر یله یاد و نذکارم لغت یورویوب
ما مولد ربانی غنیمته سعادت و عاقبت دائم بار

صورت دیگر از جناب انجمن محمد و عالی بجانب سخن در حضرت

راقت و عارفان و شایسته **ردی** عاطفت و مروت و تلو علی اظم
افندم سلطانم حضرت نرنیک مطیع افتاب محمد و علا اولان
پیشگاه معالی انما الرئیه لوازم اداب و مسکنت ایلله عرض
عبودیت و رفیق حضور صیت او تمنی زمینم عربضه
دولت خواه بی اشتیاهلر بیدر که لطفاً و عطفاً تبریک عید
سعیدی قنار و هاوی ابعان و اعطا بیوریلدن الوکه
عنایت مسلوکه لری رسیدن راحه تعظیم و عجمه بازوی
فخیم اولون لذت خطاب مستطایلری ذائقه شعور
و عتوره محمد را جاشنی بخش افتخار بحساب اولمغله عوای
خبر بر لرینه اخلاص صداقت سمات دفع کف مناجات اولمغله
جناب رب مجید عبد شریف لر بن سعید اندر سعید و ایام
عمر و دلت لر بن مرید بر مرید ایلید اینی عبد خاکسرو بند
متخصیص لرلی اولدیمه بنا ان شاء الله تعالی هر حاله قول لر
انظار و حمایت لرینه شایان و سزا بیورلمق باندن عنایت
و کرم راقت و عارفان و شایسته **ردی** عاطفت و مروت و تلو علی اظم افندم کطام

رئیس کتاب حضرت نرنیک در احادیث مصطفی افندی

در سعاده کشفیه اغاسنه نذکره سید و م
یکنا کهر عثمان فضل و عرفان اولان ایلیندیم افندم حضرت
بیت القصد ادم قشیش شو وجه اوزن طرازند نورنیز
لشیش قلنود که بو کون سحر علی اغا قو کفر قیور دعوت
وامر تو صیه بیوریلدن کیفیک ربز ویا لاسنه امعان

ودقه اولوب یعنی سراسر ایستایش برای مرغوب فیما و راغب
 عنہانک کما اخواهش و دد دشته بعه عرض اولندی
 و کند و نک قبضی عن و دینار و نسیم ما یتعلق بالدار
 حصصه تو کیل قلندی و خانه فیض استیانه مرقومه
 تماما ملک صرف اولوب انجی با عجمه عرصه سند مقدار
 معانی محل و قیایدو کی بعد المراکم قیمتی مخصوصه
 فو کتر نام زد آد یعنی مرقوم دخی نازل حدود غیر
 اولمشد کیفیت جوارا کر چه بورتیه ده فرا و ابلی
 انجی کلامین بنسند اولان وسط اعتدال بی شطط
 کور بلکلن ناشی خبر الامور و وسطها و بمنالدار
 مام نشاطها مخصوصه غلامه صرف نکاه التفاعلی بوی
 نه کونه رای اولنور ایتسه امر و حکم منزله کفر و کفر حضرت
 تذکره دعوت بمولد شریف و فرستد

عزت و سعادت و توافندی حضرت تکریم مجلس شرفی صوبه
 در دعوات صافیات اتخا قند بصره نجات آنها اولنور
 طراز خلعت خلقت عالم رسول اکرم صلی الله علیه و سلم
 حضرت تکریم عزین ساز کهوار و وجود و بر توانداز
 عالم شهود اولد قاری اثار مستقر اینداری قرطه کوش
 هوش مستعین اولمق ایچون هر سال صیحت قریند علماء
 کزین کثر هم الله تعالی یوم کدین اید عقد مجلس مولد
 بیغیری داب قدیم و طود مستدیم اولمقین ان شا الله
 تعالی اسلوب سابق اوزن جوامع منک از غیر
 خبر خیر البشر ایلده دماغ عالمیان مقطر اولمقین بادی
 کون اول صیحت با سعادت بلبله بولمغه هناری تا مویک
 تذکره مرغوب بادی غرضت دانم بار

جناب و قیام بی منت اول اسب سوار عز و ناز اقبال
اولان ذات سعادۃ اشتمالی من خطا سزاید و بهر هو
فرسودان میدان مرام اولمدن خالی اولمبه لر یوقد
زماندن بر خوش نکش اولدیغز و خوش صبحی الاصلی
اوتده کون حذا و ملق اوزن وعد بیورشد بکر عمر کز
مزید اوله لکن هنوز طوبله برای انجاز اولمدنفتد
ساحه امال کردن اس مال اولمشدر بود دفعه
دخی دینغ بیورنلو ایسه علاوه بیورده قلدن شنه و رفاز
اندرون هابون جا و شاندن نفشی جلی خا صر اولمده
جراغ اولدیغده تحیر اولنان

سعادتلو سما خاندن زاهدلو سلطانم اغای سنود و خصال
مضرتری هان کلشنسرای بخت اقباللری طرا و نجش کل
و عرایس امال مافی البالری زینور کف نفشی مکمل و کون
کون مفارون توفیق صدائیه مسلسل و ملق دعوائی ذوق
شعله لیل و نهار بخراید و کتی اظهار روزنه کشای منزه
الکین یواوان عمیق افترا ندن عمر خلوصی دون صفون و هر
جراغ خاصه خانه ابله هر دار و ملق رجال اربعین ابله
فیضیان اولدقارینک نوید مجسته بریدی بشارت پیام
رساندن متواتر رسیدن سامعه ثنای وری اولدقار
هو صله تفصیلدن بیرون حاصل اولان سرودنا محصور و نثر
قطع نظر اشیبو بوم جمعه میا منجمده عقبت نظر الله
عالمینا هیدن سوار و ذمغ اربعین و جلاله کذران
اولدقاری رای گمان مشهور و عمر اولدقار زمزمه کویا
کویا اولدیغز دعوات خیریه لریکه بوندن بویله دخی
نجه مراتب اعلاویه نائل و مدارج علیایه و اصل و منشا

دل او ملری دعا سی همانف لوح دلر کا انکشف فی البحر قد
اولوب ذات سعادت لرینه نه مرینه الیق دکل ایسه ده شرم
هزار ایلد بر ثوب لیشل جو قده یه قیو بو غازی کودک
اهداء کستا خانه قلمشدر رحیمز قنوله قرین وضو بر
دامن عفو ایلد سنود بیور بلوب با کیمز و کستاده اکسایون لر
حلب کشته او البی ابراهیم باشا حضرتلر تک اغا لر تندی مقدار
موسقی اشنا اولان محمد اغا خری و فاعل کندن طلب اوزی
مقتضی نالی اقلدی به شفاعت نام ایچون باز دخی نزل کرد

بنم عنایتلو سلطانم حضرتلری بو عزیت زده شرواد این
کیمه عرض نیاز ابد لم حال لری یا لکزدوق خرج ایلد باشا
اقدن حضرتلری دفتره قید انمشدر در بردرلو و فاقه
ایمنوب کتخلر بکدن بر اکی اوج خرج دخی نیاز بیور کمر جود
ادمنز زباده جده اولغله بر مقدار دخی و دغنی و برنج و سائر
جوانش نواله کرکد **از جانب نالی قندی**

کرک فضول کرک عناصر کرک طبایع کرک ارکان کرک
مذاهب کرک قواعد تنظیمه ده اولان رباعی مقتضای
اوزن جنایکده دوق خرج و بر ملک مناسب اولد بقیه دوق
مذهب فتوی و بر لکدن ماعدلر چار اندر چار و دخی
دخی بو ماده فی نایب ابدن چکی چار یارک دو حایر نند
استفاده اولمشدر و بونعمه دست رس اولدق چار
چار ایلد دقضا ایلد و الا چار سنخ ندانندن رها بولمیز
و چار سری جبر تن سرکردن فالووسین و زیاده طلیسه
چار گوشه عالم چار شاد کیمی با مال اولدن حذر ایکن
چان سی بودر بیچاره اولمه و چار طاق النقادن دوشمه
و چار رشنیه کیجه سی چار کا هره ایلد یکین تقسیم چار مصرع

سکا بو معنای نفهم انجیل سه جلد الشهاده چار دیکه نیک
 نو ایندن بر بنده دو چار اولدق سنو ال ایلده سیر
 بھی حیوان چار باریم درق اوتنه و برلر فی

بالا نشینی سحر از مایان مرز بوم دوم یعنی پیر سجادیه برای
سخن نابی مرحوم بعضی مشکل هستند و امتناع
 صدور دولت طرفدن صورت استخاکه تکلف اولنان دعوت
 صاحب مستعد بسیار در از فنی اقبال لا مکاشفه معنی
 با برده مطلع تشبیهدن بر توغای طلوع و افق آرای سطوع
 ایلدکی نزاکی با کثر بغیره صباغ و مسابیند عدد
 ارقام و قنادل هنگام هشتدن تقابل نام بولند فی کبی
 حالاد فتری شی اول سعاد تلو الحاح عاطف مصطفی افند
 حضرت نرنیک دخی بطریق انتظار دعوت مساده تبره جان
 افزوز مالی یرده نوی مقایس صودندن امراد و اظهار
 ایلدکلری نذاکیر دلبر بر مشک بغیر در که ذکر اولور

وجه اول

حضرت نرنیک ملا ز ظرفا و جمعی کاه نکات سرا اولان بزم بلاغت
 اساسلری اوینه منهای مخلصیدر که جناب حقیقاً بلربله
 کنان کانون مواسم اعلائی فتوه و اف رسم و داد فقی
 جوفندن برو مروجه مستان خاطر اشتیاق نزا و مزاوله
 ان شا الله تعالی پیر چرخ کهنسال محذیب ابتدای غذای هر
 مذهب ایلدکی کبی تناول جاودان حیان فزای صحبت
 و موطفه حلاوت بخشنای و دوا گفت انجون قدم نشر فایله
 کله اغراضی محسود انجمنگاه بزم و صغی بیورملری لختور

دفتر **حقه فواد اعلیا یدر ۱۴**

حضرت نرنیک کجینه نزاکت و دقتینه قطان اولان خاطر

لطافت سرشستری تخفیدن صکر آنها کرده خلوص پیشه لیدر که
جناب سعاد شما تریله تخفیفه رسم صحنه او ان دوز کارون
بر ساعت او غریق داعیه سی وقفه کیر دقا صحنه خیالزده
خیلی مددن برو مصمم اولفله ان شا الله تعالی بوشن عیار
سبکسیر طلوم باختر د بوده دوزین کلاه مهر منور بالیدکی
هنکار من فقیر خاندیم تحریک قومه نشریفه کمری اقصای

نوشته امال خالصانه مزدور **دیکر**

حضرت نرنگ بزم عرفان بناه ونادی نکات دستکاهلریه
کوشوار صانع اجابت اولفله شایان جواهر ادعیه تایان
ابشاری ضمنده عرضه داشت خلوص بر و دلبردر که صحت
بزم شبانتری دیدار اعتبار مزده لیل کفدر کی عزیر تر و کلم
لعل حلاوت بخشالری اعتقا د مزده عقیده افطار تبه دوز
دار اندن لرز تراولر بی مشمول ذاعقه قطرات اشک لری
اولفله ان شا الله تعالی ذرین طبله مهر مستیر اندام زبور
سر بزم دائره شام اولدنی جند داغ حکر هنوز هلاک عید
اولان سم سمند نشری ابد صحنه غنستان مری هکوک که طاف
دفع اسمان بیور ملری وقفه کیر دوز نه انتظار مزاولر لقیه
صورت و زانو اشنباه بیور لمبهه براتی که شرف بخش **صدور**

شدن و داون و جانب خلوت بتاهی

چون صنایع عواطف دتانی و بدایع عوارف صمدانی
جلت حکمه و عمت قدرته بنم شان بزرگوار خلوت مدار
تشریف عدالت طراز انا جعلناک خلیفه فی الارض
ایله معلو و سرافراز ابدی ذاق معدلت صفات و شان
شکوکت نشان سعادتی سماحتی بر حقوای دقت غمای
و در قضا بعضهم فوق بعضی ایله سلاطین ذوی الاقدار

و خوابی نصف مداد میانند مرتج و کسنا ابلدی فدا جرم
 بر مقتضای محوای تدوم کفتم بوالا و الای موهبت نماو
 نغای عظمای سعادون استمناک ایغای عهد و سیاس لازم
 الاداسی بجون زمت همت شاهانه مه واجب و لازم اولکه
 عامه انام و کافله اصحاب مرام با خصوص حافظان بلاد
 و قلاع و ضابطان عباد و قباغ اولانار محقرند ابواب
 عنایت کشاده و اسباب مکارم بقایتم اماده اولکه بنا
 علی ذلک سابقا ببولک میرا خورم اولان رافع تر فغ
 رفیع فرزند قال حا قانی و ناقل بر بلیغ بلیغ محسنه ملک
 محاباتی دس نور مکرتم مشیر مفتخ نظام العالم مدر
 امور انجمنور با کفکر کتاف منظم مرام الانام بر آری کتایب
 مهذبینان الدوله والا قال مشید ادا کان السعاده
 والا خلیل المحفوق بصوف عواطف الملك الاعلی و زرم
 علی باشا ادام الله تعالی اجله مدت مدیده دوبرو
 خدمت علیه مع بذل اقتدار و عنایت علیه مه سزاوار
 اولد یغندن غیری میرا خور اولکم خدمت باهر المقتنی الیه
 اکلدار و خلوص و صداقتی نزد هایتونم ظاهر و اشکار
 و مساعی محبت و خدمات بسندیده سی بدیدار اولوب
 وفور فکر و فراستنه اعتقاد هایتون و کمال عقل و کاستنه
 اعتقاد سدا و مفرون دشد مشخونم اولمقله فجا بعد دخی
 کند و دن هر حالک طود جمیل و حرکت جزیل الیه دین دولت
 علیه به لایق و عرض ناموس سلطنت سنده مه عوافق
 ماثر و مساعی مستحنه و جوده کنور مستی ملحوظ طبع
 صفا مفروحم بادشاهنم اولد یغنه بنا، حالما حقند
 بچار ذخار عنایت علیه ملوکانه موج اکبر و اقتدار

عالمتاب عاقت جلیله بادشاهانم لمعه ویرا ولوب بشو
بیک یوز بخشیده سی ماه محرم الحرامینک بشیخی کون تنه شرفشتر
صد وراولان خط هما یون عتا تخفر و غله مشار ایله رتبه
والا وزارت وروم الی الکی عنایت و احسانم اولوب
امر شریف هما عطا ع آرزانی قلمقله بشو مثاک بمنال و بو
ملشور فانقض النور موهبت اشغال و بروم و بیوردکی
مشار کیه قیام بعد رتبه والای و زارت الیه وروم الی
ایکنه متصرف اولوب شولکه وظائف خدمات میرون
بادشاهی و ضوابط مساعی مشکور شهنشاهید
نما بیتی مرغی و مودی قلوب و ایکنه مرقومه نیک قضاة
و حکام و علما و صلحاسی و اشراف و قلدع و دزداداری
و قول اغا لری و نفران ضابط لری و سائر ارکان و اعیانی
و بالجملة وضع و رفیعی و صغیر و کبیری جزئی و کلی امور
و قضایا ده مشار کیه طرقة مراجعت الیلوب تعظیم
و اکرام و تجلیل و احترامند دقیقه فوت الیلوب
سوزنی سمیع قبول الیه اصفا و امر بنی بهاد تردد احرار
ایله لر دستار کیه دخی طبقات مخلوقات علی قدر ^{حاجت} دراز
رعایت و حمایت و فقرا جا بنده عنایت و رافت
و فقرا احوالنه نظر مرحمت و شفقت بر له ناظر اولمقین
خلکی و لیلوب و شرایط و زارتی کابینگی رعایت و خاصه
امور سیاست و سائر قضایای حکومتد بران اهلای
جائز کور میوب و جاده عدالتد عدول و انحراف کور میوب
شولکه قسطا سر شرع قویم و مقیاس نفع قانون فرمیدر
انکله عمل اندوب و ظالم لر اهانت و مظلوم لر اعانت
ایلوب بر گنده بر ظلم و تعدی ایلیه و ایند رصیه و بالجملة

وبالجملة اياك مزبور به متعلق اولان امور و خصوصاً
 کلبستند بذل مبرور و سعی موفور ایلوب اولبا بد
 افراد افریدن دن هیچ احد مانع و مزاحم ایلوب
 دخل و تعرض قلمه لر شویله بله لر علامت شریفه اعظمی و بلکه
مقدور مبرور بختر شدن عن جانب و ذری عظام برین نوبت
 حضرتلرنیک چراغ شام سعادتن شمع شبستا عدالت دوغان
 شجاعت دارسمای سماحت حضرتلرنیک ذات ستوده صفاتلرنیک
 شمشیر ظفر ثانی لری همیشه ضیا بخشیدن شام و عراق
 و صفایماندن مجاز و افاق اولمقد عوائق و ردلسان
 خدن و ذکر جنان اخوان اکبر الحمد لله واسع الاحسان
 و الشکر علی نوال نعمایه الحسان نازک دعای احباباً
 اماج اجابت خدا اولوب ممالک اعنی خطه معمور شام
 دارکسادم جنت مشام مقدم مبارک دملر بله رشک
 خلد برین و مغبوط اعدای عینین اولمش خدای ذو المنن
 مبارک و متمکن ایلوب ذریعه مراتب عاکبه و وسیله
 مناصب ساعیه ایلده کرجه کفار علی نژاد لرند مرکز
 و جبلت سعادتن نعمتلرندن مرموز اولان استعداد و مقصد
 اوزن مامول زمر خیر خواهان و مطیع انظار عزت
 جویان دخی زیاده قطع منازل و طی مراحل بد رایک
 لکن بر موجب نحوای سعادت دهین شرف المکان بالمکین
 قدوم عزت دسوملری فرا بود مرقوم بخشیدن مزد مرتبت
 اولمشند رجناب مفضی کنزال و اهب الامال دن نفع اولمشند
 نشیناً فشیئاً انا فاناً ارتقاع بایه جاه و جلال استماع
 ساحه سعادت و اقبال ایله ذات قدس فعال ملکی الحفال
 تا امور همور و الحی و النجی ما عاقب الایام و الیائی متوالی و له امین
 بالنتی و اله

تبریک نویسیه منصب مصر محمور

تا که حاکم علی الاطلاق طاق گردون دواق و فرمان فرمای
قلعه نیلگون نه طباق نیل اقبالی نیل امال ارباب مراتب
ایجون جاری و ابزال ایرتوالی اصحاب مطایب ایجون هر
سوساری قله اول صد و نشین تخت یوسف و عزیز مصر
تلطف سما ستمو سر بلند و ثریا علوار محمدی عالی مرتبت
معالی و منزلت مطلع اقباب فیض آله نیر اعظم جدولت جاه
مرجع انظام دولت دین مستند الفتاح رأی منین **دین**
ایمدحت از تکلف القاب کرده ار القاب را بحد توصد
گونه افتخار در دوستی تکلف القاب تا خوشست .

هست بهتر آنکه هم بدعا با بد اعتقاد همیشه رشید دین
دولت و سعید ملک و ملک اولوب شرف عزت اعدوم و فخر
خرف خرفدا نبوسنه بای باقی بنم خجده کلش بر موالاتا با غما فیض ابدیه و فخر

صورت بران خدمت فراغت شریف

چون اسعد سعادت دوجاهانی و امجد کرامات انسانی ادای
مراسم خدمت مستوجب کجیجت استنان کرسی پایده حضرت
والا نشین دیوانخانه او ادنی و بالانشان نضاخانه
غم دینی مستند افزای هر سرای لی مع الله سند ابراز خدمت
عالیان من طرف الله افتخار قاطبه امم تختا دهر زده هزار
عالم جناب حضرت محمد المصطفی علیه اعلی المسلمان و خجده
الانتم ابدیکی بلا یمنی اولمقله بس مردان میدان هدای
وروشن دلا نسعد و نعمندان خدا اولنر اولسنه سینه
سدر فرسا سدا نعمندم بذل تقدینه ما حاصل باب و نواز
المشیر در فذلک مطمح الانظار تسکان ملکوت مایه الافکار
فقطان عالم ناسون نور دین و دین و زمان قطب الافکار

کون و مکان اعنی مدینه منوره نورده الله تعالی یوم المیزان
 سمنزل برید غفران نوید بارگاه احدیت و اقصای ترلده رو
 براه هدایت اولان روضه مطهره جبریل اشیان و بقعه معطره
 و حجت علیکمان حضرت زینت بخش ارنکه خانوادہ رسالت
 و صاحب نفس نکارستان دودمان قنوت علیه اهل السلام
 واسنی الحجة عقبه سنک فراش درین فاشلرندن بروجه
 ثمن حصه فراشت شریفه به متصرف اولان مصطفی اقتدین ابراهیم
 مولد خوان حضور و هما یون فوت اولوب خدمت فراشتی محمول
 اولمقله لشیر ارفع توقیع رفیع فرزندم فال خاقانی و ناقل برلغ
 بلیغ سرت عنوان سلطانی قروم الایحد والا کارم الحاج
 محمد رحانی تذکره ثانی زید مجروح حقتہ تیر جهان افر و زهدایت
 حمدانیه نورد باش عنایت اولوب اول استان ملائک مطافک
 خدمت علیه جهان بهالرن کند و به سرمایه دولت دنیا و آخرت
 بیایوب طایب و راغب اولمقله یا لکرم نصف قیراطی با یغفره ارکسداد
 اغا سنی اولوب ناظر اوقاف حرمین شریفین اولان افتخار انحصار
 والمقرین معقله الملوک و کسلاطین مختار و کفر و التکلیف الحاج احمد
 اغا دام علوم نک عرضیلہ بیک یوز بخش سنه سی شهر بیع الاخرینک
 اوز درونچی کوتندن توجیه اولوب محکندن برینه هموز تذکر
 و برکله موجبہ اشبوران سعادت ایات و بحیث غایانی و بر دم
 و بورد کله بعد کبوم مری کیده دخی اولمقام سندن اساوریه فک
 فرساده ستوفای مز بودک برینه بروجه حسبی نصف قیراط فراشت
 شریفه خدمت سنه متصرف اولوب طرفندن تعیین الی کچی قائمقام و نائب
 منافی کال حیا و محاب و نظافت البسه و ثیاب الیله علیما جری کمار
 ادا الیلوب با کفد و والاصال د و ام عمر و د و لم ادعیه سنه شفا
 کوسنره اولبایدیم هیچ فرد مانع اولمیه شوبدیه لرحلومت شریفه اعترافله

سیرت عمو در کاب هایون

عنان جود و کرم و حقانتم امم ظل الله فی العالم قهرمان المار
والطین خلیفه رسول رب العالمین شوکتلو عظمقلو
مها بتلو کراحتلو پادشاه روی زمین خلد الله خلافته الی
یوم الدین دکان کواکب کهر و ثراب باب اکسیر اثر لرینه
جبا عجب و دینیز سوده و رخسار و قیتمز فرسوده فانسوب
بنیان عمر دولت و اقیالری مادام الزمان دائم و ابوان
فر و شوکت و اجل لرری الی آخر الدوران قائم اولوب یوما
فیوما بنای باد و یغای مملکتی معمور و آبادان و غیر منیر
اقبال تشخیر لرند جلوه کراولان مقاصد مشکله تفاتی توفیق
دانی ایله اسان و هلیشه کلین کلزار خدافت کبر اولان و جود
مسعود لرر اسیب کوتیه دن مصون و کلشاداب کبی شکفته
و خندان اولمقد عالرینه دست برداشته جناب مجیب الدعوا
قلنق اثر دن ددگاه عالی بکیر بلری قوللرنیک ضابطان و خندکلار
وامکدار و سائر مجاهد بن سینه فکاد لررنیک ساکن اولدنکر
سکنا کندی جرم و عصیان لررینز کثرت دن ناشی مظهر قهر و قهار
ودل عاشق زار مثالی اعراف بالینار و عرصه سی شوم زار قفاد
سایر بر خاشاک و خاک اولمش کرک بو قوللری و کرک اوجات
ضابطانک خند منکدار لرر خاتم بردوش فالمش ایکن دریای
مکارم جهاندار بلری جوشان و ضغفا قوللرنه مرحمت و شفقت
ایله قریجه صعبیه هایون لرند نسنوح الیلدی وجه انم و استوب
مرغوب اوزن مجتد دینا و احیا و احسان بیور بدو زجید بد
انما قبوسنه اذن هایون شوکت و نه اقتداء و فران جهان
مطاعه اتباعا اسعد اوند و ایمن از منه دن بو کونکه دوز
اشنن در ساحت بر و جهاد یک مرودند جمعیت مشایخ جموع

سلاطین و معیت صلحاء سالکین و علمای اهل سنت سینه و آئینه
 خطباء داعی الیری و ضابطان خد متکذاد قولر بلده و ام عمر و طوت
 دوز افزون شهنشاهی و قوام فرو شوکت کون تا کون عالم بنده
 دعا لری خد منن ادا و ذبح قربانین و الجوز اولوب اولد و رفت
 دنیا و قرش طلسم زیبا ایله رشک ساز قصر حور تن نعمان و غنطه
 فرمای ایوان ریاض رضوان اولان تکیه کوشکنه بسط قالیچه
 اقامت و عهد انتم خدا رفاه بالی ایله خدمت دعا ولی التیمی بدوام
 و مشاغل اولمشدر باقی امروفران بارشاه اسکندر دزمانه عزیز نیکدر

صورت عرض دیگر بجا اب حضرت بنیاهی نوشته شد

بحر متواج کرم و دوحه ثمار عکوفهم صاحب و کالت عظمی
 و وکیل سلطنت کبری اصف تانی و نظام الملک صاحب قرائت
 و ذیر مشنری قدیر و مشیر عطار و شعیب حافظ ناموس
 دین دولت و مدبر امور ملک ملت دوللو عنایتلو عا طقتلو
 ولی التیم و فی التیم اقدم سلطنتم حضرت تیرنیک عمر و دولت و
 اقبال لری بردوام و استانه سعادت و اقبال لری مالک شاه
 خواص و عوام اولوب وجود مسعود لری محفظه دنیایند ددان
 و بی کد و درخت عز و اقبال لری کلشن حمایه صمد بنده ربان
 و سائر کسرت اولوق دعواتی خلد اند عریضه بند لرید که درگاه
 عالی بکسر بلری نک ضابطان و خد متکاد و پیر و اختیار و انعقاد
 و سائر مجاهدین دلفکار و حاصلی صفاد و کبار قولر تیرنیک کرک
 بو تیرنیک ساکن اولد یغیر سکنا لر بجز بودند نیشی کزرت
 جرم و عصیان خردن ناشی یا امر الله تعالی منظر قهر جبار و دل
 خشنان زده کبی حریق باکتار و عرصه سی شوره و از تفاد
 اسابر خاشاک و غبار اولمش کرک ما و گذر قولر لری و کرک
 بو تیرنیک لری خانه بردوش و سرگردان فالمش یکن عثمان مرام جهاندار

توج اولوب بوجمله ضعفا قولرینه معرفت و شفقتاً قریحه
 صبیحه عالمنا لرندن سنوح ایتدیکی وجه اتم واسلوب مرغوب
 اوزن جدیداً اینا و احیا و احسان و حال احرف انداز قصر
 صفان بلکه رشک اورد درجیات جنان اولان جدید اغاقونه
 اوزانی بیوربدون اذن همایون پادشاهی به اتباع و فرمان
 شوکتیرون شهنشاھی به احتیالاً مشایخ جوامع سلاطین
 و انجمن ملایسا لکین و علمای اهل سنت سنته و ضابطان
 خد متکذاران قوللری ایله بوگونکه اونه و برکه و اسعد اونه
 روز مبارک اثنتین واریلوب بخلوص کمال دام عمرو دولت
 سلطانی و قوام فرشوکت سلیمانی خصوصاً صاحب و کالت
 عظمی و مالک صدارت کبری اصف مشیم برکتی کرم فاطم اموا
 جهود عالم دولتاو عنایتلو ولی التعم اقدم سلطانم حضرت نیک
 دوام نظام سعادت و نظام تمام بحایت دعا لری خد مانت
 اداودنخ دیباچ قرابین اولنوب اولد زینت زیبا و فرش
 اطلس دیبا ایله رشکساز ضرهورنق نغان و غبطه فرما
 ایوان ریاضی رضوان اولان تکه لی کوشکنه بسط قالیچه
 اقامت و عدا غم جداً رفاه بال ایله خدمت دعا ی ولی التعم
 مداوم و مشاغل اولمشد دریا فی لطف عنایت و کرم مروت دوللو
 عنایتلو ولی التعم اقدم سلطانم حضرت نیک

صورت ملا طفت نامه برسیا قهوش تغییر وجه دیگر

حضرت نیک سقینه کوهربار و دقینه کیمیا اراولان
 وجود کرمتمود لریتی دوزکازک الم و شدتند زمصوت
 وهوای دریای مختلیری دوزا فرزون اولوب بولجه بخارجی
 نهاده صنته کش اولان وجودم سایه تنه اما لرندن
 سننه باش اولوق دعواتی تکرارندن مکرر عریضه محاصر

قدیم و عشقیدار و باعد یلرید و که سفاین اشتواق که اشتیاق
 بر له امواج بحر متوج ایدوب حال حقیرا سننظاتی بخویر فلنوج
 انکیز اولور ایسه المنه لله تعالی و قدس وجود هنر یا زم لیماز
 انداز اولوب ساحل دریای شمعخانه ده صد الی نشن و نقات
 جان او بزهرین کوش و لبر ز جام دکن نوش و بحر غنیم جویش
 و خروشا میسند ز نقره هی صدای بنه صدای اولوب نرم
 ساز مدار و دلکش اغازه اقدار قلوب **بیت** یار اختیار
 ایله دریاچه جفا دسیرانه بنجه سوکیه کنی بو بخلیز و دوانه
 تلطفی ملحوظ اولوب بقیه لم مساعده ایام بر له زور بنجه باد
 یا کنشایوی دوستی وزان ابد و اندیشه سیه شکر اکبر خزنش
 بوردون انواع ایباق معبدای و هاوی مجموعه دل بسته لری
 بروقت نشاطم دست اویر اولدوق سلطانک نکان متوجه
 محنوی نواز شیر ز دوده لری بخلاوی دبد جان و خواب
 مستلکدن بیدار ایله معافی عیان اولمقین کال انبساطدن
 هم مجلس اولان احبانتک کیمی قازم عشقه قیودان و کیمی شیر
 قلیو بخبان اتمک مرتبه سی هر و مدنی یاران صفا استینا
 ابلد کلرندن دوشمن المزمو له مایسدر دیر دلکج و شاز
 نقره دی اشک تشار ایله **بیت** براق دگرلی لوندل فتنه اولدکم
 لسان شنبوه سنک ترجما نیدر بنیال . زمزمه سی جمله سبیلال
 ابلد بکندن تکلم اخره شروع الینوب **بیت** بحر فتنه بنجه قودنده لر
 جگدم بن . الا و ندا ولدی کوکل یلکه سنک درد دکن .
 مضنونن تفسیر و احوالها انجاشی تقریر ایدر ک کردای حیرته
 دمیبر بر افشند و واقعات **بیت** لطفک در بغ انجرا ایدک بر زمان
 ابدی . قریانک اولدیم اوزمانی بیلو و مسکن تریمی خود
 معلومدر کنن کنن دملر کج و در . انی عشاق مثل ایله .

مسازده اولان افکنده هیچ کوزل نیر منطوقه سبب قطعاً
نطوقاً بموجب حقوق قدیمه به مراعاتاً بنه یادیا نکشای غرض
اید رسفاین ایله متاع عافیتگری مشعر مکتوب و هدیه بجهت کرم

صورت تذکرایله مغنم بیور ملری موجود در دعوت عید سعید

عزیزانو فضلانو افندی حضرت نرنیک مجلس شریفی صوبینه دعوات
صا قیات و تسلیمات و اقبایات انخافیه محتاتم انکها اولنود که
بیم عزیزانو فضلتمندم افندی حضرت قلمری یارنکی کون هر و ندر اشغله
سیر اریکه پیرای عید سعید سترن سحیر اوله جیفی مقرر اولمغله
اول روز قیروزده داخل مکارم پیرا عز و شروانه اشناای
لب ادب علماء کرام و بوسید شفاة تعظیم و اکرام فضلاء
ذوی الاحترام اولمق دایم قدیم و دیدنه مستحسن قویم
اولمغله انشاء الله تعالی جناب شریف قلمری دخی ظهور طلبعه انوار
سجوده حرکت و عقد بر وین اساجله ایله معاً بونمغه تمت الیکه

صورت باقی غرض و فضیلت دایم باقی تذکره دعوت مولد

شریف بجانب قاضی سکر افندی عن جانب حضرت علیها صلوات

عزیزانو فضلانو افندی حضرت نرنیک مجلس شریفی صوبینه دود
دعوات لایقہ تقدیمیه مخلصانه انکها اولنود که طراخلعت
خلفت رسول اکرم و حبیب محترم صلی الله علیه و سلم حضرت نرنیک
مرتبین سازنر هشتای وجود بر تو انداز عالم شهود اولد نرنیک
انار هجبت ایشاری قرطه کوش هوش مستمعین اولمق ایچون
هر سال میمنت قریبند علماء کرم بن کثر هم الله تعالی الی یوم کد بن
ایله عقد مجلس مولدین قلمری دایم قدیم و طود کسندیم اولمغله
ان شاء الله تعالی اسلوب قدیم اوزن سلطان احمد خان
جامعہ مسک از فرخنده خیر الیشرا ایله دماغ عالمان معطر
اولمق ایچون یاد که کون اول همیت با سعادتمن بله جه بولقاری ما مولد
باقی غرض و دعوت دایم باقی

صورت دیگر کتّاب اخرد و صفح تبشیر مولد خیر کیش

خلاصه موجودات و منشای مخلوقات شفیع یوم میعاد نفیق
مرحمت مقدار رهبر طریق هدا دلیل اهتدا بر کن بد کبریا
خیر الوری حضرت محمد مصطفی علیه اکمل کسلواة و از کیهها
حضرت تباریک باعت رحمت عالمیان اولان مولد سعادت توانم
احترام سلسله جنبانی و سائل شفاعت ایچون قرآن مولد
شریفایله مجلس مجامع نربین اوله کادن آیام سعادت ثمولک
خلوتی قریب اولوب و جناب خدو قیام سبیل غزاده بونعمانیف
ایمدی سنکی وزیر مشا و کیه کن امر شریفم و مولد جنت مکان
فردوس شنبان جد امجد سلطان احمد خان نور الله کریمه
و القفران حضرت تباریک جامع نزهت مجامع لر دن شرط و بغیر
ایلد کبری ستوا و زن شرف تسلیمت مولد پیغمبری ایله پیام و بادری
شادی امت خیر الانام اولان روز فیر و ز سعادت فرجام
شرف اوستا مدر علیها هو اکاده ترتیب مجلس باهر کسعاده یله
مبارک اولوب اول محفل مقفرت حائله داخل اولیکان علماء
و صحابی دعوت و یاعت انقیاب سجال رحمت و سبب انشاد
خیر و برکت اولان مولد شریفایری میجه قانصر البهجه و قار
و کتبه ایله وقت و زمانیله قرأت اولوب عادت قدیمه اوزن
و یریلله کادن جوایز و تشریفات و عطا یا هر نه ایسه اصحابه
اعطا و کپاس اولوب اول جمعیت یا سعادت و عساکر اسلامک
انقادی و اعداء لئامک انحرام و انکسادی و جناب خدو قیامک
دخی امتداد دولت و سلطنت ملاری ایچونا سنجاب و دعای خیره

صورت نذر میادرف ایله سن درسیاق خضیه عید سعید

بنم معاد تلو مرو تلو مکر متلو قرنداش عالیقدرم اغای جلیل نشانم
سلطانم حضرت علی شطر المسجد الحرامی قبله اهل اسلام ابدت

رب الانام شرف حرمت حرمین محترمین ایله دیباجه منقبت
 عز و شوکتی سلطان سلاطین جهان و ملک الملوک عصر و اواز
 مدیحه سیله معنون شوکتلو قد و تلو عظمتلو کرامتولو
 نعمت افزا خدمت حضرت تبارک مبارک وجود معدن نمودگسور و نیک
 طول عمر و اقبال و کمال عاقبت و اقبال ایله او دنک فیروزه
 دنک جهانیا بنابرین مویده و مستدام و شویو ایام تفریق مغفرت
 و فیض اات همایون پادشاهانه لرینه مسعود و مینت ارنسا
 ابد و بظل ظلیل ملوکانه لرین عامه عباد و با حصوص عبید
 خلوص عباد لرله جناب فتوت نژاد لری و زدن دایم انکله
 هر کونخیز مانند ایام اعیاد ایله ایتی حالار ویت جمال
 بینال کعبه علیا ایچون اسحاب وجه سعی و عزیت و زیارت
 روضه منور سیتد الانبیاء سعادتی اهرار ایچون بذل
 مال و صرف قدرت ابدن مجاه غفران انتهاجک ناله قصه
 اوله جن کونلری کسب یعنی ادا قده و ماه قرائین ایله قامت
 دلا دای مقفرتنه اکسای جامه لعلین اولنه حق روز مرت
 اند و ز تقرب انکله یو ایام فرع و لیده نهینه عید عید
 حاوی مبارک دکا بمستطاب جهان دای یه کشید اوتق
 اوزن بجهیز اولنان اندر هدیه حقیرانه مرا ایله تلخیص و تلو
 عصمتلو عنایتلو والد سلطان اقدم حضرت تبارک مبارک
 بنمقلری ترانیه رقعہ عبودیت ایله دست اویر کفرانه
 ارسال اولمقین نذکر اخلاص سیمبر کشید سلاک تحیر اولند
 معلوم سعادت لری بوردل قدم و ساطت حسن تفریق لرله محفل
 عرض و تربیه و کلمه طیبیه هت ایله جناب دولتمای لرینه اول
 هدیه مخلصانه مزه دخی تعلیق نگاه و غیت بیورملری ماموله هفت

سیاق دیگر

بنم سعاد تلو مرو تلو مکر تلو قر نراش عا کیشا نم اغای جلیل القدر
 سلطانم حضرت تری جناب فرد بجون تقدست ذاتہ عما بقول
 الظالمون شوکتلو کرامتلو قدر تلو مهانیلو ولی نعمتمز
 افندیمز حضرت تریک روح عالمیان اولان وجود هما بون
 منجیر لرین خطا لردن مصون و عمر ویت و اقبال و شوکتلو تر
 یوما فیوما مزاید و افزون و مدی الزمان دوامه نهم
 مقرون ایدوب جناب عالیترین دخی سایه هما یا یاه ملوکانه
 انواع سعادت و اجال و عاقبت و اقبال ولی نعمتمز افندیمز
 عبد الحاکم صری و لمغله رکاب مستطاب جهان نداد لرینه هر
 انهم مراسم عبودیت اظهار دینه خواهشکنز اولد یغدن
 بود فقه ابکیسی میر کس و بری کورچی لاصل خانه برور
 تربیت کس ترا وچ راس دختر کنیزک ندادک و مبارک
 رکاب خلافتما ملوکانه لرینه اهدا اولمق اوزن حاضر
 و مهتاب اولنوب گذلک طرف سعادت کنزه کوند ریلوند ندرده
 وصف اولن یغی و زن اوچ راس با کرم و پاکیزه جاریه
 دخی جاریه دخی و لتلو عصمتلو عنایتلو ولیه نعمتمز و الل
 سلطان افندیمز حضرت تریک مبارک بشمقاری مزاینه اتحا
 اولمغیچون اماده و شیقه شیقه خریه لر ایلله ارسالی اوده
 اولمغله افاده کیفیت حال ایچون تذکره محصله آنه خبر اولمغز
 معلوم سعاد تری اولدقن نه محله کوند رملری اراده عملیه
 ببور یلور ایسه تحصی قول لرینه نفهم و بونقا جوی بیر یارینه
 افاده و اعلام ببور ملری ما قول در خوا سیدر

بود فی تحقیق نامه عهد شهادت ادا ای جواب لازم لایا محضی کا
 سعاد تلو مرو تلو مکر تلو قر نراش عا کیشا نم اغای
 جلیل کیشا نم حضرت تریک موعده ایقاع و فود کعود اولان

نادی و حیب عزت اند و در لرینه هزارید تعظیم ایله جواهر
ذواهر و عوات خالصانه و فراید نصایر تحیات صادقانه
اهد اسبله خیر منبر خود رشید تنویر لرینه نموده مخلصان
سمیر لری بود و که تبریک عید مغفرت نویدی منمن
ار سال ببور بلون تذکره علیه لری فشاط افزای و دود
اولوب سلاک مسطور سعادتمسطورینه کشیم مروارید
تغیرات نوارش سمانلری زیور سحبه مباحان خلوص
ایات قلتمشدر حق سبحانه و تعالی قطب دائره شوکت
و مرکز مدار سلطنت اید عدت اولان شوکتلو کر استلو
قد و تلوعنا تلوی و لی النعم عالم افتد از حضرت تبریک وجود
هایونلرین خطا لردن امین و سلم ایدوب ادرکه علیای
جهاندار یلرین الی انقراض الزمان مسندام و مسکین و عهد
معدلت مهر خلد قنلرینک هر کونی عید جاوید سرور
ایمن و سایه های پایه ملوکانه لردن جمله مزی راحت و عزت
قرین ابلیس سلطانی و حق مسند سعادتلرین الی الابد
سوند و موبد ابله امین حلیه سحبه علیه لری اولان
مکارم جبلتلرندن فیما بعد و حق جانب ثنا کارا خلاص
شعار لرین قلب ساطع الانوار لریدن دود محبوب
ادعیه کیا خاصیتلریله یاد و تذکار ببور ملری نامولرد
بود فی عید انجلی هزار سید و شرفدار کسعال اغای قند
صدر اعظم حضرت لرینه تذکره و آت هدیه ی کلدکم ضایان شار
بنم سعادتلو لردن انجلی اولان جواوید و مروتلو مکرمتلو
فرنداش عالیکقدوم اغای جبل کشانم سلطانم حضرت تبریک
حلیه کیت اقبال و مشرق انوار اجدال اولان نادری
سعادتمدار لرینه مراسم تعظیمان متوالیات ایله عرض خلور

درون اول نور جناب خداوند بچون ذات معالی سمات
 مکارم مشکون نلریں طوارق اکر درن مصون ایدوب
 ایدوب شمار ایا م عمر دو لیلریں اعداد رمال صحاری
 حجاز دن افزون و عاقبت و سعادت داعیه به مقرون
 ایلده امین بنم سعادتلو دولتلو سلطانم حضرتلری
 الحمد لله تعالی باعث مغفرت خیر امت اولان عبد اضحی
 صحت عاقبت مقرون اقدوم ایدوب تکبیران تشریف ایلده
 صد و مؤمنین نوینو نور اکین اوله حق دملر کلمه طرف
 باهر کشف لرندن فرستاده بود بدین نواز شناسانه کرامت
 ایلده ادای خضیه عید سعید بود لیل بقعه مصحوباً اچاله
 پیشگاه اهدا بود بدین سمندی مانند مرتین دخی و سبب
 اولمغه فوق القاب قرین العین بخت و صرف اولما مرقه
 اولمشاء الله ذوالاجال واسطه العقد سلطنت و درج
 جسم معدلت و خلقت اولان شوکتلو کرامتو مهانتلو
 قدرتلو ولی النعم عالم شهنشاه معظم افندریاد شاه
 عالمیناه ایدالله و قواء حضرتلریک ذات نصفت سمات
 ملوکانه لرین الی اخر الزمان شرف بخش ایدیکه دیهم ایدوب
 او ان دولتلر سرسرایام اعیاده ون عبارت و شفعه لواهی
 فوز الکنوای شوکت و عظمتلریں هر درجه و ساعات و تحویر
 لنایم نصرت انکدن خالی ایلده بر مقتضای سببه علیه لری
 بنما بعد دخی مخلص ما فی طور تیلریں مبارک طبع انور لرندن
 اخلا بودریوب دعوات خیریه ایلده باروند کار بودملری لک
 بودغای عالی شان شمار که هر روز نموده
 بنم سعادتلو مروتلو عا طوقلو فرزند اشرا سعد و اکرم اغای
 جلیل کشانم سلطانم حضرتلری رونق طراز جینی صغه انبال اوللا

نمشینگاه باهرا لاجلا لرینه زینت ریاضی خدای وادایش
حدایق اختصاصی اولان ریاضی تعظیفات محبت ابنی و ترجمین
تفحیمات صورت اکین تقدیریه کلدسته دعوات بیری و ازهار
نخبات ثنا و موضوع شکوفه دان اهدا قلند یعنی سیاق قدیم
منبر بیضا و حاطر عاطر مهر انجاد لرینه نموده محلی صمیم
الو لاری بود که انشا الله تعالی اثبوت کوفی نمود
فیر و زجهان اخر و زک تحفی و قوعی کل کی عیون و قلوب
عالمی فریر و کشاده ایدوب و آیام فرح ارسنام عید سعید
نصاف فی عید بر بالای عید مضمونی افاده امکله بوبله اوقاف
سرت سمانم اوتنه دن بروینم کان خاکص انجان اولان لولی
تقدیریه وسیله انبساط اوله جو هنرمان شایسته تحویل
تقدیریه دل و جان ثنا را تمکی اعتر مطاکب و اشرف ما رب
عده اعتریه بوبله کینه دخی ذره کمقد ری اختیار کن
شوکتلو کرامتو قدر و تلو سعادتو ولی نعمت عالمیان اولان
اقدمشه شاه جهانیه اولدیم ابدن انا فانا تقدیریه انفا
حیاتمی بذل اینار انشم کا هو حقه قولی مرا سمنی ایفا اتمک
امر محال و بلکه مظهر اولدیم نعم و کطاف بی بابان خدیوانه
اجون منز العرس سجد کزاد می زمین شکر دوز رفیع انشم
بنه حق حمدی متخیل الاحتمال ابد کی ظاهر و هو بیداد و انجو
هرند کلور رسم عیونیت اجر اسنم عجز و مقصودم بریدان
اولسه ده بنه فریضه ذمت خالصانه اولان تحصیل و
سعد اقتضای ملوکانه لرند بذل اقتدار و ادعایا عت نفیج
فواد صفا معنادن واته لری اولور سایه موقوف اولموا بجز
ساعی بشمار اولد بقدر ناشی حاله هنرم بوبله لطافت
هوا و فضل ربیع طرب افزاده کلزار عالم نمونه بهارستان

ارم ان شاء الله تعالى مشو عید سعیدك بشیخی کوفی اولاد
 بوم سیت که نوروز دلفروز دوشو کلوو مهانیو معد نلو
 کرامتو ولی نعمت از خدمت حضرت نریك بهار به باکیرنه تشریف
 هابون عنایت نمونری رجاسله ترتیب ضیافت عبودیت
 مصمم اولمقله تذکره محالست ترفیحه و فرستاده نادری
 عز و سعادت نری قلتمشدر محاط علم عالمی اولرق برقت
 انشراح طبع هابون نور مشحون شهریا و یلرزم دکاب کامیاب
 تاجدار یلرینه عرض و تشریف شوکت و دیف بادشاهانه یرله
 بو عید کمتر لرین مجدد انظر الطاف و عنایت ملوکانه لر
 بیور و پخا کدن رفیع بود ملری با بنی حسن ترینه برکه تخیه
 بذل جلالت و توجیله فرمان هابون جهانیا نر شرفقد و
 بولور ایسه بود و الجوی اقبال لرینه اعلام و اشان بوردی

صورت مکتوب مامولد و توصیه نامه رها اعلامه
 بنم سعادتو عا طفقو مکرمتو قرداش عالیشانم اغای جلیل کفایت
 سلطانم حضرت نری الوی تعظیلات جزیله ایله دعوات مستجاب
 جمیله اهداسی سرزده اخلاص و قلب صداقت اختصاصی اولتمو
 ضمنت منهای و الجوی بمرالری بود که اغایا نخلصیدن
 ملی علی اغا قوتلری شجیع و بها درو شجعا ماسند شلی نادری لر
 اولوب مقدم ما بوشنا کارلری دیار کبریا لکی ایله همدان طرفه
 مامورا ولد بغیر باشا اغا قلد متفرده بولمقله عشان و قیال
 دجا کندن پاک و کزید کینلر ایله طرف دشمنان نیجه دیلار
 و واقع اولان حروف و قتالده نیجه کله لر کتور و برار و هاکو
 نه درجه ده اید بکین بغداد سر عسکری احمد باشا شناکا دیکر
 دخی شاهن انجشد و و ذاتند اولان شجاعت فطریه مندند
 غیر جین محاربه ده رای و تدبیره و هر وجهه اعمال عسکره

قادر عاقل و رشید بنوع لری و مغلله جلاوت و صداقت کمال
 اعتماد مزدن ناشی بود دفعه کنندی و قیله سی بهادر لرند
 ایکی بیک لیشبوز مقدار ی مبری لوندات تحریک و عجله
 موصل و شهر زور و طفرینه و ارباب ابرشک شرطیله اولمقد
 لوندات باش یقین اولوب و او لکدن زیاده کند و سندن
 بود قدح خدمت مرغوبه مطلوب اید و کن افاده ایلد کیمزه
 عون حق ایلد عشایر و قیالیم بکترندن بود مقدار و بلکه دخی
 زیاده عسکری نداد کی ایلد سر عسکر عثمان باشا حضرتلرنیک
 دایلی و وزن حرکت و اگر بغداد کوند و یلور اسیم مقیم
 اولان عسکر ایلد همان دو غری بغداد دخی کید دم و قریلار
 طاقه سی بیلد کیم و کوزم الشدیفی دشمن و مغلله عنایت بادی
 ایلد دشمنک بر طرفه دخی نفره و بر مک ما مولدیم ایخو
 امریه تقویت و عنائر قیالیم ایچدن اعتبارمه وسیله و عت
 ایچون بر قیوجی بختیق احساسیله چراغ بوزلمق نیاز ایدرم
 دیواستد عای عنایت اتمکله واقعا بود قتلدره ایشک
 عهد سندن کلور یو مثللو شجیع و بهادر مدد اعتبار اوله
 و جمله التفات اولتمق نسب اولوب مرقوم بنوع لرینک مهارت
 نامة سی ولدیفی بالمشافیه مجرغر اولمغین دونه کون مبارک
 دکاب هایبونه بوردسور دیکلر بوجو صر عرض اولتمق مقیم ایکی
 حاطر محضیدن فراموش اولوب بود دفعه مرقوم قوللری
 علوه سنی کنندی ندادک اتمک شرطیله وجه شروع اوزن
 قیوجی بختیق ایلد چراغ بوردسنی مصوصی تحصیل اولمغین ندرکن
 محلی تحریک و وسیله اولمشدر معلوم سعادت نری بوردلر
 دکاب سخط ایجهان ندادی یه عرض و توجهله فرغان هایبوت
 جهاندار ی بوردلور ایسه طرف دوا محجوب بیریالربنه عرض

و اعلام بیور ماری ما مول در خوا سید د تم

صورت نذ کره دیگر

بنم سعاد نلو مکر متلو عا طقتلو قرنذاش عا کیشا تم اغای جیل کفتم
سلطانم حضرت نلری دوحه ا قیا للری هوان تند باد هوا دت
ایا مدن مصون و کاشانه اجله للری علی کنوالی زبور دول
ایله شویج و شحون اولق دعوائی تقدیمه منه ای مخلصه نذ کر
بودر که صدر مسبق مرحوم ابراهیم پاشا نذ کر سلحدار سابق
اولوب میخا لجم اقامت اوزن آتقن فوق اولان سلیم اغا نذ
یا فرمان عالی میخا لجم و استانه سعاد ندم اصبا و املاک
و بالجمله ستر و کافی تحزیر و دفتر اولوب میخا لجم نابئی ختمیه
مخنوم و دفتر دارا فدی نجیصلر بیلده محرر اولان دفتر لری
و میخا لجم نابئیدن کلان بر قطعه عرض منظور سعاد نلری
اولمغنجون صوب عزت لری نه فرستاده قلمشند ر منوقای مرقوم
اهلی اولوب میخا لجم باندم اولان سرایی فاطمه خانم و فی
مباشرفو للری بیلده کلوب کند و اشیا سی اولق اوزن تحزیر اولن
شیلردن غیر منوقای مرقوم مومی الها خانم نذ نمنوله
اولوب بابا سی فوتندن صکر و فاق ایتیش بر او غل صاحبیه
اولمقله و راشی کند و به مختصر اوسین ادعا تمکله معلوم
سعاد نلری اولمغنجون نذ کره محصلی تحزیر و دفتر لر و عرض
و عرضین کورایله سعاد فرستاده حضور معالیم لری قلمشند

صورت نذ کره دیگر

بنم سعاد نلو مرو تلو مکر متلو قرنذاش کر تم اغای جیل کفتم
سلطانم حضرت نلری حق جیل و علی شوکتلو کرا خا ندها نیلو ولی
نغمز افند تر حضرت نلری نذ کر مبارک و جودهایون کراست
شحو نلری خطا لردن مصون اید و ب کون بکون صفای

خاطر ملوکانه لرین و اقبال و اجلاول شاهانه لرین مرداد
واخزون و انواع قیومانه صفرون ایلله و ذات عالیشانلر
دخی ظل لها بایه خدیوانه لرین هوان بخت و سعادت
مظهر ایلله این شوقلو فررتلو کرانبو ولی التغم اقد فر
عین و اقبال و قوت و اجلاول ایلله محض عنایت و التفات
با دها نه لرند ن فاشی حقیقه ایقه ارم مثالگری
نشریف بخت ردیف تا حد ااته لر بیه غبطه فرمای
بخت برین بیورد قری کونین زد مخلص صمصیری
اولمغه بر دونا غش مصری بخیر تدارک اولوب
مخصوص طرف با هسر کشف فکرة گوئد و لمشدر تبرکا
صوب سعاد تارندن مبارک رکاب مستطاب خضر دانه
لرینه کشیدن بیورد بلوب بوئنا و و میرا لرینه دخی کسا

الف باب مفاخرت بیوردملری مر جود در دیگر

بنیم سعاد تلو سماحتلو مکرمتلو سلطانم حضرت تری ذات
مکارد صفا تری علی الدوام و قایه یحسانم مظهر غو
و عنایت صمدانی اولوب صحت کامله و عاقبت شامله
مستدام اولملری دعواتنه متعاقب الیها مینیر
و خاطر عاطر اینه نظیر لرینه نهایی مخلص صداقت
سیر لری بود که بوکون جناب قوت نضا بلریله کور
و صحت جانقزای فیض تاد لر بیه کسب اینهاج اتمات
ازد و سندن ایدک لکن حالا ادر و موالسی اولوب
و شهر زور طفر بیه سوق و نسیر اولنان عساکر منقذ
اوزد لرینه سرعکر نصیب و یقین اوفان وزیر مکررم
سعاد تلو عثمان پاشا حضرت تری ثنا کا دلرینک معتبرین
اجتما و احتشاد ایدک جک جنود نفرن موغودک

ترتیب واسعیجی للری و وزیر مشاد گیه حضرت لرنه کوند رله
 جک تشریفان سرعکریه و او امر علیه نك اد سالی و سائر مهله
 مستعجله نك تمشی استیجا لزم اولد بفر حسبله برره حرکت
 اولمادی دات علیه لرندن دخی توجه درون و دعای خیر
 ایجا بنمون نیاز اولنور حق سبحانه و تعالی امور دین و
 دولت علیه فی هراتم خیره مقرون ایدوب همیشه اعدای
 ملک و ملکی مقهور و سرنگون ایلده اجنبی ان شاء الله تعالی
 نصمیم درون خلوص مشحونم اوزم بوکوندن صکرم
 بنه بر بوم سعید ده شرف ملوکاتک اعرار ایلده مستفید اوکون
 همان صحت و عافیت دایم اولوب کور صوری و مغریدن

القاب اجنبی و سالم اوله لر سباق دیگر

بنم سعادتانو سمانانو حر و قلو مکرملو بد راغزو اکرم
 سلطانم حضرت لری هواری ذات کرامی صفات معالیسمانی
 منظر عنایات بنفایات فیض البرکات اولوب حد یقه
 اقبال لری ایباری عون فیاض مستغان ایلله ربان و نثار
 ساعات تمامی عمر و دولتری منرفی اعداد نجوم اسمان
 اولمق دعواتی اتحات و تقدیم اولمق سیاقده غمده منظر
 صادق الحمان لری بود دکه بوگونکه کون بکون دره ده اوله
 حد یقه جنت اسارینه واریلوب بلطف الله تعالی لطافت
 هوایه دخی صادق اتکله تمام دلخواه اوزم کاه کرو
 و استیجا رعی سائر فی شمل یاغجه بهشت فرا لرنه مشرفه
 کاف ذلکشانم و کافضای زمره سالی طرح زداندن
 بروق خاطر خواه اکتساب صفا اولمق زبانه اخلاص
 ایلله دعوات خیره لری ادا اولنوب نائل اولد بفر بهجت
 و انبساطی طرف باهر کشف لرنه اعلام و تحدیث نعمت

ضمیمه زبان کلام اخلاص نشان ایله دخی بقای حق ثنا
 اولحق اوزن ایکن بود فقه دخی محض عداوت درون مکرمت
 مشهور نرند ن تاشی تذکر علیله ایله اهدا بود دیون مقام
 نواز بر قطعه مصنع ساعتی انبا و شخصی اقدی بنی لری
 ایله واصل اولغین فوق ما یستور رضا عفو محظوظیت
 خاطر اخلاصی ما نر عمره باعث اولمشد در جناب حق و دو
 ذات سعادت الود لرین طوارق ملواند ن مصون آید و
 هلیشه خاطر نواز مخلصان مخلصان اولقدن حالی
 ایلیه مکارم سمیر لرند ن مر جود د که بوندن بویله دخی
 بو فرزند صادق الولا لرین دعوات خیریه اجابت
 اثر لرینه مظهر بیور ملری و مر جوب و بیولدر باقی هموار
 ایام سماحت و اقبال و عافیت و اجداد هم لا ینزال

سورة تذکر القاب و غیره

بنم سعادت تو سماحت و مکرمتلو بدراکرم سلطانم حضرت
 هموار مظهر فضیلت نامتناهیة فیاض لا ینزال اولغله
 نیجه یونک امثالی عید و نور و زده کال صحت و عافیت
 و صفای بال ایله ایر لیشرب مستدام عمر و سعادت اوله لر
 امین مرآت صور د قرائق علوم اولان ضمیر منیر حقابق
 مر سولرینه ضمای مخلص صادق الولا لرید د که ایشو
 عید سعید خیر اند و زک بشیجی سیت کوفی نور و ز
 فیر و ز و لفر و ز اولوب بویله فضل و بیع عالمکشانک
 ایام عید شریف فر حقا ایله معا اقبال اتمیش و لیل
 منبت و باعث کنشاده کئی سرت اولغله دور فیر و ز
 مز بورده بر وجه معال شوکتلو کرامتو مه اینلو عیو
 یاد شا همز ولی نعمت عالمیان شهر یار ادیکه بر و احسا

اخذ فر حضرت لرنیه ترتیب رسم ضیافت ایله بهاریده بالسنه
تشریف شوکت و دبیف همایون لری بوی رتق بجا شده دعوت
بنام کانه اولمغینان شوالله تعالی بوم مخصوص خاصه
ذات سماحت ایا تگری رونق اخزای انجمن ضیافت اولق
اوز ساعت ده ایکن سعادتخانه لرندن تحریک
سمند غریب و عزت تشریف ایله محاصری قرین کعبی مسترق اعکله
و جد بدلت بیور ملری موجود

بنم سعادت لوقضیللو سما خلو پدرا کریم سلطانم افندی
حضرت لرنیک نادی قضا لمصلر لرنیه تعظیفات کنیر ایله اوعیه
عمر محصوره احتاق و اهدا قلدی بی سباقدم غنوده مخلص
خالص کول لری بودر که اوسال بیور دیوان تذکره علیه
و احادیث شریفه بی محنوی رساله لطیفه و مخصوص
اهتمام سینه لریله جناتی زاده افندی داعیلرینه یا برادر
تغزوی دلجوی فر حضرت الی صید تر دور عنا هدیده
اسنا لری و اصل اولوب هر برندن بر کونه فرغ و انبساط
حاصل اولمغله صوب قنوت نژاد لری نه ساله من تقاد
اولان خلوصی قواد مضاعف و مرداد اولمغله دعای
خیر لری نکراد اولمشدر هموان کال سعادت و عافیت ایله
مستدام و انواع سعادت و عزت ایله فائز اجل مرام اوله
حق بودر که اشارت کرده علیه لری دلربایی اوزن نمادی
ایام فراق بودا عکیزه دخی مودت کدرا اولمشدر اگر چه
فیلریمز که قریبینی اتحاد درجه سندم اولوب لکن مباع
منازل صوریه و کثرت مشاغل بریه بعضی کرم بویله خدمت
مرضی طول ایام کور شملکه ممانعت ابد بورهله بو مخلص
صاف سیرم هر بار ذات سماحت ماثر لرنیک شرف صحبت

فیض اب اولمق اردو سندن خالی ولد بنم بو قدر اینجا نشا الله
 تقالی اوج دورق کونه دک نوبهله اولور ایسه محض ایسا
 اجتماعه اهتمام اولنور دهان حق جل و علی جمله قره صحت و عافیت
 احسان ایدوب اکدار دن مصون ایلله جناب سعادتماری
 مخلصکم والد معنوی اولوب و جو هله دعای خیر بکره حاج
 اولد بنم قرین علم شریفی اولد قمر بو ندن بو یله دفعی بارک
 خاطر انور لرندن دور مصوب طرف شریف لرندن دخی ارب
 او قاتن کور شملکه همت علیه بیو رملق کولدر

صورت ند کرم دعوت

سعادتملو سماحتلو مکرملو قرندا شاعر و اکرم اقدی
 حضرت نرنک شریف انوار فضل و افضال و منبع انوار مجد و افاض
 اولان نادئ شریف و محفل نصیف و لطف فائده انواع تعظیم
 و اکرام و اقسام توقیر و احترام ایلله ادبیه خاتمه اجمالی
 اتخا قدن صکره مجموعه مکارم بشم اولان خاطر انور شریف
 ملتر ملری سنوالی جمله به تقدیم او انتمی سباقدر مراق صوب
 حقایق و الهام اولان خیر شیر فیض ارنسا ملریه نموده
 مخلصیم و منها صید بق خلوص و سیمای بودو که بفضل
 الله حسن توفیق شهر صیام غفران انجام کمال عافیت و توفیق
 نعم جلیل رب عزت مغار نیله و سید حسن اختتام وان شا الله
 تقالی یازنکی کون عید سعید صررت فرجام اولمغله اول روز
 فبروز نشاط افروز ده علمای کرام و فضلاء ذوی الاحرام
 دست بوس سعادتمانو شهر راوی ایلله قاضی مراد و لوق
 مفاد اولمغله ذات بو حقیقه سماتری دخی ساعت ده اکو
 سعادتمندان لرندن حرکت و سرای مبنو غای با دشا هیبه
 سوق سمند سعادتمن بودوب قدام علمای عظامه شریفتمنا

اولمغه بذل هفت بود ملری نامول دو خوا سید و
 باقی ششم ابانم سعادت اوقیل و عاقبت لایزال بر

الاقاب نوع دیگر

سلطانم حضرت تبریک مزدحم منهبان اعیان و مجمع سعود
 و امجاد اولان نادری کثیر الایاد بلری صوبه و نور خلود
 و صدق طوبت با هرا لا ینقصا صایله تنایع تعظیما حی
 حاوی و نوافی تکریمات و فحیمای مخموی دعوات
 طیبات که در مزمله تکیبرات عید به ایله هفتان سرادنا
 ملکوتی کذوان و فی طرقة العقبی و اصل ایا نیکاه محب
 مستغان اولمغه شایاندر متخف و مهنی و نهی صیام
 و افطار و تبریک مغفرت کریم و غفادی دعایت و اوداد
 حکم غوده مخلص صمیم الولا و منهای صدق بی از تاب
 و مرا اولدو که الله ذو الجلال شوکتلو کرامتو قدنو
 مهابتو ولی النعم عالم و باعث التمام استات امور بی
 ادم اولان شهریار معظم و ناجدار مکرّم افندری کمال
 صحت و عاقبت شوکت و عزت ایله هرا د بولده عید بی
 سعید غفران نوبع ابر شد بروب سایه لطف و غایر
 عامه عالم و با حصوص ذات مخمور یله بونیم اخلاص
 شمیری اوزن ندن ذال ائمه امینی تبریک عید شریخی
 مبتق تذکره علیه لری ایله پرش خاطر ثنا کادی به کرم
 سوزش جناب مولی عز و سعادت لری مزاد و ذات
 تکریم الکصفاء لری هوای مستر اادوب قرب نعل
 الکصد هلیشه سبجه لری قد و کوند ز لری عید ایله
 امینی حقا که یو غید مبارک شرف هر سر شوکت ایله
 نوبهار زند کافی و موسم دبع محبت انا و کامرین

معد و در روز قیامت از مقام ایلله مبرور و مسعود
اولدینی دلیل اقبال تحت همایون اولمغله بخت و سروری
ایجاد سازد و در افزون اولمشدر حق جل و علی کافه انامه
معمون ابد و ب مقدمه مسرات فوز و رفعت و واسطه سیرت
فیوضات و استراحت ایلله مکارم سیمه سینه لرند
فیمایند دخی بویقا جوی دائم الاخلاص لرین خاطر انود
لرندن اخلاص بویق و دعای طیر اجابت انا و لر ایلله
یاد و تذکار بویق و ملری نما مولد در خوا سید م باقی شمس
ایام سعادت و اجلا لمراند و اخیر و اقله

سوره خرافه رقیه علامه نوشته بر سیاق غرض حال

عزیز و غنیانو عطف و قلو ولی کفم اقدم سلطانم حضرتلر نیک
هر بنه پیشطاق بهر برین اولان سنه علیای دولتقرنلری
مالک شاه رخسان رقیه و سایشگاه ناصیه عبودیت
قلندینی معروضی عبدگسترها ملری بود و که جناب بیونر بخش
کاف و نون کله نامه نسخه فتون اولان وجود مسعود
عنایت مشخونلرین بیوسته دیباچه دیوان دولت ایللیوب
سایه سعادت و عنایتلرین بوضیقه عبودیتلرند الف
مستقیم کبی بابر جا اولان ندر نزار لری فرقدن مه اسا
زانی ایلله بنم دولتو عنایتو عطف و قلو ولی کفم اقدم کطام
حضرتلری ساحه صفتی الارجای هجراند و وانگشت
باس و امید ایلله شبا نروزان مداون ایللد بکر طوب
خیال بحمد الله الملك المتعالی دستپاری صولجان نقد بر
ایلله کنان اما مرزده جلوس کراستوراد اولوب فضائل
مشخون ذات سعادت و فقر و لری جذبه شرطه عنایت
خدای بخون ایلله ساحل سلطنت جا بنده یاد با نکشای اقبال

اولد قری فرعه سامعه انتظار فر او اخله بحر صفت نشیم انشواله
کف زبان و غروشان دوام دولت روز افزون لری دعوتانه
وقف لسا و جنان اولد یغنی خاکبای و قلمینه عرض و انراب
ضمخه رفقه عبودیت اچینار وایتار فلندی ان شاء الله
نعالی رسید دامنوس سعادت اتمانوس لری بود لردم مقفقا
مواعد کربانه لری اوزن مزده کشار املد اشتراک
قبول بود یون بده لری هکام خرمن دخی خاطر اشراف لری
سپرده انا دهر جان و حواله سنک اسباب نسیان بود کاتب

صورت دیگر بر ساقی عرض حال در ضمن اظهار عبودیت خلوص صورت
دولتو عنایتو را فلو عا طفتاو ولی النعم فی الهم اقدم سلطا
حضرت نیک ضیا بخش عبون عباد اولان خاکبای توبیای مثال لری
میل نجیل ایله دین عبودیت کجیل و کونه احرام بهین اجتناب
لب ادب برله تلثم و فیصل قلوب لازمه ذمت جا کر آم اولان
غمدی فروزان شمع دولت و اقبال و تراید در خندان نجم
سعادت و اجداد لری دعواتی مخلص البال زیور صحایف
اشتهال فلند یق خاد لثم عریضه داشت بین صداقت آفرینه
لرید رعینه سینه ولی کفانه لرینه قریح و سنه جلیه کربانه
لرینه صمیمی اولان احیای عبودیت خلفه بگو شانم تم قبیح استیحه
ناید راسخه رفقه و سیله جویان مدی الارمان اولوب
مقتضای فم زد دیر تقدیر و استعداد داد کش مقسم لادرا
حق قدیر ایله کشت گذار مسافه الدیار مدیرا لاعصاب جاکرانم
نوال دست رس دامن دولت میا مقلندن بی وایه و باب
نعم اکساب مروت لندن دو رمانم اولد یقول ضیوح خیرانی
ایله مثال البال اکین بو او ان سعد احیاند سوانق فزائق
اخطای عیم خالق الخلاق ایله بودیار کلزار خوش اطوان صوب

عنا بنقراد لرندن میا عتیه ستار قلنان بنده لری حساب
مور تی ایله روز چند مکت واقعت و بود قعه ختام بر مصالح
مسئولان تله اولصوبه عطف بحام معا و مت ایند رلدی کی تجدید
اساس عیودیت استنباسمه اجتناسار و مرفوع طایفه بشکاه ابوال
هرکیو اثر نیه ایندار قلندی توفیق الله الملك المستعان چاکر
چار و یکیش دیر بنده لری قذ لکه ینم کان عتیه لرندن سترده تیران
بیور لیوب ما لوفه اولدیم سایه عنا بتوایه کریمانه فرق عاقر
من ظل انداز و متادی بیور لری باینم **اشیو نندن اشیا غی فید**
عصر کافه و وحید دهر ماضیه پیر سخن بدوخت و یگانه قر
فصاحت شهیر دوران عذیم الاقران یکنای بهضای فی کرم
نای مرحوم ضلشانه شروع اولمغه بوقطعه بند اینتر مقام
خذ ماضفا **سروحه یه کاشنه قلغشید** دوع ما کدر
مغربی و زن کلام معقول و مقبول اخذ و تاضایب ترک
اولمغه تیه فاندن تخی اولیوب ایراد کلام ایدن خیر خواهه
طعن و اعتراض و ادا اولمز اکائنا فقیر دخی عقل فارم محیط
اولدیم مریه بو افضولق ایندیکم عقوبیور لری موجودی ایوم
بند همت صاحب و لکن تنظیم امور دولتم سعی و اجتهادی کال
الله احسن و حل عقد مهمان اهما ماری شویله محسند و که هر نه
مقتضای طبیعیه و زن بویه شروع اولدیم نوازع قریبه ده
مشاهد و مسموع دکلدر حق تعالی کا هوا لواجب نظام احسان
ابد و دفع ضرورت مریه سته اقرام ایله امور دولت
عبدیه تک اهم و الزمی و مقام امهاتن جمله سته اصعب و اعظمی
بنش مصلحتدر که هر عصره ملوک عظامی و وکلای عالی مقام
عاجز و حیران انجشد و که نظام ویرلسد من بعد بغیر و غیر
ظهور بنده اعمالی قالمز **اولا** ایراد و مصرف حضور ضی حکمانه

ستویه به بلکه دفعی ننزایله و وظائفی بقیلله بر طریق ایله شروع
اولنه که ته قطع ازاق ایله بد دعا الله و نه ندعتر احدان
اولنه **ثانی** خیل فیلسوفانه ایله تداخلی دفع و اول یاربلاقی
خزانه عامره او زدن دفع ایتمکله بر طریق ایله شروع اولنه
میرین مام قالدی دیو بر فرده ظلم و شکوه اتید و **ثانی**
طوائف عسکریه بر کیفیت مقتدله ایله نظام ویریلکه که او **ثانی**
مهور و هم وقت حاجتد معایله دشمنه مستعد و حیسور اولکه
و هم اطراف محاکم اولان تا صلح یار کتم حقوق ایله میری
و فقرا و اوقات و زحایه عذر ایند میله لر و هم خادج و دال
اطاعتدن عز و جیه قادر اوله میوب اولو الامر عید مملوک
کی مقتاد اولال **دایم** طشره ابانکره حرکت ایله تقفات
و نذیرات اولنه کم هم رعایا و رابا اسوده و مسرود و هم مملکت
ودیایا رابا دان و مهور اوله و هم احوال میریه شرعاً و قانوناً
کسر و نقصان ترتیب اتمیوب و الی و هاکم دفع انتقاددن
قالمیوب قبولی حال لرینه کور مکل و مرتب اوله **خامس**
بعض نذیرات خفیه ایله شوبله دلفریبانه حرکت اولنه که
بادشاه اسلام مساعده شرع و قانون اوزن ذوق و صفاتدن
منتزع کصدرا اوله و کذلک محبت و هیبتلری قلوب ناسه انزاب
و رابطة خوف و رجایه دبط اولوب جمعیت و ضیانت اتمک
دکل اول مقوله مفاسد خاطر لرینه خطور اتمک احتمالی
اولمیوب جانب سلطنت و وکلای دولته باطوع الصافی
مطیع و مستخر اوله لر اعتراض اولوب یو خصوص ملک یرینه
شروع اولننه محذور و احرک و قوعی مقرر دینلور سه
سلطان و وزیر همد بیر اولوب حکمت شریعه اوزن عمل
و حرکت ایدر لر سه ممکن و مستردر استغفال شرطیله بر وزیر

مشرع و دیندار و بر مشیر عاقل کار گذار کا قید رکوب بر بی زاده
شهید مصطفی با شانك سنه اولی سنه اولان ضعف و ضیق و
قتل عسکر مقوله سی اسباب متوقعه شداید بر عسکر ده جمع اویش
دکل ایمن بر جمله ده شرعه موافقت ایله وجوده کتور دیک قیوجات
کنیره شمس تابان کی روشند درسته فائده ده تبدیل سلطنت و خاندان
احوال استقار دل سببی ایله اولان مکر و هات دین سبینه معلومه
حاصل شرع شریفه تثبیت ایله بتوفیق ربانی مشکل قالمیوب هم
اعدای دین دولته جواب و بر ملک و هم هرا بنی مراد اوزن
کو دملک نمکندر همان حضرت مولاجل و علا و کلای دولت
علیه به خلوص و انصاف اعطا قبل برین عرض و نفا قدن پاک
و مجد ایله امینی دریتون سکسان حد و دتم و کلای دولت
اسلامیه نك عدم اتحاد لری و طوائف عسکریه نك کثرت
جنانف و فساد لری سببی ایله ملوک اسلامیه به ضعف تام و
نظام مملکته اختلال تمام عارض اولوب کاغد شفاف قیلیر
شفاف و نفاق سوء ایله عرصه تلف اولمغه عیاذ بالله تعالی
کفار رخصت بولوب عربستان بایکدنم واقع قنر شریفه واره
قرا و قلاع ضبط ابدوب و حب و شام و مصر ضبطنه دخی انداز
اوزن ایمن اگراد ایوبیه دن ملک صلاح الدین یوسف ظهور
ایدوب کال صلاح و دیانت و رای تدبیر شریف بر کاینه دولت
اسلامیه فوق بولوب وقت بسرده اول و لای تیری استرداد
و غنائم کنیره ایله عزائی معور و ایاد ایلدی سبب بولکه
مشایخ کجاد دن اول و قنر ابو الحسین شیخ عبدالرحمن نام
بر دولتلر و ارایدی صلاح الدین یوسف خلوص و سعادت
کوروب عظیم محبت انجمنید ی تدبیر مملکت و اسرار سلطنته
مغلق بر رساله یازوب یوسفه و بروپ هر اموره آنکله

عمل اتمك اوزم مالك اسلاميه به نظام و بروب صدق و خلوص
 بر كائنه بشيوز الخش بد بين مستفاد باد شاه اولاد قن حق بود
 دين و دولته و عسكرو رعيتيه بر كونه نظام و بر مشكه ملوك
 پيشيندن برينه مبتلا و محبوب بطون نوايح اول ذات شريفك
 مدح و ثنا سيله مالا مال در دجه الله عليه بشيوز سكان
 حد و دن ملك يوسف و قات ابد و ب رساله مذكور دور
 ابادي ابدك صد دور و مدن متقا عد مؤيدي عید اگر حق ابد
 بد ندن فاتح مصر مرحوم و مغفور له سلطان سليم خانك طررتو
 كبد را بكنيد مؤيدنيه و اصل او مغله علما دن ادرين بيلسي
 محرم انيس ابد بنوب بور رساله مي دانما مطالعه و مذاكره ابد
 ابدی اند نضكم قول اصح رساله مذكور عنقاى مغرب كجو
 فان خفا ده موجود الا سم مغفور الجسم او لمشد رختي مرحوم
 رامي باشا و قات ابد نجيده دك دار كساده و او قاف بكار
 كتابخانه لرین او اند بروب و علما و كتاب و صحاف مغرله و
 اهل و قومه سپارش ايند كلرندن غيرى هند و عجم و نجبه كيدند
 بوصوله و بروب مال انويه و عدايد و لر ابدی مصرده صادق
 الكقول بر معتد كمنه دن با مشاهنه استماع ايلدك بر كون
 مجلسه و اودم علما دن شيخ نشرطى و اليوم حياتن اولاد
 شيخ احمد الخفي و سله اولان جا عترتیه رساله مزبور ي
 تعريف ابد و ب ديدك سزدن هر قفسى بولوب كنود رسه
 بر كيه انچه ايله بر قات كسوه كامله احسان ابد رم مشايخ
 جواب و بر ديكه ابو الجيخك فاخذى قرآن و حديث و امر ايك
 نذير مملكت و دولت و سلطنت و ضبط و ربط عسكرو متعلق
 بر رساله يان لم هر قفسى مختار طبع شريفكز اولور ايه اكله
 عمل ابدك خوشايله در اما ان اولان دن ارق مشكلات و حقايق

تفرقات تشقه برسد که غیرین مقصور دکلرد دیو جواب

دیباچه مویب ویردی **تریب منشآت نابی افندی رجوم ریم**

ضمایر ارباب فضل و عرفان پوشید دکلرد که اشعار و نغمات
شعار و سداست اناوده نادان کفتار و وادی نثر

و انشاده و سنی نامدار منشی و لان منشی دوران
و وصاف زمان خواجه جهان حسان دیم نابی افندی

مرحومك مدد کادی فیض باری ایله قلم معاند
داس را ورده لب بیان ایلدیکی نکات و مضامین

دشته نظمه کشید و تسنن معروف اوزن مریم
دیوان ایلوب زینت بخش کاشانه مهر و محبت

ور و نغمه نالاخانه الفت اولان صورت مکان
بدیعه الاسالیسه شیراز بند رغبت اولیوب

قطعه بدیع نامه که هر یک دلفظ جان بخشش **نود**

لطف سزای هزار تحسینست دقیقه های معانیش در لای
حروف جود و سیاهیشت روشنی زیر و نشت **نثر**

کفتاری نقش ناصیه اشتهاری اولان زاده طبع پسند
اطواری مخالف یگه بگر چند نوع لباس پریشان نقش

ایله حلوم کراید و ب اول شاه سمرقانی ماه سریع
کسیر کفی فنی شهر و دیار سفر بر امتشایسه اندیشه اصحاب

فضل و کامل هزار رغبت و در نسخه سینی نقیصه
محبت دیوار ایش دستار سزایلیوب بهر حال بر صورت

دقی زینت و رسینه عرفان اغلی مقرر ایدی نیابریز
بو ستم دین **قطعه صاحب التریب رحمه الله علیه**

بنه نانشا دبعنی ناقابل و کم استعداد یوقیل البضاعه عبد
خفیر **حبشی زاده** شکسته غیرها لار هبیری حفرق رب

الادب اب و توفیق خداوند و هاب ايله حضرت عیبه لرته شریاب
انتساب درد و نما بیری اولدینم اریکه ارای مجد و اقبال و نقش
دیو اخانه جاه و جلد مطلع نیر فضل و کمال منبع حبیب و تر و نوال
داماد شهر یاد مالک سنان مقرب باد شاه دوران قان مقام
و کاب ساطانی نایب مناب اصق سلیمانی سنی پندر خدا مشیر معدت
بیرا مدوح انیم ولی انیم علی اهرم دام مادام العالم دام مادام
العالم حضرت نری بحب المقام لازمه جاه و دولتری اولان
مشاغل صورتیه دن احیاناً فر صتیاب فراغ اولدجه تبع کتب
نقله و عقیده یه کال اشتغال و که کاه تواریخ افکار فاسره دن
بری اولتی ایچون و مؤلفات اصحاب هنر و کال لانه نگاه افکن
تخصیصی اولوب غای مرات ذهنی صفوت غا لرند کرد کالای بر نور
دخی شاهه ایلده لر سمند طبع اوج بیمار ی بویه کرد هوا و نمعه
وادی معارف دن بر سخته دخی عطف عنان رغبت و همت و کلکونه
سبک سیر افکار لر بنی بر زمینی و نشینی قضی غایه روان اتمک معقل
ادبیاته لری اولمقین اول پیر تان کفنا رک بو مقوله اثار
خامه مفکین یارندن ثبت جریع انتخاب یو رد قاری نامه
لریکه بیشگاه وقت بنا هلیتیه روزگار ایلده شریاب اولمز دن مقدم
عرض عبودیت و هنر سیاق قدم ارساه ایلد کی ندای کبر و محابیت
علی وجه اکثریب کلک اهتمام ناکام ایلده تحقیق و تبیین و تحریره
بالذات فرمان منظم الامثال لری صداد اولمقین شیطره شروع اولنری
دیباچه طراز و من الله التوفیق نعم الکریم **استخار اکران بر موجب**
کلام کل بوم هو فی شان نای نای توان عزت اختیار
تقاب زمان دولتماب ولی انیم عالیشانه دهنسوده و درگاه
چو در درگاه رسیدم **تکلیف** بد دخی که کند زمانه طوق فرخند
بد بد غیظم **ترانه سینه مرایان موافق بیشگاه استغیر بیان**

بالغ معنی خوش بها را از بهر تقریر نیست سروا نظم نیست
وسبزه او انشاء من کاشن طبع نواز تحسین من شد سپر و تر
ابر او جود نیست و مهر او اعطاء من **مضمون** که **گویان اولدی**
خطابی در سینه سیم شوقی و لعلی بومقاله نوییدا الله عزو
کالای انشا اشکین زبور سر لوحه منشاه قلتم

باسمک اللهم احمدک بر شبت الکه بر مجلس انشا الشرد و حاتی نظام
که تار و بود بساط فراشی عزیز زرقار غنایت و توقیدن رشته
اجزای بای فیض پاشی کلاب تدقیق و عطر شاهی تحقیقندن
سردشته ایدی افواج بمن سعادت دست بند ادای خدمت و گروه
انبوه حیر و برکت دامن عیان اودن و چشمه وز کوشه ابروی
اشاره اولمش ایدی ماثر فضائل و معارف در میان و معجز
الجواهر لطائف در دهان و سوانح تغییرات ظرافت در زبان
ایدی نه مجلس صاحب ستوده سیر و وزیر پاکیزه کهر فاضل
ملک حضار فائز درجه علم و کمال بکانه و زرا بکانه و کلا
اصف ثانی فرید میدانی داماد شهنشاه انام مدد و مع السنه
هوا و عوام اصف عظیم گشان مشیر رفیع العوان خلد صلی
ترکب کال یعنی علی پاشای بلند اقبال که حوالا لسان عرفانکر
السنه دائره تشیعنان بر می زبان شیخ مجلس کی قرع ناظره
بی نصیب و حسن تغییرات معانی نشاناری چشم و دل مسامع کی فی
شکب ابدوب اناصل فهم و ادراک طریقه پنج در پنج معانی یه
شانه زن و س پنجه منجمله ایله نور نور عظیمه نور به و سعادته
چاک افکن اولد قاری هالک بود اعنی فرسوده بال یعنی **لالی**
بریشان مقالترین شایان نگاه الکفای حاله و قد بخشا لایله کله
سامعه می لبریز شربت حیات ببو روپ فوق تصرفات متشانه ایله
برشاهد نوزخام یعنی قاجار لیا سالیله حیات گذار و برد و شنزه

تا آن اندام مال چند برده ایله قابل اظهار شیوه رفتار اولور
و براب صاف قاچ برده شکوفه دن صورتها و بر پر تو شیخ
مضمون قاچ رنگ ایله تصویر او الحق منصور در دیو تحریک
لب جوهر ریز استنطاق و استخیا ربودد قارتم اهاکی
مجلس عالیترین بعض صورت فائده سن یله استعسا روا استشکال
و ناگفته و رابعه سن خود درجه استعاعه ایصال اخیلر یله توید
بر هر زده بال یعنی **نالی** بر نشان مقال شوق نظر تحسین و در عجمه
نوازش و افرینلرینه یکشنبه مدت اول طفل نوزخام معینانی
حد بلوغ مردان اولان مرفات پانزده یابده ده جلم ساد
اول نقاش نوظهور پانزده ذراع پای سمت بلند لرینه پای
انداز قلند که تغییرات پانزده اوزم اولان ترتیبده

صورت اول

سعادتلو عزتلو برادر سر بر ارم حضرت تلمتیک نادری نشاط ایلار
مسترت بنیاد لرینه غذای زمزمه روحانیان اولمغه شایات
نواله نمکین خوشنما شنیخ دعا اهداسته متعاقب بر او رده
مخلصی بر یا بود که جناب شریف فکر ایله چو فدن دائر نشین
خواجه صحت و نمک باش مانع الفت اولتی کیدار حمید ده
مستکن اولمغان ان شاء الله تعالی عزوس صبحکاهی اهلک و دجا
دجا وضع بیضه بیضا ایلدی هکامم جاده شرفی پیشکیر
قادمه عزیمت و کباب دل مشتاقه نمک نشان شکست اولمکر

نقش مرعود در کیم نالی

سعادتلو مکرملو پاکیزه کوهرم حضرت تلمتیک هرتک شمن
بهشت اولان مجلس عالی مرشسترینه کل مضاعف دعا اراشیر
سکان سموات قلند یعنی اعلامه مضکره انها کرده بود دی بود
جناب کریمکر ایله لب جو بیاد ملام قاتم تیرید حرارت اشتیاق

و بعد از مزاج افتراق تهنئة خیر بجز اولی بنی ان شاء الله تعالی
انفجار نباشد فلحق می مانند حباب آفتاب جریانه دوزخ و اولی بنی
انزاده افاضة سلسان تو جبهه یله ترطیب و مانع اشتیاق
و ازاله داغ سودای اضطراب بیو و ملری نامول در حق است

فیه دیگر نامش

صد اقلو سماحتلو اغ و لا یروم حضرت تریک انجن حقاقو
نظام لری نه برک سپهر درویشانه دعا اهدا سند نصیحه پردانه
ثناوری بود که جناب شریف کز ایله مقایله نسخه کریمت و ادان
پیمان افق هوا سیمه مانند فی نالان و شوق قد و مکر ایله
سینه کویان اولدیفتر مشمول ذائقه عرفا نکر اولمغله انشا الله
تعالی بالهنگ فرصت خورشید تابان اولدیفتر میان مولوی
چرخگردان درخشان اولدیفتر زمان تکیه درویشان
اولان غمخانه نایبسا مانعزه ادان و همه عزیمت و ازاله
غبار و خشت بیو و ملری چمن داشت انتظار بجز در

باسم دیگر داغ

مجاو مکرمتلو یا رصیق و برادر شفیقم حضرت تریک مجلس اهل
پناه و معالی دستکاهلری صوبه ساحه عالم بالاده جلوه
استحسان جسیان کیت سماواتی دعا بشکست اولمغله اولم
اخذاص پیشه لری بود که جناب رفیع لریله هر کای طریق
اتحاد و دشمن جنیان میدان حبت و داد اولمق داعیه سی
عنان را مری ربوده آتکین انشا الله تعالی حائل و تر
هر انوار او بخته کردن ادهم چای کجیز سحر اولدیفتر محل توغزل
در آتش اشتیاق تریک صحنی محبت سرا سینی ستم ستمند شریف لریله
هلو کبه اسما بیو و ملری اعز ملتقا غمزد در

بجز اخرها سی

حضرت نرنك پیشگاه و فطرتیه و اجباب مراد کاه ملکوتی و لغه
 از زانی متعده دعوات روحانی اهدا کنند نصکم سرایه دار
 کالای عرفان اولان ذات دقیقه دانلرله مخزن احسنش بخادده
 تنك کنشای حریر موانست و اندان بجای یکه تازی کر میت
 و گفت اولن زاویه کردان سرای صبر مز اولعین ان شاء الله
 تعالی غمای زریں بند وجه جینی کنان اطلس فلك صو زغای
 نکلن اولدینی هنگام و بباط نشین دلنستیز موازنه اجرای
 و نحت ایچون تحریک ترازوی قادمه عزیت بیور ملری سچین
 انشاء دو کفه چشم انتظار مزد

دیگر سار

حضرت نرنك مجلس سرآمد لرینه فطیر دماغ علوتونه سزا کلوب
 نو فطیر دماغ اهدا سی خود لنم برداشته سرتلیم اخلاص لری
 بود که جناب شریفک سهره نه کان منصفه مجتهد نرسو
 قل و قال اعتد بکنه بنام جنابک لک کرسی نشین مجالست احسنش
 اخلاص و مقابله داشته مران انس و ارتباط اولن سودا
 سرب سامانه سراده اولعین ان شاء الله تعالی سهره اش تیز
 دست سحر ایته قانباکن دکان مطالعه او بخته ایندیک و فن
 مخلص خانه مزده دامن دلدن فطیر او ساغ فرقه نشیر
 بازوی همت و تحریک مراضی کام عزیت بیور ملریه چشم
 امید نر مانند ایته انتظار ده کشاده د

قبای دیگر سار

حضرت نرنك مران حقایق و ایقان و مدار دقایق و عرفان اولان
 ناده مشو نشا لرینه انجذاب و تحیر صبر ایله دعای بیع کماثیر
 ایضا لذ نصکم نمونه مخلصان در و لرید که زینر هفت
 سویدای فلجریا ز به اخلاص لرینه پابسته و راضی ارام
 خاطر مزد وجه اخلاص لرینه پیوسته اولعین انشاء الله تعالی

کربان مرصع فیای کنجور و بجو در ساعت در بر خورشید
دو خشان اولدنی زمان دادوی برر اساعه نشر بقایله
بونیشخو رده عقرب هجرانه اخاضه اقامت و تسکین وادان
مقاع نواز شریله اوقات دعا و ثنا لرینه تعین بیور علی شاد

طرز دیگر نهمین

حضرت نرنیک جلوس کاه سپاه شدا تنباه اولان پیشگاه عرفان
پناه لرینه پیشانی سندا اجاتین منتفش اولان صباغ انجیر
دعا انها سند نصکم انها ثنا ویدر که جناب یکه تاز
هنگه ترکناز عرصه ناز و نیاز و دفع غبار سوز و کذا
ساحه ضمیر مرده جای ساز اولمغین انشاء الله تعالی نماید
دکاب درتق اقباب میان سندا سما و انم بر او بران اولدنی
زمان طرف دلخواه لرینه اساکه عنان شریف انجون راه
اشتیاق دو چشم ابرو حبس و طاق ادرز و اولمشد

روش دیگر نهمین

حضرت نرنیک مجلس پاکیزه نظام لرینه مالش جبهه تعظیم و ستایش
پیشانی تکریم ایله عرضه داشت داعی قدیم بود که ایباری
فیاضه عنایت و در برش زلال التفات بی غایتکز ایله شست
و مشوی پیراهن جبرک الکتی هجران و نظیر جامه حرمان اتمک
چو قدن چاکر ده طشت هزار سوار رخ دل جان اولمغه
انشاء الله تعالی قرصه صابون مهر ضمیر کتن جریخ سندا برده
کف قشان سپید صبح اولدنی و انم طرف ثنا وری به نرنیک
قادمه شریف ایله دانش دلدن ازاله غبار غم ایلمری امید
دو و سخج هجرانه همدی دوا دیدم بیور ملق موجود

اسلوب دیگر عاشر

حضرت نرنیک تنحه شتون معالی و مطالعه کان انظار اعالی

اولان نادئی اهلای بر ورلربته ابواب اکرام و فضولی
احترامی حاوی دعوات اجابت مثال ابدی خشنود معروض
نثار راست مقال بود که جناب معارف مضامین له غایبان
چریع خبال منبت اولان مواد بحجت بالمشافه لسان قلمله
صفحه سامعه یده تحریر او لحن کاتب دبیر خیر مرز اولمغین نشان الله
تعالی و بکدان زرافشان اقباب نایان دست کاتب مسوده
شکاف یا مراده کردان اولدینی زمان قلم خطوات سعادت
دسانر یله صفحه ساحه فقیرانه مره رنک نفعه جنت و کردن
دامن عنایتلریله ورق زرافشان خیر و برکت بیورملری چشمداشت

وادی تو فقر در دیگر عادی عشر

حضرتلرنیک نادئی والترین افاضل نشینلرنیه سرماییه منشیانه
ملکوت اولمغه شایان تغییران ناز معنای دعا احتیاق زین
معروضد و ایجوری دفعلری بود که مکتوب مشوش رقم
خاطر فاتر مرز زده هر و مختلری و ضیاع رباع خیر کسیر
محبت واده دست ارادتلری اولمغله نکین زرتی شمس نایان
حبیب کبود فام اسماندن لمعان ایندی کی من اثر نقش قدیم
محبت تو املریله صحیفه ساحه عنخانه مرز ورق مهور و حفظ
اسباب سطور بیورملری دجاسی مطور چرید اما لمز در

طور دیگر ثانی عشر

حضرتلرنیک مجلس سرت نظام و یشارت ارنسا ملری صوبیه
وجد انگیز محافل درسیان و حکمت بخش جماع دو هانیات
اوله حق راست رو دعوات اهل اسرار خشنود معروض پرده
کزین اخلاصلری بود که جناب بلند جاهلرنیک اوازه
حسن سیرت و صفت و صدای لطف و طبعلری اوان کبر
اشتهاد و شور افکن مسامع صغار و کبار اولوب حرکان مطبوعه

لری کاردینه نقش اصول و جنبش معتدلانه لری پایسته همین
قبول اولمغین انشا الله تعالی فردا دایم دین خود شید و دیگر
کرد و ندم بدیدار او لدیغی ثناده قدوم سعادت لرؤمرله
خانه خاموشانه مری شرف مقامات و سرافتخار مری و مل
اوج میاهات بود مری خلاصه اما لمزد

وضع دیگر ثالث عشر
حضرت تبریک سراییده اقبالربنه مذصاب دعا و وضع فکله
تناخد لیم برداشته داعی یا بر جالری بودر که دامن خیمه
دلیم نقش اخلاص کز دوخته دستون میز تراشیا فکرله
افروخته اولمغین انشا الله تعالی صاحبقران عالمکشای
چین کسری سپاه سید لوائی خلاصم و فتح قلعه سر بخرچ شام
ایچون سپر زرین بدوش و شمشیر اشعه ایله جوش و جوش
ایلد بکنده جناب سنوده صفات ایله سایه حصار ملوک
گذارش پیمانده اوقات اقدم ملتقا اندر

نسخه دیگر رابع عشر
حضرت تبریک کیچینه معارف و خزانة جواهر و لطائف و لا
شبنم مری نیرینه مرسله عرایس هوو کعین و کوشوان دوشیزه
کلان بهشت برین اولمغه ترا لای کرا اینها ی دعوات اتخافنه
قربن برداشته و لاهوا هلمری بودر که حنا بکرله بیتمزده
جاری اولان نفوذ شعایف کور و دحب و دادنا معدود
اولمغین صراف سحر دقیقه شناس نفرة الجملة تبدیل المدی
رز عالمبای اوردده اولان نفرة نامغشوش خدای یگان
یکان شمرده نمان و گذاشته سرائکشت زبان قلمق امیدله
سفره سامعه کثاده و تحنه سینه فراماده ابدیکی معلوم غرت
رقار دیگر بپر دایله خامس عشر

حضرت تبریک موقوف منبع عاقبت فرماستند رفیع سلامت
 بخشنا لرنبه همرنبه قانون و شفا اولان دعای اجابت
 ورققا اهدا سندتفکره غایه الیسان انها در دمنده
 بود و که بوننا و لرلی مرت مدبدن برو تیرده حمای
 افتراق و اسیرا شینا قلمری اولمغین ان شاه الله حازق
 صبح صادق تداوی امراض و استقام و اذ الله علل سودا
 ظلام ایچون هاون دزدی مهر منیرا خرای انوان در کار
 ابلدیکی نخل برشش خاطر بیمار و فحش نبضها هوار بیقرار
 ایچون دختسه اشتیا قلمربیه نشریف و شربت شفا بخشن
 التقاتلربله مزاج معلول انتظار غری تلطف بیور مرکی
 اشتها را مالی طبع ضعیف در

سلاح حضرت شهریار جهان ادا ایکن رنبه و الای و بار
 احسانله ایاکت ادر ورم تو جرمه و عنایت او نان عذر کف
 یا شاه تبریک و زادتی و خفته دنیه سامیه جدائی مقص
 نای افندی طرفدن انشا و ارسل او فان صوت در
 زهی کتایش حب حال ناعه دیوان بدیع انظم و اقبال که
 سطر تخمین صحیفه دلنشینند بو مطلع خرای دکنی معای
 تخصیص فرما ظهور الیه ایا وزیر کنین صدورم مبارک
 باد بران جاء ها یون و فم مبارک بار خوشاموگب کوکب
 افروز شاهد اه مجد و اقبال که پیشانی صحیفه افعال
 و ایا نیزم بو مقوله تبریک نمای چشم رسد رنبه نشان
 عزقه مینا اوله که همیشه پیش و پسند ثباب دفع ایچون
 حزام قامت قوغ و علم مبارک بار خوشاعتقای منقش
 بر سر پرده فرمانرانی که شمشه کلپوش سقف والا سیند

بوظیفی مثال نمایان اوله که نظام مملکت و انتظام عالم بچون
مراعات امور اهم مبارک باد خوشاتفاق عالیشان دیوان
خانه جاه و جلال که صحیفه کتابیه حکما رپسند بوبیت
سعادت مال نوشته اوله که برای رسم ادب پیشگاه جاهن
قد بهر سرافراز هم مبارک بار حق که برمدن بدو چشم
هاله و ابروی هلاله عارض اولان اختلاج متوالی بی شبهه
امارت نوید و کوشا قیام مرتب اولان طینت متعاقب
علامت یشارت یدید اولمغه دو شیرزه روزگار ابستز
موالید اما فی و کاسه دوران لبر بر شیرزه شادمانی
اولدنی مستدل ابدی بنم و صدخانه کردون سطرلاب
اقاب ایله همه روز ارتقا عات علویان افاقه حواله
جو اسبیس انتظام ابدیکدن لایه بر حکیم جهان پسند استخراج
ایم جلی صحایف تقویم ایا مع هویدا و فال کشای دوران
نوبتو لوحه پیر و زده کون کردون اودن تشریف اختیار
ابندیکدن البتہ بر نقش نصرت ایمن فرج ایم جلی شکار
ایدی اما صراحت تعلکاه احکام قنقی دولتمند بکونام
اولدنی هنوز وارسته عقد ایهام اولمش ایدی کرچه
مطلعه مراتب استعدادات ناسه قادر اولان و صحیفه
امروز دن فردای مشاهده ایدن محومان اسرار ناهفته
ایدی یا خصوصی یای روحانی جنبش معنوی ایله کاکشت
نزهت آباد عالم مثال اید نلرک مشهور یا صریح یقیناری
اولمشیدی ماکشف خوافی امور دن قاصر اولان بعض
اندک فهمان کم شعور عجب بونود و خسته خیاط صنع اولان
تشریف معالی طراز اجال دل قنقی سعادت مند بلند اقبالک
بالای استعدادینه پوشیدیم و بویگران ملازم شبکه مضع

بحکم اقبال قنقیتم سوار میدان سعادتك سناك ركانه کشیم قنیه
 جفرد دیو وقف تردد داورم اولد قلمی حالن ناکاه میشران خوشر
 اینیم سخن نزد دسانان شکر شکن دلمان مسامح مستافانه بیزیک
 و تعریفدن مرکب تعبیر و توییح و تبشیردن محضر تقریر له بوجه
 اوزن کلباش بهارستان یشارت اولدیلر که ای کوته نظران
 بر نشویش وی کم طبعان کم اندیشنه جای قبل و قال و نه محل
 استیاء و استشکال در هیچ بوعصر دلاراده بر ذات محمود کصفائد
 اورنگ شایسته فتح و رفیع حکومت و بر اصف سنجید حرکات دند
 غیر یسرا وارجل و عقدایک و زارتی وارد که احتمال آخره
 اسیر دغدغه تردد اولور سیزه حال معلوم اولسون که بواقعا
 صباغ نهایی و اتفاق افتا شادمانی اولد سنور بلند شان و الا نشانک
 بغیر لیاقت و قابلیت و دستگیر هفت سلطنتله زوّه علیای حکومت
 وزارت اعتد و درجه اولین ایالت ارض رومه ارتفاع یورین قنیه
 انوار انبساطید که توفیق و میمنت علی وجه الاختصار ملازم
 درگاه و میمنت و سعادت علی طریق الاختصاص کمر بسته خدمت
 بارگاهیدر طفرای دلارای قلم غیر تن قدمنه سرکشوار زوی
 ماضیه سرانگشیتله زلف مشکین طفرامشوبند در کرکبود پرت
 کردون دبیر دیوانخانه احکامنه دوات دین و نطق هر دار
 جت خراسند رککدان سینی تدارکی ایچون قرص ماه و بیضه خور
 شید فرو دینه بر له کذارش ویرین دد دست پری کاوان
 سروشان اسمان کلابدان سیمین سواد قمر و نقش تید مجر دین هر
 انوری ذوار حقیقه جاهی ایچون کردان ابر سنبلی دنک بهاری
 ورشحات نیسانی هذ شکذاری عود و کلاب ایچون سوزانه
 کرباندر لب منستیدر دوتیه ضابطه مجد و شرف
 مجنبد در دلنه داعیه لطف و عطا منتهای عیشنه سلسله هردو کرم

منحصردولته قاندر عز و علان شهرت کویکه سیخط کش افار سلف
زینت دیدیه سی ماحی وصف فرما بلك استرسك اكر كدر او
عالیجاهی او در اولخل دلاوی دیاض و ذرا نور افاد
هنر نجیه اکسیر شرف مهر کردون غرد حضرت باقی پائینا جند
ایشان عالم خواه میمنت پناه که دسم مرده کاشنه تناره سرا
خزاتر امکان نقد کهر نایاب اولحقین ناچار و سترس فقیرانه
مخلصانه اولان دین سرشك سرودنار و دمه ربه غم غم قربان
و کبسه کبسه نقد فراق تصدقه مبادرت اولمخند الله
الف الف الحمد لله که اولیکما کهر امکان تان خا اخیان دورا
قربن اصداف علم و ادب چراغ دوده حسب و نسب قره العین
اعالی قم القلب اهالی کنجینه فکر و ذکا دینه عهد وفا مانه
فهم فراست مجموعه درك قطانت عظیم القدر متواضع رفیع کسر
متخاشع عالیجاه دوریش نهاد بلند شان مکتب معتاد مدق
حبایای امور مدبر عمیق الشعور طرف مقادیر یزیرین معادیر
بسیار عفو و اندک غضب حلم دوست خلوص طلب دود اندیش
عواقب بینی غیر نکش دین مبین شاعر استقامت مقیم مرکز
لطف و مروت خیر خواه عباد محبت کش بلاد اکسیر عدل و داد
کیمیای رشد و سداد راستگوی خیر اندیش و نیک هنری باریک
بین و تیز هوش حال شناس و حق کوی مجرب کامل مدق عاقل
عین مرام محض مکارم مربی مستعدان جهان دس مستندان بیجمع
بر چکر مبین بر جوهر معصوم مرام و اشفاق مجموعه محاسن
اخلاق ماحصل کالای بیست و هشت تار لای جلال و صفات
فاخر اولان ذات ستوده سمان حضرت تبریک شاهنشین امانه
نسایم توفیقات الهیه وزان سفینه اقباله شرطه عنایت
شهنشاهی رسان اولوب تقاضای حکم استعداد ایله اقبال

عالمتاب و مورد لری قصای مدارج دولت اولان خط استوائ
 وزارت و درجه نقطه اشرف اعتدال صیفیه تحویل بورق قری
 او ان سیمش جهان عالمه و لوله انداز اولمغین سریان فیض
 نشاطدن اجرای کائنات یکسر کوش و زبان و اجرام ممکنات
 بر برته بنیاد کنان اولدیلر **بیت** بر ایدی گفت و شنید
 یشارق افاتی جهان شوقله کوهسار و غمشدر
 نسایم کلینز سیری بود ستارینه یشارتله کلستاندن کلستانه
 و رجاله کعب معنوی بوسه یارینه نوباب تهنیتله شهرستاندن
 شهرستانه شتابان اولدیلر **بیت** یهانی ایلدی کالای اورو
 تربیتن خورلدی چار و سوی عالم ایچره شهرابین بونعمت
 بهیه الهیه مقایله سنم مقصود شکره سلم انقاس ناز
 و بقصاعه اوقات بیوفادر الحق بویشارت هیا بنحنا که
 سحاب نوبهادی تمام اجرای عالمه سادی و مانتن عید کیم
 حکم ابیضا طی قلوب خرد و بز که جاریدر سعد ذانچ
 تبع هدایه الله نور کردونی قربان انجوده نیلر و کینور
 سیه چهره شب طبعی پیر و زده فام بهر ایلده نقد نخوتی تار
 انجوده نه کونه صفیر خرد الهام غای ظل الهی پیشگاهند
 عقول ملوک عالم ادای رفیق بوس تسلیم بسته لر شایان
 د کلیدر ستیابه عرفانی سلک انجوا هر ذمره کبار بنده اول
 کریم گشای بند جنبانی بورتیه سسته ایچون تخصیص و انتخاب
 بیرون و محک نظر شهر نشاهی محل خشین د کلیدر که کافه اعیان
 میزان اعینادتم کامل کیمیا اولان اول اصف روشن سعادت
 نقش سکه ایالت و زارته نفین و اختیار ایچنده پیوده اندان
 انصاف اولنه کارگاه روز کارده بافته اولنان بوقاش
 نویسته شانیهی سر نشا ملدن بالای اسلامیان منتکش نساج

تقدیر اولسه لر اوزانی می دکلدر و قالی خواهش عالماته
مسیون بو حسته سلطانی مشاهده بستم قهچستان نغاز
دعای وقت شهر باری ایچون دست کشای ایا بنجانه بردانی
اولسه لر فرصتی دکلدر بولشایریت سان ایچون مجموع اعضا
انسانی دیشک برده مرتبه چشم و کوش و لب اولسه لر غمیده
دووشان شوکله خطه دککشای ارضوم حسد کرده دیار صحر
و شام و حلب اولسه بعید میدر و مرز بوم ارضوم اوقات
ضایع کرده سالفه سی ایچون ادعای غنای ایسته مسموعی اولر
وقوات تدانی اوقات اولدیفیچون قاضی دار الحکم انصاف
خطه عالی تحت ارضوم شکر و سیایله حکم ایسته مشرعو
دکلدر **بیت** چقدی جرفه رتبه غرمناب ارضوم • اولدی
عالی اسمان اسا جناب ارضوم • ارضوم غیریده ایسته تفوق
و جمی وار • دوشدی بر عالی جنایه انتساب ارضوم •
اولدیفیچون تو بهار دولتم فضا یاب • اولدی حینت کی فروز
اب و تاب ارضوم • نقد نا فصر کی دوشدی چشم کردوندن قرو
تا که نقدند تشاکیر اولدی یاب ارضوم • سایه تختند
فیض حقایله اولسون نصیب • هر دیان دولت حس المای ارضوم •
اولله بر عنقای عالمیشانه اولدی اشیان • اولدی سره چشم افاده
تراب ارضوم • اصف عالی جاها همکارم بناها انصاف که مکانت
زلفای دستوریت که اخضای مقاصد اقبال و رتبه سنبه
وزانت که اعلای مصاعد جاه و جلاددن بر رتبه اسمی
و بر درجه استی در که فقط رتبه عظمای سلطنت و ذوق کبر
خلوقدن غیر ممدار ج عالم اوزن متعالی و کویک نا مومو
دفعی کالیدر بین البحر و نلاید عهد قدیمه ده واسطه
العقد سلاک اشتهار اولان نظام الملك ملک شاه سلجوقی صاحب

عباد فخرالدوله ديلمی بوسلسله حسنه و زارته اسناد کیده سر باهاتی
 قلمه سای کیند بر بنی آئینش در مع هذا خلقه در کوش خدمت
 اولد قری ملوک مطلقا مالک اولموب مال لا فرمان دوا
 هفت کشور مالک بحر و بر ملک الملوک عالم شهریار دوم و عرب
 و عجم خلد الله ملکه حضرت نریک هواشی سلطنت جا معه لرندن
 بر حاشیه و اجزای دولت کلمه لرندن بر جزو نقد اولانان
 نقد اول خلفاسک بعضی ملک محدود و مختصره نصب کرده لری
 و خطبه سکه ده پیر و لری ایدیلر مال و زرای دولت قاهره
 عثمانیه نیک دینه شان و شوکت و علو قدر و منزلت لرینه قیام
 شانی و برهان وافی بوکافیدر **ع** باین تفاوت و انجاست
 تا بجا بحمد الله تعالی طباق سپهر خند ناز ابرون دینه
 علی العالی اصفیت جناب کریم عظیم المثلک کبی میزان قائله
 مقارن اولمخله صلح اهتراده اغاز ایلدی و نما ما مراتب
 و معارج دولته نظر ننز لانه ایدن مرکز علواند و علو و شرف
 ذات عالی و قارک کبی بر وجود کامله انساب ایلد جنبش ایتماج
 اعتراف در کاد اولدی **بیت** دور و دخواهی فلک شمدی مراد
 ایندی **هله** • دوندی اول قاعده دن ترک عنا دایندی **هله** •
 اگر چه مناسب کند و دانشم شریفتر ایدیک و قیه نظر دکلده
 اما سزاوارانه مصادق اولیجی عینی ایلد خانه دزینی نکی نصر
 یا قوت ابد اوردن کسب ایندیگی رونق اخره نایل و شجده معین
 مفارقت قاضی دقیقه شناسان دن استجاب ایدر **هک**
 و شوکت دیکره و اصل اوله جفی جای کلام دکلده رطینه طینه
 کرده مرکوز و مستحکین اولان وضع و حرکات خرد متدانه
 عاقبت جذب جاه و جلال ایدر حکمی مبتنی و جبلت جمیله کرده
 مودع اولان طوار و سلسله محترمانه بالآخر ابراث منتضه

اقبالا ایدم کی متعین ایدی ذو صافک الیندم برکون قبول سکه اعتبار
ایدم کی ناصیه استعداد تن مرشم و نهال سرافرا نك عاقبت
دوخت سایه دار و میوه یار اوله نشر و نما سندن منجمد و المنه
نیز نك استعداد اظهار نقش مراد ایند کی مشهود و بیضه تصور
و تخمیندن پر و از طایر امید قرینی وجود اولدی **ت** علامت
اثر اولدی نشانه سنده برید تخلف ایلمدی تیر قبضه امید
مزاج عدل هار زده تفقات جور و ظلم اولمشکین لله الحمد لله
که جناب معدلت پناه ک کی حکم حکیم مزاجک مظهرند بیدر
مشفقانه سنی و مغله فراش نا توانیدن سیرا ورده عاقبت
اولدی قافله لطف و کرم بهم رهزنان نخل و اساکدن غیاب
غایب کم نامیم اختفا اینمشکین جناب کریم کی بر خاتم دوراند
طلیعه امدادی فریاد رس او مغله بی بروا شاهراه لایالین
اظهار اواز درایه بشلد یلر فقیر نامراد جوهر علم و عرفان
و صنایع شعرو انشا استیلا ی فرومایه کان نا اهل و مغفل
پس پایه کان کرپوه جهل تقریبی ایه پیغوله کردان دوده
کسا دعینی ایلد زمستانم قاقوم و تانیتانم سموم و نام
خانه ده فی و طینور و نرم فسادن خیر و ثواب و ایدادی
جهالیم کتاب کی بی قد و بی حرمت و افکنم درجه عزلت
اولمشکین المنه لله که عهد هنر خواه قدر شناسانه کزوم
ذووع اعتبار و اشتها رده شکین کلمه کوشه عز و ناز کوسترکه
بیشلادی **ت** و برزمنه طور و معرفت اربابی مزاده کالای
هنر شمدی خردیلا دینی بولدی شرمه ارباب تر احم کره
کرم اقبالدن زیر اقدام صد یار و کاروان مورشم فرو
خروش جیوش معدلندن شعاب سنگلاخ خفاده اوان
اولدیلر بوشوقله بهر برین زمره مهتران داعیه دھول ایل

طبل هور شید و ماهی دینل ایسه محلدس اذ روی خدمت رکابکه
 جرج کهن سال نطق بحری در مان و مطهره قری در دست و جوزای
 چای بکای نوشیما بیخ قریخ و جنب و کرش طرانی میان بست
 ایسه سزادر نوس طرفه جنبش کردون قطار جنبینه که لحاق ایچو
 سپرها له در پشت و رکاب هور شید در میان و عنان شهاب
 و در کردن و شکمه هلال دود هن فسطر چشم کوشه سرا پرده
 ستون که سرفروا بسته مانع و زیر اقل اکثره تا بعدس نوع
 جهان فروغ شانه هلاله دست فراز مباحات اولسه بعید میدک
 زیر اجناب دولترکی بر اصف جوان بختک پیشکا همت شتابی
 دو لنته نائل اولنجبه دک خطوط شعاع قری کی موی محاسنی
 سفید اولمشدر مچده رأیت قیج آیت قرصه آفتاب اطالده
 زبان مفاهرت ایسه عجمیدر که ذات کر انمایک کی پرویز
 کاروانه قفا دارلق بر کانتن شعشعه ذرتاری لطمان
 روزگار محالقدن ازاد اولمشدر رقم نگار دارالافتای
 عالم فک کیسه معنی ابرم جک زمان فرصت دکلیدر که قدوم
 تحفه جا هکده بر عقد الجواهری نثار ایدنجبه دک تخلیه فزانه
 منتخبه اولمشدر **دیت** ای همتک ارایش انوان وزارت • نور
 فردک شمع نکره بان وزارت • یوتلر کوز دوی سینه بینیشدی
 کشاد • جولانکه اقبالکه میدان وزارت • دست کرمک سابقه
 چشمه الطاف • حسرتکش ابدی مرده بی جان کی اول • بولک
 سنی کلدی برینه جان وزارت • عهدک سحر صحن چمن صقه دولت •
 بختک کلشاداب کلستان وزارت • معصوم جا هکده ماس اولک
 شرفدن • کسب ابدی برشان دیگرشان وزارت • صد حمدکه
 بوعصر نصراف و زده جناب عالیشانکه موازی وزیر سرافراز
 و بو ثنا کد ارع مائل مشتی معنی طراز و نقیر برد از اندک باب

اولدینی بو قاش تازغ نقش هزار رنگ اوزن نامه جهان ادای
تختیه مبادی دولت علیه دن الهذا الان بر اصف علی بنجده طراز
حلیه منقبت اولدینی ثابرات و نقدیرات الهیته دند رحالا
تختیه انقروم جاه دستورانده کز ابجون اصدقای طراوت
پیشگاه سعادت کمره متوجه اولان اقسام هدایا و تخف هر نقد
زلف استله منصف ایسه ییله تیه عاقبت عرضه تلف و سهم
زواله هدف اوله جفی و شهرت اختیارینک نیم مرحله عدم
و صولی معلومد را شا شهر کینجه باری معنادی هنوز تازان
چشمش بو هدیه صادقانه کز مرصعات نقیرات شفاف و مجهر
استعارات صاف اندر صاف مشحوندر و زربانی هنوز بنجده
بونه فکر دیگران اولما مشر و جواهر سبیری زخم منقب ادوار
وزیور بحالسا هرار و سرمایه معارف پرستان هر شهر و دیار
اولمغین اوصاف کرانمایه کز دن نوا قباب کبی هر وزنه ادراک
وایه کبر و رواج عطریات کبی هر مشام عرفان حصه بربر الهیله
هدیه صورتیه عادایله نفاوقی و بوداعیلرینک سابر هدیه
فرستان اوزن رجحاتی تمیز ذائقه انصافه حواله اولمغند
لله الحمد بو عهد حقانیت منصفه دفع جناب عاکیشان و درجه
منتهای انشا بو فقیر نا توانه مسلم اولدینی کبی صدر بلاغت دخی
بو نامه رفیع العوانه خاص ایدیکي بخاینا فته حد و داعتر
درماحصل کیت ساق خامه ایله صحرای وسیع الارجای
مدح و ثنائستک پایاننده وصول اب هفت بحری نیم فخر نیشنه
ایله پیموده وریک بیابانی سرانگشت ایله شمرده انجده دشوار
تر اولمغین بعد ازین منقضا ی عرفان قرادگاه قافله عطف
عناندر جناب نسق بخش مراتب کائنات جل شانزجاه بلند
دسکا هکزی طول زمان کبی میدید بر میدید و شان والا

نشانی طبعات افلاک یکی میزیراند و فرید و طائر رفته گری
 هیال ها و خیالان قدر و منزلت گری هم شاخ سدن و طوبی
 و جویبار اما گری هجوش نیل و فرات و نونهار دولت و سعاد گری
 هموار کلکشنای معدلت دبسی صفت و بحال اقبال گری تھی
 کامان دوران اوزن پیوسته صیوه بار شفت و عنایت
 انمکن زائل ابله امین بحرمه سال کف نبیا و ادج بین الما و کھنیز
 سعاد تنو اصف این اصف سلحداد ابرا هیم باشا حلب و ایسی
 ایکن اندرون غارلندن مجود انما سیاه عرب نابی قندی کلین
 خذ شنه ما مورایدوب بی نوندن نابی شکایت ابلد کجه
 مشار کجه باشا الطبغه شناسا ولوب دخی زیاده منسلط
 و غا شناسن ایکن خیلدن مغرول و کر کو که ما موراولد قری
 انشاده مزبور عریک لسانندن دیوان افند لسی حبشی زاده
 مسوده سیده الطبغه اولن اوزن نابی افندیه یازدخی
 مکتوبی تمام شرع و میان ایدوب کوند ردیکی نامه نک
 صورت لطاف نقد

ثقلت قرین کثافت دهنی خیانت آگین یعنی محمود غمزد
 بد اندک خستود ملغف الود کراحت غمزد لری صوبه انواع
 تقرین و دشنام و اقسام جروب اشتتام ابدو غمزد تفکر
 سرچیان لاهول کویان اعلام اولنور که ستک کیکی ایچ اعاب
 ناضرم سک لوند عقریت اندامک خدمت ثقلت غماشن و مهر
 ناپاک غمیشان اکیز مرد اردن خدوص اولد بغر مسرور و خندان
 و دفع مرضها انیمش قدرشادان ایکن و سندن مطلقا
 طر فیزی فراموش و بری خاطر جھنم مثا لکد اخراج ایندن غری
 توقیر بو عینک ایام مفارقت برهقه مقداری مروارید
 و زلزله مشاهد صورت ترش آورک هنوز بر خوشیچ سکرت

بولدن التزام ما لا يلزم و همچی اوز انشای راهدن بر مکتوب
اعجوبه نظامک کلوب واصل اولوب چند روز نای اولدیغیز
صفای خاطرته مورت عبارت و مودعی اقدار اولمشد رهنه حق
خون بر خور دایدن بی نصیب ایله ایمنی بحرحه قلوب المنکسر
خاتمه ستم جواب دجاستم اولدیغیک اعدام ایتدیگدن ناشی
خواله ~~اولدی~~ کرده سفره عبارت اولان سکت زبان غلوغاد
بر بار ۱۰ ستخوانی دریغ اتمک بخور کرده مشرب همت اولماغیز
مکتوب بینج الاسلوبک صرف انقاس او قاتله ناسف کنان تمام
شرع وارسال اولمشد راد ضرر من مهر کن موسیسه خیر اولتاز
مکتوب انجمن آشوب نظیره سنو دخی نای اولمغه موسس رتبه
ارتقا اگر چه سکا سره بیه افتخار دد اما دد ددند موسس
برهیزمندی سنک نادانه درجه ده تشریک اتمکله اول نافر
الودنک عار ایتد بکمز د شرمسار ز فدا حولا و لاقوم الان

المکتوب معروف سعادتلو حقیقتلو و بونیم لرته کمال
مرتبه شوق و محباو افندم سلطنتم حضرتلرینک خاکبای سعاد
حاشا نم حاشا لفظ و محبت صحیفه عالم ظهور اید لدن برو
کریه اللقای بد سیما به کشته صرف ایتمشد رسکا محبت اتمک
دکل سنک ذاتکی عداوت طریقله دخی خاطر کتور و پ تلویث خانه
خیال اتمک خطا در شیوه دلیران کر کوکدن افزون دعوات
محبت غمز اهدا سند نصکم خاک جھنم خیز کر کوکه اسناد
دلیران اتمکدن فضله خطای افترای شیوه دلیران ایدن یارا
کر کوکم واقع کور کور بابا دید کلری اشتنا کند زبان قلم
سوزان ایله ایمنی غول شریستان بد اسلوبک کر کوکه لفظ
شیوه یی سزا کوزن یاد کار عجبا خوبان سیمین بدن استانبوله
نه تغییر الیغوتمشد ریال لفظ اشیوم یی خلاف موقعتد اشغال

انكساره ديوان حشرده اول لفظ نازنينك دست فرياد ندن نجه تخليص
 كريان اين بيلو راول موطن اكر ايد نهاد اولان ملعت ياد
 ديك بنيادن كرب كدر و كسلدن غيري حاك ناما مول ايد و كنه
 نام موافقده اولان اوج كاف كاف حصوما نصف اولي كرو
 قطعا استماعنه عدم جوان اشارت واقيدر انش افتراق زن
 مكر اولان طبع لطيفري سنوال اولنور هم طبعي لطافته هيفت
 صكر هم سنك كي غول بيابانه مبال و فراقيله سوزان اتمك تاقص
 مقوله سني ايد كي يديدهر ذير لطيف اولان طبيعت سنك كي كبر
 بياباني محبته محل اولمز كه صكر فراق اقضا ايله سنك فراقك دلبر
 موزون سنانك خيالنن لر زير و مجون ملتن قد و طبعه نافع اولد
 اصحاب طبابع لطيفه نك مجريد و جناب خوشنك فراقك نعتدن
 بزي دائما محروم ائمه بنم سعادتلو ساطاعتم حضرتلري كيفت
 حالنن سنوال اولنور ايله استغفر الله و اتوب اليه كه
 سني حاطره كنور و ب حال كدن سنوال ايلم سني حاطره كنور مك مودي
 استعاذه و موجب استغفار بجمع و ساوس فاسد و او هام حوشه
 سني نكردن اهنود و فرضا خبر صحتي خبر ويره جكلرنه صفتن اولسم
 زبانه كنور و ب سنوال ائمه بكم خدايه عبادنر انناي مهن
 بر فاج كونه بنديه دوش اولمشكين زاده الله و ايقاه بوتقال
 ايلد بكم فال يدك عنقريب وجه تحفته و قوعى الطاف خفيه الهيد
 مستعداد و دعا كنر بركايله خلاص اولدق اكر عاده ثابتر
 اولدي منزل اولن باد كير فتنه سني كي بدكي سپرده خاك ايدر
 الحمد لله تعالى بواراضى مقدسه في جيفه جسم بدن مردار كدن
 صانت ايلدي اولاسور كوطاغدن مرور اشنا سندن بركوك
 او جرم بدن انرك قبح اياقلى سور و ب دو شمله قريبا و شكن
 دعا كنر بركايله خلاص اولدق ظاهرا اجاب حق سوار اولدك

حیوانه مرغت اید وپ هر روز یادیدن ناپا کلی چکوب بوی بد کن
 منادی اولد قدن صکر عاقبت خلوص ایله مکانات اولد بغی مفتض
 عدل دیانیدر خلاص اولد بغک نقد برجه اجزای بدن سرکین اکنک
 اول حیوان لی کنا هک دم وکمی ایله اغنیه و عروق اعضا سیله
 اولمق لازم کلکله عدای کتوب و سبلع اولد بغی زماندن دخی
 اول حیوان بی زیانی یکی فات عذابدن صیانت الهی ضمن سنک
 دخی جان خستیک بخت بولد بغی جای اشنباه دکلدر بعد بر خضر
عظیمدن عبور ایدر کنی انم قولانی کونک اولمغله اگر دور بون
صویه عرق اولما مژه بر رقی قالمشکن هت علیه کز خضر بنوب
 خند صرا ولدق بوقفیرک هتتم قوت و امداد اول محکم اول
 صویه عرق اولمق دولسته نائل اولوردک اگر چه روی زمین
 جبرک وجود کدن خلاص اولوردی اما لکن قیامت دک اول
 ابلک جنایتی جفیب غیر بیلر دخی وجهه تطهیردن ساقط اولد
 ماعداد روشن بولنان ماهیلرک خدای اولوب کشتی منع امر
 کونا کون بعد ازین اول ابدن سقی اولنان مزد وعاتی تناول ایدلر
ظهور ایدن اولان جمله بد جرم و مرض و مرکه و جدامه مبتدا اولورد
و بر صواد مزاق او یونی اتنا ستم بر بد بخت سکان انی
ضبط این میوب بر سخن ستم اولان مزرا غنی نیم آینه ضال
سینه فر شو خنیر کی حواله اید وپ هلاک اولما مژه بر رقی
قالمشکن بنه دعای خیر بکر ایله کنذیسی زیر و زیر اولوب
 بز خند صرا ولدق عاقبت سنک کی خنیرک سبب هلاک ایله
 بر ورطه هولناک اوله جفی مقرر دد اما بولایم قریباً مزده
 وقوی ایله اول طرف بولنان وجود لک دخی نظر لری جرم
 مردارندن خلاص اوله غالباً اول مزراعک عرب سینه بر صاب
 طبیعک الی دو قنق کر که دکه سنک سینه مرداب که نعلق ایملک

تنزل ایتمشد و سزد و در کن خنری کی تغییر سکا مزارق حواله
 ایدن شهریان حواله او نموده جاز مذهب مسایخ بوقد و خنری
 لفظی تمام بویکه بچشمش قفا نکرده اول اسم سکا اطلال او نمیدخ
 صورتی مکنده شایدان کور محبوب اسم بی مستحکمی معلق قالور
 لکن بعد گيوم اسم خنری سکا نسبتی سبیل او نامی اندر دخی
 قبول ایدم یکی حکم اشیا هدر هله او دور سینی نقش غریب که
 سینه مردار که اینده مثال اینه جملک تغییر تحریر انجمن سینی او
 تغییر جمیع اصحاب نظرک مرآت قلوبنه واسطه انکسار اولمشد
 لکن عجماسنک سینه نزل اند و دکه مشایه اینه بولور و
 دیوباز ارا ندیشته ده چوق جو سنجو ایدم میونلرد برندن
 و او بوز بار کیرلر باغردن غیری حاطره لسته حاطره کلک
 اما اندر دخی میوی و لمغله سینه او رما مه نمونه غویال غایتکه
 موافق دوشمادی عاقبت کینف ساحه لرندن و حقیقور لرده مجتمع
 اولمشن چرکاب بد بوی منفعدن غیری مشایه بوله مدم اما
 اولدخی اما اولدخی چند روز تا نیر آفتاب ایله قایل نظر ایدم
 لکن سنک سینه مردار زادک انشد و زخ ایله بوله قایل نظر ایدم
 ملاحظه و اول تشبیه دخی مانع اولمشد اما سکا مزارق حواله
 ایدن شهریان کندوسی زیر او لدی دیل یک نوعاً اعتماد
 جازد و زیر اسنک جهن شوم و نایا لگی کورن او قد رجه
 خلطان او لمغله خلاص اولد بقیه هزار شکر لر ایشون لکن
 بونلردن مشکل بر بار بیه دخی دوش اولد که سزدن کتم ایتیم
 بیو قالی انجمن اولورم تحریر ایتیم حجاب ایدم لکن شرط محبت
 نیه کتم انجمن هزار شرم و حجاب ایله تحریر انجمن ایدم کورن
 نام منزل صبا صبه قاشو کندی خواجه ایکا هم هزار ناز و شیوه
 ایله مش مش او بو رکن رفا کزدن بری صومعه کارلق هو سبیله جا

خواجگه کیروب کلستان چالمدن پوسه چینی و کار معهوده میاشته
دست دراز اولمشیکن خواجگه بد او لوب مزبون لکد کوب
بای استغنا اولمشیزد بومقوله افعال کر به انگیزک کتمی افتا
دخی بوندن افزون ملعت و ضیانت اولدنی ظاهر در جناب رب
العالین سامع سلیمینی بومقوله تغییران فاحشه دن اعیان ابله
امینی تولیدی جناب حق با کز نزع دکل جمله دنیا به سنی بیوتایدن
بر ساعت مقدم جان خبیثکی زیانان سیاستگران دوزخ ابله
هم اغوش و حیفه بد رنگ بدنگی زیر محاف خاکرم طعمه مار و موت
ایله بومعامله چرکین کوز لر منزلنه مصادق اولدنی سائر
کوز لر نه سیتله کوزل اتماسنک جهنم سرکین اند و دکه نیتله
بعد ایوم چرکین منزی اولوب جهنم مردارک اول منزه دخی
سرایت ایدوب تغییر اسم شهرت ایندیکی امر مقرر در کلام
مش مشی اوبورکن تغییر بنده حیفه و درینا که سنک بیخی ناموند
دهان کندیم بویک قالبنه شبایان اولان اول تغییرنا دخی
ساد باندر چرمه سی قوت بخندن بیوک و بدتر اولان بوردنک
دکلرینه و مرصق هوا تندن کننم تر اولان اعز که نسبت
ایتمه نك عینی ابله کشف سوراخنه التون دو شهرک ابله اصلا
فرقی بوندن سنک او یومک تمام خاب خنزیری ابله خورخور
بلکه غوغای کلوب لاشه کبی خرخر اولمقدن صکره گیمه لایق
اولور پشته زار لرده اولان صدای خا و خا و بخاران سنک
ببقولک ایکی شاهد دو قیا کردن یری عبادتی بغوذ بالله
بر وجهله هضم اولنورد کلام بی مکر و بهدلقا کوه فافک
عقرینلرندن وزندان سلیمان کهرا بلرندن و جان بن جان کمال
سکا تزل ایدوب میل ایتمش بولنوردی که بی ادم اول جهنم غزبان
مثالک میل ابله جامه خواجیم تغییرنه دخی افسوس و در بغله کوبک

بنای و ابوابی و فان جفا و در کیمک ایجو ندر انبر سله سنک بنا غله
 نسبت اولن دین شسته لر بعد کبوم خانه بیزار اولوب غز و
 عزلت اختیار اید چکری امر مقرر کلستان عالمین بوسه
 چین اولن عبادتک دخی خانه حیف و او یلز اورماستان
 زینش و برویت و عین الفطرات دید و چنکستان قوند فرکانک
 ادین کلستان جمال فرما تیک دعوا جسی یا لک زین دکل جمله احوال
 سخن و جنوبان کلچهر نازک بدین اولمغه یونقیران خون نا خفته
 کیرن بخد و می جناب حق اندک انکسار ندن حفظ ایلد و بقیر
 دلبر بک لفظ و معناسندن نشیه استعاده سند شهنش
 اولمیب اذ کتاب عزرا لک یکل نغین و اسنفر ایدر تجا و ز
 الله عن سینا تم انجی دم غز و من کرم الودک و بد نمای بدتر
 اولان قشارک و برویت کیو و سنک کمر لردن سخن و بد اولان
 بفکرک و صبحان اطه سنک تر لار لردن نمونه تر اولان جه
 لکن و شاه ماران قلعه سنک زندانندن نشان و برن اعز
 لک اول کوزی قرمش غلم و سیاه عجب نر سندن بوسه
 چین اولن کر که رک بوضفله منصف اولان جه مرد ادرک
 بوسه چین اولن سیلانه ده بخاست بلومنه مشفی کجش
 کو بکوردن غیری اذ کتاب اتمک نا محمله رکد کوپ با
 استغنا دید بیک ظاهرا اشک دیمه سی سینک اصطلاحی
 اولن کر که رک و صوصه کارلق هو سیله کار معهوده باشد
 و دست دراز اولمشکنی دید بیک نوعاً اعتماد جائز و دوزیر
 عالم نه اشک سکن کید یلز وارد طائفه چنکانه ابولر
 و فلاح مصر متساخری بفرق ایند کلرینه شمدی اعتماد ایلد
 تقاضای عیان شهوت ایلد احتمالاً درامانی دخی عقل و حله
 تجر بر اینم زبر انقدر حیوانات بری و بحری و غار استی و

و وحشی و سیل و بهایم و ارایسه جمله سی سنگ مهر بی نو کردن
مختن و قیاض کردن موزون اولد بی جای قبل و قال دکلر ^{شجیه}
نقد و دیدک شهر و بی غلمان و شور اشتها سی فروزن اولسه
سنگ برودن بسمای زهریرانه کی تخیل ایندی کی ساعت جریان نه
ماده اتحاد بیکه بعد کیوم ماده رجولیدن سافط و محروم
اوله حق محققدر اگر کندک مقاده مخالف مقعد ملعونک
طریقدن دوباده صورت باز کون اوزن مستعمل اولدک اایسه ^{می دزد}
اولد بی سنگ خیا لکدر یوخسه بونم دلبران موزون بینما وار
ایک شیطان کی هر حریف عالم رو یاده بر صورتی مثل ایندی کی
مردن ماسا سنگ قیغ منطری نصرف انکه کم از کتاب ایله هله
ابلیس بیلد طرفای عالم خوف اعتراضدن بوتنک عاری قبول
ایلمک احتمالی بوقدر اگر چه بوخیزر اندن اشن اشینا فکرها
قد در کرم اولور سه ده بوخیزر اتن اش غصه دن غیری کرم
اولور بوقدر بنه عارض فاشا کیزی خیال ایندک تسلی بولمکن
امر مقدر در الحمد لله سنگ کی بخش باران زده دن خلوص
اولد بغره شکرانه دارغ اصیفم اولان اجسامزک فراقده
دخی سر مایه تسلی بولمده دوظهر مکتوبم اولان مهر غریب کرم
عجب الحظک کرکوک کورستانن بولنان سنگ مراد نقشدن
وغر مندر اوزر بنده با صلا دن تخنه رسمی غفا سی و افلاق و بغداد
قبولکند اسی غشکدن اولان هر دن و بخاست ایله الوده اوشر
بنجه کلا بک زبانی اوزن بصید بی نقشدن و کلیسا دیوار بنده
ذمیرک قزل بیرطه بو یا سیله ایند کلمری پیچه لک و سمند
فرقی بوقدر و تمام ایجند اولان حروف وارقامی جهر بیلور
قالبنه با صلیش طابق کفعل با کفعل اولد یغنه نجیب اولمشدر ریسر
ایدنلر کی اویوز بار کیرک صفر لیسنم اولان داغدر و کی کرک

او د بخیلر نیک اشک با غریبه را کجسی دخی بر قاچ این سکنه و یا خود
 اشک سکنه یا بشمشاری لاشه لرید و دیو حکم اید و بکن عاقبت
 یو کوند و بیک مکتوب شهور زور ایله اثبات او نمیشه حجت مزور
 او لمغه سرتی ورته داغ شهر پیر او نمشد و یونک او زینه اولدغی
 امضا ایتمشدرای مکروه بد سرشت سکا نه کونه بد دعا ایدم بیکه
 سنک سرات و شامکنن ناشی ایند بیک خذ مات ثقلت امیر لک
 حکایه سی فضیلو منلا افدی و غریلو محصل اغا لسانند ز سعادتلو دوتلو
 محافظ حلب عبدی باشا حضرتلی مجلس سرتی دخی مذاکره اولمغه
 سندن بیک تیراکی کیرینی بقی غول بیایان صورتی دیو بیکر شخصی
 خذ متهمده فی صدر و شکب سکار قیب او لمشدر و اگر چه کوبک
 مردار کند بر کجی بوش قومادک بردن تیراکی ظهور ایلدی
 اما انلرک باشم فیکه نیست ایله دوع و خنزیر نیست ایله ایوتد
 نوعا انسانه یقینی اولمق احتمالک وارد اما لغت هر سه
 تعبیری او بکزه دخی از ایندرا اگر عار غیرتک و ارایسه
 سنی اولطرق غیرتکدن چانلایوب بو طرف کی عاشقلمنمرد
 اش عشقنه تحمل ایدم میوب قریباً سوزان یلا اولور لرایسه او بکزد
 بردن خدو صرا و لمش اولور ز نعم المطلوب و نعم المستول باقی هر کون
 مقدم سر کون در کیم تیراکی ز لختای جهان بکدی دامن بوسف نابی
 ارض و می حکاک موس نام نظر بیک ششای غرانه وادی و انشاده

نابی افدی به ایلدی ایلدی کتوبک جو ایدر

نقاش صغمانه هوس ایلدی حکاک نکین فرسای شیخی پیرای صورتی
 صلیبکم فضولی زنا ربکت مقبول نام مقبولی سر آمد ذکران
 صنف کدار انگشت نمای هر کمان طرفه نکارد و شمر موسی سرله
 الاسلام و الایمانک دکا بجه استعداد و بوتنه قابلیه بیکه
 سخن قوام مخاطبان ذری و قراصنه شد فرجام تعبیران سجد

میزاب تیزا بر بر قلدان مداد فروز زلف نقش و ابستین آتشین
 ایله بوقالسا وزن افراغ و اجرا اولنور که عقیق یاده پیام
 عاقبتکینه نیکدان سامعه اماره ایکن ناکاه و ساطت دلال
 مزاد انگیز خبر بویدر سبک سیر کیوتر بر بر له مکتوب سهر دل
 اشو یلر که نمونه شمع کلسا فروز رضا وی و رسیم اولدق
 کیسه اطلد سفلک فامی کویا رشته مریم و سوزن عیسی ایله
 دوخته و موم مهری نفس کرم مسیحا ایله افروخته ایدی مقصر
 نامل ایله **بج** و عینه کشاد و بر لدر کم اولا بوی کفر میاید و لجه
 مشام حضار مجلسی همال بکلیسای کندر اولد ایتد کونشکر
 درجهان نردبان شکن بر شکن صف بسته ترتیب اولان کاروان
 غبار اند و دستور ندن استکشاف بواعث احوال اولدق
 بیان جواب شافیه دن بخز لری غایان اولمغین ضو جبه بندرگاه
 عرفان و علامه کتابخانه دانش برهان یعنی خرد خرده داند
 جانبته الجا و دست ساخته زر کرانه لری اولان لوح مرصع
 کار مینا نقش هر هفت غامراقی جوهر شناس قیمت فرما لرینه عرض
 بها اولدق خلقه دهان استغرایین خاتم انکشت تعجب
 ایدرک سبحان الله نه مناسبتی وارد **نقطه بحیل کج اعفی**
اشعار کج هیچ بوانه دک بیعه بستیموسی و صومعه بطلموس
 کا و کاهلر ندن اشعار صایب و عرفی نقوشین منظمی بوکونه
 بر غریب کنسج متاع طر بودی قطعاً انداز دده سامعه بخیر
 و قیاس اولدقنی بو قدر بودیلر صحیفه سیم کونه و نفا دوز
 سواد قلمکاری منزه سنم رسوم خط کره کبر حکاکانه سنه نه
 بودر دیدم نجب و ویا لایله نهار عید صلیبد ساهه دره
 مجتمع اولان نصارادن فرقی بو قدره بدی هله هند سه جوهر
 عروقی نکار اولنمزدیم سر جنبان استنهاد ایله خاقانی شیر و نیک

فلک کج و تراست از خط ترسا مصرعین بنجه ایدم لم دیدی هر سطر
 سلسله اعتنائی انظار ایکن اثبات تناسب همواری قتی مشکلا در یک
 یا کلمات منشیانه و تغییرات بلیغانه سنده سوزند و دیدم
 تقسیم گمان هر کلیه سیه رویی بر برهنی برنس پوشی کبی ذوایای
 دیاختکم ده سر ترا نوی انزو اولوب کند ز عینجه کو یا عالم
 معنایا بنده چشم کشای سویدا اولمشلرود دیدی یا نظام سطر
 مدوده سنده نه دیه لم دیدم بی توقف ارغنون مصیب اصدای
 دیر منظور اگند بسیدر دیدی مداد ظلمت نهادهای خیلجه براف
 دکلید دریم سرکین فر عیسی و شاسه کوساله سامری دکل
 ارمنی نان دن مرکب اولدنی جای نقطه استنباه دکلید
 دیدی هر نه ایسه بویله ترسا زاده فلک وادی شر و انشایه نکایو
 سزای خستین و جای افزین دکلید دریم نه عجب حالک وادرا
 شکوفه کلخی و خضرای دس ضرب مثلینک معنیسی پتی کناس منی
 اولماقی ایچون کو یا ظهو و انتمش بر شبنجه غریبه و دیدی یو دکل
 شهرت داعیه شاعریت ایله شعر و انشا سندن معنی نان ماعول
 او نمز مح دیدم خند زنان اگر چه کم مویه اشعاری نوعا نیم
 خام و نواله انشاسی بر مقدار نا بخته و نا تمامد لکن معانی
 مالا کلام دکلید دیدم بھی یاد کا د اگر نا قوسدن نقطه ایما
 و توحید و بیضه سر خدن ماکیان بران امید اولنود ایسه بیک
 شعر و انشا سندن معنی نان ماعول دیدی نه غریبه دکل
 زور و نچیر تکلفه هر نه قدر طویله سطر دی خیل مقابله ربط
 ایته ده جلوه لطافتدن بی بهره کورینور دیدم خن کمان
 نیم جانم مورد اقنوم عبیری و فرق سرایانی اوله کلن دهان
 و زیاندن اصطلاحات شعر و انشا عینی ایله کام ناکام کلیا
 دو شمش اهل اسلام کبی برایشان حال و برهمزده مال اوله خیلیم

سبقت دیدی منشیان زمان و شعرای دوران شعر و انشای سبکی
موازنه یه شایا بخند دیدم فهمیده متبحرانه یه کنشاد و رب
بای با دکار بوخا اهل کونه سسوال ایله مقصودك بزی اغضایکد
هیچ مشا منم جزوی رایحه عرفانی اولان غیرله کونلکی
ترازوی سنا ویدم سنجیدم ایدرمی با خود مشعله مهر
جهان بانه چراغ ایلمانی و قدیل قیامه یی برعاید می
دیددی عجا بونك شعر و انشای سنی بخته اتمکله نه مقوله داردی
تدبیر مدحظه ایدر رز دیدم خنن زنان دیدکله اولان
وادی شعر و انشادن برهنه جمله دن اقدام تمام اندر زرا
هر نه کونه تدبیر اولنده ینه کفر اندود اولان لجبعتدن
سزده اولمش شعر و انشاد رایحه برودن کافوریه دن
معرا اولق محالده فرضا بر مقتضای خالف نعرف داعیه
شهرت شاعریت ایله سائر ترسایان دن امتیاز سودا سندن
بجز امیه باری شعر و انشای نوعاً حلاوت کسب انملکچون
بر معجون غریب ترکیب استعمال نه ضروری محتاج در دیدی
اجزای ترکیب ردن یرسان اولدقن هیا کل سبعة دن قدا
بطارقه نك استخواف ایتد کلمری فروش نشخه لرین ازوب
صوتی ایچد کد نصکر چلیپا سن کوم سنك سخنانه ایله
بر ابر سختی ایدوب او ذرنه عود الکضیب و بخور مریدن مقدار
اصنافه ایدوب شب یلدادن صلیب انداز اولد قلمریاب
ایله تخمیر ایدوب چاکلی کلبسانك ایخانه سندن فرق نفر
فتیس خوک خور کوفته خوار خوک کردالك فضله سین
ضمیمه ایدوب و بکرمی یدی چیل کلو سندن سرخوش اولمش
یدی کاورك غشیا ن قار سندیروب شما س و یو حتما زار
لرنن یتان قنادیل پچا وره لرینک دهین اولوب حواریون

محاربتك سئلند ن قالمش طقوز محاربتك سر كين مسقورالتك
 بولي ايله بو غروب حطمانك قارورم سبي ايجند نقطير ايدوب
 هيكل روم چشمه سنك چركا بندن خير مائه شكلم طرغ
 ايدوب كندی كادكاهي اجراسندن بر مقدار براده وكر
 درهم نوشادر و ايكوز درهم تيراب ايله اصلادوب
 بوز درهم سمپان ايله بو مجموعي قمامه ده ربس بطارقه
 اوغلتك ايريزي ايجند شب ميله ده ينان اودن يقه
 سيله قنادوب دير چيراده اسقف يونانك وقف
 ايلديكي زيت كوبي ايجند حفظ و كچه سي تيا قوم
 پاره سيله اعترش هر ليوب هر يازار كوشن او نرد درهم
 استعمال ايجد كچه ارباب جو كوردن عاشق وارطان
 ايله مجنون حلاوتنه واصل اولق احتمالي بو قدر ديدى
 يا اذن تريفك ايله بو تغييراتي بر مكنوب تحت ايله كندوبه
 اعلام ابد لمي بدم بو مكنوب كا ارسال اتمك عيني ايله شيريه
 تكليف تماشاى خورشيد اتمك دن فرقي بو قدر ديدى
 مقصود لطيفه شاعرانه در لطيفه في نيه سبز بلور سبز
 و سبز سرمايه افتخار اولق اوزم مد خطه اولوب بومرته
 لطيفه به ارخاي عنان خامه اولدى بونك ايجون حاطر
 مانم اوليكه ز مكنوب كزده هر كيمه ارسال سلام ايند كزليه
 مخالف دين اولمغه قبولدن ترده ايتمق در امانه تحبير
 واقفيلري كالم در قلم اينجا سيد و سرنيست

سابقا اي بلك تاي خد متع اولان كلز زاده ايبي
 چلبی ادر ورم ايكن تاي افندي طرفند كوند يون مكنوب
 صودتدر من خط المنشي

غزلو رفعلو معرفلو حقيقلو او غلم انيم محمد افندي حقيقك

قافله کاه فقارینه کاروان تنگناک شوق و غرام اتحاف مخمخند
برس خاطر ناز کتر لری اعمال اخلاصه سر فلند قرص کرم آنها کرده
پدر مهر برود لری در که بنم او علم بار حاتم احوال میر نجستس کرده
دهد اراستخیا را و لور سه بخته تقالی حریر نادر انقاس هنوز نیک
بدندن کسسته اولیوب بند جلیلم با بسته کاه کاه اقامت اولیوب
امد و شد ماکوی اخبار دن نمایا ند هر چند ماه مقدم سعاد تلوی
موقوفه رای افندی او غلرک توارد ایدن مکانیک برنم جنبه
با فی افندی او غلرک خذ منلر بله جانتا ارض و مه توجم بکری تحریر
اید و بحتی او دفعه مکنو بلر نیک تا خبر نیک بکری نقد انیله
تغیر ایدوب کند و لر نیک غلیله اشغالی مانع تفصیل اولوب بر
بضاعه دارن تغییره دخی شوق اولمد قلرندن اعتدال
ایند کلرندن جنبه بکری ارض و من جلیلم کر اولد قلر تفتازده
بقیمز اولمشید یینا برن اولط فلر بدن بوی اشکر شم اولن
پیام عافینکر استخیا را اولنم ایدی و بر نامه مهر الکر کر و صوله
دخی روز نه چشم امید کناده اندی واقعا بر طبق ملحوظ
ملطفه خوشما لکر نقش قرعه تصور کبی ولی جلیلی و ساطیلله
واصل اولوب دماغ ارزوده شکر نشاط سکر اولمشد رفیر
اوله سرحق بود که جنبه بکری کور که اشتیاقم هوصله سوز
تغیر در مخصوصاً سعاد تلوی باقی اغا او غلرزه قادیلم دلسته
یوز اکثر سود یکیز دو ستر بزم ایله مالوف اولملر بله کند و لرله
کویا الف صوری واقع اولمش قد در علاقه باطنیه مز و ادرا
کند و لر دخی بزم غیا بزمه بویله اولد بقی جزم کرده یقیندر
جناب الهی بدن مواسسه صوریه و قوی دخی در خواستد بزد دخی
دیادده بسط حصیر پان اقامت اوزن ابی مرحوم وزیر بزمنا
کنجد الی سعاد تلوی احمد اغا حضرت لری محصل حلب اولوب بوجا بنه

تشریف آفریده استانبند و در مشرفه را بنساط خاطر کسب اولم شد
 کند و لری وجود بمنش و عدیل اولد قلرندن غیری کزین اهل دل
 زمانه هر کس زاده محمد اغا او غلر و عنکیوت هر داری احمد افندی
 و دخی بنجه اصحاب سخن و ارباب نفقه چلبیلر د اثره لرنده اولمغه
 روزگار استانبند نک منتجب و ممتاز لرین بزه دست او بر ایلدی
 و در کار او بوشبوه سندن ممنونز اکثر اوقات عمر عیش و صیبه
 کوراندن سعادتلویا فی اغا او غلر له ان الله علاقه چند جهانه لری
 سبیله کویا انلردخی بوجلسه حاضر لرد سر بنم رفعلو او علم
 تذکره می فضلی افندی برادر اول جایت بد ل بعضی من الکحل خد سله
 مشغول اولد قلری مسموعه رانن ایسه لردعای اشتیاق امیر عمر
 ابلوغی مالدر علاقه محبت و حقوق القدر بخندن خا رجید و نظیر
 کباب بر وجود مکرمد مرا صدقای عالمدن و عقلا ی روزگار د
 بر ذاق هر د و هشیبه مستدام اوله لر جمع مرانیه ذاتلری بدل
 اشغال اولمق سلم کل ایکن بویه بدل غلطه تنزیل نفس اندک
 دخی دلالت عقل ایله عمره رآید و ربیلر بد و نیم او علم غلیه
 خلوصدن ناشی مکتوب مرعوب کرده حیلیم اقا منکرده اشتیاق
 هدیه رسالتک تاخیرتیه یادی اولدی مضمونی اشافه سوز
 سقر اولمز و صولتک نصفی مقداری بخون اولدق لطیفه مقوله
 نمک مراسلات اولغین رسم استبدان مراعاتد نصکم برآورده
 خا حه بذله کوی بودر که اول جایتلرک هدیه سی یا بوغاز کورک
 یا غلام کورچی تراد اولوب ایکی قسمه مختصر اولدنی معروفد و بزرگ
 مادوننک مقدم استبداننه تحلی یوقدر شمدی بزم خایمزدن
 زبا نکد ارفعین و نصیح اولمق لازم کلد کیم بیاضیه بوغازا و سوز
 تویه سنده تنزل اعلک غیر کورینور زیرا سوتقی الفاظ
 از کجانی نفسه کران تکلیفد راما هدیه دلخواه سوز اولمده

سیمین و خوش اندام و سیه چشم و ابرو و چارده ساله غلام
 کورچی نژاد دن غیری اغوش مقصود و جابگیر اولور بوقدر
 ایندخی جنا بکزه تکلیف مرتبه انصافدن بعید و اگر چه کتاب
 پاچ و مزاج ضعیف امر عزوی عذ اولد بقی صورتن ببله دفعه
 تکلیف مالا یتاق اتمک حال نا شناسلق علامتد راجحی بواره
 بوکوند بر تدبیر خاطر کلو رکه اولجا بنم دویف خلص و صلی
 دوستر بونفعه اجمعی طریقله فرقہ دوویشان کی هر پان سی بی فیروز
 جمع اولمخ اوزر بروجه اشتراک بر تنم خوشنما ارساکنه اتفاق ایله
 فضلی اقد مز و باقی اغاخر و جنا بکزه و بزم فایق اقدی دخی اولمخ
 قریب اولمخه بوچار دوستک ثمره اتفاقی بر غلام سرو اندام تلخ
 ایله لکن اعضا جهیله توزیع اولنور سه سرو دسی فضلی اقد مزک
 و سینه و ظهری باقی اغا مزک سرنبری جنا بکزه و یا فایق فایق
 حصه سنده دو شکی بدیهیدس و اگر عنا مرجهیله توزیع اولنور
 ای فضلی اقد مزک و انشی باقی اغا مزک و بادی جنا بکزه و خاک
 فایق اقدنیک حصه سی اوله جنی مینا دودا و اگر اخلاط جهیله
 توزیع اولنور سه دم گرمی فضلی اقد مزک و سودا سی باقی
 اغا مزک و صفرا سی جنا بکزه و بلغمی فایق حصه سنده اصابت
 ظاهر و اگر طبایع جهیله توزیع اولنور سه و طویخی فضلی اقد مزک
 و حرارتی باقی اغا مزک و یوستی جنا بکزه و برودتی فایق اقدنیک
 حصه سنده دوشدیکو غایاندر و اگر تربیه فضول جهیله توزیع
 اولنور سه هاری فضلی اقد مزک و نایستاقی باقی اغا مزک و غراذ
 جنا بکزه و زستاقی فایق اقدنیک حصه سنده دو شکی معقد
 احاصل بنم او علم غرض بطیفه در بو طریقله بویله بر زمین تان
 کوهسا رخا طردن سروده اولدی مقصود تشخیص خاطر دوشاندا
 انلرک بیام عاقلمری نر هدیه در بعد ازین بنده اطان کبوتر مر

مراسلاتند خانی او ملاملری ما مولدر باقی همان سرور و کلام بر
 علی پاشا نك هنوز رتبه و زانیه ایله کامیاب اولدیغی شاده
 حدیث اربعین ترجمه سنی رسال ایلدیغی ماوی خیر و نفع
 مکتوبی صورتیدر

سعادتلوسماحتلو غانیو عا طفتلو نوریا صر اینها جم سلطانم
 حضرتلر نيك مرجع افاضل ادبا و مجاهد اکابر فضل اولان دیوان
 خانه آصفی لاسام و مسکای صاحبی لانتظاملری ساحه
 رشته تار بو د تغییرات جرعه نگریمان ایله نایقه و کارگاه
 اخلاص شانه تان بسته نغمات و ما کوی نوحینشیر عظیم
 ایله بافته و انداز انکفاظ مؤثره یه کشیدن و ورق مجلد
 صد قد پیچید و واسطه انجذاب اختصاص ملا اعدا اولمغه
 شایان و تمنا زده اجابت ربانی اولمغه جسیان استغفر و عوا
 نادین و نافر و خنده و افشنة یحیات ناشیدن و ناد و خنده دم
 اداب شرمسارانه و وضع تواضع نیا ز صدانه ایله دست اویر
 عاجزانم فلند یغی منن عرصه داشت داعی دیرین عنایت
 دین لری بود و کم جنای شیران بند اجزای کائنات جل شان
 نسخه یکباب کتابخانه وزارت اولان ذات کرامتین محفظه
 وقایه ربانیندن مکن و معنی بهترین صورت دولت اولان و جو
 سامبلرین مفهوم بحر طویل حیات و استعدائات ایله مجموعه مقام
 سعادتم کابین ایله امین بودند ان اقدم و طیفه لازمه مر
 اولدیغی وزن ایکج قعه تهنیه رتبه علیای وزارت لری بخجری
 و عانامه عاجزانم ایله سر سعادتمدار لری نصد بیغه اجتر
 او لشمند یغالب و هز فی تحت ناساز کار مصداق اولمغه
 شرف تقییس بر علیا لرینه موفق اولمدی حق سعادتلوسماحتلو
 وزیر صاحب ضمیر توفیق سلیمان پاشا حضرتلری نا و لر نيك خیر

تهنئه نامه ده تفصیر بزمه ناسف بیورد قلمی و اصل کوش
 فقیر اولدنی بودا عیالین عزیزی بجه شرم و حجاب آتکین ها لا
 نلا فی بقصیر گذ شسته ایچون بر هدیه سمیت اند و زر و حلیه
 موقت اولوب نادنی علیا لرینه رفیع رفقه به مبارقه اولندی
 بوه دینه نک فذ و قیمتی و عند الله شرف منزلتی نه عنایتلو سلطان
 محاط ذهنی دراکلری اولدنی و اینده تعریف دکلامر مولاناچو
 مرهومک نسخه سی سلطانک کنا نجانده لرین موجود و منظور
 سعادت لری اولدنی بار شک اولمغین ائیرک قماشیلد بودا عیالینک
 نسیم نزار فقیرانه سنیک موازنه سینه دوتلو سلطانک
 میزان عرفان و انداز ایضا قدرینه بخود را و لیا این حق قبول
 و لطف و کرم دوتلو ساحتلو عنایتلو سلطانم خضر نلر نکدر

مکتوب دیگر فرستادن مع نعت نبوی

سعادتلو عنایتلو فضیلتلو حقیقتلو نور با صر افتخارم و انعام
 او غلوم سلطانم خضر نلرین مقصدا ستای عالی و آقا صل
 و راجگاه اجناس معالی و فضائل اولان پیشگاه مکارم دستگاه
 لسان شوق و اخلاص و اصطلاح صدق و اختصا ص و وز
 تحفه مجلس قدسیان و هدیه مدارس و هائیات اولمغه شایان
 نسخه تان بقیر دعوات سریع ال تاثیر و رساله نونا لیل تحیات
 بدیع التحریر اهداسی محلی قیوضات قدسیه اولان صیر
 خطیر لری بر شعی الله تکمل و تعظیر اولنور همواغ فریب سایه
 بر داسم و ویروی نور جمال و کمال و زانو برانوی عاقبت
 و اقبال اوله لرا کر منشا غل جذمان هابون بدین نفخه
 حال داعی دلر بوده لری فر صنیاب دخول اولمق شرفه
 نائل اولور سه بحسن سبحانم و تعالی هنوز بحکد جان فق بدن
 شیران بند انقاس کمتسه اولیوب ها شبیه مرته دعا

پیرایه متنی اوقات قلمت اشرف اشفا لمن اید کمی علاقه حقیقت
 بن عرفا ندرینه نابو شیردود علی الخصوص اهل کی حد ز بعض
 گوشه دامن اخاکره واصل وروسی و سامعه لری ناطقه
 عتابت اند و ز کردن نائل لای مقال اولانر بوطرفه کلر کجه
 بوید و دعا برو و بکن احواله تحریک لب استخیا و بود و بکن
 نقل انملریه صوارخ صاخ عاقران مزمر قوافل سرود دل و بران مز
 معور و اولمقن اولاد و عیا المزیله دعای عمر و دو نکره مضطر
 و محبوب اید بکن باسنود و دینم عنایتلو مکر متلو سلطانم حضرت لک
 هر بار طرف شرفه کستا خانه دعا نامه تحریری ایله اوقات
 عزیزه کزی قضیبنی و سرمای که کزی قضیبنی معافی شرط ادا
 ملا خطه اولمقن بوقضیبر مزی استغفار بوقضیبر ده و نه
 طبیعت پیرادن سرزده اولمش بر قطعه نف بنوی اهدا کنه
 نغما میا درف اولندی دوکاه الهیدن قیولی فی اشباه اولمقن
 جناب سعاد و سائر خوانا و شنو انا نل حصه فیضی و ثواب
 اولمقن کدر بعد ازین چکیرد خامه فیضی انا و بکن اولان
 و دقیا عنایت امیر ایله سراققا و انظا و غیری همسر لک
 سما بو و ملق باین لطف و کرم دو نلو عنایتلو جناب کرم کفا
 ابر که نار مضطربان پیرا توان ولی نعمتی امتان دن شهب
 طبع سکر قاذنه سباز بر دش هسته عزام یا زیله دهم خامه
 وادی اشباه کرم عنان ایله بی هو سنامه سید
 سعادتلو سماحتلو عنایتلو عاطفتلو نوریا صر اینها هم سلطانم
 حضرت لک جلوه کاه خیر و دعا کو بان دولت و اقبال و جو
 لانگاه و کاتب مقال مدیحه سریان هاه و جلال اولان لعله
 بهشت مثال دولتشای عز و اجلد للرنیه سمند منجمله دن اسمع
 سر منزل اجابتیه رسان و اشهب نورنگاه دن چاکتر نغای قبوله

سزا برآورده مطیع اخلاص و محشه زده بیمار اختصار مکران
شکستان و دعا و رهوار هوثر قنار ننا افسار افتقار و شکته لری
شرم و انکسار ایله کشید قلند بی زینم عرضه داشته دلسار
بود که بنم دو تلو سلطانم حضرت لری افرینند میدان هستی
و دارنغ ترتیب بلند و پستی چل نمان حضرت لری بر طبق طول
ازمان و خشرامانی و امالی و زیر و ان ایله بویاده نطع
انزوا اولان داعی بیر یا لرینک خبا لانفا سقوایم مطایای
دعایرینه پیوند و مدد و تانی نظر امانی کا و رننا لرینه
سینه بند اولوب در دین سم رنر سمند اهسته حرام
دعای دولترینه رکاب و مرکبان رشک الود سسوال خشر
عاقیرینه جوابا بدیکی مانند عنان مسلم قبضه عرفان لری اولمغه
بیشگاه ذهنی و اکلرنی اها لاله اسب ادعا اثار ادریاد
مقرا اولمغه راه راستدن کسا خانه بلخ کسر عقال کیت
خامه بریشان مقال بود که بوداعی ساخورد و بیافرو
لرینک یایری ادام حیاتی مرحله سبعینی گذار انکله ع
چوشفت آمد نشت آمدید بدار طیفینه استخوان ساق
عجز مساق پیرانه مرقمندان فضات غزل چشید و سوامداد
قویدن خالی و عقده زانوی ناتوانم کاسه طینور اسا
خشکله سالی اولمدن ناشی قلم قوایم مطینه انکشتان ندن
استعاره حرکت در یوزن امداد قوه ایتمدن مضطر در
مرکوبه اشید احیا جز مقرا ولوب بو طرفلرده عطایا
مقوله سی اشقیای ترکان و عرب شکند سرد هوا و
برق جنبش کوم بیما اولمغه هنگام شبایتمز ده یله و کوبید
هر اسا و جنبش تند و تیز ندن ترسان اکین شمادی بونام
عجز و ناتوانی سوار اولق دکل بلکه مجلس شهنامه ده

نصا ویرینه نکران اولمعه توانمزا اولمد بقعدن فاشی با کفرون
 دوم اینک دهواد هوان ملایم دقار با د کیر موزون کردانیه
 اشد احتیاج جزو قوی و بود یا در کرده اختراع وجودی بوکونه
 دفع غاشبه شرم و محاب و اویدش رکاب کسب اخیه مودی
 از کتاب اولمشدر غلبه مکادم احصافان لرندن فراموشان
 روایای اصطبل اقتدار لری اولان بار کیران کهنه سالدن
 بر کینه و کت اما خوشروی و خوش نظر مکر کردن و موزون
 بیکر نرم صوی و مشکین بوی قوی شست و ستون درشت طاوس
 دم و کاسه سم یا د کیر جک احسانله بدن تا توانمزه افاضه
 روح جدید و بینه و برانه مری خاکدن دفع و تقویت و تمهید
 بو ملق چشمداشت توقع مستعدانه فردر لکن سعادتملوسلطانک
 زردان بیعت نشانه کسب شرف میا لسن اید کلدی و وجه علیا
 و مرتبه علو بخندن مفارقه سبب اوله جعفر تقدیرده امید دگر
 مقاد و مالوف اولد بقی رخت و یسا طندن دفعی و اجور و کین
 بنی رخت و بخت والات و زین زینتمدن جدا اتمکله سبب کن اولد
 دیو بونا توانه قصد کین و انداخته عرصه زمین اتمد نهضت
 مشفقانه لری علاو مروت و احسان بو ملق با اینم لطف
 و احسان دولتو سلطانم حضرت نرنگر انشا الله بوحنه
 کزین عزرا مثالی ده روز مدت و اصل طریقه ایا لکر اوله
 جفنه اقطاف حقیقه الهی متکفلدر بوندن اقدام دفعی خات
 عزته دعا نامه تحریر او نمندی لکن انطاکیه ده چند روز
 توقی واقع اولمعه بود دعا نامه مزایله دوش بردوش و مال
 اوله جفی محفل اولمعه بود دعا نامه نکر رندن اشتغال بو رنج
 با اینم مکرم فطرته لرینه نوسل اهر باقی همیشه
 رئیس کتاب راجی افندی مومی کجه بر و اس یا د کیر خوش سیر

و شیرین او سال ابلد بکندن شکرانه خیر ابلد کی مکتوبک صوتید

سعادتلو دولتو مختایلو نون یا صر امیدم افندی و علم
حضرت نریک سنک کباب اقبال لرینه اضا واققاد ابله سمند مرز
سینه بند ثنا کیران اجایت بیوند دعا اهداسی زیلند کیت میدا
نور دلم فرسوده پایو و جملله جولانکر ساعه آنها اولنور که
بنم عاطقلو نور چشم افندی و علم حضرت نری اشرق ازمانن نیمقه
غیر افتنا کنر مصحوب طویل الطاف کنر بر اسب بری کردار
روحانی رفقا د اهل سینه بو پیاده نطع حول سالی خاکدن
رفع یو مرشز حضرت و اهب المرادات و ماملک ازمه کاتنا
جل شان هموان پانه اقبالی زیران و عنان عافیت کیری حقیقه
بیوسته راه دیوان امورها جفتندان ابله اینی بحرمه بنی الای
یت خوشا سمند مالیم کم چین رفتاری او تندر عشاقه شیوه یار
نکاهی غمزه جانان کی بیخسب ایدرم خرام دلکشته دل و برز
کرفتاری خصوصاً جکیده خامه شیرین خرامکز مفادی اوزن
کندی از موده رکوب نثر فصیح کیز اولد یق قان قان علاوق
تشاط اولوب غلبه صفات حقیقه منتخا نه دن ناشی مامله
تقدیم و نادیه ایتادی بو بد رنا توانی رایش کما و افتخار
المشدر حضرت حکیم چار ساز فضل خبر کیری دانا جلوه کاه نیم
اهترار ابله تناسب اعضا و توافقیما خود زنجیر خیر ابله
تقیه و غائله دن و ارسته در **یت** ارمان کسته اولور حینه
هله ضروری بو قدر اینی اولور حق بو که خبریما هر فعلی
شبدر یز ضرور و یز و هر مویتر کاف چشم کلکون رسم بر سبیز
اولمغه شایاندر طرط حوراز کاکلدار کترین نارنا جیه غیر تر
و کرجوز یلا کردان سینه سیمینی ادنی اوصا قیدر **یت** بشر مقنون
اطواری ملک حیران رفتاری نوله دوشده خرام ابد کحه

حیرت زیروبالایه محاسن بکران صور بسندن قطع نظر
 بنماد کنز مصری نزدی صبح و مسا اندام چارین بخشه تبار
 التذکجه هر بر سوندن تخریج حسادید خواه و تخریج اصدقای
 نیکخواه مقوله هزاران معانی دقیقه مشافط اولمه ده در حیات
 کریم گفتا کنز کبی بر نوردین اعلی و امامه سخته اهالی بوکوشه
 کریم ببقوله از وایه اهدا بیور مغفله بو خوش دلارا دخی شمر
 اقواء اعتبار اوله جفی جریدن نقدیر خداوندین مسطور الخیره
 امثالند امتیاز ایچون اعضای خوشنما سی کویا جمع ایناس
 مخلوقات متحیات اعضا سندن ترکیب اولوب جبهه سی
 کیش منادن و چشمی اهری خرمندن و کردن کیسوسی حوراز
 بخشندن و سینه سی سپهر فرمادند و شکلی هم خسروا بدند
 و پستی سیرا سکندریدن و دست و پایی ستون چار یاغ بلیا بدند
 و سبزی جوان تا آوردن و بلکری کاو و بندن و دمی طاور
 جندن و کاسه سی میخانه بخشیدند و قوی شیردن و پوستی
 پلنگدن مرکبا ولد یعنی افزای دلایل و احکم بر اهین ایله امضا کرده
 اصحاب نظر در قاعده کلبه ستمره عالم اوزن جمیع ازمان
 نوع هدایا محیط اطراف بلاددن مرکز دائر جبه و جلاله لسانه
 خلوق بنه ابدان الله و ابقاء جانینه متوار اوله کلشکلن محمد
 نقالی میاض کریمز اول قاعده به منافی بودای قدیمز ایستانه
 رفعت کردن اهدای خوش شوقله اخمصا ص و انفراد نانی بود
 اعلامی طبقات تشکر و افتخار در خیاب الهی وجود کریمز مضد
 مختصر عات کطاف ایله الحی سمدی بیای بیبرانه مره نسبت ایله
 زیران نانو انز اوله حق قبول مقوله سنی نک صحیفه بیاض
 پیشا نبسندن ایمای من الرحمن و سواد حاقره سنن الحمله
 من کسب طان کلماتی منقش بولمن زبونی بیبرانه مره اوقیر معناد

بجد الله تعالى تمام تمام سرتا پایش در قایب از وی من و بخت اند
منظومه هائل کرده دلا را سنی سدی به شهید و کوی بونا تو افی
ارامی خرام ابد و بخت **بخت** همچو شراب تلخ بر کهای می برست هر کویه
که هست به عالم دو بد نیست شالی آرزو بر قاف کون اواده
مشیره هوا اولد هفتی اختیار دوو بنم نوز و دیم تکلف بر طرف
بو کونده بار کیر خوشنما به نائل اولد بغز سر کدی معلوم کنده
بودی شای باقی غرق مزید عید **ده مظهر عطیه کریمانه** **اولد**

اولد قهر خیر ابدی قطعه در

ای بهین کوه سلاک و ذرا • نشخه جاسعه خلق نکو • ایلین عید
الله سعید • اولد سیتی دولته هرا نو • ایره سیتی اولینه نیک
عیدینه کم کور سیتی بیتی الفم سه دو بنم دولتو افندم
سلطانم حضرتدی جناب الهی کوه کجینه فضل و کال اولاندا
کریملرین محفظه و قایده الامان عنا یندم دائم ایلده این
صحیفه ینماده اولان عرضحال داعیلری خبر برند نصکم عطیه
کریمانه لری واصل و نازل اولوب داعیلرین قف ق غرقه
محکم شرم و احسان یور مشلر دور دعای عمر دو ندری نقدیم حمله
امور قلنی التزاجی و رون و بیر و ز خانم ینم کی سرایت ابدی
خدا یرعباندر هینه جناب حق ساد تلرین مقسم از افاق دعا
کویان ایلده

سعادتلو مکرمتلو اصفا کرم کسرت وزیر مشایخه اهلی

بر و در حضرتدی علی سعید ینم کان و اعیان و برمله کلان
عطا یای کریمانه لرندن نایی افندی به امتعه متوعده
ایله ترتیب و ارسال یور بدون عینجه دوعنه انعام نوحیه
ذرتن خنامک زبور دیاجه سبی اولان ورقه نیک سطر
کندی قلم مکر سربله اولد یفته نظر اولده منفطن اولد بد

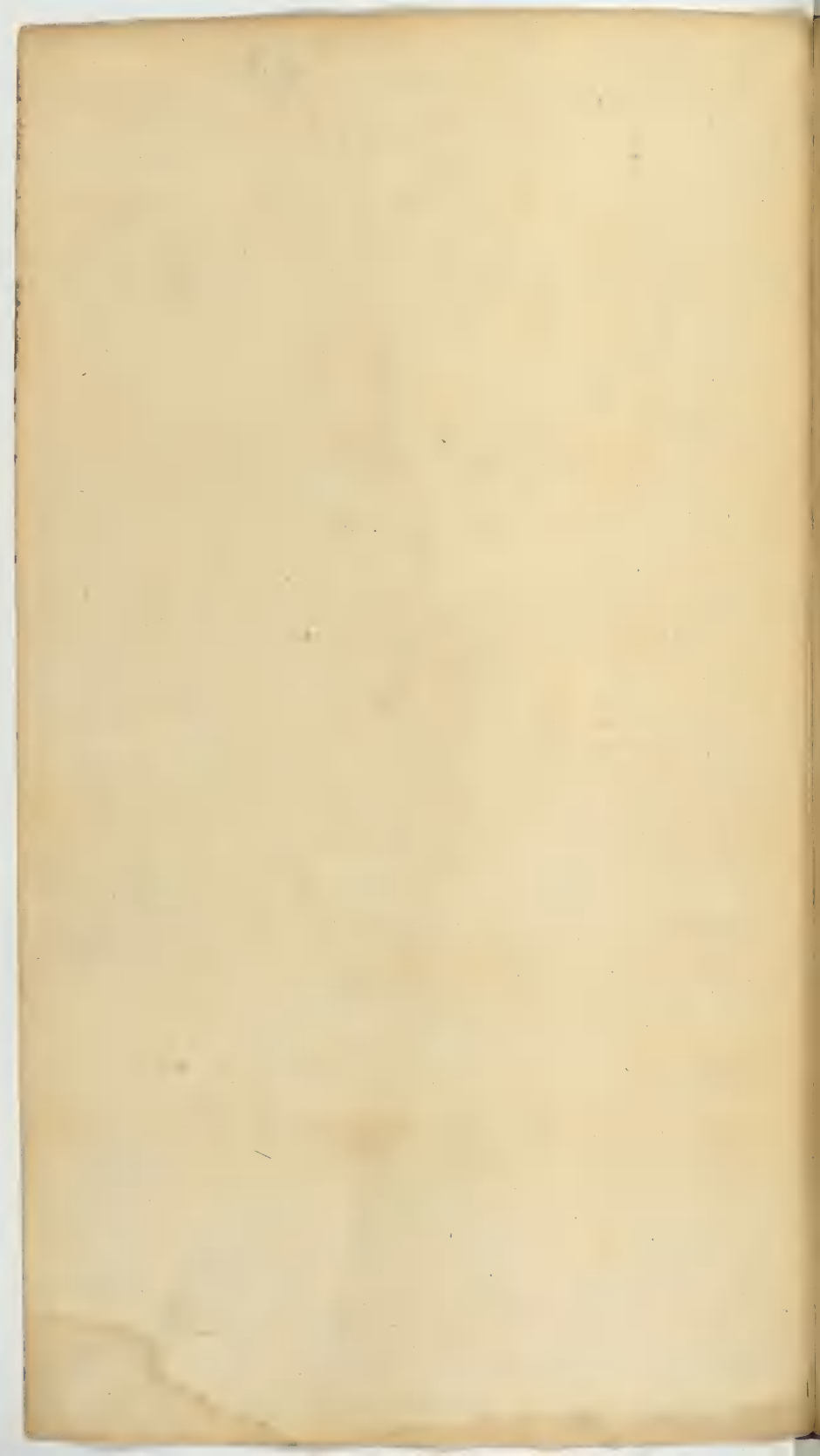
شرمسار لغی اعتدایله خاک غزینلرینه تقدیم ایلدی عریضه
لطایف اشتمالیدر

ای ولی نعمت اصف علی فطرت اولدی روی دلم الوده کردی محبت

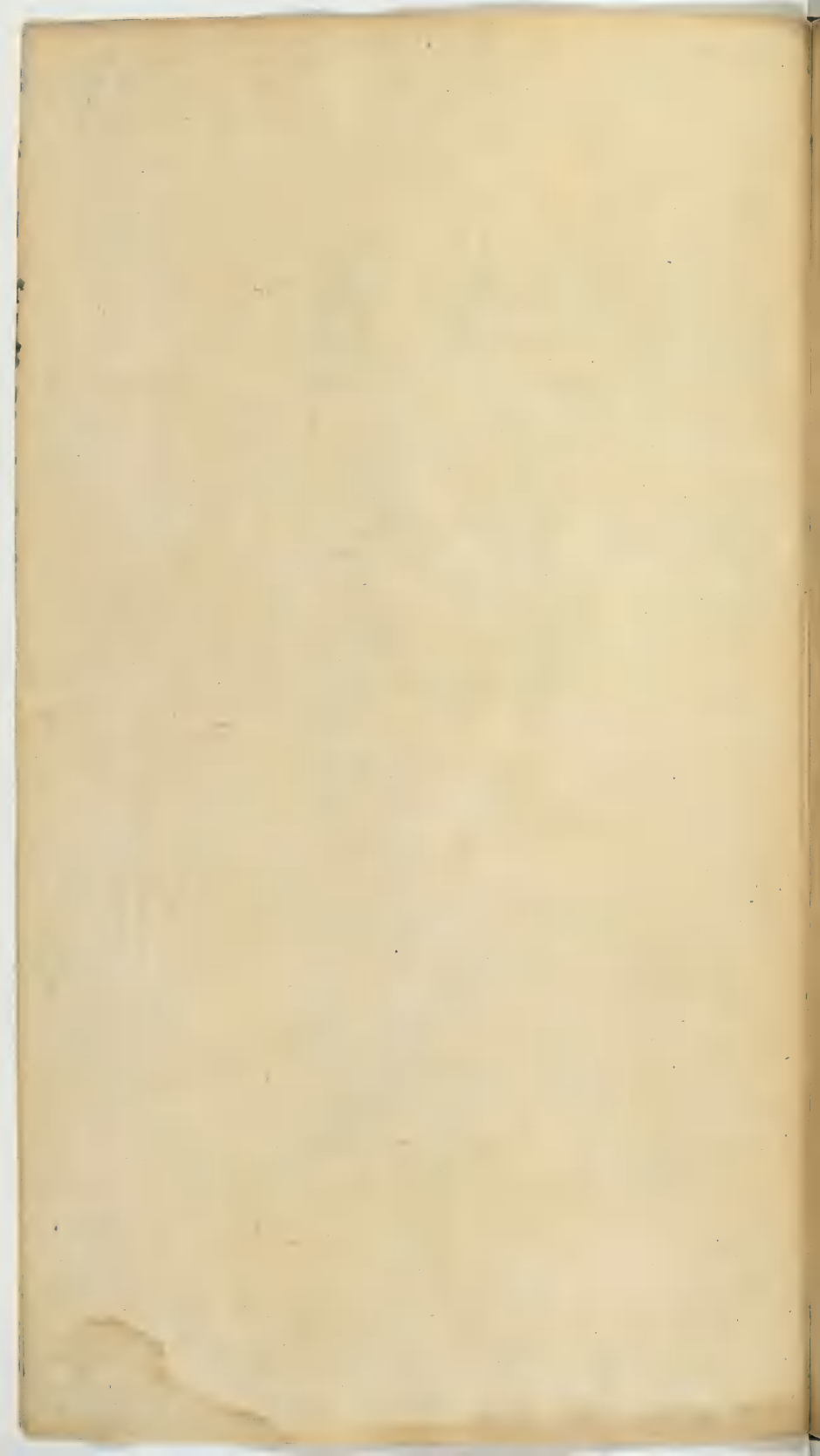
اولدم فرقه موقت قلم مشکینک خاک بادالیه هوش بخشیم
غفلت خاک قدم اکبر انازلرینه نابی داعی هشیار و
پریشان کفزار لری بود که بنم عا طفقتو عنایتو سماحتو
افندم سلطانم حضرت لری دوز مقدم آسمان اصفیلرینه
بو خاکسار کم مقدار لری فرقه یاران فیضناک موهینلرینه
یونشته عا طفتری و ذی ریزان اولان عطیه استغه کرا
بنها اولان خوش دند و خوش فاشلرک اولایا لای دقت
خوش منظر نمن محرراولان اسامی خاطر ریاسته لذت صرف
نظر مشغله سندن قطع نظر بسنج خوش نعمت اشک شعله
نار ذوق و لمعان رشته سیمیلری اولانجه نور شعور فریو
انگیزی خناسنم اولان چند سطور دلتیشانی عادت با لانی بشیر
مقامنم خط کتایت حزنه اعتقادیلده امرار نظر دن غفلت
اولتمشیدی انانیته غلبه صدق ولی انقیاد انضمام غیرت
الهی بر قیام کوند نصیحت تکرار جرید فرید مرقومه اعاده
نظر اقتضای موجب اولوب شاخصا رکستان حروفنه
اطار طائر نگاه اولندقم مفهوم عنایت منور خند
هر نقطه سی شبنم بهارستان مکرمت و هر کلمه سی شاخص
مرحمت و هر برک و یاری قلم حضرت ولی نعمت اصف علی همت
و منزلت اولدیفی مشهود چشم اطلاع اولدیفندن سربلک
شرم و سرورم ایکسینی بر لیا سم جولان و خرو نایه محبت
و مشرت ایکسینی بر منبعدن قوران ایدرک قلم مثال سیاده
و دق اوزن مالکیشیشانی دعایا یه میاد رب اولتمشدر نال

دست بوسلری اولان اول و در قیام عالیه و خود االی لاز
پوسه تعظیم ایچون میان چشم و دهان من محور سوم
خطر عتیرین ایلک مرتبه لرینه بالغ اولم و در جناب الهی
یکانه کوهر مکان اولان وجود عالیشان کبری محفوظ
و قایه حفظ درج امن امان ایلیه حقا که قد و شناساق
و لایق نواز لق صحیفه سنه کندی قلم مکر مزله کینه قود
واهل بر و راک میداشتم کوی مسایقی دست امثال لرن
ر بوده بیور دیکر سلطانه بر رجه ده دعا و صحیفه مدح
و ثنا کزین نه تغییر ایله ادا این حکم دستجو شجیره و اوشان
بونم حسن حصال و لطف کالدر که بحمد لله تعالی عنایت
از لیه ایله باب دو و لکمز مرجع خواص و عوام و تحصیل
رضای خاطر و داعیه پسند قبول کز ایچون ترتیب هدایا
خلاصه اوز وی اکابر ایکن بود اعنی کمقدار احسان
بیور دیون عطیه عیدیه نک اسمن کال کمر کردن هدیه
نبدیدن فضل کندی ید میا و کلزله برک سپرد و و نشان فر
در تغییر ایله یو خاکسار نک سراقچا و بن اسما ندن برتر
بیور دیکر کز ادای شکر و حوصله طاق بشریه دن بیرون
و ظرف حروفه کینچایش مرتبه سندن افزون بو تغییر
اند و کز قلم زرین ایله ارایش کتایم طاق فلک و دعای
دو لکمز دیباچه و نشان اورد ملک قلنق دوجه
سندن بالا تر دو لب جنای حق وجود نازنینک
بر دوام ایستون مزاجیک و بخدن سالم دد و نک
شاد کام ایستون بو معاصله متروصعانه و ستمه ساکنان
حق بود که مقرر امان دبتوی و اخروی و متعج برکات
صوری و معنوی اولدیفی امضا کرده محققان اصحاب

اصحاب قلوبدرو بومرتبه بلندى جاها و منزله بوجود دانيه
 نازل نفس شريف بيورلىق بر مقتضاي حق لا نقصان مشايخ
 عصر دن بيله صدورى نا محملدر خصت عليه اوزاقي
 بيور بلور دان عديم المناكزه استجاب انفس دعوات
 بوقبيله و اولاد اولاد مره سرمايه فخر و صباهات و بجز
 بيور قيان هور شيد عيار نذهب و تربين و طاق خانه
 مره نعليق اولمغه سزاوار ايتدا و رودن بود اعي
 بریشان شعور غلبه غفلت حقيقت امره دهيا و قوت
 اولمدهدن لازمه تشكر و دعا كويس ايتدا تقصير اولمدهدن
 حال لا نفس بنفس غرق بحجه شرم و محباب و كركنا و اسباب
 انفعل اضطراب اولمده يم لكن بو غفلت و تقصير دور
 جاي عفو و احسان و سيله قوی و واسطه متين عوالم
 تخيل و تفكر ده تفحص اولمده قمر عيني ايله اسماءك زمينه
 واقفايك سحابدن و زمره شريفك نمرعا صدنا عند اربه
 مشايه و دقياق التقاتل نرندن اولان تقصيرات اعتذار
 عنایت امير نرندن غبره دست رس ممكن دكلدر
 بو صفتله سني تربين ايدن الله غني قدر نيله بنه افدن
 امين ابره سني تا ايد دانه كه او غرا صيه ديلم بد
 رشته دولت و عزك اوله بيوند ابد ^{۱۷۳} ۴۴۲



99



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل القرآن

موسمًا من نعمه

وهدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا

هداه لولا فضل الله العظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

والعظيم

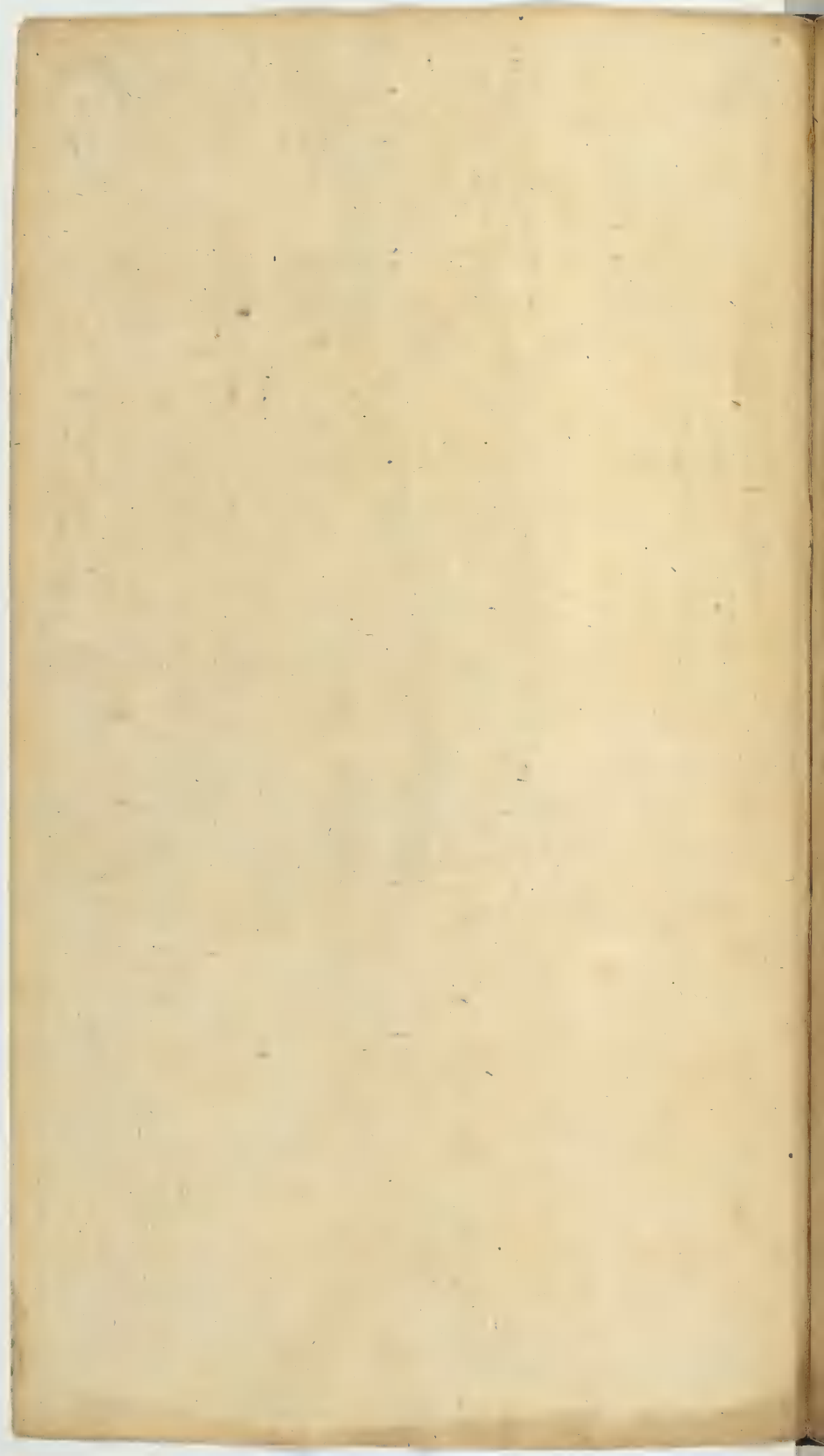
والعظيم

در صورت ناله های بوز فرستاده شدن جانب شاه عجم طهماسبی

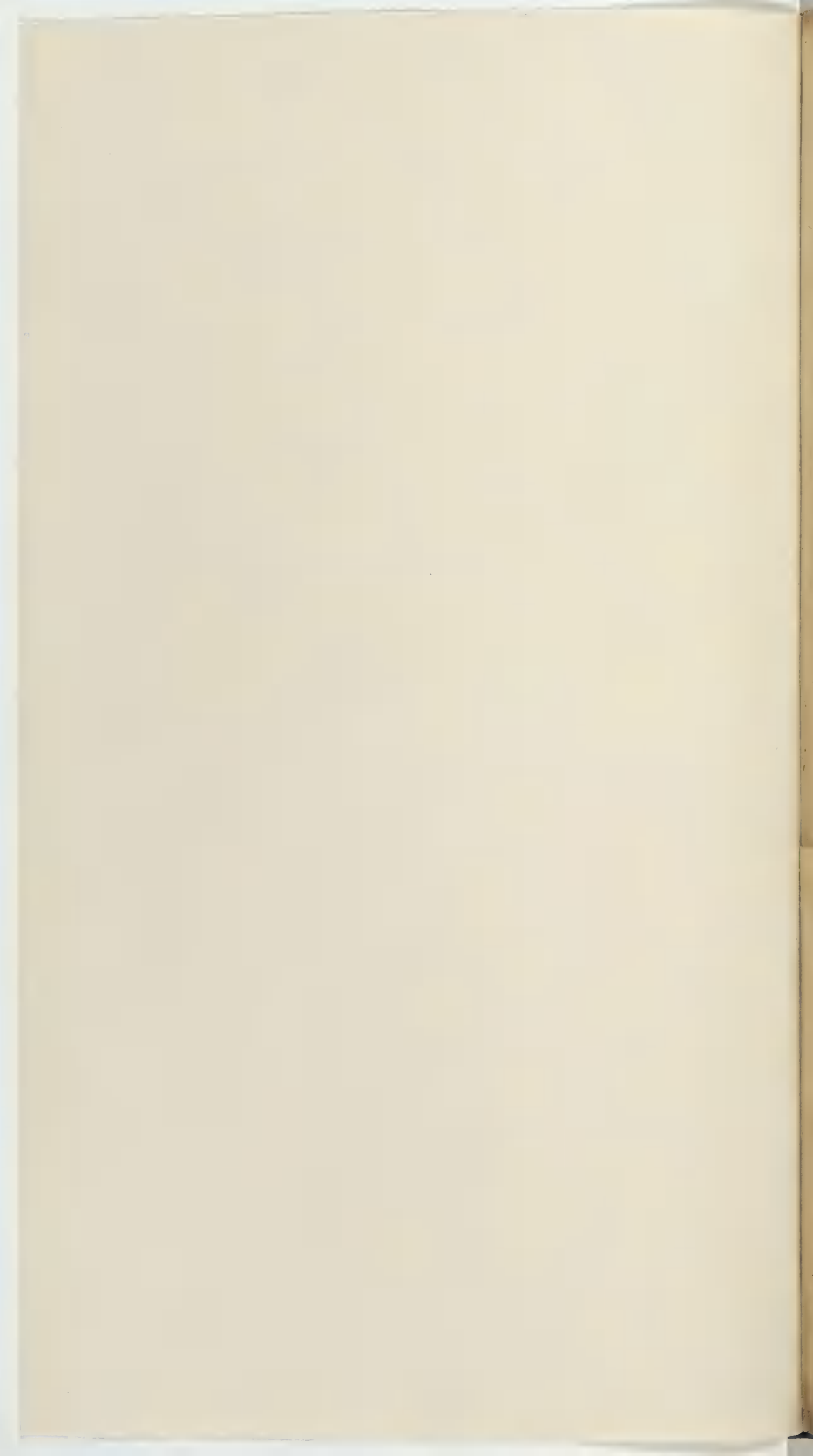
مثال بمثال واجب الاستئصال واصل و لیچی معلوم اولاکه بوزنت
اول سعید الحبوة و شهید المات مرهوم سلطان سلیم خان
علیه الرحمة و الرضوان نشین فایدن سرای یاقیه انتقال
و انتقال ایدوب یارگاه قد پناه توفی الملك من نشاء نقلاست
اسماؤه و توالی الاوه سیر ملک حسرتی و تحت خدمت
صاحبقرانی مبادلت ماب و عتبه سعادت نصایحه تفویض
اولوب ممالك محروسه ناستاهی و اقالیم محمده سعادت شکاهی
با الطول و العرض بر مقتضای انا جعلناک خلیفه فی الارض
قبضه قدرت جهانمابی و پیچ مکنت فرمان رواغه مقبوض
و مقدر و مقبوض و مستخر اولوب یاد شاهان دارا این و حسرت
صاحب تمکین سر کردون نشانم بوز سوروب درگاه جهان
پناه اظهار عبودیت و امتثال قبلش در ایدوب سندان
صد مان صرصره های و سطوات دهشت ایات عقایدت
شتمه مشاهده ابلیس مرغ اوج بی فتوح جنک الشاهین
اجل پر وازدن خلوص و متعارشها ز بلند پر وازدن منار
بولیوب او قلوب شکار ایدوب عرصه اشوب و تنک
فضای جهان با شوکه تنک کورینور زمزمه مردان
عد و کشر دشمن شکن و ولولت تو تنک و طوب و ضرر زن
خروس افکن سرب سودکی سراسمه ایدوب لشکر شیا طین
دهرک یوم بفرار از من خانبه خالین مشاهده المشاردی
لکن ابا و اجداد عالی نژاد مک طبایع محمده بدایع نهاد لرزه
کالمرحمت و نهایت عاطفت و وفور شفقت و اکت راکن
و مقتر اولوب تجانی قومق و زبونی اولدر مک عادت
مرضیه و قاعدن مالوفه لری و لمغین نقطه جوه نفرت

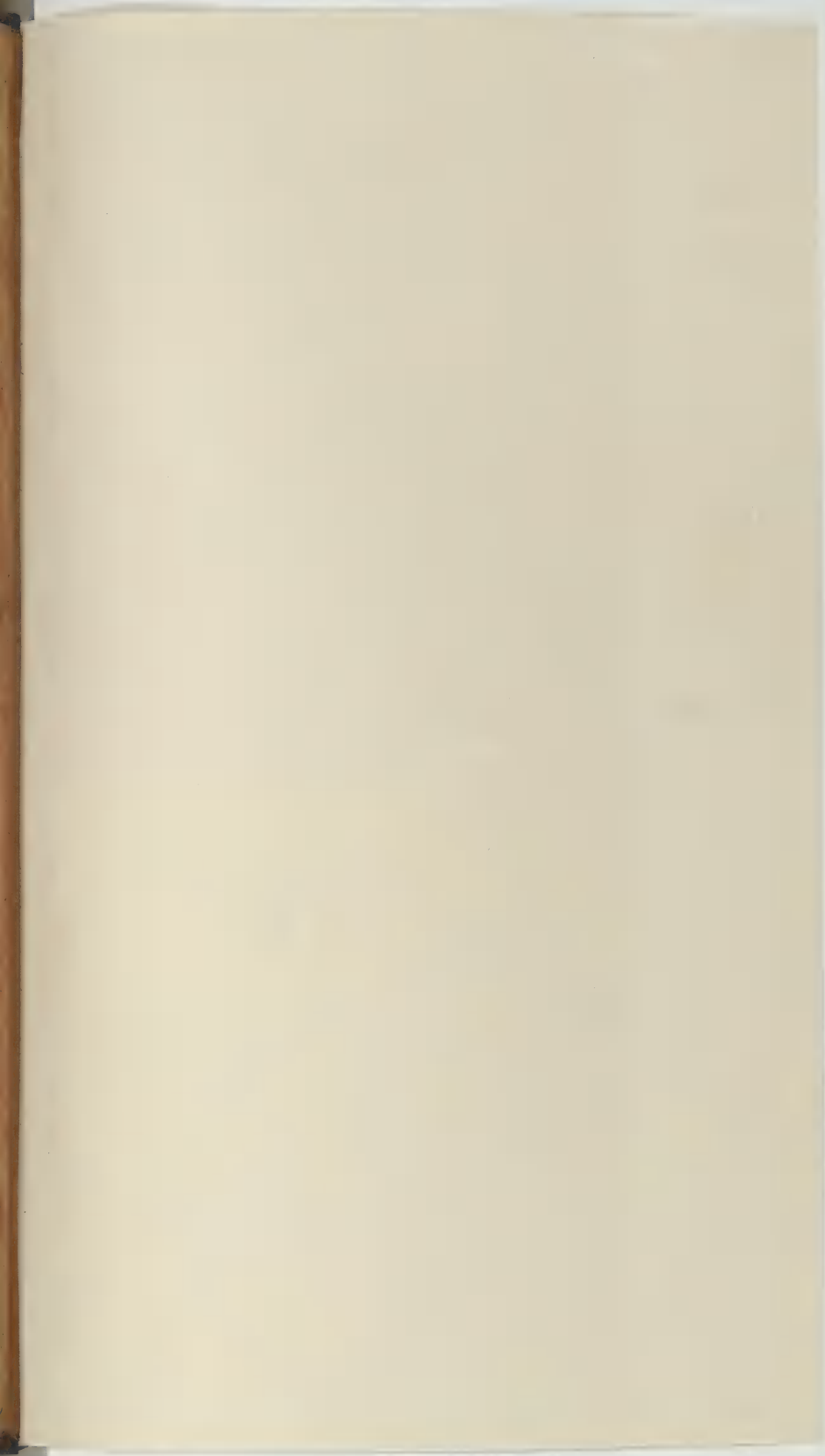
الوجود که تیغ بر آن عسا کر طغیان را بیه صفحه روزگارند
از آله و حکام ملک مکتی و میسر اینک اغراض عین و لیب اولاد
خزاین و دقایق نهب و غارت و معون و لایق تخریب و زلزله
قلوب لوا؛ بخوست نما و نوع بی فروغ هر بیت سزا که جمع اولاد
طائفه ملحدین طعمه غازیان فتوح این واقع اولمش ابدی
ایمندی اگر طبیعت ضلالت سرشته که ذوق قد رنجه جادولت
و غیرت اولاد بی جو فتن هلاک اولوردک پس بونک کی
عنا بخره منظره و شوب قلبی التدم جان هراسا که امان
و بر لدی بچون سا بگاه جهان بنه فک ایشانه ادم کونف
عرض عبودیت و جان سپاری و اظهار رقت و ها کساری
ایتمد و ک بونفضان عقله تمام غرورک و دایره ضلالت
عدم عد و لک معلوم اولدی بنوم دخی غنی فریب دیار
شرقه تو خه هما بونمه و غنیمت میمونه باعن و موجب
اولوب اوتاق کردن نطق اراضی تبریر واذربحان
بلکه جمله مالک ایران و توران و سائر ولایت سمرقند
و خراسانه قورلمق مقرر اولدی بوزمانه دکن فاعنه
سبب اقصای ممالک محمیده و هغه کفار انکروس و اقزیه
واقع اولان بلغراد و روس که معظمان فدوع ربع مسکون
اولوب هریری انجویه دهر بوقلمون ابدی استعلا و
لری بچون تفکر خرا و عد و شکار ایه او ذلرنه غنیمت
ایدوب وارد و غم کی هادی انا فحننا لک فتحا مبینا
هدایتی دلیل و نصرت الله نصر اعزیزا دلائله هجوم
شاهبازان رومه متحمل اولوب هر یک زمان قلیل حفظ
فتوح و تسخیر و وصول بولوب مدارا صنایع دار اهل اسلام
و معایده اوثان مساجد اهل ایمان این کفر و ضلالت علی

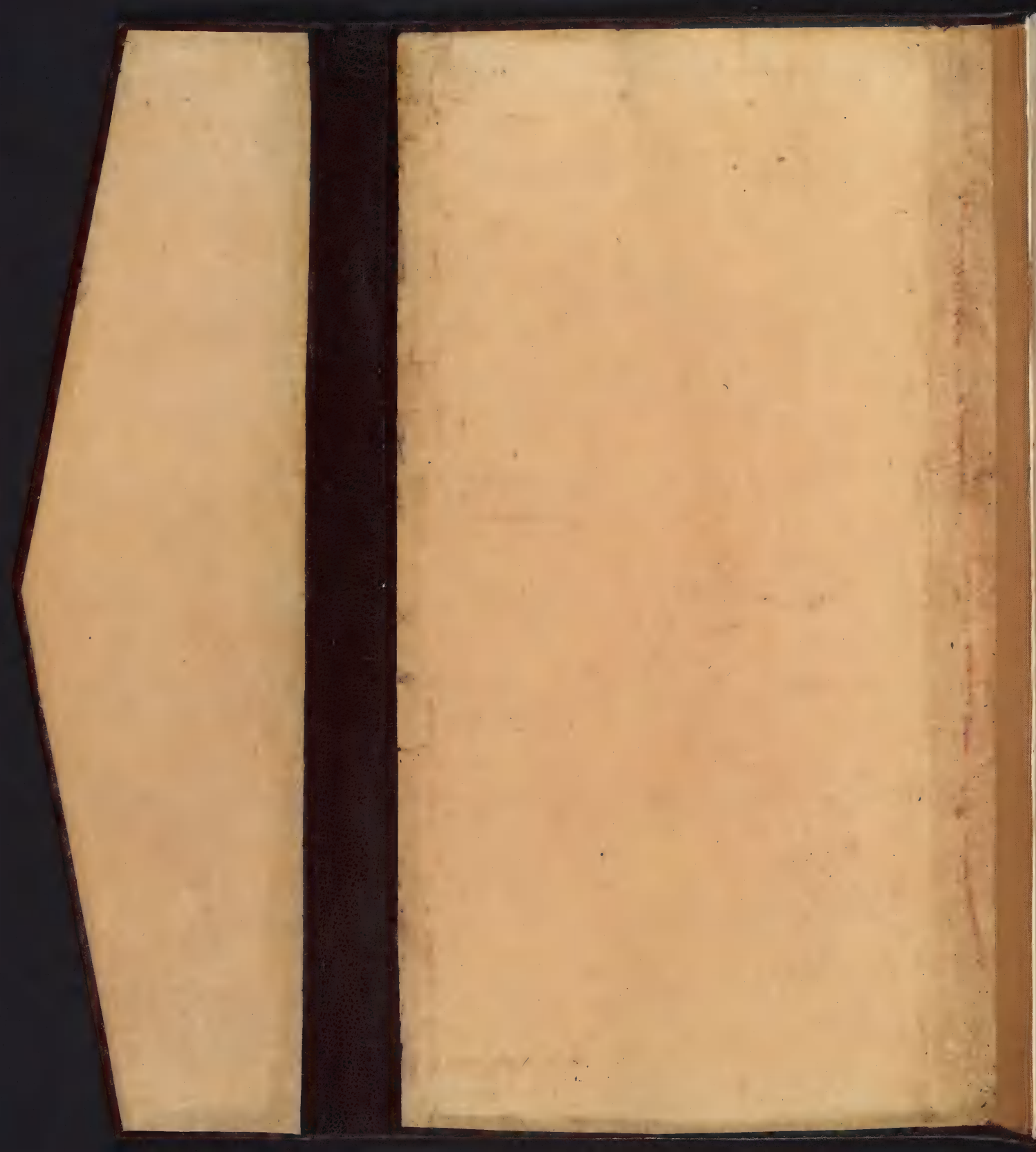
وجه الحال نکو نساز قلندی احمد لله الذي هدانا لهذا
 ايمدی خيرو اگاه اولاسنکه عنان ظفر قرايم سنك اوزر بکه
 منعطف اولوب عسکر ظفر رهبريك هجوم بقت مره بوری
 ولايتکه مقدمات احوال کارزار شمه مرضيه دلاور
 ناموار اولميق سکا داخعي اعلام اولندی شریله که کرده
 اين ايند ولايتکه داخل اولوب خانمان مملکتک ناراج
 اولما دين رواجک ياشندن چقاروب طريفة اجداده
 سالک اولوب ايدان وارعد کيوب زاوية درویش و سکت
 و نیکه درویش و مزلتن منزوی اولوب نوال کامیابدن
 شيف الله ايدرسک دولت و سعادت سنك اوله ابو نکر
 غریب مننه کورميه سن والا غرور فرعونى و بندار غرور
 جيلينکده و شقاوت مزلتنک زائل اولمبوب راه ضلالت
 و بجا حقه زاهب اولورسک انشاء الله الاعز صداى
 صادم ليوت و نوای تراحم بر محه و جیوش و اوازه
 طوب صاعقه کردار دعد انا و خيتوم محافت مبشومکه
 و اصل اوليخيتيه او غراد و غک معلوم اوله شریله که
 مور بحقدار اولوب ثقیه زمينه کيرسک و بالی بونک
 اولوب هوای بالاده او حادسک داخعي سنی قوم بوب
 بقايت الملك المعين عرصه جهاني و جود خيبت غود
 نظير ايدوب فرمان فد و توانم جواب کوندروب
 اراده باشکه چار نداد کند اولوب امرها بوغه عمل
 ايله سن



















Restauré par D. De t
Fontaine

Nov. 9 1924

1252 £